

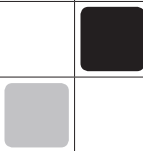
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فصلنامه تخصصی مطالعات دفاع مقدس

نمینیران

سال دهم □ شماره سی و ششم □ بهار ۱۳۹۰

صاحب امتیاز	مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس سپاه پاسداران
مدیر مسئول	سرلشکر پاسدار محمدعلی جعفری
سر دبیر	دکتر حسین اردستانی
هیأت تحریریه	دکتر غلامعلی رشید (دانشگاه امام حسین ^(ع))؛ دکتر حسین علایی (دانشگاه امام حسین ^(ع))؛ دکتر محمود یزدان فام (پژوهشکده مطالعات راهبردی)؛ سردار سرتیپ پاسدار حمید اصلانی
مدیر اجرایی	حسن دری
صفحه آرایی	سیدهادی خاوشی
ناظر چاپ	محمد بهروزی
نشانی	تهران، خیابان شریعتی، خیابان شهید وحید دستگردی (ظفر)، پلاک ۷۷
تلفن	۲۲۹۰۹۵۲۲
دورنگار	۲۲۹۰۹۵۳۸
پست الکترونیکی	neginiran@gmail.com
مرکز فروش	تهران، خیابان انقلاب، خیابان فخررازی، مجتمع ناشران فخررازی، انتشارات مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، تلفن: ۶۶۴۹۷۲۲۷ - ۶۶۴۹۵۵۷۲
قیمت	۱۵۰۰ تومان



مشاوران علمی

- دکتر محسن رضایی (دانشگاه امام حسین^(ع))
- دکتر رحیم صفوی (دانشگاه امام حسین^(ع))
- امیر دریابان علی شمخانی (مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی)
- سردار سرتیپ پاسدار حسین سلامی
- دکتر امیرمحمد حاجی یوسفی (دانشگاه شهید بهشتی)
- دکتر علی اکبر کجباف ((دانشگاه اصفهان)
- سردار سرتیپ پاسدار جمال آبرومند
- سردار سرتیپ پاسدار محمد پاکپور
- سردار سرتیپ پاسدار مرتضی صفاری
- محمد درودیان
- محسن رخصت طلب

مقاله‌ها و مطالب درج شده در فصلنامه نگین ایران بیانگر دیدگاه نویسندگان آنهاست.

استفاده از مطالب این فصلنامه با ذکر مأخذ آزاد است.

دکتر حسین اردستانی

۵

الگوی دفاع مقدس

مقاله‌ها

دکتر وحید یآوری
محمدرضا جانی‌پور

۹

مطالعات تاریخی دفاع مقدس با رویکرد آینده پژوهشی

سیدحسین یحیی

۲۵

جنگ شهرها

حُجر اردستانی

۳۹

صدام و حزب بعث؛ ماهیت و کنش با تأکید بر سخنان امام خمینی

مجید سان کهن

۵۳

شهید محمدرضا ملکی، راوی لشکر ۵۷ حضرت ابوالفضل^(ع)صادق شفیعی
دکتر اصغر منتظرالقائم

۷۳

نقش رزمندگان ازنایی در دفاع مقدس

مرتضی قاضی

۸۷

بررسی زمینه‌های شکل‌گیری بسیج مستضعفین

اسناد و گزارش‌ها

محسن رخصت طلب

۱۰۱

عملیات بیت‌المقدس به روایت اسناد

امیر رزاق زاده

۱۵۱

سفر راویان به مناطق جنوب و غرب

مریم اسدی

۱۵۹

نیم‌نگاهی به وضعیت آثار دفاع مقدس در نمایشگاه کتاب ۲۴

مرتضی شهریاری

۱۶۵

معرفی کتاب

بررسی و نقد کتاب

دکتر الهام ملک‌زاده

۱۶۸

تقویم تاریخ دفاع مقدس (جلد اول) آخرین روزهای دفاع مقدس



الگوی دفاع مقدس

دکتر حسین اردستانی

دولت‌ها و ملت‌ها در کنش‌های سیاسی و اجتماعی نیازمند الگوهای رفتاری هستند. الگوها می‌توانند به میزان قابل ملاحظه‌ای چگونگی زیست و کیفیت زندگی سیاسی و اجتماعی را قوام بخشیده و به باز تولید نسلی کمک نمایند. به هر میزان الگوها از بن مایه و غنای بیش‌تری برخوردار باشند و جوامع آزمون تجربی آن‌ها را حس کرده باشند، از تأثیرگذاری بیش‌تر برخوردار بوده و ملت‌ها و گروه‌های اجتماعی با اطمینان بیش‌تر می‌توانند به این الگوها اتکاء کرده و در روش‌ها، کنش‌ها و ورود به عرصه‌های مختلف جامعه در سطوح خرد و کلان از آن بهره‌مند شوند. الگو در میان افراد، گروه‌ها، ملت‌ها و دولت‌ها، به مثابه نیاز، قاعده، معیار و در چشم‌انداز وسیع‌تر، به عنوان افق می‌تواند ایفای نقش کرده و رفتارها را در تصمیم‌ها، برنامه‌ها، شکل‌گیری نظام انگیزشی و تولید و مصرف تحت تأثیر قرار داده و سمت و سوی آن‌ها را شکل دهد.

تنوع انسانی و جوامع بشری سبب تنوع الگوها با خاستگاه‌های متفاوت و تفاوت در دقایق این الگوها گردیده است. خاستگاه‌ها و مبانی مؤثر بر پیدایش و شکل‌گیری الگوها و بازتولید آن‌ها در بستر زمان و در تعامل با نیازها، توانایی‌ها، منابع و نیز در ارتباط با الگوهای سایر جوامع، و بالأخره تغذیه مستمر آن از ناحیه فرهنگ و صاحبان اندیشه، این امکان را پدید می‌آورند که برخی الگوها جهانی شده و بر سایر الگوها رجحان پیدا کنند و یا به ترمیم و تکثیر خود پرداخته و با شکل و باطنی نو، جامعه مخاطب را به مسیر جدید رهنمون کرده و سرنوشت آن را دگرگون نمایند.

الگوهای زیست اجتماعی در جوامع مختلف و بر پایه‌ی فرهنگ‌ها، هنجارها و ارزش‌ها از یکدیگر قابل تمایز است. منابع الگوها متکثر و در جامعه‌ها مختلف می‌باشند. ادیان، مذاهب، آداب و سنن و افکار و اندیشه‌های نخبگان، همان‌گونه که ارزش‌ها، هنجارها و فرهنگ‌های رفتاری پدید می‌آورند، در خلق الگوها نیز به جد تأثیرگذار هستند.

در الگوی دفاع مقدس، رزمندگان و فرماندهان و رهبران جلوتر از سایرین خطر را پذیرا شده و کم‌تر از آن‌ها واجد بهره‌مندی بودند. برای اسلام و ملت جان و سر و تن اهداء می‌کردند، طلب‌کاری و فروزون‌خواهی در الگوی رفتاری آن‌ها تعریف نشده بود، و همه‌ی آن‌ها همواره بدهکار مردم و انقلاب بودند. از رهبر انقلاب تا رزمنده پشت خاکریز تمنای شهادت داشتند تا بقاء ارزش‌ها و ملت ممکن شود و هیچ‌گاه به منافع خود یا تفاسیر گوناگون و اغوا کننده

نمی‌اندیشیدند، آقا زاده‌ها در جبهه‌ها حضور داشتند، فرزندان رهبر دیروز انقلاب و رهبر کنونی انقلاب در جبهه‌ها همچون فرزندان کارگران کوره‌پز خانه و آش‌پز و پزشک و کارمند و معلم و کشاورز و کارگر و رفته‌گر و ... در خط مقدم با دشمن به نبرد می‌پرداختند، آن روز هم طبقه مستضعف که دارای ظرفیت پذیرش و تحمل امانت الهی بود، بی‌نظیرترین رفتار انسانی را در تراز جهانی اما در پشت خاکریز، یا اهداء دارایی‌های فیزیکی و فرزند به جبهه‌ها، یا اجازه دادن به مسئولین که خانه و کاشانه او را خراب کنند تا امکان عبور لودر و بلدوزر را از کوچه تنگ محله سیروس و خیابان مصطفی خمینی، برای نجات زیر آوار ماندگان میسر شود، از خود نشان داد. پیرزن نابینا در رخت‌شورخانه جنوب تهران، با گرفتن دست به میله برای حفظ تعادل پتوها را با پا می‌شست و در مقابل سؤال از او که با این همه محدودیت جسمی و ضعف توان و نداشتن چشم بینایی، چرا؟ پاسخ‌اش این بود که امام گفته "هر کس مکلف است به اندازه توان به جبهه کمک کند و من به اندازه توانم تکلیف دارم!" فرزندان همین اشخاص در جبهه، حماسه‌ها و فتح‌الفتوح طریق‌القدس، ثامن‌الائمه، فتح‌المبین، بیت‌المقدس، خیبر، والفجر ۸ و کربلای ۵ را خلق کردند و شرایط جبهه‌ها را از وضعیت اشغال به آستانه امکان سقوط صدام و حزب بعث تغییر دادند. فرماندهان نیز مسند و جایگاه و روحیه‌ای هم‌سطح رزمندگان داشتند و بالاتر از آن‌ها نبودند و در صحنه نبرد و شرایط سخت روش آن‌ها این نبود که به رزمنده دستور دهند برو جلو، به او می‌گفتند بیا جلو و همواره جلوی رزمندگان حرکت می‌کردند. رضایی و جعفری، شمخانی، صفوی، رشید، غلامپور، علایی، قربانی، فضلی، کیانی، اسدی، رودکی، همت، باکری، باقری، بقایی، شریعتی، قالیباف و قآنی، کوثری، دستواره، کریمی، خرازی و کاظمی، زاهدی، ابوشهاب، حیدرپور، رضائیان، کاوه و در سطح میانی، قوچانی، حبیب‌الهی، آقایی، ستوده، مهتدی، زجاجی، حمید باکری، چراغی و ده‌ها فرمانده معزز دیگر که امام آن‌ها را به عنوان برگزیدگان خدا در عصر حاضر برای یاری اسلام و نیز سپر دفاعی ملت نامید، یا شهید شدند و یا بارها شهادت آن‌ها را پس زد تا بمانند و به سرنوشت خود نائل آیند. محسن رضایی چند بار توسط امام خمینی منع شد که جلو نرود یا باکری در کنار و شانه به شانه بسیجی‌ها به شهادت رسید و همت سوار بر ترک موتور در خط مقدم که هنوز خاکریز نداشت به شهادت رسید، یا مرتضی قربانی سوار بر تانک جلوتر از بسیجی‌ها به سمت کارخانه نمک حرکت کرد یا عزیز جعفری در شلمچه چنان مجروح شد که او را شهید دانستند و فقط سرنوشت او را بازگرداند تا باقی مانده و نقش خود را ایفا کند. اینان که نام برده شدند و آنانی که نام مبارک‌شان نیامد، همه در مقابل امام مطیع محض بودند و هیچ‌گاه در مخیله آن‌ها این نبود که مقابل امام و رهبر خود بایستند. آن‌ها به هم‌گرایی جامعه کمک می‌کردند و فدا شدند. الگوی دفاع مقدس، نه توپ و تانک و آمریت فرماندهی و حکومت ژنرال‌ها، بلکه کم‌خواهی، کم‌ادعایی و کار و کار و فداکاری و خلاقیت و کار جمعی و تصمیم‌گیری جمعی، شور و مشورت، مردم‌گرایی نه مردم‌بازاری و فدای ملت شدن و فدای اسلام عزیز شدن بود. در آن الگو، خمینی آرزو داشت پاسدار باشد و اظهار می‌داشت که به حال بسیجی‌ها غبطه می‌خورد. او ساده‌زیستی را حیات طیبیه ملت می‌نامید و پیش از هر قشر و طبقه، مسئولان و دولت‌مردان را به آن دعوت می‌کرد.

در الگوی دفاع مقدس، حفظ ارزش‌ها، حفظ نظام، منافع ملی، حفظ انقلاب، پیشرفت و توسعه با الگوی بومی و ملی، یکپارچگی اجتماعی، وحدت ملی، اتصال و چفت بودن ملت - دولت و تقدم ملت بر دولت‌مردان و گروه‌ها

[illegible]

واحزاب، موضوعیت داشت. در این الگو، هیچ‌گاه در پارادوکس منافع شخصی و منافع ملی، منافع شخصی رجحان و الویت نداشت، و اساساً منافع شخصی موضوعیت پیدا نمی‌کرد. الگوی سطح ملی این دوره انسجام ملی میان رهبری، ملت و دولت است. این الگو در سطوح خرد و کلان دارای دقایق دیگری نیز هست و اصولاً واجد یک گفتمان اجتماعی است که نیازمند تدبیر و تألیف می‌باشد.

جامعه ایران، در امروز و فردا، برای پیشرفت و سازندگی، توسعه سیاسی، استقلال سیاسی و اقتصادی و تأثیرگذاری فراملی، نیازمند الگوی زیست دوران دفاع مقدس در درون جامعه و در جبهه‌های جنگ است. دفاع مقدس یک اتفاق در میان اتفاقات تاریخ ایران نیست، بلکه علاوه بر سرنوشت‌ساز و تاریخی بودن، یک الگوی زیست برای جامعه ایرانی است که در دوران معاصر فاقد الگوی عینی رفتار ملی بوده است. این الگو سخت و پرهزینه بدست آمده و در حال رنگ باختن و به حاشیه رفتن است؛ اگر چنین شود جامعه انقلابی ممکن است بار دیگر به جامعه عرفی، تسلیم و ستاینده الگوهای بیرونی تبدیل شود، و اگر چنین شود، دولت و جامعه ایران یک فرصت غیر قابل تکرار تاریخی را از دست می‌دهد و فرصت بعدی معلوم نیست وجود داشته باشد.

آینده‌محور استفاده شود و به نظر می‌رسد اتخاذ تنها یک رویکرد در این حوزه نمی‌تواند پاسخگوی کلیه نیازهای جامعه باشد.

مرووری بر آن چه پس از جنگ در دو دهه اخیر در حوزه تاریخ‌نگاری آن صورت گرفته، حکایت از نبود جامع‌نگری در نگرش و عدم ارائه تحلیل‌های چند بُعدی و عمیق در نگارش تاریخ جنگ دارد بدان حد که این مهم در کلام رهبری (مدظله) که فرمودند: «ما تاریخ جامع دفاع مقدس نداریم، خوب است که فکری برای آن بشود» (مقام معظم رهبری، در دیدار با نویسندگان و هنرمندان دفاع مقدس، ۱۳۸۰/۶/۲۸) و هم در کلام رئیس بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس نمایان است که در گفتگویی در این زمینه گفتند: «وقتی ما می‌گوییم تاریخ جامع، نشان می‌دهد بخشی از تاریخ نادیده گرفته شده که باید آن را احیاء کنیم. ما تاریخ جامع را یک پروژه ملی تلقی می‌کنیم، یعنی یک امر بسیار بزرگی است که باید در سطح مرکزیت کشور به انجام برسد.» (گفتگو با سردار باقرزاده، فصلنامه نگین، ۱۳۸۴، ص ۱۵۲)

تبیین وضعیت موجود

در بررسی پدیده‌های تاریخی باید جستجوگر همه علت‌های پنهان و آشکار را بررسی کند و اکتفا نمودن به یک علت، عمل ارزیابی و تحقیق را به سوی لغزش و خطا می‌کشاند و در حقیقت تاریخ یک واقعه از جمله یک جنگ، به این دلیل نوشته می‌شود که شناخت تاریخی مخاطب خود را درباره آن واقعه نظم و سامان دهد تا از این رهگذر به آگاهی تاریخی او بپیوندد و روح پیدا کند. (جمشیدی، ۱۳۸۴، ص ۲۰)

البته عده‌ای معتقدند امروزه به دلیل عدم انتشار کامل اسناد و مدارک پیرامون جنگ تحمیلی، هنوز زمان نگارش تاریخ جنگ فرا نرسیده است. به عنوان مثال این عده معتقدند اکنون دو پرسش

آن چه روشن است این که ثبت و ضبط دقیق تاریخ نیازمند اتخاذ روش مناسب در نگرش و نگارش است که به نظر می‌رسد هنوز پشتوانه‌های نظری و تئوری‌های بنیادین این ضرورت در حوزه تاریخ‌نگاری جنگ، تبیین و ترسیم نشده است، چه این که یافته‌های این عرصه بیشتر ناظر بر کلیات مسئله‌ی تاریخ و تاریخ‌نگاری بوده و کمتر به صورت تخصصی به مقوله‌ی تاریخ‌نگاری جنگ آن هم از نوع تحلیل‌های کاربردی برای تبدیل به اصول، مبانی و دکرین‌های دفاعی بوده است.

در حوزه مطالعات علوم اجتماعی و علوم انسانی

روش‌های متعددی برای انجام پژوهش وجود دارد که بهره‌گیری از هر کدام از آن‌ها می‌تواند نتایج متفاوتی را در پی داشته باشد. انتخاب هر روش نیز معمولاً به موضوع تحقیق، زمینه‌ها و یافته‌های ذهنی پژوهش‌گر بستگی دارد. در روش پژوهش است که

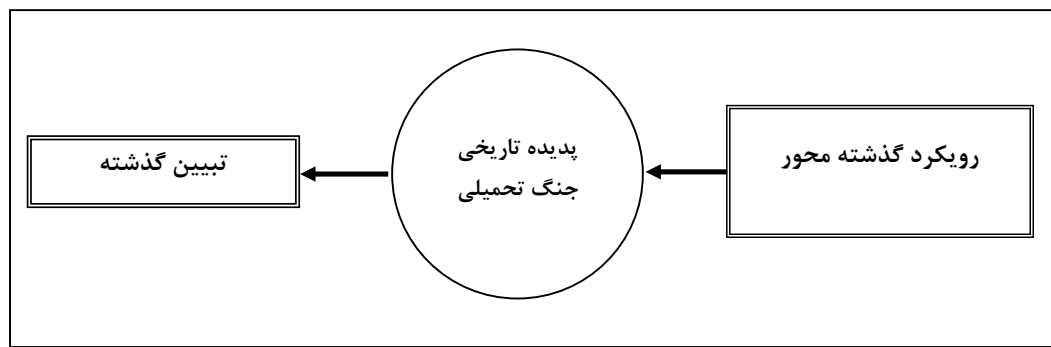
معلوم می‌شود طرح کلان پژوهش‌گر چگونه است، نحوه استنباط و استنتاج فرضیه‌ها متکی به چه روشی است، نحوه جمع‌آوری، طبقه‌بندی، گونه‌شناسی، سنجش و پردازش داده‌ها به چه صورت است و در نهایت اینکه پژوهش‌گر رویکرد گذشته‌محور دارد و به دنبال تحلیل آن چه بوده است یا فراتر از آن را در نظر دارد.

آن چه مهم است این که در پژوهش‌های حوزه دفاع مقدس به دلیل سطوح و زمینه‌های گوناگون آن می‌بایست از هر دو رویکرد گذشته‌محور و

ثبت و ضبط دقیق تاریخ نیازمند اتخاذ روش مناسب در نگرش و نگارش است که هنوز پشتوانه‌های نظری و تئوری‌های بنیادین این ضرورت در حوزه تاریخ‌نگاری جنگ، تبیین و ترسیم نشده است

این نگاه به گذشته هر چند با روش‌های نوین علمی صورت می‌گیرد، لکن رویکرد آن گذشته محور است و طبیعی است که چنین نگاهی تک بُعدی بوده و اهداف غایی مطالعات و پژوهش‌های تاریخی را در بر نمی‌گیرد. مدلی که می‌توان برای چنین مطالعاتی در نظر گرفت چنین است:

از پرسش‌های اساسی جنگ باقی است که هنوز اسناد آن کامل نشده که عبارتند از دلایل ادامه جنگ بعد از فتح خرمشهر و علل پذیرش قطع‌نامه و پایان جنگ. بررسی آثار نوشته شده درباره‌ی این پرسش‌ها نشان می‌دهد که محققین با تکیه بر نظریه پردازی و تحلیل‌های خود به رویارویی با این



مدل شماره ۱: نتایج رویکرد گذشته محور به دفاع مقدس

چنین رویکردی در حوزه مطالعات پژوهشی دفاع مقدس از چند لحاظ مورد اشکال است که در این مقاله سعی می‌شود این مدل را نقد و اصلاح کرده و نهایتاً مدل مطلوب و منطقی را پیشنهاد کنیم.

چیستی مطالعات تاریخی دفاع مقدس

در بسیاری مواقع هنگامی که می‌گوییم "تاریخ" اغلب بیان سرگذشت پیشینیان یا شرح حال وقایع را از این کلمه برداشت می‌کنند و تصویری که به وجود می‌آید این است که می‌خواهیم به سرگذشت یک فرد یا یک واقعه پردازیماند اینک فلاں شخص در چه تاریخی متولد شده، دوران زندگی‌اش را چگونه سپری کرده و در چه زمانی هم فوت کرده است. این نوع نگاه به موضوعات، یک نگاه شرح حالی و سرگذشت‌نامه‌ای^۱ است که اغلب آن را با "مطالعات تاریخی"^۲ اشتباه می‌گیرند و موجب غلبه این رویکرد در بحث‌های تاریخی شده است.

مسائل پرداخته‌اند. (ر.ک: بهبودی، ۱۳۸۰)

نگاهی که امروزه به پدیده دفاع مقدس وجود دارد آن را همچون دیگر پدیده‌های تاریخی دانسته که به نظر می‌رسد از رهگذر مطالعه برخی مقاطع و جوانب سیاسی و اقتصادی آن و ارائه برخی اسناد و مدارک، می‌توان به نتایجی در آن حوزه دست یافت. این نگاه هر چند در رابطه با برخی وقایع تاریخی قابل قبول است، لکن همان‌طور که گفته شد برخی سؤالات و ابهامات پیرامون پدیده تاریخی جنگ تحمیلی ما را بر آن می‌دارد تا با نگاهی عمیق‌تر نسبت به این واقعه و نوع روش‌های مطالعه آن مواجه شده و نسبت به تحقیقات انجام شده و کتب تاریخی نوشته شده در این حوزه با نگاهیמושکافانه و انتقادی روبرو شویم.

به عبارت دیگر برخی محققین به دنبال این هستند که با نگاه به وقایع گذشته و تطبیق و بررسی صحت اسناد و مدارک موجود، ابهامات آن واقعه را برطرف نموده و در واقع "گذشته" را تبیین نمایند.

1. HISTORY

2. BIOGRAPHY

3. HISTORICAL STUDY

سال دهم □ شماره سی و ششم □ بهار ۱۳۹۰

الف) مفهوم تاریخ

عده‌ای از تاریخ‌نگاران معتقدند پدیده‌های تاریخی در ظرف زمان و مکان خاصی ظاهر شده و پس از مدتی اثرات خود را از دست می‌دهند، لکن حقیقت آن است که پدیده‌های تاریخی همچون نقاط اتصال یک خط می‌باشند که نه تنها مستقل و مجزا نبوده، بلکه تنها با نگاه به کلیت منسجم آن‌ها می‌توان به درک درستی از پدیده‌های تاریخی دست یافت. (ر.ک؛ ابن خلدون،^۱ ۱۳۷۵، ص ۳۸)

شهید مطهری در کتاب فلسفه تاریخ خود می‌گوید: «جامعه و تاریخ دو روی یک سکه هستند، به این معنا که امروز همان تاریخ فرداست و گذشت زمان پدیده‌های جامعه را به تاریخ تبدیل می‌کند، هر چند برخی پدیده‌ها در دوره‌های زمانی خاصی شکل می‌گیرند. مثلاً یک پدیده، یک قرن طول می‌کشد تا به یک پدیده تاریخی تبدیل شود ولیکن معیار کلی این است که اگر زمانی از یک واقعه تاریخی بگذرد، آن پدیده اجتماعی تبدیل به تاریخ می‌شود». (مطهری، ۱۳۸۰، ص ۴۳)

"هردوت" پدر تاریخ و پدید آورنده اولین کتاب [تاریخ] در آغاز اثر خود تصریح می‌کند که قصد او از نگارش تاریخ، ثبت و ضبط کارهای برجسته قوم و تبار خویش و همچنین مردمان و جلوگیری از خطر فراموشی خاطرات روزگاران است. این سنت، در واقع یک سنت همه جایی و همیشگی است لذا حتی در کشوری مانند عربستان نیز که عده باسوادان آن بسیار محدود بوده است باز هم شاهد نگارش و ثبت و ضبط حوادث بزرگ آن قوم هستیم و "ایام العرب" عنوان شفاهیاتی است که عرب دوره جاهلی مفاخرات و تعصبات قومی و قبیله‌ای خود را بدین وسیله به نسل‌های بعد انتقال می‌داد. (کمری، ۱۳۸۴، ص ۴۰)

پس از ظهور اسلام نیز این سنت ادامه پیدا

اکثر کتب تاریخی که در زمینه دفاع مقدس نوشته شده است به وقایع تاریخی همچون یک شخص نگاه کرده و بیشتر شرح حال آن واقعه از شروع تا پایان را ذکر کرده‌اند بدون این که به درستی ماهیت آن واقعه را تشخیص دهند. به نظر می‌رسد علت این مشکل، تصور اشتباه درباره مفهوم تاریخ است و هنگامی که راجع به تاریخ صحبت می‌کنیم در بسیاری از موارد اصلاً با ماهیت مفهومی تاریخ آشنا نیستیم و نمی‌دانیم تاریخ چیست و چه نوع علمی است و لذا فکر می‌کنیم هر کس به اسناد و مدارک دسترسی داشته باشد و یا از نزدیک شاهد حادثه‌ای باشد، می‌تواند تاریخ آن واقعه را نوشته و تحلیل کند.

همچنین تاریخ دفاع مقدس یک بحث میان رشته‌ای است، به این معنی که صرف آشنا بودن با دفاع مقدس یا متخصص تاریخ بودن برای ورود به این حوزه کفایت نمی‌کند و در واقع روش تحقیق در آن، یک روش تطبیقی

بوده و دانش و آشنایی با هر دو علم لازم است تا بتوان در زمینه تاریخ دفاع مقدس اظهار نظر نمود. بنابراین در ابتدا لازم است تعریفی جامع و کلی از تاریخ ارائه کرده و سپس به این مطلب بپردازیم که نوع نگرش تاریخی به دفاع مقدس مستلزم توجه به چه مواردی است.

در روش معلوم می‌شود که طرح کلان پژوهش گر چگونه است، نحوه استنباط و استنتاج فرضیه‌ها متکی به چه روشی است، نحوه جمع آوری، طبقه بندی، گونه شناسی، سنجش و پردازش داده‌ها به چه صورت است

۱. عبد الرحمن ابن خلدون (م ۷۳۳/ ۸۰۸ هـ.ق) از اندیشمندان و نظریه پردازان تونس که مقدمه کتاب تاریخی او اشتهاور دارد. وی یک فصل از مقدمه عالمانه خویش را به «جنگ‌ها و روش‌های جنگ» اختصاص داده است. جنگ قادسیه و شیوه‌های جنگی ایرانیان با مسلمانان، جنگ‌های رومیان و شیوه‌های آنان، روش‌های جنگ در میان ملل بربر، ترک و مغول ها از موارد قابل توجه در این فصل است. وی برای عوامل معنوی در جنگ اهمیت فوق‌العاده‌ای قائل است.

سپس یک جریان دیگر در ایران آغاز شده که آن نیز در نقطه‌ای قطع می‌شود و این نظام جریان‌ها و واقعه‌ها همچنان ادامه پیدا می‌کند.

به عبارت دیگر تاریخ مجموعه‌ای از پاره خط‌های به هم متصل است که هر کدام از این پاره خط‌ها یک نقطه آغاز و یک نقطه پایان دارند. نقطه‌هایی که محل اتصال هستند را "واقعه"^۲ و خطوطی که طی آن یک جریان را تشکیل می‌دهند "حرکت"^۳ می‌نامیم و در واقع تاریخ، ترکیبی است از تعداد زیادی جریان‌ها و واقعه‌ها. (همان، ۱۳۸۶، ص ۶۰)

ب) ملاحظات پژوهش‌های تاریخی در حوزه دفاع مقدس

در این قسمت در پی این هستیم که با بیان برخی ملاحظات که لازم است یک مورخ در مطالعات و تحقیقات خود در نظر بگیرد به این مطلب بپردازیم که در رابطه با پدیده دفاع مقدس به دلیل ویژگی‌های خاص آن لازم است دقت بیشتری لحاظ شده و علاوه بر تأمل نسبت به کوچک‌ترین حوادث، کلیت برخی جریان‌های تاریخی آن را فراموش نکنیم.

مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)
فرمودند: «ما تاریخ جامع دفاع
مقدس نداریم، خوب است که
فکری برای آن بشود»
۱۳۸۰/۶/۲۸

۱. توجه به خطوط موازی وقایع تاریخی

همان‌طور که گذشت تاریخ مجموعه‌ای از پاره خط‌های به هم متصل است ولیکن نباید این‌گونه تصور کرد که تاریخ را می‌شود به صورت تک‌خطی دنبال نمود چرا که ممکن است به موازات یک خط، خطوط دیگر هم وجود داشته باشند. به عنوان مثال در کنار جریان دولت بنی صدر، هم زمان جریان روند اشغال مناطق

کرده و کتبی با عنوان مغازی و فتوح برای حفظ و ثبت سلسله غزوات و جنگ‌های پیامبر(ص) و مسلمانان در بلاد اسلامی نوشته شد که اولین گونه‌ها و شگردهای تاریخ‌نگاری جنگ را در تاریخ اسلام به منصفی ظهور آورد. (قائدان، ۱۳۸۴، صص ۷۲-۷۰)

تدوین تاریخ جنگ ایران و عراق نیز به این دلیل اهمیت دارد که هر واقعه‌ای پس از گذشت زمان به فراموشی سپرده می‌شود که البته این مسئله اساساً به تفاوت نسل‌ها و درگیر شدن انسان با مسایل، مشکلات و موقعیت‌های جدید مربوط می‌شود. برای مواجهه با این موضوع انسان‌ها تلاش می‌کنند با استفاده از ابزارها و شیوه‌های مختلف آن وقایع را زنده نگه دارند و یا دست کم برای افرادی که تمایل به آشنایی با آن موضوع دارند، این فرصت را فراهم آورند. یکی از این شیوه‌ها، تدوین تاریخ وقوع حوادث است ولیکن نکته اساسی در این اقدام، درک درست مفهوم پدیده‌های تاریخی و تاریخ است.

تاریخ در حقیقت مجموعه‌ای از وقایع، حوادث و جریان‌های سیاسی - اجتماعی می‌باشد که میان آن‌ها ارتباط وجود داشته و هر کدام بر دیگری تأثیرگذار می‌باشند. به این ترتیب اگر بخواهیم یک تعریف جامع و کلی از تاریخ ارائه دهیم باید گفت: «تاریخ، مطالعه نظام‌مند جریان‌ها، وقایع و روابط فیما بین آنها»^۱ است. (ر.ک: پاکتچی، ۱۳۸۶، ص ۵۸)

هنگامی که یک جریان تاریخی یا حرکت در حال وقوع است امکان دارد ناگهان یک اتفاق یا واقعه دیگر روی داده و در یک نقطه این جریان را قطع کرده و جریان دیگری را در کنار آن شروع کند. این جریان یا حرکت نیز با یک اتفاق دیگر در نقطه‌ای منقطع شده و مجدداً جریان دیگری شروع به حرکت می‌کند و همین‌گونه جریان‌ات و وقایع در حال روی دادن و تحت تأثیر قرار دادن یکدیگر می‌باشند.

به عنوان مثال جریان حکومت بنی‌صدر از یک نقطه‌ای شروع شده، ادامه پیدا می‌کند و در یک نقطه‌ای با حکم امام خمینی (ره) قطع می‌شود و

1. A systematized study of movement and event and inter-relation

2. Event

3. Movement

سال دهم □ شماره سی و ششم □ بهار ۱۳۹۰

۲. توجه به علل پنهان وقایع

نکته دیگری که در رابطه با مطالعات تاریخی حوزه دفاع مقدس اهمیت دارد این است که مورخین همانند فلاسفه دارای یک نوع تربیت ذهنی هستند. فلاسفه با یک استدلال بعضی از امور را می‌پذیرند ولیکن در مقابل اموری که با یکدیگر ناسازگاری دارند، مقاومت نشان داده و نمی‌توانند دو امر ناسازگار را به راحتی بپذیرند. در مورد مورخین نیز همین‌گونه است. ایشان نیز معمولاً یک عادات و خلقیاتی دارند که مبنای عمل آن‌ها را تشکیل می‌دهد و موجب می‌شود که بعضی از مطالب را به راحتی قبول نکنند. از جمله این مبناها این است که یک مورخ نمی‌تواند قبول کند اتفاقی در تاریخ به صورت تصادفی روی داده باشد در حالی که بسیاری از مردم فکر می‌کنند اغلب اتفاقات، تصادفی هستند. (قائدان، ۱۳۸۴، ص ۷۳)

به عنوان مثال این که ناگهان فردی به نام "صدام" حکومت حزب بعث عراق را به عهده می‌گیرد و به ایران حمله می‌کند، ذهن مردم به راحتی می‌پذیرد که چنین اتفاقی می‌تواند تصادفی باشد در حالی که یک مورخ نمی‌تواند به راحتی از کنار این مسئله رد شود. چرا هیچ کس سؤال نمی‌کند که چه شد "حسن البکر" استعفا داده و کنار گذاشته می‌شود و صدام جایگزین او می‌گردد و چرا روابط بین عراق که متعلق به بلوک شرق می‌باشد، با آمریکا رو به بهبودی می‌رود و قبل از جنگ تحمیلی در مرز اردن بین صدام و "برژینسکی" دیداری صورت می‌گیرد. برژینسکی، مشاور امنیت ملی سابق آمریکا برای اطلاع از وضعیت عراق برای شروع جنگ، سفرهای مکرری به بغداد می‌نماید، به طوری که نشریه «وال استریت ژورنال» در هشتم فوریه ۱۹۸۰ یکی از این سفرهای محرمانه را فاش می‌سازد و همچنین «تایمز لندن» در ۱۷ ژوئن ۱۹۸۰ به ملاقات وی با صدام حسین اشاره کرده و می‌گوید: «نامبرده بعد از سفر

مرزی نیز وجود داشته و بخش‌هایی از ایران در دست دولت عراق بوده است. همچنین در همین زمان یک خط موازی دیگری با نام مجاهدین خلق به وجود می‌آید که از دولت مرکزی فرمان نمی‌برد و به تدریج به عنوان یک گروه اپوزیسیون و مخالف نظام مطرح می‌شود. (جلالی فراهانی، ۱۳۷۷، ص ۴۳)

همچنین بسیاری از جریان‌های تاریخی به صورت جریان‌های موازی عمل می‌کنند و در مواقعی یک خط، در یک نقطه قطع شده و به خط دیگری وصل می‌شود که ممکن است نقاط انقطاع این خطوط واقعه‌های مشترک یا متفاوت باشد. به عنوان مثالی دیگر جریان سازماندهی نیروهای مردمی در جنگ و جریان آزادسازی مناطق اشغالی هر دو در پی حوادث مشترکی به یکدیگر وصل می‌شوند ولیکن جریان محاصره اقتصادی - سیاسی ایران همچنان ادامه پیدا کرده و همان مسیر خود را طی می‌کند.

در عین حال گاهی اوقات واقعه‌ها آن قدر سنگین و مهم هستند که می‌توانند چندین جریان را با هم قطع کنند. مانند واقعه ۷ تیر و یا شهادت بسیاری از مسئولین نظام که بسیاری از جریان‌های داخلی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بنابراین واقعه‌ها و جریان‌های تاریخی ترکیب پیچیده‌ای دارند و یک مورخ پس از مطالعه شرح حوادث مختلف باید به این مطلب برسد که چه جریان‌ها و واقعه‌های موازی در کنار آن حادثه وجود داشته و چه ترکیبی فیما بین آن‌ها وجود دارد. عدم درک اثرگذاری جریان‌ها و حوادث موازی ممکن است مورخ را گمراه کرده و منجر به قضاوت‌های نادرست شود.

اکنون دو پرسش از پرسش‌های اساسی جنگ باقی است که هنوز اسناد آن کامل نشده است: دلایل ادامه جنگ بعد از فتح خرمشهر و علل پذیرش قطع‌نامه و پایان جنگ

مواجه می‌شویم که پاسخی برای آن نمی‌یابیم ولیکن درون سیستم بزرگ‌تر که نظام حکومتی می‌باشد، می‌توانیم پاسخ مناسبی برای آن‌ها پیدا کنیم مانند این که دلیل شکل‌گیری این سازمان چه بوده و چه انگیزه‌هایی موجب حضور پاسداران در جبهه‌های جنگ گردید. یافتن پاسخ این سؤال‌ها زمانی مشکل می‌شود که پس از جستجو به این نتیجه می‌رسیم هیچ فرمان یا دستور حکومتی از سوی رهبر جمهوری اسلامی ایران برای تشکیل این سازمان وجود نداشته و در اساسنامه اولیه شورای فرماندهان سپاه، تأموریت اصلی این سازمان "دفاع از آرمان‌های انقلاب" ذکر

شده است نه دفاع از امنیت مرزهای کشور. نظام سازماندهی سپاه پاسداران در واقع بخشی از یک نظام بزرگ‌تر به نام قوای مسلح نظام جمهوری اسلامی ایران است و در بررسی علل شکل‌گیری این سازمان، آشنایی با اهداف و زمینه‌های وقوع انقلاب اسلامی

"هردوت" تصریح می‌کند که قصد او از نگارش تاریخ، ثبت و ضبط کارهای برجسته قوم و تبار خویش و همچنین مردمان و جلوگیری از خطر فراموشی خاطرات روزگاران است. ***

«ایام العرب» عنوان شفاهیاتی است که عرب دوره جاهلی مفاخرات و تعصبات قومی و قبیله‌ای خود را بدین وسیله به نسل‌های بعد انتقال می‌داد

ضرورت دارد و لذا یک مورخ در مواردی باید از سیستم مورد مطالعه خود خارج شده و پاسخ سؤال‌های خود را در بیرون سیستم جستجو کند. همچنین در بررسی علل وقوع جنگ تحمیلی و حمله رژیم بعث عراق به خاک ایران لازم است حوزه مطالعاتی را گسترده کرده و به بررسی سیاست‌ خارجی انقلاب اسلامی و شرایط سیاسی اجتماعی ایران در ابتدای انقلاب و همچنین سیاست‌های خارجی کشور عراق و دو ابرقدرت شرق و غرب در دهه‌های ۵۰ و ۶۰ ش. پیردازیم و

مجرمانه به بغداد در یک مصاحبه تلویزیونی گفت: ما تضاد قابل ملاحظه‌ای بین امریکا و عراق نمی‌بینیم و معتقدیم که عراق تصمیم به استقلال دارد و در آرزوی امنیت خلیج فارس است و تصور نمی‌کنیم که روابط امریکا و عراق سست گردد. (محمدی، ۱۳۷۳، ص ۹-۱۰)

یک مورخ نمی‌تواند باور کند این حوادث اتفاقی بوده است و به نظر می‌رسد قاعده‌ای بر این وقایع حکم فرمست که وظیفه مورخ کشف این قاعده‌ها است. یک مورخ باید به دنبال این باشد که این اتفاقات و حوادث چرا رخ داده و چرایی حوادث را مشخص کند لذا یک تاریخ واقعی، یک تاریخ تحلیلی است که برای چرایی‌ها پاسخ دارد و یک مورخ باید آن قدر این وقایع و جریان‌ها را مورد بررسی قرار دهد تا به جواب سؤال‌اتش برسد. (پاکتچی، ۱۳۸۵، ص ۶۵)

۳. توجه به روابط بین سیستم‌های تاریخی نکته مهم دیگر که در مطالعه تاریخ و بحث از جریان‌ها و وقایع اهمیت زیادی دارد، رابطه بین سیستم‌های تاریخی است. همان‌طور که گفته شد تاریخ یک «مطالعه نظام‌مند»^۱ است لذا با یک «نظام» مواجه هستیم که بخش‌های متفاوتی دارد. دفاع مقدس نیز یک پدیده تاریخی و دارای یک سیستم با مجموعه‌ای از جریان‌ها و وقایع است که هر کدام در درون خودشان کنش‌ها و واکنش‌های متفاوتی دارند و در نهایت مسیر مشخصی را طی می‌کنند. زمانی که در تاریخ تحلیلی دفاع مقدس به دنبال علت‌ها می‌گردیم، در مواردی می‌توانیم آن علت‌ها را درون سیستم پیدا کرده ولی گاهی اوقات همه علت‌ها، در درون سیستم مورد مطالعه وجود نداشته و اینجاست که مجبور می‌شویم از درون سیستم دفاع مقدس خارج شده و به سیستم‌های بزرگ‌تر نیز نگاهی داشته باشیم.

به عنوان مثال زمانی که نظام سازماندهی سپاه پاسداران را مطالعه می‌کنیم در برخی موارد با سؤال‌اتی

1. Systematized Study

سال دهم □ شماره سی و ششم □ بهار ۱۳۹۰

در آن حوزه به دنبال پاسخ باشیم.

بنابراین یکی از مسائل مهم در مطالعات تاریخی، رابطه فیما بین سیستم‌ها و زیر سیستم‌هاست و لذا کسی که به عنوان تحلیل‌گر تاریخ قصد دارد در زمینه‌ی تاریخ دفاع مقدس تحقیق و پژوهش کند، لازم است در کنار بررسی تمام وقایع و جریان‌های درون سیستم دفاع مقدس، به سیستم‌های بزرگ‌تر نیز مراجعه کند. این موارد جزو الفبای تاریخ است و یک مورخ با این طرز تفکر بزرگ می‌شود و لذا دیگر نمی‌تواند به سادگی از کنار خیلی مسائل رد شود.

۴. توجه به ابعاد داخلی و خارجی وقایع

توجه به یک نکته دیگر نیز ضروری است و آن این که به هنگام بررسی مسائل تاریخی باید در نظر داشته باشیم که ممکن است یک واقعه هم‌زمان در سیستم‌های موازی دیگر نیز تأثیرگذار باشد مانند وقوع جنگ تحمیلی که واقعه‌ای بسیار عظیم بوده و به همان اندازه که در سیستم سیاست داخلی و خارجی ایران تأثیر گذاشته و باعث قطع روابط یا برقراری روابط با برخی دولت‌ها گردیده، به همان اندازه در حوزه اقتصاد و مسائل معیشتی مردم و روابط اجتماعی آنان نیز تأثیرگذار بوده است که لازم است در هنگام بررسی دست‌آوردها و آثار این پدیده تاریخی، به همه ابعاد داخلی و خارجی آن توجه شود.

۵. دقت در تعیین زمان وقایع

همچنین در بسیاری مواقع، وقایع سیستم‌های تاریخی مختلف علی‌رغم نزدیکی به همدیگر ممکن است با هم انطباق نداشته باشند، به عنوان نمونه هر چند در ۲۲ بهمن ۱۳۷۵ انقلاب اسلامی رخ داده و دولت شاهنشاهی سقوط کرده است، لکن از لحاظ حقوقی زمانی می‌توان گفت کشور ایران دارای نظام جمهوری اسلامی شده که قانون اساسی جدید به رأی گذاشته شده و اکثریت ملت (۹۸٪)

آن را انتخاب کرده‌اند که در حقیقت این انتخابات بیان‌گر موافقت مردم با انقلاب اسلامی و دلیلی بر همراهی ایشان است؛ در حالی که این واقعه در یک فاصله زمانی متأخر رخ داده است و به همین دلیل برخی از مستشرقان و خاورپژوهان برای تاریخ انقلاب اسلامی برهه‌ای بدون ساختار و نظام ذکر می‌کنند که در نگاه آنان تلقی از هرج و مرج شده و ریشه بسیاری از حوادث را نیز در آن می‌بینند (ر.ک: جوزف اس، ۱۳۸۷، ص ۸۳-۱۰۴) لذا توجه به این نکته ضروری است که در بیان وقایع و تاریخ‌گذاری آن‌ها دقت لازم به عمل آید.

به عنوان مثالی دیگر همچنان در رابطه با زمان آغاز جنگ تحمیلی از سوی دو کشور متخاصم (ایران و عراق) اختلاف نظر وجود دارد. کشور عراق مدعی آن است که جنگ در تاریخ ۲۰ شهریور/ ۱۱ سپتامبر شروع شده ولیکن ایران مدعی است که جنگ اصلی در تاریخ ۳۱ شهریور/ ۲۹ سپتامبر شروع شده و آن چه قبل از آن بوده تنها درگیری‌های مرزی کوتاه مدت می‌باشد و بر اساس قوانین بین المللی جنگ نظامی بین دو کشور محسوب نمی‌شود. (بختیاری، ۱۳۸۲، ص ۸۷)

عدم توجه به این ملاحظه موجب گردیده برخی از پژوهش‌گران در بررسی اسناد سازمان ملل در رابطه با جنگ ایران و عراق دچار سردرگمی و اشتباه شده و در مواردی قضاوت‌های نادرست داشته باشند در حالی که بنا بر اسنادی که کشور عراق به سازمان ملل ارائه داده است، به نظر می‌رسد کشور ایران متجاوز بوده و حملات ابتدائی از طرف ایران صورت گرفته است که البته بحث از صحت و کذب این اسناد اکنون در مجال این مقاله نیست.

۶. تعیین جهت حرکت جریان‌های تاریخی

نکته دیگر در رابطه با ملاحظات تاریخی هر پژوهشی این است که در جریان‌های تاریخی، جهت حرکت وجود دارد و چینش آن‌ها همیشه از یک

که وظیفه اولیه یک مورخ دخالت در امور تاریخی و قضاوت در مورد علل و چرایی آن‌ها نمی‌باشد و مورخ صرفاً می‌بایست به شرح وقایع بپردازد ولیکن باید گفت که هزاران خط موازی در تاریخ وجود دارد که یکی از آن‌ها خط دفاع مقدس است و دیگری خط انقلاب اسلامی و یک مورخ نمی‌تواند با این امور به عنوان قضیه‌ای که تنها واقع شده و اکنون باید شرح حالی از آن برای آیندگان نوشت، برخورد کند و در عصر حاضر لازم است که در کنار شرح وقایع به تحلیل نیز پرداخته شود چرا که حلقه

گمشده بسیاری از حوادث تاریخی تنها در دست آن عده‌ای می‌باشد که با اسناد و مدارک در ارتباط بوده و در حوزه مسائل تاریخی مربوط به آن رشته تخصص دارند. این الزام در حقیقت یکی از ملزومات امروزه پیشرفت و گسترش و در عین حال تخصصی

شدن علوم می‌باشد و مورخینی که در زمینه جنگ و دفاع مقدس قلم می‌زنند، شایسته است گوشه چشمی به این مطلب نیز داشته باشند.

امروزه گسترش ارتباطات، کثرت محققین و تعدد مراکز علمی این امکان را فراهم آورده است که افراد زیادی در داخل و خارج از کشور به تدوین تاریخ اقدام کنند و ضروری است قبل از این که محققینی در خارج از مرزها به این امر بپردازند، محققین و مراکز مطالعاتی داخل کشور اهتمام بیشتری نسبت به این مقطع حساس تاریخی ورزیده و بدیهی است هر کس در این حوزه به

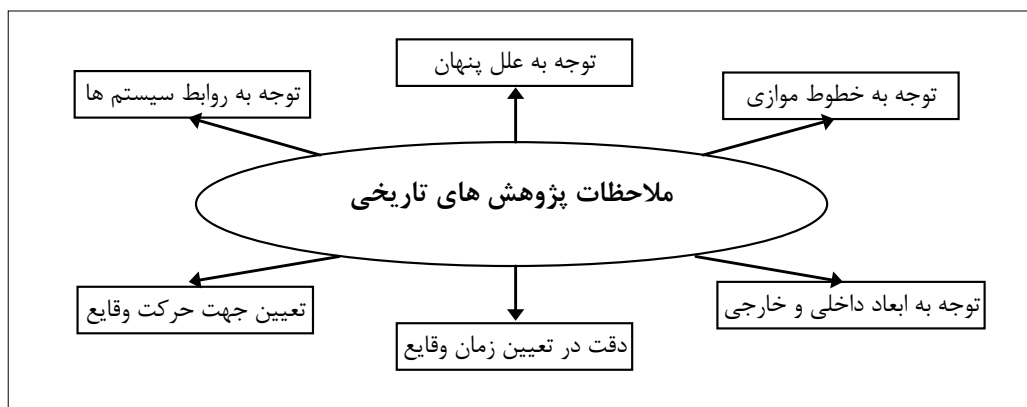
سمت به سمت دیگر است، لذا همیشه یک حرکت از گذشته به سمت آینده و برگشت‌ناپذیر بوده است. تاریخ دفاع مقدس همیشه با تجاوز ارتش عراق به ایران شروع شده و با پذیرش قطعنامه توسط امام خمینی (ره) به پایان رسیده است و این نکته به محقق کمک می‌کند تا در تحلیل جریان‌های تاریخی ابتدا و انتهای جریان را در یک نگاه کلی دیده و آن را از دیگر جریان‌های تاریخی موازی تفکیک کند. البته تعیین زمان ابتدا و انتهای یک واقعه نیز خود از اوامری است که امکان دارد بسیاری از محققان در رابطه با آن اختلاف نظر داشته باشند. برخی از محققان پذیرش قطع‌نامه را پایان جنگ قلمداد می‌کنند، برخی دیگر حمله نهایی عراق و منافقین را نیز داخل در واقعه می‌دانند و برخی دیگر سال‌های پایانی دهه ۶۰ را نیز ملحق به واقعه جنگ تحمیلی محسوب می‌کنند.

روابط علت و معلولی در سیستم‌ها و جریان‌های تاریخی نیز جهت‌دار است و همیشه حوادث گذشته در وقایع آینده مؤثر بوده و برعکس آن امکان‌پذیر نیست و لذا برای بررسی علل یک واقعه تاریخی لازم است به گذشته آن واقعه نگاه کرده و حوادث گذشته را مورد مطالعه و تأمل قرار دهیم. (پاکتچی، ۱۳۸۵، ص ۸۷)

پس از بیان این نکات لازم است متذکر این نکته نیز بشویم که برخی از این موارد هر چند در نگاه اول طبیعی و معمولی جلوه کرده لکن اعمال آن‌ها در بیان تاریخی وقایع بسیار مشکل است و کسانی که دستی بر قلم داشته و به دنبال تحقیق و پژوهش در مسائل تاریخی می‌باشند، می‌دانند که کمتر کتاب تاریخی می‌توان یافت که این ملاحظات را رعایت کرده باشد و در بیان وقایع پا را از شرح حال و توصیف‌انگاری فراتر گذاشته و وارد حیطه تحلیل و بیان علل و چرایی وقایع بشود.

البته ممکن است بر این سخن اشکال گرفته شود

هیچ کس سوال نمی‌کند چه شد «حسن البکر» استعفا داده و کنار گذاشته می‌شود و صدام جایگزین او می‌گردد و چرا روابط بین عراق که متعلق به بلوک شرق می‌باشد، با آمریکا رو به بهبودی می‌رود و قبل از جنگ تحمیلی در مرز اردن بین صدام و «برژینسکی» دیدار صورت می‌گیرد



مدل شماره ۳: ملاحظات پژوهشهای تاریخی در حوزه دفاع مقدس

علم تاریخ ویژگی های ذیل را قائل است:
اولاً؛ یک علم جزئی است که به یک سلسله امور شخصی و فردی می پردازد نه به کلیات و سلسله قواعد و ضوابط تعمیم پذیر و همیشگی. ثانیاً؛ یک علم نقلی است و نه عقلی که بتوان با ملاک های عقلی ضوابط آن را سنجید. ثالثاً؛ علم به بودن هاست و نه علم به شدن ها لذا فقط می توان راجع به آن قضاوت کرد و نه پیش بینی و رابعاً؛ علمی است که به گذشته تعلق دارد و نه به حال و لذا هدف از بیان آن صرفاً تبیین حوادث و ابهامات گذشته است و مسائل آن هیچ ارتباطی با مسائل فعلی جامعه و آینده ندارند. (ر.ک: صادقی علی آبادی، ۱۳۸۵)

چنین نگاهی به تاریخ ذاتاً با آن چه مفهوم واقعی "تاریخ" بیان شد، متفاوت است و لذا اهداف غایی آن را شامل نمی شود. در این نگاه مورخ به راحتی از کنار جریان ها و حوادث تاریخی رد شده و فقط به بیان شرح حالی آن ها کفایت می کند که مثلاً در سال ۱۳۶۱ خرمشهر فتح شد و در سال ۱۳۶۴ نیز فاو به تصرف نیروهای ایرانی درآمد در حالی که می دانیم بین این دو حادثه تفاوت های بسیاری وجود دارد و هر کدام در شرایطی خاص و به دلایل مختلفی روی داده اند هر چند که از لحاظ نوع عملکرد ظاهری و نظامی یکسان هستند.

موقع اقدام نماید، می تواند به نحو احسن از خلاء موجود استفاده کند.

با توجه به آن چه گفته شد اکنون می توان مدل ملاحظات پژوهش های تاریخی در حوزه دفاع مقدس را چنین ترسیم کرد:

رویکردهای مطالعات تاریخی

به طور کل برای بیان مسائل تاریخی سه روش عمده وجود دارد که هر کدام ریشه در نوع نگاه خاص به مفهوم تاریخ دارند. در این قسمت در پی این مطلب هستیم که با بیان این روش ها، نقاط قوت و ضعف هر کدام را بیان کرده و در نهایت به این مهم بپردازیم که منظور از مطالعات تاریخی دفاع مقدس در معنای واقعی آن کدام است و به چه دلیل مؤلفین این مقاله تأکید دارند که می بایست وارد حوزه مطالعات کاربردی و آینده نگرانه تاریخ دفاع مقدس شد. روش های بیان مسائل تاریخی عبارتند از:

بیان نقلی تاریخ

روش اولیه و بسیار ساده بیان تاریخی هر واقعه ای، ذکر آن چه رخ داده و توصیف و شرح حوادث است. اگر کسی تاریخ را علم به وقایع، حوادث، اوضاع و احوال انسان ها بداند، در آن صورت برای



گذشته است.

به عنوان مثال پرداختن به مواردی همچون علل شکست ایران در سال اول جنگ و علل پیروزی در سال دوم و یا اینکه چه اتفاقاتی در صحنه بین‌المللی موجب شد دو بلوک شرق و غرب علیه ایران متحد شوند و مسائلی از این دست از جمله مباحثی است که لازم است با رویکرد تحلیلی به آن‌ها پرداخته شود. مجموعه کتاب‌های «تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق»^۱ و یا «نقد و بررسی جنگ ایران و عراق»^۲ که توسط مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه چاپ شده از نمونه‌های بارز این گونه کتب

است که با رویکرد تحلیلی به تاریخ دفاع مقدس پرداخته‌اند.

البته تذکر این نکته ضروری است که پرداختن به این‌گونه مباحث هر چند در جایگاه خود مفید بوده و بسیاری از ابهامات تاریخی را برطرف می‌سازد لکن نکته مهم عدم کفایت آن‌ها در

آنچه امروزه به عنوان یک خلاء در زمینه مطالعات تاریخی دفاع مقدس به شمار می‌رود، نبود پژوهش‌های روشمند و کاربردی در این حوزه است

راستای اهداف غایی مطالعات تاریخی است. شاهد بر این مدعی دغدغه اصلی و تا حدودی نهفته نسل جوان است که علی‌رغم مطالعه این دسته از کتب همچنان این پرسش را مطرح می‌کنند که پرداختن به این حوادث و حتی بیان چرایی و تحلیل آن‌ها اکنون چه ضرورتی داشته و چه کاربردی برای زندگی آینده دارد و چه نیازهایی را مرتفع می‌کند. این سوال امروزه در ذهن اکثر دانش‌جویان و علاقه‌مندان به مباحث دفاع مقدس وجود داشته و ذهن‌شان را به

از جمله اشکالاتی که در بحث روایت‌گری دفاع مقدس نیز وجود دارد، همین اتکاء صرف به روش نقل تاریخی حوادث می‌باشد که موجب شده در مقابل چرایی حوادث، جوابی نداشته باشند. این نگاه به گذشته و تصویرسازی از آن هر چند جزء لازم و ضروری هر نوع پژوهشی است و می‌بایست محققینی باشند که مواد خام برای پژوهش‌های آتی را فراهم کنند ولیکن تنها گام اولیه بوده و به هیچ وجه نباید به آن اکتفاء کرد. (ر.ک: جانی‌پور، ۱۳۸۶)

بیان تحلیلی تاریخ

پس از اینکه محقق مطمئن شد که چگونگی حوادث تاریخی بدون هیچ‌گونه کم و کاستی و با بیان همه جزئیات تدوین و مکتوب شده است، لازم است که در مرحله بعد به علل وقوع آن‌ها و بیان لایه‌های پنهان تاریخ بپردازد چرا که یکی از مهمترین سوالات همیشگی در رابطه با مطالعه تاریخ، پرسش از علل وقوع حوادث و به عبارتی چرایی آن‌هاست. البته هر چند این سؤال نیز خود از منظر تحقیق و پژوهش برمی‌خیزد و برای پاسخ به آن لازم است که به واسطه روش‌های علمی، به تحقیق و پژوهش پرداخت لکن نکته اساسی در این نوع نگاه به تاریخ، رویکرد گذشته محور آن است.

در واقع این نوع بیان مسائل تاریخی را نیز می‌توان ملحق به نوع اول دانست با این تفاوت که در نوع اول به صرف بیان مسائل اکتفا شده ولیکن در این سبک از تاریخ‌گویی، مورخ به علل، چرایی و در واقع تحلیل حوادث نیز می‌پردازد. پژوهش‌گرانی که در این دو حوزه قلم می‌زنند همه از یک وجه مشترک برخوردارند و آن این که رویکردی گذشته محور داشته و آن چه برای ایشان مهم است، تبیین چگونگی و چرایی حوادث

۱. ۳ جلد؛ ریشه‌های تهاجم، جنگ بازبایی ثبات، تنبیه متجاوز

۲. ۵ جلد؛ پرسشهای اساسی جنگ، اجتناب ناپذیری جنگ، تداوم جنگ، روند پایان جنگ، گزینه‌های راهبردی جنگ

خود اختصاص داده است. این که آیا نیازهای امروز را می توان به واسطه دست آوردهای جنگ دیروز مرتفع نمود و از آن ها بهره مند گردید؟

مطالعات کاربردی تاریخ

در راستای پاسخ به سؤال مطرح شده و همچنین سؤالات اصلی این مقاله، ضرورت نوع دیگری از مطالعات تاریخی دفاع مقدس روشن می شود که در حقیقت می توان از آن به مطالعات کاربردی یا آینده نگرانه تعبیر کرد. اگر کسی تاریخ را علم به قواعد و سنن حاکم بر زندگی گذشتگان بداند که

از مطالعه، بررسی و تحلیل حوادث و وقایع گذشته به دست می آید، در آن صورت سعی می کند هم چون دانش مند علوم طبیعی که در آزمایشگاه خود از مواد اولیه استفاده می کند و آن ها را مورد تجزیه و ترکیب قرار می دهد تا خاصیت و طبیعت آن ها را کشف نماید و به روابط علی

مهمترین سوالات همیشگی در رابطه با مطالعه تاریخ، پرسش از علل وقوع حوادث و به عبارتی چرایی آنهاست.

و معلولی آن ها پی برد، از محتوای مسائل تاریخ نقلی - حوادث و وقایع گذشته - به منزله ی مبادی و مقدمات استفاده کرده و قوانین کلی حاکم بر آن ها را استنباط نماید. مورخ به معنی دوم در پی کشف طبیعت حوادث تاریخی و روابط علی و معلولی آنهاست تا به یک سلسله قواعد و ضوابط عمومی و قابل تعمیم به همه ی موارد مشابه حال و گذشته دست یابد که اصطلاحاً به این تاریخ، تاریخ علمی (تحلیلی) گویند. (ر.ک: صادقی علی آبادی، ۱۳۸۵، ص ۹۶)

هر چند موضوع مورد بررسی تاریخ علمی، حوادث و وقایع گذشته است اما مسائل و قواعدی که استنباط می کند اختصاص به گذشته نداشته و قابل تعمیم به حال و آینده است و به این جهت مطالعه تاریخ را بسیار سودمند می گرداند و آن را به یکی از منابع معرفت انسانی تبدیل کرده که به موجب آن انسان می تواند برای آینده پیش بینی کرده و بر آن مسلط شود. (ر.ک: قائدان، ۱۳۸۴، ص ۷۰-۸۰)

از جمله خلاءهای که امروزه در زمینه پژوهش های تاریخی دفاع مقدس با آن مواجه هستیم، مطالعات کاربردی است که منظور از آن بیان فلسفه تاریخ دفاع مقدس می باشد و سعی دارد از حوادث و وقایع تاریخی، اصول و قواعد کلی حاکم بر این جریان را استخراج نموده و آن ها را به قوانین و سنت های ثابت و لایتغیر تبدیل کند که بتواند راه گشای نسل های آینده باشد.

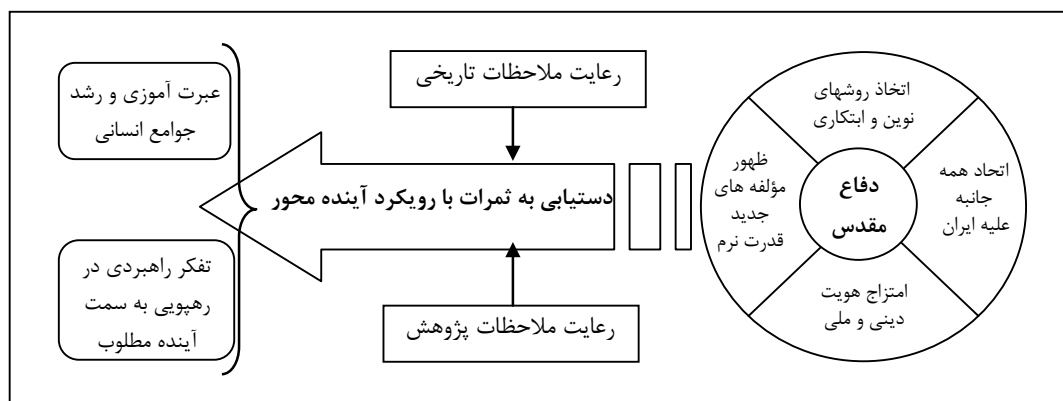
هدف فیلسوف نظری تاریخ این است که در رویدادهای گذشته الگو یا معنایی کلی کشف کند که ورای حوزه کار متعارف مورخ قرار دارد. پاره ای از مسائلی که وی طرح می کند از این قرارند: آیا رویدادهای گذشته نظم عقلانی و طرحی منسجم را آشکار می کنند یا چیزی جز ترتیب و تعاقب صرف رویدادها نیستند؟ آیا تاریخ در خط سیر معینی حرکت می کند یا در ادوار متوالی تکرار می شود یا بدون نظم و شکل است؟ اگر در خط سیر معینی حرکت می کند آیا این سیر قهقرایی است یا حاکی از پیشرفت نوع انسان است؟ آیا نیروهایی بیرون از تسلط انسان جهت و سیر تاریخ را تعیین می کنند یا انسان؟ آیا بر سیر تاریخ قوانینی حاکم است؟ آیا از جریان های تاریخی می توان چیزی آموخت یا هر موقعیتی یگانه و منحصر به فرد است؟ (صادقی علی آبادی، ۱۳۸۵، ص ۹۶-۹۷)

رویکرد کاربردی و بیان فلسفه تاریخی جنگ است. آن چه امروزه به عنوان یک خلاء در زمینه مطالعات تاریخی دفاع مقدس به شمار می‌رود، نبود پژوهش‌های روش‌مند و کاربردی در این حوزه است چرا که حفظ انقلاب اسلامی و تضمین آینده آن که مهم‌ترین پیام جنگ تحمیلی است، تنها به واسطه این نوع نگاه به گذشته میسر است و بی‌تردید این وظیفه‌ای است که امروزه به عهده محققان دانشجویان و نظام آموزشی کشور می‌باشد.

آن چه تاکنون مطرح شد در حقیقت تبیین مفهوم "مطالعات تاریخی دفاع مقدس" بود چرا که یکی از مهم‌ترین مشکلات در حوزه پژوهش‌های دفاع مقدس، وجود فهم‌های متفاوت از عبارات متشابه است. مؤلفین این مقاله در پی این بودند که در ابتدا با بیان تعاریف خاص خود از هر کدام از عبارات فوق، در نهایت به یک جمع‌بندی منطقی و ارائه مدل مطالعاتی دست یابند که در پرتو آن بتوان در چهره‌ای جدید به روی محققین و پژوهش‌گران عرصه دفاع مقدس باز کرد. مدل پیشنهادی برای این‌گونه مطالعات را می‌توان چنین تصور نمود:

به همین دلیل سهم عمده مورخ را باید در آینده جستجو کرد و کوشش مورخ برای رسیدن به واقعیت‌های تاریخی و در نهایت نمایاندن حقایق تاریخی، کوششی است فرا زمانی چرا که مورخ هم به پرسش‌های زمان حال خود پاسخ می‌دهد و هم پاسخ‌گوی سؤالات آیندگان است. (بهبودی، ۱۳۸۰، ص ۳۳۴)

به عبارتی دیگر همان‌طور که فرضیه‌های علمی را در آزمایشگاه سنجش می‌کنند، می‌توان پدیده‌های اجتماعی را نیز در آزمایشگاه تاریخ آزموده و به قوانینی که قابل تعمیم به آینده باشند تبدیل کرد. به عنوان مثال سؤالی که امروزه ذهن اکثر نسل جوان و حتی مسئولین کشور را به خود مشغول کرده است این است که آیا جنگ احتمالی با آمریکا اجتناب‌ناپذیر می‌باشد یا خیر؟ از جمله راه‌های پاسخ‌گویی به این سؤال بررسی تاریخی جنگ گذشته با رویکرد استخراج تئوری آغاز جنگ‌ها و تبدیل آن به یک مدل جامع است چرا که بی‌شک هر جنگی بر اساس مدل و فرایند خاصی به وقوع می‌پیوندد و بر اساس آن مدل این امکان به دست می‌آید که به پیش‌بینی آینده پرداخت که این همان



مدل شماره ۵: نتایج رویکرد آینده محور به دفاع مقدس

ثمرات پرداختن به مطالعات کاربردی تاریخ

عبرت آموزی و رشد جوامع انسانی

"عبرت" مایه‌ی رشد جامعه است و اگر عبرت نباشد، جامعه رشد نخواهد کرد و خاصیتش این است که به انسان امکان ترقی می‌دهد. احادیث و روایت‌های متعددی از ائمه اطهار (علیهم السلام) نقل شده است که تأکید بر امر عبرت آموزی دارند و این که این عبرت چه ثمراتی را برای انسان به همراه دارد. از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

قال رسول الله (ص): «الْاِعْتِبَارُ يُفِيدُكَ الرَّشَادَ»^۱

قال امیرالمؤمنین (ع): «الْاِعْتِبَارُ يَقُودُ إِلَى الرَّشَادِ»^۲
«مَا أَكْثَرَ الْعِبْرَ وَ أَقَلَّ الْاِعْتِبَارَ»^۳ «إِنَّمَا يَنْظُرُ الْمُؤْمِنُ

إِلَى الدُّنْيَا بَعَيْنِ

الْاِعْتِبَارِ»^۴ «الْاِعْتِبَارُ

مُنْذِرٌ نَاصِحٌ»^۵

«اسْتِقَامَةُ الْعَقْلِ

صَدَقَ الْاِعْتِبَارُ»^۶

و «فَازَ وَاللَّهِ عَبْدُ

هَدَاهُ الْاِسْتِصْبَارُ وَ

صَحَّتْ لَهُ الْأَفْكَارُ

وَ أُرْشِدُهُ الْاِعْتِبَارُ»^۷

در حقیقت می‌توان

گفت که از جمله

کارکردهای عبرت

این است که

موجب رشد و پیشرفت انسان و جامعه بشری شده

و همچنین انسان‌ها و جوامع بشری را انحراف،

انحطاط، شکست، سقوط و هلاکت باز می‌دارد:

«وَ الْاِخْتِبَارِ فِي مَوْضِعِ الْغِنَى»^۸ چرا که در عبرت‌ها

وقوع جنگ تحمیلی به همان اندازه
که در سیستم سیاست داخلی و
خارجی ایران تاثیر گذاشته و باعث
قطع روابط یا برقراری روابط با
برخی دولت‌ها گردیده، به همان
اندازه در حوزه اقتصاد و مسائل
معیشتی مردم و روابط اجتماعی آنان
نیز تاثیر گذار بوده است

یک نوع بی‌نیازی از آزمایش وجود دارد تا دیگر
نیازمند تکرار اعمال گذشتگان نباشیم. همچنین این
عبرت آموزی، نوعی بصیرت و بینش نیز برای انسان
حاصل می‌کند که به واسطه آن انسان می‌تواند از
عواملی که موجب شکست می‌شود، دوری کند.
(ر.ک: پورعزت و یآوری، ۱۳۸۵، ص ۱۲۳-۱۳۰)

کم‌ترین خاصیت جنگ تحمیلی این بود که
موجب عبرت آموزی شد و همگان این مطلب را
متوجه شدند که اگر آمادگی دفاعی نباشد، ممکن
است مورد تعرض قرار بگیریم، اگر در جنگ درست
تصمیم‌گیری نشود، درست مدیریت بحران نشود،
درست انسجام ایجاد نشود، وحدت فرماندهی
نباشد، فداکاری نباشد، ثبات نباشد، موجب شکست
شده و بالعکس اگر این موارد باشد، پیروزی و
نصرت حاصل می‌شود.

تفکر راهبردی در ره‌پویی به سمت آینده مطلوب
ضرورت دیگر در مورد پرداختن به مقوله دفاع
مقدس، مسئله عاقبت‌اندیشی و توجه به آینده است.
توجه به آینده یعنی پرداختن به تفکرات استراتژیکی
و راهبردی که می‌تواند راه‌گشای مسائل و مشکلات
امروزه جامعه باشد.

بشر از دیرباز مترصد پیش‌بینی حوادث آینده
بوده است. انسان می‌خواهد آینده را پیش‌بینی کند
تا با اطمینان به سوی آن گام بردارد. بدیهی است
که هر چه اطلاعات و آگاهی او درباره آینده بیش‌تر
باشد، از عدم اطمینان، اضطراب و نگرانی وی
کاسته شده و بر یقینش افزوده می‌گردد. پیش‌بینی
صحیح آینده از آرمان‌های دیرپای دانشمندان و نیل
به یقین، مطلوب غایی هر جوینده دانش است؛ در

۱. «عبرت موجب رشد و هدایت است» من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۷۶

۲. «عبرت تو را به رشد و هدایت راهنمایی می‌کند» الکافی، ج ۸، ص ۱۸

۳. «چه بسیار است پندها و چه اندکانند، پند پذیرندگان» نهج البلاغه، قصار ۲۹۷

۴. «مؤمن دنیا را به دیده عبرت می‌نگرد» نهج البلاغه، قصار ۳۶۷

۵. «و عبرت گرفتن، هشدار دهنده‌ای نیکخواه است» نهج البلاغه، قصار ۳۶۵

۶. «گواه عقل کامل، عبرت گرفتن است» بحار الأنوار، ج ۹۰، ص ۱۴۸

۷. بحار الأنوار، ج ۸۴، باب ۱۲، ص ۱۹۴

۸. «(و کسی که عبرت بگیرد) از آزمایش مجدد بی‌نیاز است» نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲

عدم ارائه تحلیل مناسب و همچنین عدم نتیجه‌گیری درست از مباحث مطروحه و رها کردن فرد در انباری پر از اطلاعات گنگ و مبهم در بعضی اوقات می‌تواند بسیار خطرناک تر از عدم ارائه مطلب به یک فرد باشد. این مسئله در مورد جریان پژوهش‌های تاریخی دفاع مقدس که یک امر قدسی و معنوی بوده و اثرات آن تنها منحصر به فرد و یا گروه خاصی نبوده بلکه یک مسئله ملی و تاریخی است، بسیار حساس تر می‌باشد.

این که حضرت امام (ره) نیز در برخی موارد بیاناتی می‌فرمودند که بیان‌گر تفکر عاقبت‌اندیشانه ایشان برای آینده بود، نشان از نوع نگاه عبرت‌آموزانه ایشان از حوادث تاریخی دارد چرا که به فرموده رَسُولُ اللَّهِ (ص): «اتَّقُوا فِرَاسَةَ الْمُؤْمِنِ فَإِنَّهُ يَنْظُرُ بِنُورِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ»^۱.

البته کسی می‌تواند عاقبت‌اندیش بوده و تفکر راهبردی و استراتژیک داشته باشد که به این تهدیدات و فرصت‌های پیش روی خود توجه کرده و در برنامه ریزی برای آینده خود آنها را لحاظ کند. عاقبت‌اندیشی به معنای حرکت از فردا به امروز است چرا که اندیشه پیرامون آینده می‌تواند انسان را به سمت خلق فرصت‌های بیشتر و جذب آنها رهنمون ساخته و این گونه است که تفکر استراتژیکی یا راهبردی شکل می‌گیرد.

منابع و مآخذ:

۱. قرآن مجید، ترجمه مکارم شیرازی، ناصر، دارالقرآن الکریم، قم، ۱۳۷۳
۲. نهج البلاغه، نسخه دکتر صبحی صالح، ترجمه محمد دشتی، مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین، مشهد، انتشارات سنبه، ۱۳۸۶
۳. ابن خلدون، عبدالرحمن، مقدمه فی التاریخ، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ هشتم، ۱۳۷۵
۴. افتخاری، اصغر، دو چهره قدرت نرم، مجموعه مقالات

واقع مقاصدی چون پیش‌بینی آینده، نیل به قطعیت و حصول اطمینان، از جمله اهداف مهم کسب علم محسوب می‌شوند. (پورعزت، ۱۳۸۲، ص ۱۵)

آینده‌پژوهی فعالیت، علم یا هنر شناختن و ارزیابی رخدادهای ممکن آینده است. آینده‌پژوهی را دانشمندان و پژوهش‌گرانی گسترش داده‌اند که می‌خواستند دانش را در خدمت حل مسائل بشری به کار گیرند. آینده‌پژوه، حقایق تاریخی و دانش علمی را به کار می‌گیرد و ارزش‌های بشری و تخیل را به آنها می‌افزاید تا تصاویری از آنچه که در آینده ممکن است به وقوع بپیوندد، خلق کند. آینده‌پژوهی در واقع همان تاریخ است اما تاریخی که به جای گذشته، آینده را می‌کاود. (ملکی فر، ۱۳۸۴، ص ۱۴)

نتیجه‌گیری

باید گفت که امروزه شاهد ظهور نوعی گفتمان از مسئله جنگ هستیم که هر چند جزو تاریخ جنگ نبوده ولیکن اکنون در کنار مسائل تاریخی جنگ قرار گرفته و شاید بتوان گفت که اهمیتی بیش‌تر از آن یافته است چرا که دیگر بازگشت به گذشته و بررسی وقایع گذشته تنها با نگاه کسب اطلاع و آگاهی مدنظر نبوده و اکثر مخاطبین به دنبال تحلیل و بیان آثار و نتایج نوع عملکرد گذشتگان در مورد آن واقعه هستند.

این مخاطبین بیشتر نسل جوان و دانشجو هستند چون در زمان واقعه حضور نداشته و لذا هنگامی که در سطح جامعه با مسائلی مواجه می‌شوند، آنها را ناگزیر از آن می‌کند که به گذشته خود نگاه کرده و درکی جامع از آن به دست آورند. همچنین از طرفی احساس می‌کنند که در آینده نیز با مسائلی مواجه خواهند شد که آنها را نیازمند استفاده از تجربیات گذشتگان خواهد نمود لذا این مشاهدات کنونی و احساس نیاز در آینده، ایشان را بر آن می‌دارد که به سمت مطالعه تاریخ این واقعه رفته و برای آینده خود و جامعه عاقبت‌اندیشی کنند.

۱. الکافی، ج ۱، ص ۲۱۸

- همایش قدرت نرم و بسیج، پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج، ۱۳۸۶
۵. باقرزاده، میرفصل، گفتگو درباره رویکرد تاریخی به جنگ، فصلنامه مطالعات جنگ ایران و عراق (نگین ایران)، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه، سال چهارم، شماره سیزدهم، تابستان ۱۳۸۴
۶. بختیاری، مسعود، عملیات بیت المقدس، تهران، هیأت معارف جنگ شهید صیاد شیرازی، ۱۳۸۲
۷. بهبودی، هدایت الله، موانع تاریخ نگاری جنگ، نام آورد (بیست مقاله درباره ادبیات، تاریخ و فرهنگ دفاع مقدس، به اهتمام علیرضا کمری، انتشارات حوزه هنری، ۱۳۸۰
۸. پاکتچی، احمد، تاریخ حدیث، تهران، مرکز تحقیقات دانشگاه امام صادق، ۱۳۸۶
۹. پاکتچی، احمد، روش تحقیق عمومی، تهران، مرکز تحقیقات دانشگاه امام صادق، ۱۳۸۵
۱۰. پورعزت، علی اصغر و یآوری، وحید، شناسایی مبانی و شاخص‌های پایدار تدوین چشم انداز فرهنگی کشور بر اساس تحلیل منطقی نهج البلاغه و قانون اساسی ج.ا.ا، دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۸۵
۱۱. پورعزت، علی اصغر، تصویرپردازی از آینده، استراتژی اقدام در سیستم‌های اجتماعی، سخن سمت، شماره ۱۰؛ سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها، تابستان ۱۳۸۲
۱۲. جانی‌پور، محمد، ملاحظاتی بر آسیب شناسی روایت دفاع مقدس، فصلنامه مطالعات جنگ ایران و عراق (نگین ایران)، شماره ۲۱، ۱۳۸۶
۱۳. جلالی فراهانی، محسن، جنگ تحمیلی و نظریه انسجام درونی ملی، فصلنامه فرهنگ پایداری، پیش شماره، بنیاد حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس، ۱۳۷۷
۱۴. جمشیدی، فرانک، آسیب شناسی تاریخ نگاری جنگ، فصلنامه مطالعات جنگ ایران و عراق (نگین ایران)، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه، سال چهارم، شماره سیزدهم، تابستان ۱۳۸۴
۱۵. جوزف اس، نای، قدرت نرم، ترجمه محسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق، ۱۳۸۷
۱۶. خمینی، روح الله، صحیفه نور، تهران، موسسه حفظ و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۲
۱۷. رشید، غلامعلی، نظریه پردازی جنگ تحمیلی، راهبرد پژوهش، تهران، بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس، چاپ دوم، ۱۳۸۶
۱۸. رضایی، محسن، تاریخ تحلیلی دفاع مقدس (جزوات آموزشی مجموعه علمی فرهنگی راویان نور)، به اهتمام محمد جانی‌پور، ۱۳۸۶
۱۹. صادقی علی آبادی، مسعود، دو معنای فلسفه تاریخ، فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، شماره ۲۹، بهار ۱۳۸۵
۲۰. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، من لا یحضره الفقیه، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳ق
۲۱. قائدان، اصغر، تاریخ نگاری جنگ در عصر اسلامی، فصلنامه مطالعات جنگ ایران و عراق (نگین ایران)، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه، سال چهارم، شماره سیزدهم، تابستان ۱۳۸۴
۲۲. کمری، علیرضا، فراشدن از تبلیغ تا تبیین در تاریخ نگاری جنگ، فصلنامه مطالعات جنگ ایران و عراق (نگین ایران)، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه، سال چهارم، شماره سیزدهم، تابستان ۱۳۸۴
۲۳. کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق
۲۴. مجلسی دوم، مولی محمد باقر بن مولی محمد تقی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (علیهم السلام)، دار الکتب الإسلامیه، چاپ سوم، تهران ۱۴۱۲ق
۲۵. ملکی فر، عقیل، الفبای آینده پژوهی، تهران، اندیشکده صنعت و فناوری، در دست انتشار
۲۶. ولایتی، علی اکبر، تاریخ سیاسی جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، تهران، انتشارات بنیاد حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس، ۱۳۷۸

سید حسین یحوی *

[illegible]

هجوم سراسری عراق به ایران از ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ شروع شد، ولی یکی از مهم‌ترین ابعاد جنگ یعنی حملات هوایی ارتش این کشور برای اولین بار در تاریخ ۱۳ فروردین ۱۳۵۸ (دوم آوریل ۱۹۷۹)، حدود ۵۰ روز بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در منطقه مهران آغاز شد.

در تاریخ ۲۰ فروردین ۱۳۵۹ (نه آوریل ۱۹۸۰) حملات هوایی جدی‌تر شد و در تاریخ ۸ خرداد ۱۳۵۹ (۲۹ می ۱۹۸۰) با شدت بیشتر ادامه یافت. بر اساس گزارش روزنامه لوموند «در این روز حمله هواپیماها و توپخانه عراق علیه شهر مهران، دست کم دو کشته و سی تا چهل زخمی به جای گذاشت...» و در نهایت

* کارشناس ارشد علوم سیاسی



— بمباران یک واحد مسکونی در میدان محسنی تهران - مامورین و مردم در حال فعالیت (۱۳۶۷/۱/۲۷)

ایران و عراق، رایج نبود؛ اما بعد از عملیات خیبر که حایز اهمیت زیادی در جنگ می‌باشد، اصطلاح جنگ شهرها رایج و تا پایان جنگ بارها شنیده شد. با توجه به ویژگی خاص جنگ شهرها که خود نوعی گریز از مقررات انسانی جنگ و رزم رودرو محسوب می‌شود، آن را نمود وقیح‌ترین کینه‌توزی دشمن و سیاه‌ترین برگ در پرونده جنایات رژیم بغداد دانسته‌اند.

بررسی مفهوم جنگ شهرها

اصطلاح جنگ شهرها از دو واژه‌ی "جنگ" و "شهرها" تشکیل شده است. در تعریف جنگ گفته‌اند: خصومت میان کشورها (دولت‌ها) در درون یک دولت با یک سرزمین است که نیروهای مسلح عهده‌دار آن می‌باشند. در مفهوم حقوقی، زمانی حالت جنگ وجود دارد که دو یا چند کشور به طور رسمی اعلام نمایند که یک وضعیت خصومت بین آن‌ها وجود دارد.

اصطلاح "شهرها" بیان‌گر مناطق مسکونی، غیرنظامی، تجاری، فرهنگی است ولی در بیان دقیق‌تر منظور از آن، در این‌جا منطقه غیرجنگی یا منطقه‌ای است که در آن نیروهای مسلح درگیر نبرد نیستند؛ یعنی می‌توان حوزه دولت در حال جنگ را به دو بخش تقسیم کرد:

جبهه: بیان‌گر حوزه‌ای از دولت است که در آن نیروهای متخاصم با یکدیگر برخورد و تماس دارند یعنی "حوزه تماس و برخورد نیروهای مسلح متخاصم". پشت جبهه: سایر مناطق یک کشور یا دولت که در آن نیروهای متخاصم با هم تماس و برخوردی ندارند. در این مقاله و نیز در اصطلاح رایج جنگ شهرها، منظور از

شهرها، حوزه غیرجبهه دولت‌های در حال جنگ است. با توجه به نکات گفته شده اصطلاح "جنگ شهرها" بیان‌گر نبردی است که در مناطق غیرجنگی و غیررزمی صورت می‌گیرد که کاملاً مغایر با یکی از مهم‌ترین اصول جنگ یعنی رزم در حوزه جبهه و جنگ می‌باشد. در جنگ شهرها به طور قطع یکی از طرفین، نیروهای مسلح (هوایماهای بمب‌افکن، بالگردها، توپخانه‌ها و ...) می‌باشند که بیان‌گر چهره تجاوزگر جنگ شهرها است؛ ولی طرف مقابل افراد و اماکن غیرمسلح و غیرنظامی می‌باشند که معمولاً تحت تجاوز قرار می‌گیرند.

به طور کلی و با توجه به ابعاد گوناگون جنگ در مناطق غیررزمی، در تعریف جنگ شهرها می‌توان گفت: جنگ شهرها یکی از شیوه‌های بسیار مؤثر در اعمال تدبیر نظامی است که با بهره‌گیری از نیروی هوایی (هوایماهای شکاری بمب‌افکن، بالگردها و ...) و توپخانه‌های دوربرد و گاهی پایگاه‌های موشکی (اعم از کوتاه‌برد، میان‌برد یا دارای برد بلند) به منظور بمباران مناطق عمومی و مسکونی و اقتصادی نیروی مقابل در حوزه غیررزمی و با هدف فرسایش اراده طرف مقابل و تحمیل اراده به او (جنگ روانی) صورت می‌گیرد.

اهداف جنگ شهرها

جنگ شهرها به منظور ایجاد رعب و وحشت و در نتیجه فرسایش و تضعیف اراده نیروی مقابل و در نهایت تحمیل اراده خود بر او تحقق می‌یابد؛ بنابر این ریشه و مبنای روانی یعنی ترس و احساس ناتوانی دارد. به همین جهت آن را نوعی جنگ روانی و در نتیجه بدترین نوع آن دانسته‌اند که همراه با خسارات و ضایعات شدید می‌باشد. در تعریف جنگ روانی گفته‌اند «استفاده از تبلیغات یا سایر مفاهیم و ابزار روانی به منظور زیر نفوذ قراردادن یا در هم نمودن افکار، تحلیل روحیه و غیره از جانب دشمن».

البته باید دانست که این تعریف، رسایی کامل ندارد و بیش‌تر به تبلیغات، آموزش، پخش شایعات، ایجاد سر و صدا و هیاهو، غافل‌گیری توجه دارد و حال آن که امروز جنگ روانی بیشتر با سلاح‌های سنگین متعارف، موشک‌ها، توپ‌خانه‌ها، هواپیماهای جنگی، بمب‌افکن‌ها، زیردریایی‌ها و ناوهای جنگی به صورت تهدید عملیاتی نظامی به خصوص در جاهایی که تبلیغات، شایعات، هیاهو تأثیر کمتری دارند، صورت می‌گیرد. به همین جهت در جنگ ایران و عراق هر چند تمام ابزارهای تبلیغاتی، آموزشی، صوتی و تصویری برای ایجاد ترس و وحشت در جنگ از سوی دشمن به کار گرفته شد، ولی هیچ یک از آن‌ها تأثیر جنگ گسترده شهرها را به دنبال نداشت؛ لذا جنگ شهرها بعد دیگری از جنگ روانی است که علاوه بر گستردگی و شدت تأثیر، دارای تأثیرات ماندگارتری نیز هست. به علاوه تمام وجود یک جامعه را هدف قرار می‌دهد و لذا با ایجاد ترس و وحشت شدید همراه است. همچنین در جنگ شهرها تقریباً تمام اهداف جنگ روانی موجود است.

عمده اهداف جنگ روانی را می‌توان شامل این موارد دانست که از طریق جنگ شهرها قابل اکتساب است:

۱. تضعیف روحیه نیروهای نظامی و مردم طرف مقابل از طریق ایجاد ترس و ارباب.

۲. وادار کردن دشمن (طرف مقابل) به تسلیم شدن به عنوان تنها راه پایان جنگ.
۳. کوتاه کردن زمان جنگ.
۴. تلاش در جهت وادار کردن طرف مقابل برای انجام مذاکرات صلح و پایان دادن به جنگ.
۵. ناتوان ساختن طرف مقابل و انهدام امکانات و روحیه او.
۶. ایجاد عقیده به ناتوانی و ضعف در برخورد با طرف مقابل در جنگ.

بنابراین با توجه به آنچه گذشت مبنای جنگ شهرها را جنگ روانی و در نتیجه «رعب و ترس» و «احساس ضعف» و «بزرگ‌نمایی طرف مقابل» تشکیل می‌دهد؛ لذا جنگ شهرها را می‌توان جنگ نظامی - روانی دانست؛ زیرا مبنای آن را موضوعات روانی و ابزار و روش آن را سلاح‌ها و روش‌های نظامی تشکیل می‌دهد.

مفهوم جنگ شهرها

در ایران واژه «جنگ

شهرها» واژه‌ای است که حیات خود را از جنگ ایران و عراق اخذ کرده است؛ البته به این مفهوم نیست که از نظر تاریخی نیز کاملاً همزمان با جنگ ایران و عراق باشد، بلکه در مفهوم خاص آن اصطلاحی است که در اسفند ۱۳۶۳ (فوریه ۱۹۸۴) به وجود آمد و رایج گردید، در حالی که تا قبل از این تاریخ از آن تحت عنوان «بمب‌باران هوایی» و «بمب‌باران مناطق مسکونی» یاد می‌شد. بنابراین جنگ شهرها دارای دو مفهوم عام و خاص می‌باشد.

جنگ شهرها به مفهوم عام؛ بیان‌گر نوعی عملیات نظامی است که با به کارگیری نیروی هوایی،

حملات هوایی ارتش عراق برای اولین بار در تاریخ ۱۳ فروردین ۱۳۵۸ (دوم آوریل ۱۹۷۹)، حدود ۵۰ روز بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در منطقه مهران آغاز گردید

تاریخ ۱۵ فروردین ۱۳۵۸ (۴ آوریل ۱۹۷۹) مورد اعتراض جمهوری اسلامی ایران قرار گرفت. سلسله حملات هوایی و توپخانه همراه با درگیری‌های مرزی به صورت جزئی تا یک سال ادامه یافت، ولی در تاریخ ۱۷ فروردین ۱۳۵۹ (۹ آوریل ۱۹۸۰) بود که آتش توپخانه سنگین عراق علیه ایران، در منطقه قصر شیرین باعث زخمی شدن تعداد پانزده نفر از غیرنظامیان گردید. از این زمان حملات هوایی کیفیت و اهمیت خاصی یافت، به طوری که در هشت خرداد ۱۳۵۹ (۲۹ می ۱۹۸۰) حملات هوایی و توپخانه عراق باعث کشته شدن دوازده نفر و زخمی شدن سی و شش نفر دیگر در شهر مهران شد.

جنگ شهرها به مفهوم خاص؛ در این مفهوم جنگ شهرها در مقطع و زمان حساسی از جنگ ایران و عراق شروع می‌شود. اصطلاح «جنگ شهرها» در همین مقطع خاص جایگزین اصطلاحاتی چون «بمباران هوایی»، «حملات هوایی» یا «جنگ هوایی» می‌گردد. جنگ شهرها به این مفهوم تا اواخر جنگ ایران و عراق ادامه می‌یابد. در این دیدگاه آغاز دوران جنگ شهرها به اسفند ماه ۱۳۶۳ (فوریه ۱۹۸۴) برمی‌گردد که از این زمان اصطلاح جنگ شهرها بر سرزبان‌ها می‌افتد، اما جای تردید است از این‌که کدام‌یک از دو طرف درگیر جنگ یا مجامع و دول دیگر برای اولین بار این اصطلاح را به کار گرفتند. به طور کلی در مورد فلسفه به کارگیری واژه جنگ شهرها، دو شأن نزول مرتبط و هماهنگ وجود دارد:

۱. تاریخ جنگ شهرها به آغاز جنگ ایران و عراق و قبل از آن بازمی‌گردد و علی‌الاصول رژیم بغداد تجاوز خود به سرزمین جمهوری اسلامی ایران را با «جنگ شهرها» شروع کرد، ولی تا زمانی که جنگ شهرها به صورت یک طرفه و تنها از جانب رژیم عراق صورت می‌گرفت و عراق در این میدان یکه تاز بود، جمهوری اسلامی ایران اقدام به مقابله به مثل نمی‌کرد؛ لذا عراق در مقابل حملات هوایی خود به شهرها و مناطق مسکونی ایران واکنش متقابلی را دریافت نمی‌کرد، در مجامع بین‌المللی و حتی شهرها در هیچ موردی استعمال نمی‌شد

هوانیروز (هواپیماهای جنگی و بمب‌افکن، بالگردها) توپخانه‌های سنگین، به ویژه با برد بلند و پایگاه‌های موشکی در مقابله با شهرها، مناطق مسکونی و سایر مناطق غیررزمی و با هدف ایجاد رعب و وحشت و گاه تخریب و ناتوان‌سازی طرف مقابل صورت می‌گیرد.

در این بعد می‌توان به مواردی اشاره کرد:

۱. پرواز هواپیماها و بالگردهای دشمن بر فراز مناطق مسکونی، فرهنگی و اقتصادی طرف مقابل.
۲. شکستن دیوار صوتی.
۳. پخش اعلامیه‌ها و شایعات از طریق هواپیماها، بالگرد و توپخانه.

۴. بمباران هوایی.
۵. بکارگیری سلاح شیمیایی.
۶. گلوله باران مناطق غیرنظامی از طریق توپخانه.
۷. پرتاب موشک‌ها و بمب‌های هدایت شونده.
- بنابراین در این بیان جنگ شهرها صرفاً جنگ هوایی نیست، بلکه می‌تواند از روی زمین (توپخانه‌ها، سایت‌ها و

در تاریخ بیست فروردین و هشت خرداد ۱۳۵۹ (۲۹ می ۱۹۸۰) حمله هواپیماها و توپخانه عراق علیه شهر مهران، دست کم دو کشته و سی تا چهل زخمی به جای گذاشت... و در نهایت «تعداد قربانیان این حمله به ۱۲ کشته و ۳۶ زخمی رسید»

پایگاه‌های موشکی) و از دریا از درون کشتی‌های جنگی یا زیردریایی‌ها نیز صورت گیرد، همان‌گونه که تمام این موارد در جنگ ایران و عراق مشاهده شد.

بر اساس این تعریف، جنگ شهرها به مفهوم بمباران و گلوله‌باران مناطق مسکونی و غیررزمی از تاریخ ۱۳ فروردین ۱۳۵۸ (۲ آوریل ۱۹۷۹) یعنی حدود پنجاه روز بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و تقریباً یک سال و نیم قبل از هجوم سراسری عراق به مرزهای ایران شروع شد. در این روز یک فروند بالگرد عراقی به حریم هوایی شهر مهران و پست گمرکی بهرام آباد تجاوز نمود که در



بمباران پایانه اتوبوسهای مسافربری اهواز توسط هواپیماهای عراقی - ۱۳۶۵/۹/۱۶

و تنها از اصطلاحاتی چون بمباران‌های هوایی یا حملات هوایی و بالگردی استفاده می‌شد. ولی از زمانی که ایران در صدد مقابله به مثل برآمد، سخن از «جنگ شهرها» شروع شد.

روزنامه جمهوری اسلامی طی سرمقاله‌ای در روز یکشنبه سوم اسفند ۱۳۶۵ تحت عنوان «جنگ شهرها و سقوط صدام» می‌نویسد: «در واقع تاریخ شروع جنگ شهرها به آغاز جنگ تحمیلی بازمی‌گردد و رژیم بغداد،

لذا باید دانست که منظور خبرگزاری‌ها از بیان این خبر، گلوله‌باران این شهرها با آتش توپخانه نیروهای ایران می‌باشد. به علاوه چنین عملی به عنوان مقابله به مثل و در قبال تجاوزات و بمباران‌های هوایی دشمن مطرح نیست؛ زیرا مقابله به مثل باید ویژگی‌های حرکتی را که در جهت مقابله با آن به کار گرفته می‌شود، داشته باشد و حال آن که این گلوله باران‌ها در مقابل بمباران‌های عراق ناچیز و مهم‌تر از آن این که بیشتر متوجه اهداف نظامی می‌باشد تا مناطق مسکونی. ماجرای شروع مقابله به مثل در جنگ هوایی از آن جایی شروع شد که به مدت بیش از چهار سال از تاریخ آغاز جنگ تا این زمان هیچ‌گونه اقدام جدی جهت حل منصفانه جنگ صورت نگرفته بود و هیچ تلاش جدی و عملی برای توقف حملات هوایی و شیمیایی عراق از سوی شخصیت‌ها، مجامع بین‌المللی و حکومت‌ها صورت نمی‌گرفت. حتی در ۱۳ ژوئن ۱۹۸۳ (۲۳ خرداد ۱۳۶۲) پانزده وکیل مسلمان از وکلای ممالک مختلف به منظور تشکیل دادگاه اسلامی بین‌المللی، در لاهور گرد هم آمدند، ریاست این دادگاه را چودری محمد اسماعیل،

تجاوز خود به سرزمین ایران اسلامی را با «جنگ شهرها» آغاز کرد، اما تا زمانی که دشمن در این میدان یکه تاز بود و احساس می‌کرد که می‌تواند به هر جنایتی دست بزند و پاسخ متقابلی را دریافت نکند، سخنی از «جنگ شهرها» به میان نیامده بود و به طور اساسی واژه «جنگ شهرها» در هیچ مورد به کار گرفته نمی‌شد. به عبارت بهتر، تا زمانی که رژیم بغداد به طور یک طرفه جنگ شهرها را ادامه می‌داد، جنگ شهرها موضوعیت نداشت. اما به محض آن‌که جمهوری اسلامی ایران وارد عمل شد و پس از هشدار پیاپی به شرارت‌های دشمن پاسخ داد، ناگهان در همه جا از «جنگ شهرها» سخن به میان آمد.» بر اساس این برداشت آغاز جنگ شهرها روز بیست و سوم بهمن ماه ۱۳۶۳ (دوازده فوریه ۱۹۸۴) می‌باشد. هر چند که درست یک سال قبل از این ماجرا و به دنبال عملیات خیبر، ایران برای اولین بار با توپخانه‌ی خود، شهرهای بصره، مندلی و خانقین را مورد حمله قرار داد که شهرهای جنگی محسوب می‌شدند، خبرگزاری‌ها در ۲۳ بهمن ۱۳۶۳ اعلام کردند که «ایران برای اولین بار شهرهای بصره، مندلی و خانقین را در هم کوبید.»

ایران وارد عمل شدند و برای نخستین بار پس از چهار سال و نیم صبر و بردباری، به بمباران چندین شهر عراق پرداختند و جنگ شهرها به معنای خاص آن آغاز گردید و از این زمان به بعد بود که اصطلاح (جنگ شهرها) جایگزین حملات هوایی و موشکی و بمباران‌های هوایی شد.

۲. آنچه تعیین کننده جنگ شهرهاست، تبدیل شدن آن به یک استراتژی جنگی با هدف جنگ روانی و فشار بر مردم است. جنگ شهرها در این معنا از یک سو یک استراتژی مشخص و با اهداف روشن و مقاصد بارز است و از سوی دیگر، یک طرفه و یک جانبه نیست، بلکه جنگی دو طرفه است، یعنی هر دو طرف در حال جنگ، در آن شرکت دارند. جنگ شهرها در این مقطع مقارن با عملیات بدر آغاز می‌شود و بیانگر ناتوانی عراق در استراتژی جنگ زمینی با نیروهای جمهوری اسلامی ایران است؛ بنابراین مشخصات جنگ شهرها در مفهوم جدید خود عبارت است از:

۱. استراتژی با هدف معین در جهت ایجاد فشار روانی، اقتصادی و اجتماعی برای کشاندن جمهوری اسلامی ایران به پای میز مذاکره و پایان دادن به جنگ ایران و عراق، برای نمونه مجله "داناس" چاپ یوگسلاوی در تاریخ یکم بهمن ۱۳۶۵ حملات هوایی عراق به ایران را یک استراتژی نظامی دانسته است و در این مورد می‌نویسد: «عراق با بمباران شهرهای ایران همان اشتباهی را مرتکب می‌شود که آلمان نازی در جنگ با انگلستان مرتکب شد»؛ بنابراین آن چه این مقطع از بمباران‌های هوایی را از قبل متمایز می‌سازد این است که این بمباران‌ها به صورت گسترده و با هدفی از پیش تعیین شده صورت می‌گیرد که چیزی جز تلاش در جهت خاتمه دادن به جنگ نیست. به بیان امام خمینی «امروز هم در راستای همان سیاست‌ها (پذیرش صلح با صدام حسین) و در زیر بمباران شیمیایی مناطق مسکونی و حمله به نفت‌کش‌ها و هواپیماهای غیرنظامی و قطارهای مسافری، به زبان دیگری ما را به پذیرش حکومت زور و تجاوز صدامیان دعوت می‌کنند».

از دیوان عالی پاکستان عهده‌دار بود. پنج کنفرانس مطبوعاتی، در رابطه با جنایات جنگی قوای عراقی، توسط این دادگاه برگزار شد که آخرین آن‌ها در لندن، در شش سپتامبر ۱۹۸۳ (پانزده شهریور ۱۳۶۲) صورت گرفت. با وجود آن که علاوه بر هفت عضو دادگاه، پنجاه خبرنگار نیز از سوی خبرگزاری‌های جهانی در این جلسات شرکت نمودند، «قانون سکوت» عموماً رعایت گردید؛ در نتیجه، سکوت و خاموشی رسانه‌های جمعی، در رابطه با جنایات نفرت‌انگیز رژیم عراق را نمی‌توان به حساب عدم آشنایی و وقوف به جزئیات مسئله گذاشت. به طور کلی بعد از ۴۱ ماه جنگ و به کارگیری ۱۲۰

موشک زمین به زمین اسکادبی ساخت شوروی و کشتار ۴۶۰۰ نفر غیرنظامی، زخمی شدن ۲۲ هزار نفر دیگر و نیز شنیدن خبر بمباران‌های آینده و حتمی یازده شهر ایران از سوی صدام حسین، رئیس‌جمهوری عراق در اوایل دهه دوم بهمن ۱۳۶۳ (اوایل فوریه ۱۹۸۴) بود که آیت‌الله خامنه‌ای، رئیس

بعد از چهل و یک ماه جنگ و به کارگیری صد و بیست موشک زمین به زمین اسکادبی ساخت شوروی و کشتار چهار هزار و ششصد نفر غیرنظامی، زخمی شدن بیست و دو هزار نفر، در اوایل دهه دوم بهمن ۱۳۶۳ (اوایل فوریه ۱۹۸۴) آیت‌الله خامنه‌ای، رئیس‌جمهوری اسلامی ایران اعلام کرد: «از این پس، در قبال هر حمله به مردم کشورمان، به همان گونه پاسخ خواهیم گفت»

جمهوری اسلامی ایران اعلام کرد:

«از این پس، در قبال هر حمله به مردم کشورمان، به همان گونه پاسخ خواهیم گفت و چنانچه صدام حسین تهدیدات خود را به اجرا درآورد، به طور قطع شهرهای خانیقین، بصره و مندلی را بمباران خواهیم کرد. ما صادقانه مراتب تاسف خود را به اطلاع مردم این سه شهر می‌رسانیم و از آنان می‌خواهیم که به سرعت شهرهای مزبور را ترک نمایند.»

اما علی‌رغم این هشدارها صدام حسین به هیچ وجه از تصمیم خود دست برداشت و در نتیجه جنگنده‌های

سخنان آقای هاشمی رفسنجانی در سال ۱۳۶۳ به خوبی مشخص است. وی در این مورد گفت: «اعتقاد سربازان اسلام قوی‌تر از قدرت آتش برتر سربازان عراقی است.» در چنین شرایطی است که جنگ شهرها به عنوان یک استراتژی از سوی عراق برای دو هدف اساسی پذیرفته و اعلام می‌شود؛ یکی از این اهداف جبران ضعف و ناتوانی نیروهای عراقی و به ویژه تلاش در جهت بالا بردن روحیه نظامیان این کشور می‌باشد. دومین هدف نیز ایجاد فشار بر جمهوری اسلامی ایران برای نشستن در پشت میز مذاکره و بستن قرار داد صلح با عراق است.

۳. بررسی تاریخ جنگ شهرها و تجاوزهای هوایی

دشمن نشان می‌دهد که نیروهای عراقی به دنبال انجام عملیات موفقیت‌آمیز نیروهای ایرانی در جبهه‌ها، دچار یأس و شکست روحی می‌شدند و در چنین شرایطی ارتش عراق ناگهان دور جدیدی از شرارت را آغاز کرده و با کشتادن جنگ به بیرون از جبهه‌ها سعی در جبران این ضعف نموده

جنگ شهرها با هدف اعمال شدید فشارهای روانی در جهت وادار کردن ایران به تسلیم برای نشستن به پای میز مذاکره و پذیرش صلح و پایان دادن به جنگ ایران و عراق دنبال شد

است. به این شکل عراق با حمله به مناطق مسکونی و قتل عام غیرنظامیان تلاش کرده است که انتقام این گونه عملیات‌ها را از مردم ایران بگیرد. در واقع این روش مقابله به مثل نبوده، بلکه مقابله به غیر مثل و انتقام از طریق ناشایست‌ترین روش ممکن است، بنابراین یکی از برجسته‌ترین جنبه‌های جنگ شهرها، جنبه انتقامی آن است.

۴. یکی دیگر از برجستگی‌های جمهوری اسلامی ایران در طول تاریخ جنگ، اعزام گسترده نیروهای انسانی کارآمد و به کارگیری آن‌ها در مقابله با نیروهای عراقی در مقاطعی خاص است. از آن جا که عراق از نظر

۲. ناتوانی و ضعف عراق از برخورد با ایران در جنگ زمینی و در میدان رزم؛ جنگ شهرها در این مفهوم بعد از عملیات بزرگ خیبر شروع شد. در کتاب "از خرمشهر تا فاو" در این مورد چنین آمده است: «در واقع دشمن هدفی را که از به راه‌اندازی جنگ نفت‌کش‌ها در خلیج فارس (از نظر اقتصادی) داشت، با تهاجم به شهرهای غیرنظامی به نیت به زانو در آوردن جمهوری اسلامی از طریق برانگیختن مردم دنبال نمود، در مقطع یاد شده (جنگ بدر) انتقال از رزم زمینی به هوا در مناطق مسکونی، نمایان‌گر شکل جدیدی در جنگ بود. رویارویی با دشمن در ابعاد جدید طبعاً به حضور فعال مردم در صحنه و افزایش روحیه مقاومت در آن‌ها نیازمند بود و از سوی دیگر ضرورت مقابله به مثل را ایجاد می‌کرد؛ بدین ترتیب، تدبیر مقابله به مثل با پرتاب موشک به عمق شهرهای عراق آغاز شد. به کارگیری موشک، به منزله ورود عنصری جدید در معادله جنگ محسوب می‌شد.»

دو عملیات خیبر و بدر علاوه بر آن که نمایان‌گر ابتکار جنگی ایران بود، نشان داد که ایران توانسته است، ضمن تعیین منطقه نبرد و جنگ در این مناطق، بخشی از آن‌ها را تصرف کرده و از مواضع جدید خود دفاع نماید. در این شرایط نیروهای عراق با انجام ضدحمله‌های پرتلفات روحیه‌ی خود را بیش از گذشته از دست می‌دادند و در پایان نیز بدون دستیابی به موفقیت کامل، برتری زمینی ایران را می‌پذیرفتند. در چنین وضعیتی در حالی که عراق دارای سیستم‌های تسلیحاتی برتری بود و برای تهیه نیروی بیش‌تر نیز اقدام به سربازگیری گسترده کرده بود، روحیه‌ی نیروهای این کشور بسیار ضعیف به نظر می‌رسید و مهم‌ترین عامل آن ناتوانی این نیروها در مقابله با نیروهای ایرانی، غافل‌گیری و عدم آگاهی آن‌ها از استراتژی جدید ایران بود. در این عملیات‌ها تقریباً اسرای عراق سه برابر بیش‌تر از ایرانی‌ها بودند و در مقابل جمهوری اسلامی ایران بر تعهد و ایمان برتر نیروهایش تکیه داشت و همیشه در صدد تقویت و بالا بردن روحیه نیروهای خود بود. این موضوع در

مراحل تاریخی جنگ شهرها

آغاز جنگ شهرها به عنوان یک استراتژی نظامی، سیاسی و با هدف اعمال شدید فشارهای روانی در جهت وادار کردن ایران به تسلیم برای نشستن به پای میز مذاکره و پذیرش صلح و پایان دادن به جنگ ایران و عراق، به صورت جنگی دو جانبه از ۲۳ بهمن ۱۳۶۳ یا به عبارت دقیق‌تر از سوم اسفند ۱۳۶۳ و همزمان با عملیات بدر (فوریه ۱۹۸۴) آغاز شد. جنگ شهرها به همین شکل و با افت و خیزهای تقریبی تا پایان جنگ ایران و عراق و برقراری آتش‌بس ادامه یافت. جنگ شهرها در این مقطع مراحل چندانی را با توجه به مقتضیات و شرایط زمانی و برخوردی طرفین جنگ، به ویژه عراق، پشت سر گذاشت. این مراحل عبارت است از:

۱. مرحله اول ۱۳۶۳ و ۱۳۶۴: این مرحله از اسفند ۱۳۶۳ شمسی آغاز شد و تا هفدهم فروردین ۱۳۶۴، یعنی به مدت یک ماه و نیم ادامه یافت. در این مدت ۲۹ شهر و چندین روستای ایران ۱۱۸ بار مورد اصابت بمب‌ها و موشک‌های عراقی قرار گرفت و حاصل آن ۱۲۲۷ نفر شهید و ۴۶۸۲ نفر زخمی بود. حمله‌های هواپیماهای عراق به تهران در اسفند ۱۳۶۳ به تغییر رویه ایران منجر شد. گرچه حمله‌های عراق به شهرهای ایران به ویژه شهرهای مرزی از ابتدای جنگ انجام می‌شد، اما حمله به تهران اوضاع را پیچیده‌تر کرد؛ بر همین اساس، نخستین موشک ایران در تاریخ ۲۳ اسفند و همزمان با عملیات بدر و در حالی که عراق موج جدیدی از حملات به شهرها و تهران را از سر گرفته بود، به بانک «رافدین» در بغداد اصابت کرد. عراقی‌ها از این حمله غافل‌گیر شدند و یک مقام بلندپایه عراق در مکالمه تلفنی با یک خبرنگار آمریکایی حمله موشکی ایران به بغداد را تکذیب کرد و گفت: «خراب‌کاران ایرانی یک بمب در داخل ساختمان بانک کار گذاشته بودند که به ساختمان آسیب رساند ولی کسی را زخمی نکرد». حتی سخنگوی وزارت خارجه آمریکا در واشنگتن نیز گفت: «ما چنین برداشت می‌کنیم

کیفیت نیروی انسانی نسبت به ایران در ضعف شدید قرار داشت، بنابراین سعی می‌کرد از هر وسیله‌ای برای جلوگیری از اعزام گسترده نیروهای بسیج به جبهه‌های نبرد جلوگیری نماید. یکی از وسایلی که در این جهت به کار گرفته شد، استراتژی "جنگ شهرها" بود. بر این اساس هرگاه سخن از اعزام گسترده نیروهای تازه نفس به میان می‌آمد، دشمن با بمباران‌های هوایی و جنگ شهرها در این امر اختلال ایجاد می‌کرد.

۵. یکی از خصوصیت‌های جنگ شهرها در این دوره که تا پایان جنگ نیز ادامه یافت، گستردگی، وسعت، شدت و حدت آن بود. هر چند جنگ شهرها به صورت حملاتی هوایی و بمباران‌های یک‌جانبه از سوی عراق در طول جنگ چندین بار ادامه داشته است، ولی در این مقطع، شدت، حدت، وسعت و گسترش خاصی پیدا کرد، به گونه‌ای که مثلاً به مدت دو روز، شش فروند موشک از سوی عراق به طرف شهرهای اندیمشک، مسجد سلیمان و بهبهان پرتاب شد و در همین دو روز هواپیماهای جنگنده بمب‌افکن عراقی، شهرهای اسلام‌آباد غرب،

گیلان‌غرب، آبادان و خرمشهر را بمباران کردند که سنگین‌ترین تلفات و خسارات جنگ شهرها و حملات هوایی را از آغاز جنگ تا این تاریخ در پی داشت.

۵. یکی دیگر از خصوصیات جنگ شهرها در این دوره، به کارگیری موشک برای اولین بار در جنگ ایران و عراق بود که به منزله‌ی عنصر جدیدی در معادله جنگ مطرح شد. بنابر آن چه گذشت، از این دیدگاه نیز جنگ شهرها در اوایل اسفند ماه ۱۳۶۳ شروع شد و به حرکت و جریانی که کاملاً هدف‌دار، استراتژیک، تمام عیار و دو جانبه بود، تبدیل گردید.

مرحله اول جنگ شهرها از اسفند ۱۳۶۳ آغاز شد و تا هفدهم فروردین ۱۳۶۴ به مدت یک ماه و نیم ادامه یافت. در این مدت ۲۹ شهر و چندین روستای ایران ۱۱۸ بار مورد اصابت بمب‌ها و موشک‌های عراقی قرار گرفت و حاصل آن ۱۲۲۷ نفر شهید و ۴۶۸۲ نفر زخمی بود



بمباران مناطق مسکونی در خیابان شوش تهران - جستجوی مردم و نیروهای امدادی (۱۳۶۶/۱۲/۲۹)

که انفجار بغداد انفجاری داخلی بوده است، نه یک بمباران». مطبوعات کویت نیز نوشتند: «پرتاب موشک به بغداد فقط یک ادعاست».

۲. مرحله دوم خرداد ۱۳۶۴: این مرحله از پنج خرداد تا بیست و چهار خرداد ۱۳۶۴ ادامه یافت و طی آن ۲۷ شهر و چندین روستا، ۱۰۵ بار مورد اصابت قرار گرفت، که تلفات آن شامل ۵۷۰ نفر شهید و ۱۳۳۲ نفر زخمی بود. پس از این اقدام مقابله به مثل ایران، دبیرکل وقت سازمان ملل متحد

یادآوری است که در این مدت هشت موشک نیز از سوی ایران به شهر بغداد شلیک شد. به علاوه در این مرحله به مدت دو روز یعنی روزهای ۲۷ و ۲۸ بهمن جنگ شهرها متوقف گردید. بعد از این مرحله، قطع دو هفته‌ای جنگ شهرها از سوی صدام حسین اعلام گردید. در تاریخ ده اسفند، بیانیه دبیرکل سازمان ملل متحد در مورد توقف جنگ شهرها صادر گردید. ریاست جمهوری اسلامی ایران در پیام نوروزی خود در سال ۱۳۶۶ در مورد این مرحله از جنگ شهرها گفت: «جنگ شهرها و بمباران وحشیانه‌ی وسیع‌تر با این که سابقه داشت، هرگز به وسعت و به سیاهی و دهشت‌باری سال گذشته نبود... مردم عمق دشمنی و خصومت دشمنان را حس کردند و جبهه جنگ به اعماق شهرها کشیده شد». البته علی‌رغم درخواست‌های مکرر جمهوری اسلامی ایران و برخی از مجامع و دولت‌ها در سراسر جهان و نیز بیانیه دبیرکل سازمان ملل متحد جنگ شهرها بعد از این مرحله از تاریخ ۱۸ آبان ۱۳۶۶ مجدداً به صورت منقطع آغاز شد.

۴. مرحله چهارم بهار و تابستان ۱۳۶۶: این مرحله در تاریخ هجده فروردین ۱۳۶۶ و همزمان با عملیات

در پیامی از دولت‌های ایران و عراق درخواست کرد تا از حمله به مناطق مسکونی در خاک یکدیگر خودداری کنند. ایران بر مبنای سیاست خود در خودداری از گسترش جنگ در مناطق غیرنظامی و برای رعایت حقوق انسان دوستانه، به تقاضای دبیرکل وقت پاسخ مثبت داد و رژیم عراق نیز بر اثر فشار افکار عمومی جهان در ظاهر موافقت خود را اعلام کرد و بدین ترتیب توافق دوازده ژوئن ۱۹۸۴ (۲۲ خرداد ۱۳۶۳) شکل گرفت. به دنبال این توافق بنابر تقاضای دبیرکل شورای امنیت سازمان ملل قرار شد تا هیئت‌های ناظر آن سازمان برای نظارت بر اجرای مفاد این توافق در تهران و بغداد مستقر شوند.

۳. مرحله سوم زمستان ۱۳۶۵: این مرحله مقارن عملیات‌های کربلای چهار و پنج آغاز شد و تا ساعت دوازده روز پنجشنبه ۳۰ بهمن ۱۳۶۵ به مدت ۴۲ روز ادامه یافت. در این مرحله ۶۶ شهر، بخش و تعدادی روستا مورد حمله موشکی و هوایی قرار گرفت. تعداد بمباران‌ها ۲۳۶ بار و تعداد موشک‌های شلیک شده عراقی ۲۸ فروند بود. آمار شهید ۳۰۵۰ نفر و آمار زخمی‌ها ۱۱۶۳ نفر در این دوره می‌باشد. لازم به

جماهیر شوروی از شورای امنیت درخواست کرد که برای جلوگیری از جنگ اقدام کند. این مرحله از جنگ شهرها در روز ۲۲ اسفند ۱۳۶۶ یک روز متوقف شد. اما با شدت بیشتری در تاریخی ۲۳ اسفند دوباره آغاز شد و تا ۱۱ فروردین ۱۳۶۷ ادامه یافت. در تاریخ ۱۵ فروردین نیز دبیرکل سازمان ملل متحد از ایران و عراق خواست که از ادامه و از سرگیری جنگ شهرها خودداری کنند. لازم به یادآوری است که قطع جنگ شهرها در این مرحله از سوی عراق و به خاطر دیدار نخست وزیر ترکیه از آن کشور صورت گرفت.

۷. مرحله پایانی جنگ شهرها: آخرین مرحله از جنگ شهرها در تاریخ ۲۱ فروردین ۱۳۶۷ از سوی عراق شروع شد و تا تاریخ ۳۱ فروردین ۱۳۶۷ (۲۰ آوریل ۱۹۸۸) ادامه یافت. عراق در اول اردیبهشت (۲۱ آوریل) آتش بس یک جانبه‌ای را ظاهراً به اصرار مجاهدین خلق اعلام کرد و بدین سان جنگ شهرها به مفهوم خاص آن، پایان یافت.

لازم به یادآوری است که آخرین حمله عراق مقارن ساعت یازده و بیست دقیقه روز ۱۴ اردیبهشت ۱۳۶۷ به حریم هوایی شیراز، پالایشگاه و پتروشیمی این شهر صورت گرفت ولی با توجه به اعلام قطعی پایان جنگ شهرها در تاریخ یک اردیبهشت این مورد مرحله‌ای جدید در جنگ شهرها محسوب نشد. رادیو اسرائیل طی گزارش مفصلی در مورد این حمله گفت: «مقامات آگاه بغداد به طور غیررسمی می‌گویند که بمباران‌های امروز را نباید تجدید جنگ شهرها تلقی کرد؛ زیرا هدف‌های بمباران شده تأسیسات اقتصادی بوده که آتش بس در جنگ شهرها این تأسیسات را شامل نمی‌گردد». خبرگزاری تانیوگ نیز در گزارش خبرنگار خود از بغداد گفت: «تعیین قطعی نیت عراق برای آغاز مجدد جنگ شهرها با استناد به بیانه نظامی آن کشور در مورد حمله به پالایشگاه و مجتمع پتروشیمی شیراز امری غیرممکن است»

اهداف و مقاصد جنگ شهرها

علی‌رغم این که در حقوق بین‌الملل، گلوله‌باران و

کربلای ۸ شروع شد و به ویژه در طول عملیات‌های کربلای ۹، ۱۰ و فتح ۵ الی ۷ و نصر ۱ تا ۴ ادامه یافت. در این مرحله جنگ شهرها به داخل خاک کردستان عراق نیز کشیده شد و نظامیان عراق، مردم در حال قیام شهرهای موصل، سید صادق و ... را با حملات هوایی به خاک و خون کشیدند. همچنین در این مرحله جنگ نفت‌کش‌ها و جنگ شیمیایی به اوج خود رسید. این مرحله از جنگ شهرها به صورت مقطعی و غیریکپوخت تا اوایل شهریور ۱۳۶۶ ادامه یافت.

۵. مرحله پنجم پاییز ۱۳۶۶: این مرحله از جنگ شهرها در تاریخ ۱۸ شهریور ۱۳۶۶ و در آستانه سفر دکوئیر دبیرکل سازمان ملل متحد به تهران و در واقع برای وادار کردن ایران به پذیرش قطع‌نامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد شروع شد و با شدت و حدت بیشتری نسبت به مراحل سابق ادامه یافت. شاید بتوان پایان این مرحله از جنگ شهرها را حملات هواپیماهای عراقی به نیروگاه بوشهر در تاریخ ۲۷ آبان ۱۳۶۶ دانست. از این زمان تا اوائل اسفند ماه ۱۳۶۶، جنگ شهرها از شدت چندان برخوردار نبود.

۶. مرحله ششم اسفند ۱۳۶۶ و فرودین ۱۳۶۷: مرحله ششم جنگ شهرها در تاریخ ۸ اسفند ۱۳۶۶ و با بمباران شدید شهر تهران و حومه آن شروع شد. در تاریخ ۱۰ اسفند ایران با پرتاب موشک به بغداد به بمباران‌های شدید عراق پاسخ داد و یک روز بعد از آن، یعنی روز یازده اسفند عراق نیز حملات موشکی خود را به تهران شروع کرد. در تاریخ ۱۸ اسفند شدت جنگ شهرها در این مرحله به حدی بود که اتحاد

نخستین موشک ایران در تاریخ ۲۳ اسفند ۱۳۶۳ و همزمان با عملیات بدر و در حالی که عراق موج جدیدی از حملات به شهرها و تهران را از سر گرفته بود، به بانک «رافدین» در بغداد اصابت کرد

از به کارگیری استراتژی جنگ شهرها و حملات هوایی و هم گام و هم راه با آن جنگ نفتکش ها، تلاش این رژیم در جهت کشاندن پای قدرت های بزرگ در جنگ بود. هر چند این موضوع بیش تر در مورد جنگ شهرها در حاشیه خلیج فارس و جزایر آن و نیز جنگ نفتکش ها صدق می کند ولی در برخی مقاطع آغاز جنگ شهرها وسیله ای برای مداخله سایر قدرت ها ارزیابی می شود. جیمز بیل در این زمینه می نویسد: «صدام حسین همواره در صدد بود قدرت های بزرگ خارجی به خصوص ایالات متحده را درگیر جنگ سازد. با فرار رسیدن سال ۱۹۸۸ (دی ۱۳۶۶) صدام تا اندازه ای موفق شد به این هدف برسد. جنگ شهرها در سال ۱۹۸۸ وسیع تر و مخرب تر از جنگ شهرها در سال ۱۹۸۵ (۱۳۶۴) بود؛ لیکن عراق نتوانست موضع ایران در مورد جنگ را به طور بنیادی تغییر دهد.

مرحله دوم جنگ شهرها از پنج خرداد تا بیست و چهار خرداد ۱۳۶۴ ادامه یافت و طی آن ۲۷ شهر و چندین روستا، ۱۰۵ بار مورد اصابت قرار گرفت، که تلفات آن شامل ۵۷۰ نفر شهید و ۱۳۳۲ نفر زخمی بود

۳. تلاش در جهت خنثی نمودن عملیات های رزمی ایران و یا جبران شکست: یکی از مهم ترین اهداف عراق در جنگ شهرها، سعی این کشور در جهت خنثی کردن عملیات های موفقیت آمیز ایران یا جبران ضعف و شکست ارتش عراق بود. این موضوع به ویژه در مراحل اول، دوم و سوم جنگ شهرها، آشکارا دیده می شود.

۴. کاهش توان اقتصادی کشور: یکی دیگر از اهداف عراق در شروع و ادامه جنگ شهرها که نه تنها در مناطق مسکونی شهرها بلکه در مناطق اقتصادی نظیر پالایشگاه های نفت و کارخانه ها صورت گرفت، پایین آوردن توان اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بود. جنگ شهرها همچنین به طور غیرمستقیم با بی کار کردن مردم، ایجاد ترس و دلهره و نیز از کار انداختن نیروگاه های برق، خاموشی های مکرر و ... ارتباط

بمباران مناطق مسکونی ممنوع شده است، رژیم عراق از آن به عنوان یک سیاست و استراتژی نظامی و در جهت تحقق اهدافی چند از این رفتار بهره گرفته است. به عنوان مثال در کیفرخواست منشور نورنبرگ و دادگاه توکیو به طور صریح ارتکاب جرائم علیه افراد غیرنظامی، به عنوان جنایات جنگی ذکر گردیده است. مصوبات و تصمیمات دادگاه های نورنبرگ و توکیو در سال ۱۹۸۵ میلادی در کمیسیون حقوق بین الملل مورد تایید قرار گرفت. این موضوع به کرات در کنوانسیون های بین المللی و از طریق قطع نامه ها، اعلامیه ها و پروتکل ها مطرح گردیده است که برخی از این موارد عبارتند از: اعلامیه های لاهه مورخ ۲۹ ژوئیه ۱۸۹۹ و ۲۸ اکتبر ۱۹۰۷، قطع نامه کمیسیون عمومی کنفرانس خلع سلاح جامعه ملل (۱۹۳۲) و قطع نامه این جامعه (۳۰ سپتامبر ۱۹۸۰)، کنوانسیون چهارم ژنو (۱۲ اوت ۱۹۶۹) و پروتکل های الحاقی ۱۹۷۷ و قطع نامه های مجمع عمومی سازمان ملل متحد.

۱. تضعیف اراده مردمی: مهم ترین هدف رژیم عراق از بکارگیری این استراتژی، پایین آوردن روحیه ی ملی مردم ایران و در نتیجه ضعیف ساختن اراده آن ها بوده است. این موضوع به کرات در گفته ها و سخنان رهبران عراقی آمده است. به علاوه جنگ شهرها خود به عنوان نوعی جنگ روانی، نه تنها با سایر ابعاد جنگ های روانی نظیر پخش شایعات و اخبار دروغین، هیاهو و جنجال و جاسوسی هماهنگی دارد؛ بلکه تأثیرات آن به مراتب بیش تر و شدیدتر می باشد. به همین جهت دیده می شود که عراق در روزهای تاریخی و سرنوشت ساز برای مردم ایران، اقدام به بمباران و شلیک موشک به شهرها می کند. برای نمونه راه پیمایی پرشکوه روز جهانی قدس در تاریخ ۲۴ خرداد ۱۳۶۶ از مواردی است که در زیر حملات شدید هوایی دشمن انجام گرفت.

۲. تلاش در جهت درگیر ساختن قدرت های بزرگ در جنگ ایران و عراق: یکی دیگر از اهداف رژیم عراق



بمباران میدان ونک تهران (۱۳۶۷/۱/۶)

داشت و باعث افت جریان کار و در نتیجه کاهش تولید و خدمات می‌شد. به همین دلیل خبرگزاری آسوشیتدپرس در گزارشی اعلام کرد: «بمباران هدف‌های استراتژیک و صنعتی ایران توسط عراق فشار و تنگناهای اقتصادی را تشدید کرده است.»

۵. تلاش در جهت وادار کردن ایران برای مذاکره و پایان دادن به جنگ: مهم‌ترین و اساسی‌ترین هدف عراق در جنگ شهرها و اصولاً اینکه بمباران‌های هوایی را تبدیل

به یک جنگ تمام عیار غیرجبهه‌ای جنگ شهرها نمود، تلاش در جهت جلوگیری از پیشروی‌های نیروهای ایرانی در جنگ زمینی و در نتیجه کوشش برای این بود که ایران در اثر فشار روانی جنگ شهرها و آثار و تبعات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آن در برابر

خواست عراق مبنی بر پایان دادن به جنگ ایستادگی نکند و حاضر به مذاکره برای آتش‌بس و پایان جنگ گردد. در این شرایط و با توجه به این هدف جنگ شهرها دقیقاً در مرحله حساسی از جنگ یعنی در اواخر زمستان ۱۳۶۲ (فوریه ۱۹۸۴) به عنوان یک استراتژی آغاز می‌شود. هر چند ایران علی‌رغم خسارت و تلفات سنگین جنگ شهرها توانست در برابر متجاوز بایستد و از آشتی با متجاوز بر اساس شرایطی که کشور متجاوز تعیین کرده بود، خودداری نماید، اما به طور کلی در چهار سال دوم جنگ، شعار صلح‌طلبی، با ابزار جنگ شهرها حمایت و پشتیبانی می‌شد.

۶. کاهش اعزام و حرکت نیروهای مردمی به جبهه‌های جنگ: یکی دیگر از اهداف دشمن در جنگ شهرها به ویژه در مرحله سوم آن کاهش حرکت نیروهای

۷. تشدید جنبه فرسایشی جنگ: در صورتی که توان ایران و عراق با ادامه جنگ شهرها تحلیل می‌رفت، تز کسینجر مبنی بر بازنده ماندن طرفین جنگ و ایجاد حالت فرسایشی در آن به واقعیت نزدیک می‌شد. در چنین شرایطی جنگ بدون طرف پیروزی به پایان خود نزدیک می‌شد. این مسئله در مراحل پایانی جنگ شهرها به شدت مورد توجه قدرت‌های بزرگ بود.

۸. جنگ شهرها اهرم قدرت‌های بزرگ: قدرت‌های بزرگ به منظور افزایش میزان نفوذ خود بر جنگ و یا تحت تأثیر قرار دادن اقدامات قدرت دیگر، از اهرم‌های متعددی استفاده می‌کردند؛ یکی از این اهرم‌ها به صورت عینی و عملی در جنگ شهرها ظهور می‌یافت؛ به عنوان مثال شوروی برای خنثی نمودن تلاش‌های صلح سازمان ملل که به ابتکار غرب آغاز می‌شود، عراق را تشویق به آغاز جنگ شهرها می‌کرد. ورود موشک‌های ساخت

جنگ شهرها به روایت آمار

در شش ماه آغازین جنگ در سال هزار و سیصد و پنجاه و نه، ۴۱۳ بار به شهرهای ایران حمله شد. این تعداد حملات در سالهای بعدی به شرح زیر است: ۵۷۱ بار هزار و سیصد و شصت، ۴۷۶ بار هزار و سیصد و شصت و یک، ۲۶۰ بار هزار و سیصد و شصت و دو، ۲۴۶ بار هزار و سیصد و شصت و سه، ۷۹۰ بار هزار و سیصد و شصت و چهار، ۹۶۲ بار هزار و سیصد و شصت و پنج، ۷۴۵ بار هزار و سیصد و شصت و شش و ۵ ماه پایانی جنگ هزار و سیصد و شصت و هفت ۳۰۶ بار. در کل ۴۷۶۹ بار شهرهای ایران توسط هواپیماهای عراقی بمباران یا موشکباران و گلولهباران شدند. از آغاز

تا پایان جنگ شهرها بالغ بر ۱۲۷ شهر (به علاوه جزایر جنوبی کشور) مورد تهاجم قرار گرفتند. در بین این شهرها آبادان با ۱۰۱۷ بار، بیش از همه مورد تهاجم واقع شد که در واقع این تعداد معادل ۲۱/۳ درصد از کل مجموع حملات به کلیه شهرهای کشور

است. شهر اهواز با ۳۱۶ بار حمله و ۶/۶ درصد از کل حملات به شهرها در درجه دوم قرار گرفته و سپس دزفول ۲۴۱ تهاجم یا ۵/۱ درصد از کل حملات را تحمل نموده است. برخی دیگر از شهرهای ایران به ترتیب زیر هدف حملات هوایی قرار گرفتند.

اراک ۵۷ بار، ارومیه ۷۷ بار، اسلامآباد غرب ۱۱۲ بار، اصفهان ۱۹ بار، اندیمشک ۵۲ بار، بانه ۷۶ بار، بروجرد ۵۱ بار، بوشهر ۴۲ بار، پاوه ۳۵ بار، پیرانشهر ۷۸ بار، تبریز

شوروی در مراحل پایانی جنگ، اقدام دیگری از سوی شوروی بود که نشان می داد این کشور (شوروی) مایل است با پیچیده تر ساختن جنگ و در اختیار گرفتن ابزار این پیچیدگی، میزان نفوذ خود را در به پایان رساندن این مناقشه افزایش دهد.

۹. افزایش زمینه های مداخله در جنگ ایران و عراق: با شروع جنگ شهرها و گسترش دامنه جنگ به مناطق غیرنظامی عملاً زمینه برای مداخله سازمان های بین المللی و قدرت های بزرگ فراهم تر از گذشته می شد؛ پس جنگ شهرها را از این جنبه نیز می توان مورد ارزیابی قرار داد. لازم به یادآوری است که برخی از این اهداف از سوی عراق و برخی از سوی غرب اعمال می شد، هر چند، عمده آنها مورد تایید هر دو بود.

عوامل عقب نشینی عراق در هر مرحله از جنگ شهرها

سه عامل اصلی باعث عقب نشینی عراق از حملاتش به شهرهای ایران شد:

۱. پدافند هوایی پیشرفته و قدرتمند ایران که مانع از نفوذ هواپیماهای جنگی عراق به داخل مرزهای ایران بود.
۲. خلبانان ماهر ایرانی که در ضد حملات، حداکثر تلفات و خسارت را به شهرهای عراق وارد می آوردند.
۳. نزدیک بودن شهرهای مهم و استراتژیک عراق به نوار مرزی با ایران و دور بودن شهرهای مهم ایران از مرز مشترک، به عنوان مثال شهر بغداد که مهم ترین شهر سیاسی عراق به شمار می رفت تنها صد و پنجاه کیلومتر تا خاک ایران فاصله داشت. این در حالی است که تهران که دارای اهمیتی مشابه بود در فاصله ششصد کیلومتری از مرز عراق قرار داشت. این بدان معنی بود که مهم ترین شهرهای ایران خارج از برد سیصد کیلومتری موشکهای اسکاد عراق قرار داشتند. در حالی که بسیاری از شهرهای عراق در تیررس گلوله های توپخانه ای ایران بودند. با خرید همین موشک توسط ایران از کره شمالی، وضعیت برای عراق نیز بدتر شد و صدام حسین ترجیح داد حملاتش را به شهرهای ایران پایان دهد.

مرحله سوم جنگ شهرها مقارن

عملیات های کربلای چهار و پنج آغاز شد و تا ۳۰ بهمن ۱۳۶۵ به مدت ۴۲ روز ادامه یافت. در این مرحله ۶۶ شهر، بخش و روستا مورد حمله موشکی و هوایی قرار گرفت. تعداد بمباران ها ۲۳۶ بار و تعداد موشک های شلیک شده ۲۸ فروند بود. تعداد شهدا ۳۰۵۰ و زخمی ها ۱۱۱۶۳ نفر می باشد. در این مدت هشت موشک نیز از سوی ایران به شهر بغداد شلیک شد

نماز جمعه تهران، اعلام کرد که از حمله به شهرهای عراق به عنوان عمل متقابل اکراه داشته و از هرگونه تلاشی برای اجرای توافق ۱۲ ژوئن حمایت می‌کند و در صورت خودداری عراق از انجام آن، از اقدام متقابل خودداری خواهد کرد. البته عراق برای پایان دادن به جنگ شهرها، شروطی را مطرح کرد که بسیار نامربوط و متزلزل بودند و راه از سرگیری آن را برای خود باز می‌گذاشت. در شرایط پیشنهادی عراق برای پایان دادن به حمله‌ها، مسئله‌ی بمب‌باران شهرها به همه جنگ مرتبط شده و هیچ‌گونه تمایزی بین این‌گونه اعمال غیرقانونی و انسانی با اقدام دفاع مشروع در جبهه‌های نبرد، مشاهده نمی‌شد و بارها درخواست عراق پایان دادن به کل جنگ و نه فقط آتش‌بس در جنگ شهرها بود.

در نهایت براساس حقوق بین‌الملل، اقدامات غیرانسانی رژیم بعثی عراق در آن سال‌ها می‌بایستی بی‌درنگ در سال ۱۳۵۹ توسط شورای امنیت سازمان ملل پی‌گیری و صدام به عنوان نقض‌کننده صلح بین‌الملل تنبیه می‌شد. اما حتی پس از صدور قطع‌نامه ۵۹۸ و اعلام خاویر پرز دکوئیار دبیرکل وقت سازمان ملل مبنی بر متجاوز بودن دولت عراق، پرونده این تجاوز عملاً تا سقوط صدام و دستگیری و محاکمه و اعدام وی مسکوت ماند.

منابع

۱. ویژه نامه خبرگزاری فارس در هفته دفاع مقدس، ۱۳۸۷
۲. ماهنامه امتداد مهرماه ۱۳۸۸ شماره ۴۶ صفحه ۴۱
۳. بازخوانی یک پرونده تاریخی: "جنگ شهرها"، فتح غلامی
۴. جنگ شهرها، حمیرا حیدریان، روزنامه ایران، ۱۳۸۵/۱۲/۸
۵. نگاهی به آغاز تهاجم عراق به ایران، خبرگزاری مهر، ۱۳۸۲/۷/۳
۶. حمله به مناطق مسکونی و افراد غیر نظامی، «ششمین مقاله ارائه شده به دبیرخانه کنفرانس بین‌المللی تجاوز و دفاع»، صفت الله طاهری شمیرانی، ۱۳۶۷/۵/۱۷

۷۶ بار، تهران ۹۲ بار، خرم‌آباد ۱۴۰ بار، خرمشهر ۱۲۸ بار، جزایر مختلف خلیج فارس ۱۹۵ بار، زنجان ۳۲ بار، سرپل ذهاب ۶۷ بار، سردشت ۹۹ بار، سنندج ۶۱ بار، قم ۶۷ بار، گیلانغرب ۸۳ بار، مریوان ۱۱۷ بار، همدان ۱۰۹ بار، ایلام ۱۷۷ بار، میاندوآب ۱۰ بار و نهاوند ۴۴ بار.

تعداد شهدا و زخمی‌ها برخی از شهرها در اثر حملات هوایی به شرح زیر است: آبادان ۵۰۷۳ نفر، اراک ۸۹۵ نفر، ارومیه ۱۸۲۷ نفر، اسلام‌آباد غرب ۱۲۰۳ نفر، اصفهان ۱۶۵۰ نفر، اندیمشک ۲۴۸۴ نفر، اهواز ۸۲۵۳ نفر، بانه ۱۲۷۰ نفر، بروجرد ۱۹۲۲ نفر، بهبهان ۱۵۳۵ نفر، پاهو ۶۹۶ نفر، پیرانشهر ۱۰۲۶ نفر، تبریز ۹۰۵ نفر، تهران ۲۵۹۷ نفر، خرم‌آباد ۲۳۵۴ نفر، دزفول ۵۳۲۶ نفر، سردشت ۱۴۴۴ نفر، سنندج ۱۴۴۶ نفر، شیراز ۸۵۸ نفر، قم ۱۸۴۱ نفر، کرمانشاه

۶۰۸۰ نفر، گیلانغرب ۷۲۵ نفر، مریوان ۱۲۶۹ نفر، مسجدسلیمان ۱۸۰۳ نفر، میانه ۷۶۸ نفر و ایلام ۳۳۳۴ نفر.

به طور کلی ۷۶۸۷۳ نفر در اثر حملات هوایی عراق به شهرهای مختلف به شهادت رسیده و یا زخمی شدند. در حملات هوایی، مراکز مسکونی، صنعتی،

حمل و نقل، دولتی،

سیاسی، خدماتی، درمانی، آموزشی، مراکز ارتباطات رسانه‌ای، مراکز کشاورزی و دامداری، مراکز مذهبی و فرهنگی هدف قرار می‌گرفتند. ۶۳ درصد حملات هوایی توسط هواپیما، ۴/۹ درصد توسط موشک، ۳۱/۹ درصد توسط توپ‌خانه انجام می‌شد.

ایران همواره خواستار اقدام بین‌المللی برای توقف حمله به مناطق مسکونی بود و در همه مراحل جنگ شهرها، بارها در مجامع بین‌المللی و همچنین در مراسم

مرحله چهارم جنگ شهرها در تاریخ هجده فروردین ۱۳۶۶ و همزمان با عملیات کربلای ۸ شروع شد و به ویژه در طول عملیات‌های کربلای ۹، ۱۰ و فتح ۵ الی ۷ و نصر ۱ تا ۴ ادامه یافت و به صورت مقطعی و غیر یکنواخت تا اوایل شهریور ۱۳۶۶ ادامه پیدا کرد

حُجَر اَرْدِسْتَانِي*

[illegible]

پس از انقلاب اسلامی، جنگ ایران و عراق مهم‌ترین رویدادی بود که تاریخ تحولات سیاسی - اجتماعی ایران قرن بیستم را با آن به پایان برد. این جنگ در حالی آخرین جنگ فرسایشی قرن بیستم نامیده می‌شود که برخی آن را نخستین جنگ بزرگ جهان سوم دانسته‌اند^(۱)؛ رویدادی که خسارت آن برای

* کارشناس ارشد علوم سیاسی از دانشگاه تهران



سخنرانی صدام حسین بعد از عملیات والفجر ۸ و فتح فاو

ایران در آغاز جنگ کشوری بود که هنوز پس‌لرزه‌های وسیع انقلاب اسلامی را تحمل و ذیل رهبری کاریزما و پرقدرت، به تدریج فرماسیون‌های جدید^۱ سیاسی را یکی پس از دیگری سپری می‌کرد و سعی در نهادینه کردن ارزش‌های اسلامی انقلاب داشت. چه بسا همین وضعیّت پسا انقلابی، کاتالیزور و انگیزه‌ای برای اجرایی کردن اهداف داخلی و منطقه‌ای صدام شد و سبب گردید که وی بر اساس تلقی و بر آوردی اشتباه از مقاومت مردمی و قدرت ملی ایران، حمله به سوی مرزها را آغاز کند.

با آغاز تجاوز عراق به ایران و به موازات درگیرها در حوزه‌ی نظامی، عرصه‌ی دیپلماسی و سیاسی کشور با جنگی تمام عیار مواجه شد و این دستگاه کم‌تجربه‌ی دیپلماسی بیش از هر چیز در مقابله با صدام و حکومت بعث خود را با مواضع و انگاره‌های رهبری انقلاب هماهنگ کرد یا به عبارت دیگر، این جهان‌بینی و دیدگاه‌های امام خمینی بود که ارکان مختلف دستگاه

سیاست خارجی ما را تحت تأثیر قرار داد، از این رو، بررسی مواضع و دیدگاه‌های ایشان در دوران دفاع مقدس درباره‌ی صدام و حزب بعث اهمیت بسزایی دارد. به بیان دیگر، اساساً فهم سیاست خارجی ایران در دهه‌ی اوّل انقلاب، بدون درک اندیشه‌های امام خمینی ناممکن است.

مواضع و رویکردهای امام خمینی در برابر صدام و حزب بعث چیزی جدا از هستی‌شناسی اسلامی - عرفانی ایشان نیست و به زعم نگارنده نقدها و حملات ایشان به این دو مقوله (صدام و حزب بعث) نیز چنین است. این مواضع دو بخش است؛ اوّل نقدهایی که معطوف به شخصیت، ماهیت و جهان‌بینی یا همان حوزه‌ی ذهنی است و دوّم واکنش‌هایی که

به کنش‌های صدام و حزب بعث در میدان نبرد یا به تعبیری حوزه‌ی عینی نشان داده شده است. در بخش اوّل عناصر و مؤلفه‌های هویتی و ماهیتی صدام مانند پان‌عریسم، اسلام‌ستیزی، عدم مشروعیت و بعد روانی وی که شامل جنایت‌کاری و جاه‌طلبی است از سایر موارد برجسته می‌شود و در بخش دوّم نیز بر شمردن جنایات جنگی صدام، حامیان وی، دلایل متجاوز بودن حزب بعث و دست آخر پیش‌بینی سرانجام صدام، مورد توجه است. با توجه به آنچه گفته شد، نوشته حاضر حول این سؤال که "بیش‌ترین تمرکز امام خمینی در مواجهه با صدام و حزب بعث در دوران جنگ تحمیلی روی چه متغیرهایی بوده است؟" می‌کوشد مواضع ایشان در برابر صدام و حزب بعث را دسته‌بندی کند.

۱. مجموعه‌ای از شکل‌ها، صوت‌ها و فرم‌ها، که با یکدیگر مناسبت داشته و از نوعی هماهنگی برخوردار باشند.

صدام و حزب بعث؛ ساختار سیاسی، ایدئولوژی و نظام انگیزه‌ها

نظام سیاسی عراق تا قبل از سرنگونی صدام شامل دو بخش بود: حزب بعث و دولت (شورای فرماندهی انقلاب). حزب بعث بر پایه‌ی مبانی نظری همچون پان‌عربیسم، نوسازی اقتصادی و سوسیالیسم بود. بنیانگذار این حزب را میشل عفلق (۱۹۸۹-۱۹۱۰) متولد سوریه و متوفی در پاریس) می‌دانند که به گونه‌ی سکولار ناسیونالیسم عربی قائل بود. عفلق پدر معنوی صدام نیز تلقی می‌شود.^(۳) بر اساس قانون اساسی پیشین عراق برتری سیاسی از لحاظ نظری و عملی با حزب بعث بود. این حزب، اسلام را دین و جنبش عربی می‌دانست که هدفش تجدید و تکامل عربیت است. حزب بعث در سیاست داخلی بر حکومت پارلمانی و نظام اداری غیر متمرکز، در سیاست خارجی بر منافع ناسیونالیسم عربی و در سیاست اقتصادی بر سوسیالیسم و اقتصاد متمرکز مبتنی بود.^(۴)

نظام سیاسی عراق پس از برچیده شدن حکومت سلطنتی در سال ۱۹۵۸ به صورت جمهوری اداره می‌شد و عملاً رئیس‌ان جمهوری این کشور از بدو تشکیل جمهوری از میان نظامیان انتخاب می‌شدند و عراق را به صورت استبدادی اداره می‌کردند. صدام حسین نیز از این قاعده مستثنا نبود. مرجع عالی تصمیم‌گیری در عراق "شورای انقلاب" نام داشت که اعضای آن را رئیس‌جمهور برمی‌گزید و از دستورات وی تبعیت می‌شد.^(۵) با وجود موضع رسمی حکومت بعث و نظر سردمداران این حکومت مبنی بر تصمیم‌گیری جمعی و اعلام مخالفت با ارتقاء فردی افراد، به محض آن که صدام حسین در سال ۱۹۷۹ در مسند ریاست جمهوری قرار گرفت، به تدریج همه‌ی افرادی که با اقتدار انحصاری او مخالفت می‌کردند، از صحنه حذف شدند.

صدام حسین حدود پنج ماه پس از پیروزی

انقلاب اسلامی، رئیس‌جمهور عراق شد و به یکی از مهم‌ترین آرزوهای خود رسید. وی کوشید نظام عراق را به سبکی که خود می‌خواست بنا نهد. مجلس ملی جدید در دسامبر ۱۹۷۹ (آذر ۱۳۵۸) با اعضای کاملاً مطیع منویات انقلاب ۱۹۶۸ تشکیل شد. فرودگاه بغداد نیز به نام صدام نام‌گذاری و روز تولد وی به رویدادی ملی تبدیل شد. همچنین یک خط تلفن برای تماس مردم با وی در نظر گرفته شد. صدام کوشید تا ایدئولوژی حزب بعث را در اذهان مردم، به ویژه زنان و جوانان شکل دهد. انقلاب ایران نشان داده بود مذهب می‌تواند ارزش افراد را بالا ببرد. از این رو، صدام نیز بسان دیگر رهبران حزب کوشید

خود را مذهبی نشان دهد و به همین دلیل در مجامع عمومی عبادت و اغلب از مساجد دیدار می‌کرد. صدام از طریق تبلیغات گسترده خود را مرد خانواده، سرباز، سیاست‌مدار، طرفدار عرب و الگویی برای همه‌ی ابعاد زندگی معرفی می‌کرد.^(۶)

مواضع و رویکردهای امام خمینی نسبت به صدام و حزب بعث چیزی جدا از هستی‌شناسی اسلامی عرفانی ایشان نبوده و نقدها و حملات امام به صدام و حزب بعث نیز از دو مقوله خارج نیست؛ اول نقدهایی که معطوف به شخصیت، ماهیت و جهان بینی یا همان حوزه ذهنی است؛ و دوم، واکنش‌هایی که نسبت به کنش صدام و حزب بعث در صحنه نبرد یا به تعبیری حوزه عینی نشان داده شده است

صدام حسین در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ و پس از تثبیت قدرت خود در عراق، به طور رسمی تجاوز به مرزهای ایران را آغاز کرد. نویسندگان و پژوهش‌گران داخلی و خارجی در خصوص اهداف و انگیزه‌های حمله‌ی صدام به ایران نکاتی را مطرح کرده‌اند که در یک مرور کلی می‌توان به مواردی از جمله: تأمین امنیت مرزهای عراق، تأمین امنیت حکومت بعث در برابر شیعیان و ارزش‌های انقلاب ایران، متلاشی کردن توان نظامی ایران که بر اثر

ساختار سیاسی استبدادی و نقش فرد در قدرت سیاسی عراق، تأکید می‌شود که آگاهی از آن‌ها، در درک بهتر مواضع امام خمینی در برابر صدام و حزب بعث، مؤثر است، زیرا مواضع امام خمینی در برابر صدام و حزب بعثی در حوزه‌ی ذهنی بیشتر حول این مباحث بیان شده است.

الف) امام خمینی و ماهیت صدام و حزب بعث؛ حوزه‌ی ذهنی

۱. عامل شخصیت

در بررسی مواضع امام خمینی در برابر ماهیت یا به تعبیری که در طرح مسئله آمد "حوزه‌ی ذهنی" صدام و حزب بعث، در این تحقیق چهار مدخل بیش از سایر موارد برجسته می‌باشد: موضوع اول تحلیل‌های روان‌شناختی امام خمینی درباره‌ی شخص صدام است. به این معنا که از منظر امام خمینی کنش‌های صدام ریشه در شخصیت روان‌پزشک، جاه‌طلب، قدرت‌طلب و جنایت‌کار او دارد. برای مثال ایشان اقدامات صدام در کشتار غیر نظامیان، بمباران شیمیایی، سرکوب و شکنجه‌ی مخالفان سیاسی و قومی عراق و دیگر جنایات او را ناشی از همین عامل می‌دانند. شناخت امام خمینی از شخصیت صدام صرفاً به دوره‌ی جنگ محدود نیست و ریشه‌های آن به دوران اقامتشان در نجف بر می‌گردد. ایشان در حضور اعضای شورای تبلیغات اسلامی می‌گویند:

آن وقت هم که ما در نجف اشرف مشرف بودیم، یک مرد خطرناکی معرفی می‌کردند، یک جنون عجیبی در او هست که برای خودخواهی خودش حاضر است که تمام ملت‌های دنیا را به خاک و خون بکشد. این‌ها را وادار کرده‌اند که با ما مخالفت کنند و حمله کنند.^(۹) امام خمینی معتقدند که ابرقدرت‌ها جنون و خودخواهی صدام را وسیله‌ای برای کُند و یا متوقف کردن سیر انقلاب اسلامی قرار دادند. ایشان در این مورد می‌فرمایند:

پیروزی انقلاب ضعیف شده بود، سقوط حکومت دینی در ایران و جای‌گزینی یک حکومت سکولار، اشغال استان مهم و نفت‌خیز خوزستان و جلوگیری از احیای تفوق ایران بر خلیج فارس، تبدیل عراق به قدرت مسلط منطقه و اعراب و به دست آوردن کنترل کامل اروندرود اشاره کرد.^(۷) از دیگر سوی، اظهار نظر برخی از سران حزب بعث می‌تواند در شناخت بهتر انگیزه‌های حکومت عراق در حمله به ایران مؤثر باشد.

صدام در آبان ۱۳۵۹ در مصاحبه‌ای گفت: «ما از تجزیه و انهدام ایران ناراحت نمی‌شویم و صریحاً اعلام می‌داریم در شرایطی که این کشور دشمنی بوزد، هر فرد عراقی و شاید عربی مایل به تقسیم ایران و خرابی آن خواهد بود.»

طارق عزیز وزیر خارجه عراق نیز اعلام کرد: «وجود پنج ایران کوچک‌تر بهتر از وجود یک ایران واحد خواهد بود. [...] ما از شورش ملت‌های ایران پشتیبانی خواهیم کرد و همه‌ی سعی خود را

حزب بعث در سیاست داخلی بر حکومت پارلمانی و نظام اداری غیر متمرکز و در سیاست خارجی بر منافع ناسیونالیسم عربی و در سیاست اقتصادی بر سوسیالیسم و اقتصاد متمرکز مبتنی بود

متوجه تجزیه‌ی ایران خواهیم نمود.» همچنین طه یاسین رمضان معاون نخست‌وزیر عراق در مصاحبه با الثورة تأکید کرد: «این جنگ به خاطر عهدنامه‌ی ۱۹۷۵ و یا چند صد کیلومتر خاک و یا نصف شط‌العرب نیست. این جنگ به خاطر سرنوشتی رژیم جمهوری اسلامی است.»^(۸)

بدین‌سان شعله‌های جنگی برافروخته شد که هشت سال به طول انجامید. در گفته‌های صدام و مقامات عراق، بر متغیرهایی مانند ناسیونالیسم عربی،

آیت‌الله آقای سید محمدباقر صدر، آن [می] کند که رضاخان و محمدرضا پهلوی با علما و روحانیون و سایر طبقات کردند، باید بدانند که با این اعمال ضد اسلامی، گور خودش و رژیم تحمیلی و غیر قانونی بعث را با دست خود می‌کند.^(۱۲)

تشکیک امام خمینی در پای‌بندی صدام و حزب بعث به اسلام، با آغاز جنگ تحمیلی به تکفیر و اطمینان از الحاد حزب بعث انجامید، زیرا از منظر ایشان حمله به جمهوری اسلامی که در پی اجرای احکام الهی است خاستگاهی جز کفر و نفاق نمی‌تواند داشته باشد. امام خمینی تا آن‌جا پیش رفت که ارتش عراق را از همراهی حزب بعث برای مقابله با اسلام بر حذر داشت و فرمودند:

ارتش عراق باید بدانند که این جنگ، جنگ با اسلام است به هواداری کفر و یک همچون جنگی برخلاف رضای خداست و خدای تبارک و تعالی نخواهد بخشید بر آن کسانی که قیام کنند بر ضد اسلام به واسطه‌ی همراهی با کفر که صدام حسین - به حسب حکم شرعی - کافر است.^(۱۳)

ایشان حتی تظاهر صدام به اجرای فرایض دینی را دارای ایرادهای شکلی و نوعی ظاهرسازی دانستند و ضمن مقایسه‌ی صدام با محمدرضا پهلوی شاه مخلوع ایران، فرمودند:

همان حقه‌بازی‌هایی که آن مردک می‌کرد و در ایران او می‌رفت به [حرم] حضرت رضا، می‌آمدند عکسش را هم می‌انداختند، همان کارها را این می‌کند. حالا می‌رود [در جایی] نوشته بود که بی‌رکوع نماز خوانده.^(۱۴)

۳. پان‌عریسم

تبلیغات درباره‌ی تجزیه‌ی بخش عرب‌نشین سرزمین ایران و کمک به گروه‌هایی که در این راه گام برمی‌داشتند، همواره از محورهای اصلی سیاست خارجی عراق در برابر ایران بوده است.

امریکا از جهالت و غرور و بلندپروازی صدام استفاده کرد و او را به هجوم به ایران واداشت و در منطق امریکا شکست عراق و ایران و از پا درآمدن هر دو یا ایران، در هر صورت به نفع اوست.^(۱۵) در نظر امام خمینی تنها ایران نبود که قربانی این سببیت و روان‌پیشی صدام شد، بلکه ملت عراق نیز در جنگ و تحت تأثیر جنون و خودخواهی صدام، هزینه‌های گزافی داد.

این آدم در عین حالی که سببیت دارد، همین وضع روحی را هم دارد. [...] از آن طرف هم این بیچاره‌هایی که به جبهه فرستاده، اگر قصوری بکنند اعدام می‌کند آن‌ها را. [...] به حسب آن‌طوری که گفته‌اند یک دادگاه صحرایی درست کرده و بسیاری از فرماندهان را که سستی کردند در این امر، اعدام کرده است. این وضع روحی است که او پیدا کرده.^(۱۶)

۲. اسلام‌ستیزی

امام خمینی، داعیه‌های دینی و اظهار پای‌بندی صدام و حزب بعث به اسلام را هیچ‌گاه، چه قبل و چه در دوران جنگ تحمیلی به رسمیت نشناخت. برهه‌ی بعد از انقلاب و قبل از جنگ را می‌توان نقطه‌ی آغاز مواضع تند امام علیه صدام دانست. در این دوره حزب بعث با علمای شیعه به خصوص آیت‌الله سید محمدباقر صدر - که در ۲۳ جمادی‌الاول ۱۴۰۰ (۱۹ فروردین ۱۳۵۹) به همراه خواهرش بنت‌الهدی صدر زیر شکنجه‌ی حزب بعث به شهادت رسیدند - رفتار نامناسبی داشت. امام خمینی در ۱۹ فروردین ۱۳۵۹ در پیامی به ملت ایران به مناسبت قطع رابطه با آمریکا و در ارتباط با حادثه فوق می‌گویند:

صدام حسین که همچون شاه مخلوع چهره‌ی قبیح غیر اسلامی و انسانی خود را نشان داده و به هدم اسلام و حوزه‌ی مقدسه‌ی نجف کمر بسته و با مسلمانان مظلوم برای رضای کارتر آن‌کند که مغول کرد و با علمای اسلام خصوصاً حضرت

است. پیغمبر عرب بوده است، اسلام مال عرب است [...] این کلام خبیث همان کلامی است که آن‌ها می‌خواهند که عرب را یک طرف قرار بدهند و همه‌ی مسلمین را طرف دیگر؛ فقط عرب مسلم است، پاکستانی مسلم نیست، ایرانی مسلم نیست. [...] این برخلاف اسلام است، برخلاف دستورات قرآن است.^(۱۶)

امام خمینی در گام بعدی با اشاره به جنایات صدام در مناطق عرب‌نشین، پان‌عریسم حزب بعث را متوجه چالشی جدی‌تر می‌کند.

بحمدالله مشیت این حزب بعث عراق باز شد که این ادعاها که می‌کند من برای عرب چه هستم و برای قدرت عرب و برای ملت عرب چه هستم، مشیت او باز شد که در خوزستان با عرب‌ها بیش‌تر مقابل شد. کشتارهایی که به وسیله‌ی این حزب منفور و صدام کافر بر برادرهای اعراب ما وارد شده است بیش‌تر از آن است که بر برادرهای عجم ما، وارد شد.^(۱۷)

محور سوّم سخنان امام خمینی نسبت به ادعاهای عربی صدام و حزب بعث، شامل نفی و نقد هر گونه اندیشه‌ی نژادی است؛ اندیشه‌هایی که در تاریخ قرن بیستم بیش از هر رویدادی ذهن را متوجه جنگ جهانی دوّم و فاشیسم ایتالیا و نازیسم در آلمان می‌کند: ما عربیّت را و عجمیّت را و ترکیّت را و همه‌ی نژادها را پذیرا هستیم. لکن نه به آن معنایی که حزب بعث عراق قائل‌اند که باید عرب باشد و نه عجم و نه ترک و نه دیگران. همان مطلبی است که هیتلر می‌گفت، آن مملکت خودش را و نژاد خودش را نژاد برتر می‌دانست و بر مردم و بر جهان آن کرد که همه شنیدید یا دیدید.^(۱۸)

۴. مشروعیت

عاملی که قدرت را به اقتدار تبدیل می‌کند مشروعیت است. بدون مشروعیت "قدرت" به "زور" پهلومی‌زند هر سیستم سیاسی‌ای حتّی نظام‌های توتالیتر در پی مشروع نشان دادن نقش‌های سیاسی و اجتماعی

با این رویکرد حزب بعث با تسلّط کامل بر اروندرود می‌توانست ابزار مناسبی برای تبلیغ اهداف توسعه‌طلبانه‌اش به دست آورد.^(۱۵) از دیگر سوی، تبدیل جنگ عراق علیه ایران به جنگ عرب و عجم دستاوردهایی در سطح داخل و سطح منطقه‌ای برای سیاست خارجی عراق داشت: در سطح داخل، صدام و حزب بعث به خوبی آگاه بودند که پیشبرد جنگ جز با دستیابی به عاملی که بتواند انسجام داخلی عراق را در طول جنگ تضمین کند میسر نیست، لذا مقامات حزب بعث عنصر مهم مرام‌نامه‌ی حزبی‌شان یعنی ناسیونالیسم عربی را گزینه‌ی مناسبی یافتند و آن را در حوزه‌های گوناگون به کار گرفتند. در

سطح منطقه‌ای نیز تعریف عربی جنگ حمایت کشورهای عربی از عراق را به دنبال داشت. این موارد نشان‌دهنده‌ی اهمیّت متغیر ناسیونالیسم عربی نزد سران حزب بعث بود؛ اهمیّتی که ایران نیز آن را نادیده گرفت و سبب نقد و حملاتی به انگاره‌ی پان‌عریسم گردید.

امام خمینی حول سه محور به نقد پان‌عریسم حزب بعث می‌پردازند. محور اصلی را آموزه‌های اسلام شکل می‌دهد که در آن هیچ فرقی بین عرب و عجم گذاشته نشده است و ملاک برتری را تقوا می‌شمارد. ایشان در این باره و در واکنش به اظهارات صدام می‌گویند:

صدام حسین در مجلس غیرقانونی خودشان صحبت‌هایی کرده و اراجیفی بافته است. از آن جمله این که، فارس مسلمان نیست؛ به دلیل این که قرآن عربی

انقلاب ایران نشان داده بود مذهب می‌تواند ارزش افراد را بالا ببرد، از این رو صدام نیز بسان دیگر رهبران حزب کوشید خود را مذهبی نشان دهد و به همین دلیل در مجامع عمومی عبادت و اغلب از مساجد دیدار می‌کرد

ارتش ایران نسبت به شاه سابق کردند. [...] شما هم فرار کنید و قوای خود را صرف این کنید که این جرثومه فساد را از بین ببرید. [...] ما هم کمک شما هستیم. [...] این آدمی که برخلاف اسلام؛ و برخلاف مصالح اسلام مشغول مفسده شده است، این فاسد را از بین ببرید، با ملت همراه شوید. [...] با ملت عراق هم عرض می‌کنم که با همه‌ی قوا قیام کنید بر ضد این آدمی که الآن بر ضد اسلام قیام کرده است. قیام این نسبت به ایران، قیام کافر بر مسلم است.^(۲۰)

ب) مواضع امام خمینی درباره‌ی میدان نبرد (حوزه‌ی عینی)

۱. متجاوز بودن صدام و حزب بعث

دلایل بسیاری وجود دارد که نشان می‌دهد عراق شروع کننده‌ی جنگ بوده است: سخنان مسئولان سیاسی عراق، اقدامات عملی ارتش این کشور در آغاز جنگ و اشغال تعدادی از شهرهای ایران هنگام تجاوز. علاوه بر این، اسناد رسمی سازمان ملل متحد و اعلام

از منظر امام خمینی، کنش‌های صدام ریشه در شخصیتی روان پریش، جاه طلب، قدرت طلب و جنایتکار او دارد. به عنوان مثال ایشان اقدامات صدام در کشتار غیر نظامیان، بمباران شیمیایی، سرکوب و شکنجه مخالفان سیاسی و قومی عراق و دیگر عوامل را ناشی از همین عامل می‌دانند

رسمی دبیرکل آن مؤید این است که عراق آغازگر جنگ هشت ساله علیه ایران بوده است. بر اساس بند ۶ قطعنامه‌ی ۵۹۸ شورای امنیت، دبیرکل سازمان ملل آغازگر جنگ ایران و عراق را معرفی کرد. در گزارش دبیرکل سازمان ملل متحد به شورای امنیت، طی سند شماره S/23273 مورخ ۹ دسامبر ۱۸ آذر ۱۳۷۰، در صفحه‌ی ۲، پارگراف‌های ۶ و ۷ آمده است:

این یک واقعیّت است که توضیحات عراق

خود هستند. در مقابل، دشمنان یک سیستم سیاسی همواره در پی اثبات عدم مشروعیت آن سیستم هستند. این امر، عامل بسیار مهمی در سیاست خارجی کشورها محسوب می‌شود چرا که می‌تواند به مثابه‌ی کانالی برای ارتباط با گروه‌های سیاسی و توده‌های مخالف باشد و یا به سیستم سیاسی مقابل ضربه بزند. این پویش به زعم نگارنده در مواجهه‌ی امام خمینی با حزب بعث به وضوح مشخص است و می‌توان مواردی را برشمرد مبنی بر این که ایشان پس از استدلال در باب عدم مشروعیت حکومت عراق، مردم و ارتش را به شورش و سرنگونی حزب بعث دعوت می‌کند. برای مثال ایشان در دیدار با هیئت کنفرانس اسلامی همین عامل مشروعیت را هدف گرفتند و گفتند:

برای این که این آتش [جنگ ایران و عراق] را خاموش کنید، باید به حکمیت بنشینید و باید ملت‌ها را ملاحظه کنید؛ ملت عراق را ببینید که آیا ملت عراق این حکومت را قبول دارد یا نه؟ چنانچه ملت‌ها مقبول بود پیش‌شان این‌ها، سپس این‌ها حکومت قانونی هستند و اگر غیر مقبول بود، حکومت غیر قانونی هستند و باید دنیا حکومت غیر قانونی را به [به رسمیت نشناسد].^(۱۹)

مشروعیت یک سیستم سیاسی بر پایه‌های مختلفی استوار می‌شود. در کشورهای مسلمان، دین عامل مهمی در مشروع یا نامشروع بودن حکومت‌ها به شمار می‌رود که امام خمینی نیز با استفاده از این متغیر، حزب بعث را فاقد آن دانسته و از این مجرا ارتش، ملت عراق و کشورهای مسلمان را به قیام بر علیه صدام و حزب بعث فراخواندند. ایشان در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ (روز آغازین جنگ) خطاب به ملت و ارتش عراق چنین فرمودند:

سربازهای ارتش عراق و صاحب منصب‌های ارتش عراق باید بدانند که جنگ با ایران جنگ با اسلام است. [...] شما هم همان کار را بکنید که

ساکت بنشینند؛ نباید شما فکر کنید که دو تا ملت در مقابل هم هستند.»^(۲۲)

یا در دیدار با دبیرکل کنفرانس اسلامی، به حضور عراق در خاک ایران اشاره کرده، می‌گویند: «الآن جنگ در ایران است و این خود دلیل بر تهاجم آنها بر ماست و اگر ما مهاجم بودیم در عراق بودیم.»^(۲۳) ایشان همچنین در حضور سفیران و دیپلمات‌های کشورهای خارجی مقیم ایران ضمن اشاره به نقض معاهدات بین‌المللی از جانب عراق می‌گویند:

برخلاف همه‌ی قراردادهای بین‌المللی، برخلاف همه‌ی اخلاق‌های انسانی، این شخص تجاوز کرد بر ما و بر مملکت ما و کشتار داد جمعیت کثیری از انسان‌ها را، انسان‌های عزیزی که ما داشتیم، جوان‌های ما را، پیرمردهای ما را، اطفال ما را، پیرزن‌های ما را [آنها را] از خانمان خودشان دور کرد.^(۲۴)

۲. جنایات صدام و حزب صدام

در گذشته برخی صاحب‌نظران بر این باور بودند که جنگ و تخاصم، باب اجرای هر گونه قانون و قاعده‌ی حقوقی را می‌بندد و با وقوع جنگ بین دو دولت دیگر نمی‌توان از آنها انتظار داشت که به قوانین و مقرراتی که در زمان صلح و از راه توافق پدید آمده است، پایبند باشند.^(۲۵) اما امروزه، حقوق مخاصمه‌ی مسلحانه و حقوق بشردوستانه دیگر به دو طرف منازعات مسلحانه اجازه نمی‌دهد که برای دستیابی به اهداف نظامی و غلبه بر دشمن خود به هر شیوه و ابزار جنگی متوسل شوند و مقررات و اصول اخلاقی و انسانی را به راحتی نادیده بگیرند. مطابق این حقوق، متخاصمان باید سلسه قواعد و مقرراتی را در جبهه‌های نبرد رعایت کنند. به قول دیوان بین‌المللی دادگستری: «فلسفه‌ی وجودی و هدف اساسی آنها انسانی و اخلاقی کردن جنگ‌ها و رفتارهای جنگ است.»^(۲۶) با وجود این که حقوق مخاصمه‌های مسلحانه و

برای جامعه‌ی بین‌المللی قابل قبول و کافی نیست. بنابر این رویداد برجسته‌ای که تحت عنوان موارد نقض در بند پنجم این گزارش بدان اشاره کردم، همانا حمله ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰ (۳۱ شهریور ۱۳۵۹) علیه ایران است که بر اساس منشور ملل متحد، اصول و قوانین شناخته شده‌ی بین‌المللی، یا اصول اخلاقی بین‌المللی قابل توجه نیست و موجب مسئولیت مخاصمه است. حتی اگر قبل از شروع مخاصمه، برخی تعرضات از جانب ایران به خاک عراق صورت گرفته باشد، چنین تعرضاتی نمی‌تواند توجیه کننده‌ی تجاوز عراق به ایران که اشغال مستمر خاک ایران را در طول مخاصمه در پی داشته، باشد؛ تجاوزی که ناقض مسئولیت کاربرد زور که یکی از اصول آمره‌ی حقوق بین‌الملل است، می‌باشد. (۲۱) مزید بر صراحت انشاء گزارش دبیرکل در مورد تجاوز عراق، نکته‌ی دیگری قابل استحصال است و آن ادعای عراق مبنی بر تحریک و تجاوز ایران در آغاز جنگ است، هرچند قطع‌نامه‌ی سازمان ملل به پرسش‌هایی که حول این ادعا شکل گرفته بود، پاسخ داد، در طول جنگ امام خمینی نیز بدان پرداختند و از این رهگذر صدام را متجاوز و آغازگر جنگ معرفی کردند. برای نمونه ایشان در حضور هیئت کنفرانس اسلامی که برای بررسی جنگ تحمیلی عراق علیه ایران در ۱۱ اسفند ۱۳۵۹ گرد هم آمده بودند، چنین استدلال می‌کنند:

«صدام می‌گوید که ایران متجاوز است، و شما سؤال نکردید از او که تجاوز ایران کجاست؟ آیا الآن ما در مملکت عراق داریم جنگ می‌کنیم، یا در مملکت ایران داریم جنگ می‌کنیم؟ اگر در مملکت ایران جنگ می‌کنیم، تجاوز مال عراق است. اگر ما یک روز به عراق حمله کردیم، تجاوز مال ما هم هست. اگر ما دفاع می‌کنیم از حقوق ملت و دفاع می‌کنیم از اسلام و دفاع می‌کنیم از حقوق عراق و دفاع می‌کنیم از مسلمین، نباید کنفرانس طائف

اسلحه‌های بزرگ [...] از اول این جنگ تحمیلی، ما می‌بینیم که سپاهیان ما و ارتش ما اسلحه‌های خودشان را در چه کار به کار بردند، در چه جهت به کار بردند. و امریکا و آن‌هایی که دنبال [اویند]- یعنی، صدام را وادار کردند به این امر آن‌ها در چه کار و حتی ملاحظه می‌کنیم، می‌بینیم که طیاره‌های آن‌ها دزفول و آبادان را، اهداف اندیمشک را، امثال این‌ها را می‌کوبند و آن مردم را کوبیدن [...] و اسلحه‌های ما [در] دفاع از این ملت ضعیف است.

[که] به کار می‌رود.^(۳۰)

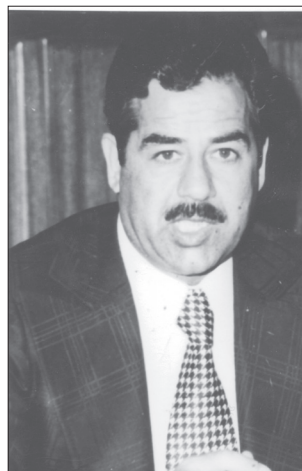
امام خمینی در جای دیگری درباره‌ی جنایات صدام در طول جنگ و نیز کاربرد سلاح‌های شیمیایی می‌گویند:

«در طول این چند سال جنگ تحمیلی، برای آنان و حتی سازمان‌هایی که تا دیروز به حمایت از صدام برخاسته بودند به خوبی آشکار گردیده است که تنها کسی که در این جنگ عامل آن همه تجاوزها و شرارت‌ها و کشتارها و ناامن کردن دریاها و حمله به هواپیماهای غیر نظامی و استفاده از بمب‌های شیمیایی و نقض حقوق و قوانین بین‌المللی است، شخص صدام و حزب بعث عراق است.»^(۳۱)

در سخنان امام خمینی همچنین به رفتار ضد انسانی حزب بعث با اسیران ایرانی و اقلیت‌های قومی و مذهبی عراق و حتی ارتشیان و برخی موارد دیگر، اشاره شده است.

حامیان صدام

در یک دسته‌بندی دو بخشی از سخنان امام خمینی، امریکا، قدرت‌های بزرگ، نهادهای بین‌المللی، کشورها و سازمان‌های منطقه‌ای خاورمیانه و خلیج فارس، به خصوص حاکمان کشورهای مسلمان



بشردوستانه به طرفین درگیری اجازه نمی‌دهد از هر گونه سلاح یا وسیله‌ی جنگی برای رسیدن به اهداف نظامی استفاده کنند،^(۳۲) در جنگ تحمیلی شاهد استفاده‌ی گسترده عراق از سلاح‌های شیمیایی هستیم. وسعت کاربرد سلاح‌های غیر متعارف به اندازه‌ای بود که برخی صاحب‌نظران اذعان دارند که بیش‌ترین سلاح شیمیایی در طول تاریخ را عراق در جنگ علیه ایران استفاده کرده است.

بنابر آمار ثبت شده در سازمان ملل، در طول هشت سال جنگ بیش از ۲۵۲ مورد حمله‌ی شیمیایی (عراق) علیه ایران انجام گرفته است.^(۳۳)

از دیگر موارد مهم در حقوق مخاصمات مسلحانه و بشردوستانه در جنگ ایران و عراق، مقررات مربوط به حمایت از غیر نظامیان و اماکن غیر نظامی است که در جنگ بارها از جانب حزب بعث نقض شد و در اسناد و مدارک سازمان ملل نیز صرفاً در یکی از بندهای قطع‌نامه‌ی ۵۴۰ (بند ۲)، مورخ ۳۱ اکتبر ۱۹۸۳، حمله به شهرها و مناطق مسکونی ناقض کنوانسیون (چهارم) ژنو تلقی و محکوم گردیده است. همچنین در این بند از دو طرف خواسته شده که هر چه زودتر به حملات خود علیه شهرها و اماکن مسکونی پایان دهند.^(۳۴)

اگر بخواهیم در سخنان امام خمینی به موردی اشاره کرده باشیم که به نوعی هر دو موضوع را پوشش دهد، سخنان ایشان در ۱۴ فرودین ۱۳۶۱ در دیدار با دبیرکل نمونه‌ی نسبتاً جامعی است. ایشان در این دیدار با اشاره به تفاوت دو کشور در استفاده از سلاح می‌گویند:

اسلحه دست سپاه پاسداران ما و همین‌طور ارتش ما هست، دست صدامی‌ها هم هست. [...] همه‌ی این‌ها اسلحه دارند. ما اسلحه‌های کوچک داریم، آنها

در خدمت زورگویان و قدرتمندان نیستند.^(۳۳)

در سطح منطقه‌ای مواضع کشورهای خلیج فارس و نیز کشورهای سوریه، مصر و اردن در برابر جنگ اهمیت بالاتری نسبت به سایر کشورها دارد. گذشته از سوریه که در طول جنگ همواره روابطی گرم و صمیمی با ایران داشت، روابط شیخ‌نشین‌های حوزه خلیج فارس با ایران در طول جنگ تحمیلی روابطی سرد و حتی در مواردی خصمانه بوده است؛ کشورهایی که بیشترین حمایت‌های مالی و لجستیکی را از عراق می‌کردند، به ویژه کویت و عربستان که با ارسال کمک‌های مالی و نظامی به عراق، بخشی از هزینه‌های این کشور را در دوران جنگ علیه ایران به عهده گرفتند. برای نمونه پس از اتمام جنگ تحمیلی و بروز اختلاف میان عراق و کویت و اظهارات مقامات عراقی مبنی بر این که در مقابله با ایران بار جنگ به دوش بغداد بوده است، ابوغزاله معاون اسبق رئیس‌جمهور و وزیر دفاع مصر ادعای عراق را دروغی بزرگ خواند و گفت: «تنها کویت و عربستان بیش از ۶۰ میلیارد دلار به عراق کمک کردند.»^(۳۴) فهد پادشاه عربستان نیز در سخنانی گفت: «اگر عراق می‌گوید افرادش را فدا کرده است، ما نیز با پول سلاح‌های پیشرفته و همکاری‌های بین‌المللی در این فداکاری سهیم بوده‌ایم.»^(۳۵)

امام خمینی در طول جنگ تحمیلی بارها به کمک‌های کشورهای منطقه به صدام و پشتیبانی‌شان از وی اشاره کرده و خواستار عدم حمایت از صدام شده‌اند. برای مثال ایشان در دیدار با دانشجویان دانشکده افسری ارتش گفتند:

من به همه‌ی حکومت‌های منطقه نصیحت می‌کنم که از پشتیبانی صدام دست بردارید و بترسید از آن روزی که خدای تبارک و تعالی بر شما غضب کند و بر شما آن بیاید که بر محمد رضا آمد و بر صدام! از غضب خدا بترسید، ای حکومت‌های منطقه! و به هوش بیایید و با اسلام و قرآن مقابله نکنید.^(۳۵)

منطقه، حامیان صدام بوده‌اند. در سطح بین‌المللی، امام با اشاره به کمک‌های امریکا و سایر قدرت‌ها به عراق به دلیل نگرانی‌شان از گسترش انقلاب ایران و احتمال قطع جریان نفت، می‌گویند:

امروز امریکا و شوروی و فرانسه و سایر قدرت‌ها از اسلام احساس خطر کردند [...] آن‌ها این‌طور در ذهن‌شان آمده است - که درست هم هست - که اگر جمهوری اسلامی پا بگیرد و باقی بماند، جای پای از آن‌ها باقی نخواهد ماند، و می‌ترسند که از همه‌ی منطقه دست‌شان کوتاه شود. [...] به آن‌ها [عراق] ابزار جنگی مثل تانک و طیاره و موشک داده‌اند و الآن هم می‌دهند. باید به دنیا معرفی نمود و اعلام کرد و فهماند که اگر بخواهید

به صدام حسین بیش از این کمک کنید دست‌تان را از نفت کوتاه می‌کنیم.^(۳۶)

از دیگر سوی، سازمان‌های بین‌المللی و نهادهای حقوق بشر نیز از نگاه امام خمینی، دور نمانده‌اند و به کوتاهی در احقاق حقوق ملت ایران و نادیده گرفتن جنایت

امام خمینی معتقدند که جنون و خودخواهی صدام توسط ابرقدرتها به عنوان ابزار کُند و یا متوقف کردن روند انقلاب اسلامی مورد استفاده قرار گرفت.

صدام در دوران جنگ متهم شده‌اند. این در حالی است که از دیدگاه ایشان نهادهای بین‌المللی به طور کامل تحت نفوذ و سلطه قدرت‌ها هستند:

تعجب از مدعیان دروغین طرفدار حقوق بشر است که این جنایت‌پیشگان را در اطراف جهان برای این اعمال تشویق می‌کنند. تعجب از سازمان‌های عریض و طویل بین‌المللی است که گاه با گفتار و گاه با سکوت خود از اینان پشتیبانی می‌کنند. باید ملت‌های مظلوم چشم‌امیدی به اینان نداشته و بدانند که آن‌ها جز

واگرایی و مخاصمه بین ایران و کشورهای مذکور افزود. مصر و اردن جداگانه مورد نظر هستند، چرا که به دلیل اهمیت نقش و کار ویژه‌شان در طول جنگ، امام خمینی حتی در وصیت‌نامه‌ی خود نیز بدان‌ها پرداخته است. در وصیت‌نامه‌ی ایشان آمده است:

ملت‌های اسلامی و مستضعفان جهان مفتخرند که دشمنان آن‌ها حسین اردنی این جنایت پیشه‌ی دوره‌گرد، و حسن^۱ و حسنی مبارک هم‌آخور با اسرائیل جنایت‌کارند. [...] و ما مفتخریم که دشمن ما صدام عفلقی است که دوست و دشمن او را به جنایت‌کاری و نقض حقوق بین‌الملل و حقوق بشر می‌شناسند و هم می‌دانند که خیانت‌کاری او به ملت مظلوم عراق

و شیخ‌نشینان خلیج فارس کم‌تر از خیانت به ملت ایران نباشد.^(۳۹) صرف نظر از کشورها، عملکرد سازمان‌های منطقه‌ای نیز در طول جنگ هیچ‌گاه مورد تایید ایران و رهبری آن قرار نگرفت و ایران همواره این سازمان‌ها را به رعایت نکردن

تشکیک امام خمینی در پابندی صدام و حزب بعث به اسلام، با آغاز جنگ تحمیلی به تکفیر و اطمینان از الحاد حزب بعث انجامید. زیرا از منظر ایشان حمله به جمهوری اسلامی که در پی اجرای احکام الهی است خواستگاهی جز کفر و نفاق نمی‌تواند داشته باشد

بی‌طرفی و حمایت از صدام متهم می‌کرد. در بین این سازمان‌ها، جنبش عدم تعهد، سازمان کنفرانس اسلامی و شورای هم‌کاری خلیج فارس اهمیت بیش‌تری داشتند. جنبش عدم تعهد هیچ‌گاه تجاوز عراق را محکوم نکرد. این جنبش در اوج جنگ و هنگامی که نیروهای عراقی بیش از بیست شهر ایران را اشغال کرده بودند، تنها بر اثر فشارهای ایران و ناامن شدن منطقه مجبور شد محل اجلاس خود را از عراق به دهلی نو منتقل کند. سازمان کنفرانس

اما موضع ایشان به همین اذارها ختم نشد و در مواردی لحنی تندتر به خود گرفت. مثلاً بخشی از سخن‌رانی ایشان در ۲۶ اردیبهشت ۱۳۶۰ چنین است: من و دولت ایران و ملت ایران اعلام می‌کنیم که شما چنان چه با صدام همراهی نکنید و چنانچه به طور اسلامی با ما رفتار کنید [...] دولت ایران و ملت ایران با شما برادر است و از شما حمایت خواهد کرد. لیکن چنانچه - خدای نخواست - انحرافی عمل کنید و خودتان را به این دام بیندازید، مطمئن باشید که شما از صدام قدرتمندتر نیستید.^(۳۶)

در بین کشورهای منطقه‌ی شامات، مصر و اردن حامیان حکومت بعث صدام در طول جنگ بوده‌اند. ملک حسین پادشاه و بدران نخست‌وزیر اردن تنها دو روز پس از شروع جنگ برای اعلام پشتیبانی کامل از صدام، از بغداد بازدید کردند. فرودگاه‌های نظامی اردن آشیانه‌ی هواپیماهای عراق بودند. اردن از همان ماه شروع جنگ، غذا و دیگر اقلام مورد نیاز را به عراق فرستاد. مشارکت غیر مستقیم اردن در جانب‌داری از دولت عراق سبب شد تا ایران در سال ۱۹۸۱ روابط دیپلماتیک خود با این کشور را قطع کند.^(۳۷) مصر نیز در طول جنگ مقادیر فراوانی سلاح و قطعات یدکی در اختیار عراق گذاشت. گزارش‌ها حاکی از آن است که در سال ۱۹۸۲ معامله‌ای به ارزش یک میلیارد دلار و در سال ۱۹۸۵ یک معامله‌ی دو میلیاردی بین مصر و عراق انجام گرفته است. در می ۱۹۸۴، بلافاصله پس از آن که وزیر خارجه‌ی مصر به صدام اطمینان داد که کشورش در کنار عراق می‌ایستد و کمک‌های درخواستی را اعطا خواهد کرد، صدام حسین خواستار پذیرش مجدد مصر در اتحادیه‌ی عرب شد. در مارس ۱۹۸۵ مبارک و شاه حسین هر دو به نشانه‌ی همبستگی از بغداد دیدار کردند.^(۳۸)

گذشته از حمایت‌های مصر و اردن از عراق در طول جنگ و ارسال کمک به این کشور، امضای قرارداد کمپ دیوید میان انور سادات و اسرائیل بر

۱. شاه حسن مراکشی فرزند سلطان محمد پنجم در سال ۱۹۲۹م. به دنیا آمد. وی تحصیلات خود را در فرانسه گذراند است و بعد از درگذشت پدرش به نام سلطان حسن دوم به پادشاهی رسید.

۴. سرانجام صدام و حزب بعث

نابودی و شکست، درون‌مایه‌ی اصلی پیش‌بینی‌های امام خمینی در مورد آینده‌ی صدام و حزب بعث را شکل می‌دهد. نابودی حزب بعث، اشاره به سنت‌های الهی در آموزه‌های اسلامی دارد، جایی که پیروزی اسلام و عدالت‌خواهی بر کفر و ظلم وعده داده شده است. در این مورد می‌توان به سخنان ایشان در حضور جوانان انقلابی عراق در سال ۱۳۵۹ اشاره کرد:

وقاتلو المشرکین کافه. ان شاء الله خداوند تبارک و تعالی به شما قدرت بدهد و این شخص کثیف را از مملکت خود دور کنید. خداوند با شماست و شما پیروز هستید و این حکومت رفتنی است.^(۴۳)

ایشان در سخنانی - که بخشی از آن شعار اصلی رزمندگان در جبهه قرار گرفت - فراتر از نابودی صدام و حزب بعث، هدف جنگ‌های اسلام را نابودی کفر، ظلم و فساد در عالم می‌دانند:

مامی‌گوییم که "جنگ جنگ تا پیروزی" مقصودمان هم پیروزی بر کفر صدامی است یا پیروزی فرض کنید بالاتر از آن‌ها، آن‌چه قرآن می‌گوید این نیست او می‌گوید: "جنگ جنگ تا رفع فتنه از عالم"، باید کسانی که تبعیت از قرآن می‌کنند در نظر داشته باشند که باید تا آن‌جایی که قدرت دارند ادامه به نبردشان بدهند تا این‌که فتنه از عالم برداشته شود.^(۴۴)

امام خمینی در سال‌های آخر جنگ با اطمینان از شکست صدام و حزب بعث در میدان نبرد، از مردم عراق می‌خواهند که حکومت مورد نظر خود را انتخاب کنند:

مردم عراق در تصمیم‌گیری‌ها و انتخاب حکومت خود آزادند و چه بهتر آن‌که قبل از سقوط حاکمیت مطلق بعث عراق، به دست رزمندگان دلاور اسلام در جبهه‌های نبرد، حکومت دلخواه و مورد نظر خود را انتخاب کنند که بحمدالله طلیعه‌ی این حرکت بزرگ آشکار شده است.^(۴۵)

اسلامی و شورای هم‌کاری خلیج فارس نیز نه تنها تجاوز عراق به ایران را محکوم نکردند، بلکه در طول جنگ به حمایت از این کشور پرداختند.^(۴۰) امام خمینی در اعتراض به سکوت و مواضع سازمان کنفرانس اسلامی در طائف می‌گویند:

صدام هجوم کرد به مملکت ما، الآن هم که می‌بینید که این امر واضحی است که دست فاسد صدام به این ملت ما تهاجم کرد و این قدر از جوان‌های ما را کشت و این قدر از اطفال و جوان‌ها و پیرها و زن‌های ما را قتل عام کرد. باز هم وقتی که در کنفرانس طائف می‌نشینید تماشای اظهار مظلومیت است و یکی نیست به او در آن جمع بگوید که تو هجوم کردی، نه ایران. کنفرانسی از کشورهای مختلف جمع شدند و

با هم نشستند و عقد پیمان بستند که به ضد اسلام و ضد مصالح اسلامی با اسم اسلام قیام کنند.^(۴۱)

ایشان در مورد غیر متعهدها نیز با اشاره به ترکیب این کنفرانس (غیر متعهدها) فرمودند:

ما اگر شما بخواهید که واقعاً

یک جهت غیر متعهد، یک سران غیر متعهد باشید و بتوانید به آن عدم تعهد خودتان عمل کنید، در رأس امور تصفیه است. اگر یک نفر فاسد در بین شما باشد نمی‌گذارد کار شما انجام بگیرد. باید اول امثال این‌ها را، صدام را، حسین را، حسنی را و امثال این‌ها را از بین خودتان طرد کنید تا بتوانید یک کنفرانس صحیح تشکیل بدهید و یک جنبش غیر متعهد باشید.^(۴۲)

موضع سوم امام خمینی نسبت به ادعاهایی عربی صدام و حزب بعث شامل نفی و نقد هر گونه اندیشه نژادی است. اندیشه‌هایی که در تاریخ قرن بیستم بیش از هر رویدادی ذهن را متوجه جنگ جهانی دوم و فاشیسم ایتالیا و نازیسم در آلمان می‌کند

نتیجه گیری

«جنگ ما جنگ حق و باطل بود و تمام شدنی نیست. جنگ ما جنگ فقر و غنا بود. جنگ ما جنگ ایمان و رذالت بود و این جنگ از آدم تا ختم زندگی وجود دارد.»^(۴۶)

این جملات را امام خمینی پس از پذیرش قطعنامه و تنها چهار ماه قبل از رحلتشان بیان کرده‌اند. در این جمله‌ی کوتاه ساخت‌هایی قابل شناسایی اند که می‌توانند به فهم اندیشه‌های امام خمینی از منظر معرفت‌شناختی کمک کنند. عبارتی مانند حق/باطل، فقر/غنا و ایمان/رذالت. دوگانگی خیر و شری که در طول زندگی الهام‌بخش مواضع ایشان بوده است و دو رویداد بزرگ اواخر قرن بیستم ایران یعنی انقلاب و جنگ را گفتمانیزه و رهبری کرده است، ساختاری که بدون درک آن دسته‌بندی و بررسی سخنان ایشان مشکل می‌نماید. این نوشته سعی داشت دست کم به لحاظ فرمی به این دوگانگی وفادار بماند، لذا مواضع ایشان در برابر صدام و حزب بعث در دو حوزه‌ی ذهنی و عینی بررسی شد و در بخش اول سخنان ایشان درباره‌ی صدام و حزب بعث به مثابه نماد شر (بعد روانی)، کفر (اسلام‌ستیزی)، استبداد (عدم مشروعیت) و فریبکاری، جهل و دروغ (پان‌عربیسم) واکاوی شد و مثال‌هایی مطابق با این مفاهیم که بیش‌ترین اهمیت و فراوانی را داشته‌اند استخراج و طرح گردید.

از آن‌جا که جنگ تحمیلی هشت سال به طول انجامید و از این حیث جزء جنگ‌های نسبتاً طولانی محسوب می‌شود و چون تنوع و فراوانی مواضع امام درباره‌ی جنگ و صدام و حزب بعث بسیار بیش‌تر از مجال یک مقاله است، لذا در بخش دوم سعی شد تا به مواردی اشاره شود که علاوه بر اهمیت، ریشه در مفاهیم مطروحه در بخش اول داشته باشند. برای مثال "تجاوزگری" و "جنایت‌کاری" که در حوزه‌ی عینی مطرح شدند در اندیشه‌ی امام خمینی

تنها از صدام و حزب بعث سر می‌زند که دارای روانی پریشان بوده و بویی از اسلام نبرده‌اند و به زعم نگارنده تنها در این نوع دسته‌بندی است که خصلت گفتمانی و منسجم سخنان امام خمینی منتقل می‌شود. همچنین در بخش دوم سعی شد تا دامنه‌ی وسیع مواضع ایشان درباره‌ی حامیان صدام با ارائه‌ی یک دسته‌بندی دو بخشی که بر دو سطح بین‌المللی و سطح منطقه‌ای بنا شده بود، بررسی شود.

منابع و مأخذ:

امام خمینی:
ما عربیت را و عجمیت را و ترکیت را
و همه‌ی نژادها را پذیرا هستیم. لکن
نه به آن معنا که حزب بعث عراق
قائل‌اند که باید عرب باشد و نه عجم
و نه ترک و نه دیگران. همان مطلبی
است که هیتلر می‌گفت، آن مملکت
خودش را و نژاد خودش را نژاد برتر
می‌دانست و بر مردم و بر جهان آن
کرد که همه شنیدید یا دیدید

۱. تام ورکم، ریشه‌های اجتماعی جنگ با تأکید بر جنگ ایران و عراق، ترجمه: عسگر قهرمانپور، فصلنامه نگین ایران، شماره ۱۴، پاییز ۱۳۸۴، ص ۳۲.
۲. آنتونی کردزمن و ابراهام واگنر، درس‌های جنگ مدرن، ترجمه: حسین یکتا، نشر مرز و بوم، ص ۴۱.

3. Wiki pedia _ Iraq _ Baath paty.

4. Helen, Chapin. Iraq a country study. Washington. Federal research Division Library, 1988.p.14.

- به نقل از: محمود یزدانفام - مقاله نظم سیاسی عراق و تصمیم‌گیری‌های امنیتی در جنگ تحمیلی در جنگ ایران و عراق؛ چند مسئله‌ی راهبردی (مجموعه مقالات)، ص ۳۳.
۵. ساختار سیاسی و اقتصادی عراق؛ موسسه مطالعات و انتشارات تاریخی میراث ملل، تهران، ۱۳۶۸ به نقل از از محمود یزدانفام، همان، ص ۳۴.
۶. محمود سریع القلم، مقاله تصورات عراق پیش از جنگ؛

- نتایج تصمیم گیری، بررسی چنگ ایران و عراق، دیدگاه اساتید دانشگاه‌های ایران، ترجمه مرضیه روشن علی، نشر مرز و بوم، تهران ۱۳۸۹، ص ۱۹۳-۱۹۲.
۷. آنتونی کردزمن و ابراهیم واگنر، همان ص ۹۶-۹۵.
۸. سیری در جنگ ایران و عراق، آغاز تا پایان سال‌نمای تحلیلی جنگ عراق و ایران، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، چاپ نهم، تهران ۱۳۸۴- ص ۱۸.
۹. صحیفه امام، ج ۱۶، ص ۲۵۱-۲۵۰.
۱۰. صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۳۲۴.
۱۱. صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۱۹۴.
۱۲. صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۲۳۳-۲۳۴.
۱۳. صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۲۲۴-۲۲۵.
۱۴. صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۲۹۶.
۱۵. مسعود کوهستانی نژاد، مقاله ملاحظاتی درباره ریشه های جنگ هشت سال، جنگ ایران و عراق؛ ریشه ها و علل وقوع (مجموعه مقالات) مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، چاپ اول، تهران ۱۳۸۸، ص ۶۴.
۱۶. صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۲۳۸-۲۳۹.
۱۷. صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۴۴۴-۴۴۵.
۱۸. صحیفه امام، ج ۱۴، ص ۸۵.
۱۹. صحیفه امام، ج ۱۴، ص ۱۶۶.
۲۰. صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۲۲۶.
۲۱. فرهاد درویشی، جنگ ایران و عراق؛ پرسش‌ها و پاسخ‌ها، مرکز اسناد و تحقیقات جنگ، چاپ اول ۱۳۸۶، ص ۳۱.
۲۲. صحیفه امام، ج ۱۴، ص ۱۶۳.
۲۳. صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۲۸۲.
۲۴. صحیفه امام، ج ۱۴، ص ۸۴.
۲۵. هنگامه صابری؛ خدمات اجرا در حقوق بشر دوستان، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه چاپ اول ۱۳۷۸، ص ۱۱، ۱۲، به نقل از صالح رضایی، مقاله عراق و میزان پابندی آن به حقوق مخاصمات مسلحانه و بشر دوستان در جریان جنگ هشت ساله، فصلنامه نگین، سال اول، شماره ۱، تابستان ۱۳۸۱، ص ۱۰۸.
26. Icj, Repot , Advisory opition, 1996-p 86.
- به نقل از صالح رضایی، همان
۲۷. صالح رضایی، پیشین.
۲۸. رضا نجفی، عوامل مؤثر و دلایل تدوین کنوانسیون سلاح‌های شیمیایی، رساله کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۷۵، به نقل از دکتر حیدر بلوچی، مقاله کاربرد سلاح‌های شیمیایی در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران و پیامدهای استراتژیک آن؛ یک مطالعه تطبیقی، فصلنامه نگین ایران، شماره ۲۵، تابستان ۱۳۸۷، ص ۳۳.
۲۹. صالح رضایی، همان.
۳۰. صحیفه امام، ج ۱۶، ص ۱۶۶.
۳۱. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۳۲.
۳۲. صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۱۳۱.
۳۳. صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۱۷۶.
34. Mansour farhang. The Iran – Iraq war: the feud The Tragedy, the spoils – World Policy Jornal, Vol.2- fall.1983- p 668.
۳۵. صحیفه امام، جلد ۱۵، ص ۴۰۵-۴۰۴.
۳۶. صحیفه امام، جلد ۱۶، ص ۲۵۲.
۳۷. سعیده لطفیان، مقاله قدرت‌های منطقه‌ای و جنگ؛ عدم بی‌طرفی، بررسی جنگ ایران و عراق دیدگاه اساتید دانشگاه‌های ایران، مترجم: مرضیه روشن علی، نشر مرزو بوم، چاپ اول تهران ۱۳۸۹، ص ۴۳-۴۲.
۳۸. الف کینگ، افرایم کارش - جنگ ایران و عراق پیامدهای سیاسی، تحلیل نظامی - ترجمه: سید سعادت حسینی دمایی - مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ چاپ اول، ۱۳۸۷ ص ۸۹.
۳۹. صحیفه امام، جلد ۲۱، ص ۳۹۸، (وصیت‌نامه سیاسی-الهی)
۴۰. سازمان‌های بین‌المللی و جنگ ایران و عراق، گروهی از نویسندگان، دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه پاسداران، معاونت تحقیق و پژوهش، چاپ اول، ۱۳۷۴، پیشگفتار
۴۱. صحیفه امام، جلد ۱۴، ص ۶۸.
۴۲. صحیفه امام، جلد ۱۷، ص ۳۶۳.
۴۳. صحیفه امام، جلد ۱۳، ص ۲۶۰.
۴۴. صحیفه امام، جلد ۱۹، ص ۱۳.
۴۵. صحیفه امام، جلد ۲۰، ص ۳۳۲.
۴۶. صحیفه امام، جلد ۲۱، ص ۲۸۴.

مجید سان کهن

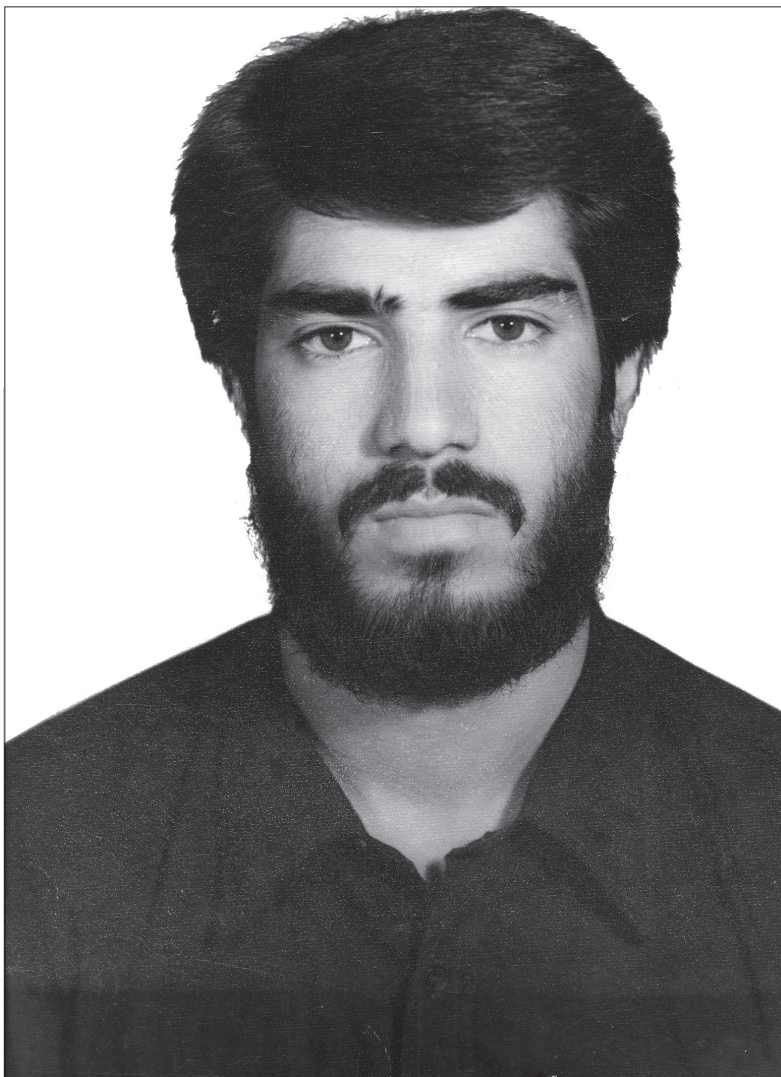
تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۷/۱۲

تاریخ تأیید: ۱۳۸۹/۷/۲۸

[illegible]

پس از گذشت دو دهه از پایان جنگ ایران و عراق، پرداختن به مشی و مرام معرفتی و عملی شهدای راوی، که هر کدام، وجوه شناختی خاصی در حوزه‌های انقلاب اسلامی و تاریخ جنگ هشت‌ساله داشته‌اند، ضروری احساس شد. در این میان، زندگی‌نامه شهید محمدرضا ملکی، به‌عنوان اولین گزینه مدیران مرکز اسناد دفاع مقدس انتخاب شد. راویان شهید مبادی پنهان و پیدای تاریخ جنگ به‌حساب می‌آیند و آنان از حوزه‌های کلان تصمیم‌گیری و فرماندهی، همچون شورای عالی دفاع و ستادهای فرماندهی کل جنگ،

* مقاله پیش رو برگرفته از پروژه زندگی‌نامه شهید محمد رضا ملکی راوی مرکز می‌باشد. این مجموعه در مراحل آماده‌سازی است و به زودی منتشر خواهد شد.



تا حیطه‌های خرد که مناطق عملیاتی و نقاط رهایی نیروهای عمل‌کننده را در بر می‌گرفت، همراه و هم‌پای فرماندهان جنگ، حضوری فعال داشته‌اند. به همین دلیل، پرداختن به تاریخ زندگی آنان و چگونگی واکنش و کنش‌های آنان، در برهه‌های مختلف انقلاب و جنگ اهمیتی خاص دارد.

از سویی، چون بیش‌تر شهدای راوی از افراد صاحب‌نظر و تحلیل‌گر در حوزه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و مسائل انقلاب اسلامی بوده‌اند، برای شناخت زندگی آنان، به گونه‌ای جامعیت نظری و سیطره اطلاعاتی و نیز کشف روش و قالبی بسیط احساس نیاز می‌شد که در این مجموعه سعی شده است در حدّ توان

به آن پرداخته شود و نیز در خصوص زندگی شهیدان باید گفت که شهید، وجه خلقی دارد که ما به اندازه بضاعت و معرفت خود به نظاره آن نشسته‌ایم و جمالی حقی دارد که در محفل انس ربوبی و خلوت مقام ذات، متجلی است و چشمان کسانی هم‌چون ما که در چنبره ظلمانی طبیعت گرفتاریم، قادر به شهود آن نیست.

ادراک حیات معنوی شهید، به مردمک‌هایی خداین و حق‌نظر نیاز دارد که ما از آن‌ها بی‌بهره‌ایم. سطرهای پیش رو، ادای دین ناچیزی است به

مقام بلند یکی از هزاران شهید راه ایمان که امید است به چشم اهل نظر مقبول افتد.
مادرانه، خواهرانه

روایت شهید ملکی از چشم مادر و از زبان خواهر حرف اول:

شهیدان هنوز و همیشه، در قاب چشمان لطیف مادران و خواهران خود زنده‌اند. مردمک این چشمان، شهیدان را از نمایی نزدیک و بی‌پرده به نظاره نشسته است؛ نوعی نگاه خاص و خواستنی

می‌خواست با من که خواهرش بودم صحبت کند، در چشمانم خیره نمی‌شد. همیشه لبخند ملیح روی لب‌هایش بود؛ نجات او مرا هم باحیا کرده بود. تا چهارده‌سالگی که ازدواج کردم، نه صف نان دیدم و نه به مغازه‌ای رفتم. همه کارهای بیرون را محمد انجام می‌داد؛ نسبت به من خیلی تعصب داشت.

پدر آن‌ها بعد از سال‌ها، خانه خرید، خانه‌ای نقلی با دو اتاق کوچک در خیابان سی‌متری جی. خانه، دیواری با آجر بهمنی قرمز داشت. حوضی کوچک در وسط حیاط بود که کنار آن یک درخت انار بود. یک درخت مو هم بود که همچون چتری بر سر حیاط سایه انداخته بود.

خانه شراکتی بود، یک اتاق مال آن‌ها و یک اتاق از آن شریک بود. آن‌زمان، آن‌ها سه فرزند بودند؛ محمود، محمد و خدیجه که با پدر و مادر می‌شدند پنج‌نفر و در همان یک اتاق، به گرمی زندگی می‌کردند. در همان اتاق کوچک، مهمانی هم می‌دادند.

گاهی از شهرستان، مهمان شب‌خواب هم داشتند. پدر بد می‌دانست که مهمانش در مسافرخانه بخوابد. محمد در همین اتاق کوچک، صمیمت و با هم بودن را تجربه کرد.

فخری خانم

فخری خانم پیرزنی بود که در همسایگی ما زندگی می‌کرد و صاحب بچه نشده بود. با بچه‌ها هم زیاد

که کمتر با واژه‌ها بیان شده و به حصار قلم درآمده است. به تماشای شهیدان نشستن از این چشم‌انداز که از خردسالی تا سبک‌بالی، از خانه تا جامعه و از خاک تا افلاک ایشان را به نمایش گذاشته است، بی‌شک می‌تواند برای اهل آن مفید و مؤثر افتد. شهدا بیش از آن که شاهدان راه خداوند و فداییان ملت باشند، عزیز مادران و پشتوانه خواهران بوده‌اند و واقعیت و حقیقت زندگی شهیدان را می‌توان از نگاه ایشان جست و دانست.

دستوری نبود

با این که از او کوچک‌تر بودم، اما رفتارش به‌گونه‌ای بود که احساس نمی‌کردم او از من بزرگ‌تر است. از الفاظ دستوری استفاده نمی‌کرد. کارهایی را که از من می‌خواست، همیشه با جمله «اگر امکان دارد» همراه بود؛ مثلاً می‌گفت: «آبجی اگر امکان دارد، یک لیوان آب برایم بیاور. آبجی اگر امکان دارد، فلان کار را انجام بده».

محمد برای خدیجه یادآور لبخندی همیشگی بود. هر وقت به خانه می‌رسید، بچه‌ها دور او جمع می‌شدند. خاطرات شیرینی داشت. وقتی با حرکات دست و صورت و با آن لحن شیرین، خاطره‌هایش را تعریف می‌کرد، همه از خنده روده‌بر می‌شدند؛ محمد با خنده‌هایش هر روز، در چشم خدیجه باوقارتر می‌شد.

حیا

با وجود این که مردها در حجاب از نظر شرعی آزادتراند، ولی او هیچ‌وقت با زیرپیراهن و زیرشلوار، مقابل پدر و مادرمان ظاهر نمی‌شد. روزی زنگ خانه را زدند؛ خدا بیامرز، مادر بزرگم بود؛ آن زمان محمد هجده‌سال بیشتر نداشت؛ تا فهمید مادر بزرگ است، دوید و پیراهن و شلوارش را پوشید. به‌جز حیا، حریم بزرگ‌تر و کوچک‌تر را حفظ می‌کرد. وقتی

شوید». آماده شدیم و از خانه بیرون رفتیم. محمد از کنار ماشین سپاه رد شد. داشت می‌رفت سر کوچه، گفتم: «محمدجان به ذوق این ماشینی که آوردی گفتم بریم خانهٔ عمو، می‌خواستیم یک پزی با این ماشین پلاک سپاه بدم».

گفت: «نه، دیگه این جاش را نخواستی بسازی. ماشین مال دولته، مال من نیست».

آن روز با اتوبوس و تاکسی خانهٔ عمو رفتند عیددیدنی؛ ماشین بیت‌المال هم از در خانه تکان نخورد.

سکنجین

محمد به ما می‌گفت: «شما اعیانی زندگی می‌کنید. زمان ما، گاهی به مامان می‌گفتم که هرچی داریم، بیار بخوریم، مامان می‌گفت: هیچی نداریم و بعد پرده را می‌کشید و می‌گفت صداتون درنیايد! آبروداری می‌کرد. می‌خواست همسایه‌ها متوجه نشوند. سفره را پهن می‌کرد. کاسهٔ شربت سکنجین می‌آورد و نان را تلیت کرده و داخلش می‌ریختیم و بدون اینکه صدایمان دربیاید، آن را می‌خوردیم. حسابی هم سیر می‌شدیم. وقتی الآن یاد آن‌روز می‌افتم، تعجب می‌کنم که چقدر با آن سکنجین، زور هم پیدا می‌کردیم؛ بازی می‌کردیم، دعوا می‌کردیم، تمنان هم سالم و سر حال بود».

تازه از دهات به تهران آمده بودند و در خانهٔ یکی از اقوام نزدیک، مستأجر شده بودند. چند مستأجر دیگر نیز در آن خانه بودند. بابا در یک فرش فروشی کار پیدا کرده بود و دستش تنگ بود. مامان حسابی آبروداری می‌کرد. نمی‌گذاشت کسی از تنگی معشیت همسرش باخبر شود. آن دوران، فقط محمود و محمد بودند. بچه‌ها از همان کودکی، آبروداری را از مادر یاد گرفتند.

میانۀ خوبی نداشت؛ پیرزنی شوخ‌طبع و تر و تمیز بود؛ روزی به مادرم گفت: «سلما خانم، اجاق من کور است و از هیچ بچه‌ای هم خوشم نمی‌آید، اما محمد تو را دوست داشتم».

– مادرم گفت: «چرا؟»

– پیر زن گفت برای این که هر وقت مرا می‌دید، می‌آمد جلو سلام می‌کرد و می‌گفت: «فخری خانم چیزی لازم نداری برات بخرم». من از او هیچ انتظاری نداشتم، اما حواس او همیشه به من بود و تا روزی هم که شهید شد، من نفهمیدم که چه‌کاره بود.

یکی از بچه‌های محل، تازه پست گرفته بود و می‌خواست به گونه‌ای به اهالی محل، این قضیه را بفهماند. یک روز با او نیفورم می‌آمد و روز دیگر با ماشین و راننده و هر روز به شکلی جلب توجه می‌کرد. خدیجه وقتی رفتار او را می‌دید و با حالات محمد مقایسه می‌کرد،

دلش می‌گرفت. همسایه‌ها که هیچ، حتی خانواده هم یک‌بار او را با لباس فرم ندیده بودند. اورکت سپاه تن نمی‌کرد. اسلحه داشت، ولی کسی خبر نداشت.

ماشین سپاه

با تویوتا استیشن سپاه آمده بود. شب عید بود. من از قم به خانهٔ مادر مهمانی آمده بودم. بعدازظهر همان روز، به محمد گفتم: «محمدجان، شب عید است، ما را خانهٔ عمو می‌بری؟». گفت: «چرا نمی‌برمت آبجی، چاکرت هم هستم، روی چشمم، همه آماده

آن روز با اتوبوس و تاکسی خانهٔ عمو رفتند عیددیدنی؛ ماشین بیت‌المال هم از در خانه تکان نخورد.

دعوا

قبل از انقلاب، ابوالفضل، پسرعموی مامان، یک مینی بوسی داشت که در ایام هفته، از تهران مسافر سوار می کرد و به روستایمان «یاتان» می برد و برمی گرداند. ترمینالش هم جلوی خانه دایی من بود. هرکس می خواست یاتان برود، می آمد آنجا سوار مینی بوس می شد. یکروز ابوالفضل، سر یک موضوع کوچک، با یکی از ساکنان محل کارش به بگومگو می کشد و یک دفعه دعوایشان می شود. آن زمان یاتانی ها در محل ما کم نبودند. تقریباً همه هم فامیل بودیم، سر چهارراه شلوغ می شود. چند نفر از فامیل، از جمله دایی و پسرخاله های مامان که این قضیه را می بینند، پستی ابوالفضل درمی آیند. فک و فامیل آن طرف هم می آیند به طرف داری از او. خلاصه دعوا قبیله ای می شود. آن زمان محمد نوجوان بود که داشته از آنجا رد می شده، دایی و ابوالفضل را میان دعوا می بیند. محمد پسرخاله های مادرم را نمی شناخت. او نیز می پرد وسط دعوا، شروع به زد و خورد می کند. حالا زن، کی زن. محمد که حسابی دستش به زدن گرم شده بود، در آن گیر و دار، به اشتباه یکی از پسرخاله های مامان را که نمی شناخت، به جای طرف مقابل زیر مشتش و لگد می گیرد. نام او حسن بود. بنده خدا داد می زده که محمد جان من خودی هستم. حسن فامیل، من را زن، ولی محمد صدای او را نمی شنیده. خلاصه بعد از خوردن یک دست کتک جانانه و با هوار هوار کردن های حسن، محمد متوجه می شود و دست از زدن می کشد. محمد حسابی از او عذرخواهی می کند. البته، کمی دیر شده بود، چون حسن بنده خدا به یک جنازه تبدیل شده بود. حسن بعد از شهادت محمد، از آن روز یاد می کرد و می گفت: «غیرت محمد یادم نمی رود». هیچ وقت پشت فامیل را خالی نکرد. من آن زمان خردسال بودم و این قضیه را به یاد نداشتم و از زبان محمد شنیدم و هر وقت این قضیه را با همان آب و تاب خاص

خودش تعریف می کرد، از خنده روده بر می شدیم. محمد به خدیجه می گفت: «مدرسه که می روی، نمی گویم لات بازی در بیاور، اگر کسی تو را زد، تو هم او را بزنی، نترس». خدیجه هنوز هم بعد از گذشت چندین سال از شهادت محمد، وقتی نترس بودن او را به یاد می آورد، تمام واهمه ها و اضطراب هایش را فراموش می کند.

ژیمناستیک

دل توی دلم نبود. از طبقه سوم، سر و ته با دست داشت پایین می آمد. نوزده سال داشت. می خواست ثابت کند که چیزی از ژیمناستیک کارها کم ندارد. تا حالا از این کارها نکرده بود. من جیغ می زدم، اما او می خندید. بدون اینکه لمبر بخورد، خیلی مسلط پله به پله پایین می آمد. خلاصه پله های سه طبقه را با دست آمد پایین. از هیچ چیز نمی ترسید. خیلی به توانایی خودش اطمینان داشت.

بزرگ و کوچک

با بزرگ، بزرگ بود با کوچک، کوچک؛ با بچه ها آنقدر بازی می کرد تا آن ها راضی شوند؛ انگار وظیفه خودش می دانست. یکروز رفته بودیم شاه عبدالعظیم، منزل یکی از اقوام، برای مهمانی. در راه، برادرم مسعود و پسرش علیرضا را با هم بغل کرده بود؛ مسعود یک سال از علیرضا کوچک تر بود. هرچه من و مامان می گفتیم که حداقل یکی از آن ها را به ما بدهد،

محمد؛ هیچ کجا بدون خبر نمی رفت. اول خبر می کرد، بعد وارد می شد، حتی خانه مامان. با صدایی آهنگین، مامان و بچه ها را صدا می زد

قبول نمی کرد. آن دو را زمین می گذاشت، برایشان دست دستی می کرد و شعر می خواند و می گفت: «حالا کی می خواد بغل من بیاد؟»
علیرضا و مسعود هم هر دو، خودشان را می انداختند توی بغلش. او هم تمام راه، آن ها را بغل کرد.

اسمش داوود است؛ هم بازی و هم سن و سال محمد خدا بیامرز است. هر وقت در کوچه مادرم را می بیند، جلو می آید و دست روی سینه می گذارد و تعظیم می کند، بعد از سلام و علیک، می گوید: «مادر، یک محل بود و یک ملکی. او که رفت، کمر محله شکست».

محمد گفت: «من فردا عازم هستم، دارم می رم جبهه». مامان گفت: «آخه من به تو چی بگم، اگر فکر ما نیستی، فکر بچه های خودت باش، فکر زن جوانت باش، فکر علیرضا و مرضیه را بکن».

خانه دوست پدر، مردی زحمت کش بود. اگر در خرج خانه، به بن بست می خوردیم، فرش اتاق را می فروخت. به مامان می گفت: «الآن می فروشیم، چهار روز دیگر، انشاءالله، می خریم. فعلاً دوتا

گلیم بینداز».

محمد روی رفت و آمد من با دوستانم خیلی دقت داشت. من اجازه نداشتم خانه آن ها بروم. محمد می گفت: «ما که همیشه خانه نیستیم، هر وقت دوستانت خواستند، بگو بیایند این جا». می گفتم: «آخه محمدجان! هر رفتی، آمدی دارد. اگر آن ها بیایند، من هم باید بروم». محمد می گفت: «این اجازه را از من نخواه». تا این که یک روز حرف دلم را برایش زدم و گفتم: «داداش محمد، ما زیر پایمان گلیم انداختیم، من خجالت می کشم به دوستم بگویم بیاد این جا».

این را برای دوستی که فامیلش آجرلو بود، گفتم. خانه آن ها در کوچه ما بود و وضعیت مالی شان خوب بود. آن زمان تلویزیون و فرش دست بافت تبریز داشتند. برعکس، ما یک گلیم رنگ و رو رفته یزدی زیر پا انداخته بودیم. من که شاگرد زرنگ بودم و خوب درس می خواندم؛ دوست نداشتم همکلاسی هایم که از من در درس هایشان کمک می گیرند، بدانند که در خانه ما چه می گذرد. می گفتم: «آجرلو بیاید، می بیند و به بچه های مدرسه می گوید که در خانه ما چه هست و چه نیست».

وقتی محمد حرف های من را شنید، زد زیر خنده و گفت: «فقط به خاطر همین که تلویزیون و فرش نداریم خجالت می کشی... دیوانه!». این را که گفتم، نتوانستم خودم را نگه دارم و گریه ام گرفت. اشک های مرا که دید، گفت: «حالا که به خاطر گلیم است، بیا ببرم خانه دوست برسانم». رفتیم تا رسیدیم دم در خانه آجرلو، زنگ را زد و ایستاد تا من بروم داخل. پدر آجرلو که ناخدا نام داشت، بین اهل محل به چشم شوری مشهور بود؛ البته، گردن گوینده، چون که ما ندیدیم. ولی در همان عالم بچگی، به محمد گفتم: «داداش تو برو، یه وقت ناخدا می آید و چشمش می زند». این را که گفتم محمد صورتش را جلو آورد و سیلی نرمی به صورت خودش زد و با صدای نازک و زنانه گفت: «اوا خدا نکشتت، منو چشم می زنه؟!».

هر دو خندیدیم. در خانه باز شد، من رفتم داخل و او رفت.

از سپاه سهمیه داده بودند؛ دوازده متر موکت و یک عدد کولر دستی. رو به من کرد و گفت: «فقط به خاطر تو این را گرفتم که گلیم زیر پات نباشد». فردا صبح، قبل از رفتن، کارت حواله را داد به پدر و گفت: «آقاجان، برو این حواله را بگیر که خواهرمان وقتی آجرلو می آید، آبرویش نرود».

بابا رفت حواله را گرفت؛ موکت راه راه دوازده



شهید ملکی نفر اول سمت راست تصویر

متری را کف اتاق پهن کردیم. کولر را هم گذاشتیم کنار اتاق. بعد از ظهر که محمد آمد، به شوخی به من گفتم: «آبجی این‌ها دیگه چی‌ه، عجب با حاله. حالا می‌توننی بری به آجرلو بگی بیاد».

کمی که خندیدیم، خم شد و در گوشم گفت: «آبجی، حرفت را قبول دارم». من هم چند روزی حسابی جولان دادم و همه دوست‌هایم را با فراغ بال به خانه آوردم.

دندان افتاده

سال آخر دبیرستان ستارخان بود. محمد فوتبال را خیلی دوست داشت. یک روز زنگ ورزش، برایش اتفاقی افتاد. او دروازه‌بان بود، ظاهراً می‌خواست به توپ را بگیرد که یکی از بچه‌ها پای او را می‌گیرد. محمد هم با صورت به زمین خورده و دندان‌های جلویی‌اش می‌خورد روی آسفالت. یکی از دندان‌ها در جا می‌افتاد و دیگری می‌رود داخل لثه. از دبیرستان زنگ می‌زنند به مامان و می‌گویند که بباید، حال پسران خراب است.

مامان جیغ می‌زند و چادرش را می‌اندازد روی سرش و می‌دود. کفش را یک‌لنگه مردانه و یک‌لنگه زنانه می‌پوشد. حواسش به خودش نبوده است. تا می‌رسد به مدرسه و قیافه محمد را می‌بیند، غش می‌کند: سر و صورتی خونی، لب‌هایی ورم کرده و زیر چشم‌هایی طوق کبود انداخته.

مامان را به هوش می‌آورند. مدیر به مامان دلداری می‌دهد که چیزی نشده است. دندان داخل

لثه می‌افتد و مدیر به مامان گفته بود که دیه دارد. بابا هم گفت باید یک چیزی بگیریم. مامان رفت تحقیق کرد؛ پسره مادر نداشت. دلش سوخته بود. هرچه اطرافیان اصرار کردند، مامان گفت: «من از بچه یتیم، دیه نمی‌گیرم». مامان رضایت داد و پسر یتیم رفت. دندان‌های محمد خیلی زیبا بود. صدفی و مرتب، اما حالا بی‌دندان شده بود. بعد از چند وقت، دندان‌ها کمی حرکت کردند و جای یکی از دندان‌هایش پر شد، ولی هنوز یک دندان نداشت.

وقتی می‌خندید، خیلی بانمک می‌شد. جای خالی آن یک دندان، لبخندهای محمد را برای همیشه در ذهن ما ماندنی کرد.

تازه از سر کار آمده بود. وارد خانه شد و کفش‌هایش را درآورد. پا به راهرو گذاشت. از جلوی در اتاق رد شد؛ طبقه اول زندگی می‌کرد. از پله‌ها رفت بالا. می‌خواست به مادرش سر بزند؛ کار هر روزش بود. به آخرین پاگرد که رسید، مادر بالای پله‌ها ایستاده بود. سلام کرد. علیک و خسته‌نباشی‌ای گرفت. بقیه پله‌ها را که مانده بود، چهاردست و پا

رفت؛ عین بچه‌ها. می‌خواست به مادر بگوید: «خیلی دوستت دارم، خیلی کوچیکتم، هرقدر هم بزرگ شم، هنوز بچه‌ات هستم. آخرین پله بود». لب‌هایش رسید به پای مادر و بر آن‌ها بوسه زد...

شام آخر

یکی از شب‌های آذرماه بود؛ هوا سوز عجیبی داشت؛ من و مامان در اتاق نشسته بودیم و یک چراغ علاءالدین جلویمان روشن بود که شعله‌ای قشنگی داشت؛ مامان فتیله‌ی آن را خیلی خوب تمیز نگه می‌داشت. محمد هر وقت شعله‌ی این چراغ را می‌دید، می‌گفت: «عجب شعله‌ای! به جای هفت تا مشعل کار می‌کند». خیلی از آن خوشش می‌آمد.

آن زمان لوله‌کشی گاز نداشتیم و از بخاری نفتی هم خبری نبود. اتاق را با همان چراغ علاءالدین گرم می‌کردیم.

مسعود و مرتضی و زهرا و محمدصادق،

کنار اتاق خوابیده بودند. مامان یک چادرشب رویشان انداخته بود. هردومان تو فکر بودیم. بابا یک سال و نیم بود که فوت کرده بود. همسر من هم چند ماهی بود که شهید شده بود. باردار هم بودم؛ ایام خیلی سختی بود.

آن شب، شش نفر در اتاق بودیم که چهار نفر از ما یتیم و صغیر بودند. حدود ساعت ده شب بود که چراغ راهرو روشن شد و نور از شبکه‌ی پنجره‌ی اتاق به داخل تابید. مامان به من گفت: «بلند شو ببین کیه؟ شاید مستأجر پایینی باشه».

تا در را باز کردم. کسی گفت: «یا الله». خودش بود، محمد؛ مثل همیشه، صدایش، پیش از خودش می‌آمد. هیچ کجا بدون خبر نمی‌رفت. اول خبر می‌کرد، بعد وارد می‌شد، حتی خانه‌ی مامان. با صدایی آهنگین، مامان و بچه‌ها را صدا می‌زد: «مرتضی، مسعود کجااید؟ ننه، ننه هستی؟! خوابید... بیدارید؟». محمد مامان را «ننه» صدا می‌کرد.

گفتم: «بفرمایید!». از پاگرد پله نمایان شد، یک پیش‌دستی سفید ملامین دستش بود پر از شلغم، برای من آورده بود؛ سرمای سختی خورده بودم، حالم خیلی خراب بود. پا به ماه بودم و نزدیک زایمانم بود. بعد از شهادت شوهرم، خیلی هوای من را داشت. هیچ وقت عاطفه‌اش را نسبت به خودم از یاد نمی‌برم. خیلی باشعور بود. رسید دم در اتاق، سلام و علیکی کردیم و آمد داخل. مامان را که دید خم شد و سر و دست او را بوسید و رفت سراغ بچه‌ها، سرکی به آن‌ها کشید، اما بیدارشان نکرد. وقتی نشستیم! به من گفت: «برات شلغم آوردم، بخوری خوب میشی، آنتی‌بیوتیک خالصه، بخوری خوب خوب میشی».

من از شلغم متنفر بودم. اگر اعدام هم می‌کردند، حاضر نبودم یک گاز بزنم. جلوی من نشست، پیش‌دستی را گذاشت دم پام، شلغم‌ها کوچک بود. شروع کرد به خوردن، می‌گفت: «بخور خوشمزه است». نمی‌خواستم دلش را بشکنم. با خودم گفتم: «به‌خاطر من، دو طبقه را بالا آمده و زحمت کشیده». گفت: «راستی، دوست داری؟». گفتم: «آره، دوست دارم». شلغم‌های ریز را می‌گذاشتم توی دهانم، اولِ حلقم و قورت می‌دادم و برای این که دلش را به دست بیاورم، می‌گفتم: «خیلی خوشمزه است، حتماً تا صبح خوب می‌شم».

او که از خوشحالی من سر کیف آمده بود، پشت هم شلغم‌ها را می‌خورد و می‌گفت: «بخور تا زود خوب بشی». بعد از این که به زور چند تا شلغم

محمد گفت: «خدا ارحم الراحمین است. کی تا حالا، خدا کسی رو تنها گذاشته که بخواد شما رو تنها بگذاره؛ بچه‌های تو را، بچه‌های من را، بچه‌های خواهرم را تنها بگذاره».

گفت: «بنداز روی رختخواب». ژاکت را داد دست من، همین که خواستم پهن کنم، دوباره گفت: «حالا واقعاً تمیزه؟». مامان گفت: «آره پسر، ملافه به این سفیدی و تمیزی نجس نیست که!».

ژاکت را پهن کردم و بعد نشستیم. محمد بین من و مامان نشست و به مامان نگاه کرد و گفت: ننه! مامان آرام و خیلی معمولی گفت: «بله». محمد شش‌دانگ حواس مامان را می‌خواست؛ گفت: ننه با تو هستم، مامان برگشت رو به محمد و گفت: خوب پسر، بگو گوش میدم!

محمد گفت: «من فردا عازم هستم، دارم می‌رم جبهه».

مامان کمی سکوت کرد و گفت: «آخه من به تو چی بگم، تو خودت الان دوتا بچه داری، خواهرت هم پابه‌ماهه و یک بچه دیگه هم داره، بابات هم به رحمت خدا رفته. من هم بی‌سرپرست با سه تا صغیر. بچه خواهرت

گفت: «بین هرکسی غیرت دارد، شرف دارد، الان وقت ایستادن است...». گریه‌اش گرفت و گفت: «شما نمی‌دانید آنجا چه خبر است، من امام را تنها بگذارم که مثلاً شماها ناراحت نشوید، خدا هست و کمک می‌کند»

هم به دنیا بیاد روی هم می‌شوند پنج‌تا، خدا تو را حفظ کند، سایه‌ات بالای سر ما باشد. به تو آسیب نرسد، به من برسد. اگر فکر ما نیستی، فکر بچه‌های خودت باش، فکر زن جوانت باش، فکر علیرضا و مرضیه را بکن».

محمد گفت: «خدا ارحم الراحمین است. کی تا حالا، خدا کسی رو تنها گذاشته که بخواد شما رو تنها بگذاره؛ بچه‌های تو را، بچه‌های من را، بچه‌های خواهرم را تنها بگذاره».

مامان گفت: «درست که خدا ارحم الراحمین

به خوردم داد، پیش‌دستی شلغم را کنار گذاشت و به دیوار بالکن اشاره کرد و گفت: «بین، ژاکتم رو شستم، گذاشتم روی دیوار، فقط یه کمکی به من بده، آبش رو بگیریم». خیلی سنگین بودم. حتی حال رو پا ایستادن هم نداشتم، ولی برای محمد هر کاری حاضر بودم بکنم. دو نفری رفتیم توی بالکن. یک طرف ژاکت را من گرفتم، یک طرف دیگر را او. حسابی چلانیدیم. رمق نداشتم. نوک انگشتانم از سرما دُق‌دُق می‌کرد اما خودم را نگه داشتم.

محمد همان‌طور که داشت ژاکت را می‌چلانده، رو به من گفت: «آبجی زحمت خشک‌کردنش هم با تو، می‌خوام تا فردا صبح خشک بشه، من فردا عازمم».

همین که گفت عازمم، توی دلم خالی شد؛ تکان عجیبی خوردم. دلم شور افتاد. بار اولش نبود که می‌رفت. سوریه، افغانستان، جنوب، کردستان و خیلی جاها رفته بود. خیلی از زیر قرآن ردش کرده و پشتش آب پاشیده بودیم، ولی آن‌شب، طور دیگری بود. شلغم آوردنش، لحن صحبتش، این که از من با آن حال خراب، خواست که ژاکتش را آب بگیرم و خشک کنم؛ خیلی مرا نگران می‌کرد.

به روی خودم نیاوردم. گفتم: «روی چشمم، درست و حسابی و صاف برات خشک می‌کنم».

آمدیم داخل. ژاکت دستش بود. دنبال یک جای مطمئن می‌گشت. روی نجس و پاکی خیلی حساس بود. اگر پایش خیس بود، روی فرش، با تیغه پا راه می‌رفت. خوب بچه خردسال زیاد داشتیم، احتمال نجس‌بودن بعضی از جاهای خانه وجود داشت. مامان بند رختی از یک طرف اتاق به طرف دیگر بسته بود و رخت‌های خودمان و بچه‌ها را روی آن پهن می‌کرد. محمد نگاهی به بند رخت انداخت، انگار دلش نمی‌خواست ژاکت را روی آن پهن کند. زیر لب با خودش می‌گفت: «به جای تمیز، یه جای تمیز». دنبال جای مطمئن می‌گشت. مامان



شهید محمدرضا ملکی درحالیکه فرزند نوزادش را در آغوش دارد

است، ولی مادر جان، آن برادرت که امیدیه اهوازه و به ما دسترسی نداره، الآن مسئولیت چند خانوار روی دوش توست». محمد خندید و گفت: «ننه، یک عمر گفتم کاشکی ما زمان امام حسین (ع) بودیم تا همین که می گفت: «هل من ناصر ینصرنی»، ما یاری اش می کردیم. مگر تو نبودی که می گفتم ای کاش نینوا بودیم به آقا امام حسین (ع) لبیک می گفتیم. ننه، الآن تاریخ تکرار شده؛ الآن ایران،

کربلاست؛ شمر، صدام تکریتی است به سرکردگی امریکا. هر زمانی برای خودش یک امام حسین دارد، امام حسین (ع) ما هم خمینی است. الآن مجتهد ما، فقیه ما، رهبر ما، امام خمینی است. به ما دستور داده، ما هم باید برویم». مامان گفت: «مگر برای تو واجب است؟».

گفت: «بین هر کسی غیرت دارد، شرف دارد، الآن وقت ایستادن است...». گریه اش گرفت و گفت: «شما نمی دانید آن جا چه خبر است، من امام را تنها بگذارم که مثلاً شماها ناراحت نشوید، علیرضا و مرضیه ناراحت نشوند. ننه، شما هستی، خدا هست و کمک می کند. من کاری که از دستم برمی آید، باید انجام بدهم».

این را گفت و شروع کرد با دست به نرمی، به بازوی مامان زدن؛ با مامان شوخی می کرد. با لحنی کودکانه می گفت: «ننه، ننه، ننه». می خواست دل مامان را به دست بیاورد. رضایت می خواست؛ مامان بی رمق خندید. محمد که موفق شده بود، گفت: «ننه زانوت رو بیار».

مامان که هنوز کمی دل گیر بود، به رختخواب اشاره کرد و گفت: «متکا اونجا هست محمد!» گفت: «ننه، می خواهم سرم را بگذارم رو زانوت، چند تا حرف شفاهی دارم». مامان زانوش را داد طرف محمد. او هم سرش را گذاشت روی زانوی مامان و صورتش رو به من بود. مامان شروع کرد به نوازش کردن موهایش. محمد گفت: «ننه، ننه». مامان گفت: «بگو بچه». محمد گفت: «فقط یک چیز می خوام بهت بگم، الآن اون هایی که تو جبهه شهید می شوند، بعضی ها جنازه هاشان میاد، بعضی هم نمی یاد که می شوند مفقودالثر، بعضی ها در باتلاق ها گم می شوند، بعضی در جزایر مجنون. (به طنز) حالا یک دفعه دیدی محمد یکی از این ها شد، ننه جان، اگر جنازه ام را ندیدی، خدای نکرده، به امام و انقلاب بد و بیراه نگویی. اجرت را از بین نبری. اگر جنازه من نیامد، برای من گریه نکن، توی دلت روضه حضرت زهرا بخوان. برای غریبی حضرت زهرا گریه کن. یک وقت صورتت را چنگ نیندازی. (اشاره به من) خواهرم پایه ماه است. این ها را زجرشان ندهی». انگار می دانست که قبل از دنیا آمدن فرزندم

خدا پناهگاه ما

شهید می شود.

آزیر خطر به صدا درآمد؛ بمباران هوایی بود. رفت توی بالکن، به سروته کوچه نگاه کرد؛ هیچ کس نبود. نگاهی به حیاط انداخت. محمد نشسته بود لب حوض گفت: «محمدجان، می بینی همه جایی دارند، یکی رفته دهات، یکی رفته پناه گاه، یکی رفته شهرستان. فقط ما ماندیم!». از خلوتی، صدایش در کوچه پیچید. محمد گفت: «نه، مگه ما از مردم دزفول و اندیمشک بالاتریم؟ همه یکی هستیم؛ آن ها زیر توپ و خمپاره نشسته اند در خانه هایشان. شما بنشینید در خانه، جایتان خیلی خوب است. پناه گاه من و شما خداست».

مامان گفت: «بگو بچه م». محمد گفت: اون هایی که تو جبهه شهید می شوند، بعضی ها جنازه هایشان میاد، بعضی هم نمی یاد که می شوند مفقودالثر، بعضی ها در باتلاق ها گم می شوند، بعضی در جزایر مجنون. (به طنز) حالا یک دفعه دیدی محمد یکی از این ها شد، ننه جان، اگر جنازه ام را ندیدی، خدای نکرده، به امام و انقلاب بدو براه نگو. اجرت را از بین نبریا

بهار بود. بوی خیار گل به سر در خانه پیچیده بود. یکی از همسایه ها خیار نوبرانه و گوجه سبز خریده بود. بچه ها دیده و هوس کرده بودند. دستش تنگ بود. یتیم داری سخت است. چادر سر کرد، از خانه زد بیرون. می خواست از

نانوایی بربری پایین محل، نان بگیرد. وارد خیابان شد. به تیر سیمانی که رسید. کسی از پشت او را صدا زد. برگشت؛ محمد بود: «ننه کجا می ری».

می رم نان بگیرم. راستی، برای بچه ها گوجه سبز و خیار گرفتی؟ او سکوت کرد، نمی خواست از نداری و تنگی دستش بگوید. غرورش برایش مقدس بود و محمد این را می دانست. محمد دویست تومان از جیب درآورد، آمد پشت تیر سیمانی و طوری که کسی نبیند، پول را داد به او و گفت که برای بچه ها خیار

«خودت با دست هایت من را بگذار توی قبر، یک قرآن هم بگذار روی قلبم تا مرا نزد خدا شفاعت کند. تا به خدا بگویم. خدایا من گنه کارم، ولی قرآن و دست مادرم را برای شفاعت آورده ام. اگر من در حق خانواده ام، مادرم، پدرم، خواهرم، برادرانم، همسرم، همسایه ها و اهل محل کوتاهی کرده ام، من را به خاطر قرآن و مادرم ببخش. از تو خواهش می کنم که این کار را برایم بکنی. گریه هم نکن».

دانه های اشک از کنار چشمش روان بود، ولی باز می خندید؛ حواسش به من هم بود. می خواست غصه نخورم....

تابوت کنار قبر بود. روی آن را برداشته بودند، همه چشم به او داشتند. منتظر بودند که او بدن پسرش را داخل قبر بگذارد.... یاد حرف های پسرش محمد افتاد: «ننه می خوام تو منو بذاری داخل قبر». گفته بود: «بچه جان، با این هیكل که تو داری، چه جوری بذارمت تو قبر؟». محمد گفته بود: «می توانی، اگر بیایی نگاه کنی، خودت می گویی می خوام انجام بدم. درضمن، وقتی که مرا گذاشتی توی قبر، یک چیزی بگو» (منظورش شعر و رجز بود). او خیلی خوب شعرهای تعزیه را می خواند؛ یادگاری از مراسم عزاداری محرم درروستا بود.

رفت توی قبر، بدن بچه اش را دادند بلغش. نیروی عجیبی پیدا کرده بود. پیش گویی محمد درست از آب درآمده بود. بند کفن را باز کرد. صورت محمد را روی خاک و قرآن را روی سینه اش؛ دستی به محاسن بلند وحنایی رنگش کشید. خم شد و بوسیدش، برای آخرین بار! از قبر که بالا می آمد، با صدای بلند خواند:

«ای نور عینم، منزل مبارک

بی کس حسینم، منزل مبارک».

ما دونفر

روایت حمیدرضا فراهانی دوست و هم‌رمز شهید

حرف اول:

شهید همه وجود خویش را به خدا هدیه کرد و خداوند که وارث همه چیز است، پذیرفت و تمامی شهید را به ارث برد و خود به جای شهید نشست و جای او را گرفت و آنان که دستی به دوستی با شهید دارند، باید بدانند که دوستی با شهید، دوستی با خداست؛ دوستی‌ای همیشگی و ابدی. این دوستی، روزی آغاز شده است، ولی به یقین پایانی ندارد. از این‌روست که شهید بر تن قاب عکس خود و در خاطر دوستان، هنوز مثل روز اول، جوان، بانشاط و جاودانه است؛ مثل خدا.

مردمان پیر می‌شوند و در بند شادی و غم گرفتار. تغییر می‌کنند و وقتی که از دیده می‌روند، فراموش می‌شوند، ولی شهید مانند خاطره‌ای است در ذهن خدا، همیشگی! شهید، رفیقی شفیق است که گاه اضطراب، چون یاد خدا در قلب دوستان می‌نشیند و ایشان را آرام می‌کند، که همانا یاد خدا، آرامش‌بخش دل‌هاست.

مستانه

شاید بتوان درباره شهید حرف‌هایی گفت، ولی آنچه را که حق مطلب است، نمی‌توان ادا کرد. با این ادبیات زمینی نمی‌توان درباره شهید صحبت کرد. ما با انسانی مواجه هستیم که چه در جامعه و چه در جبهه، در افقی بالاتر از افق دیگران قرار دارد. این جاست که امام خمینی (ره) وقتی به مقام شهید می‌رسد، می‌فرماید: «شهدا، شمع محفل دوستانند. شهدا در قهقهه مستانه‌شان و در شادی وصولشان، عند ربهم یرزقون‌اند و از نفوس مطمئنه‌ای هستند که مورد خطاب فادخلی فی عبادی و ادخلی جنتی پروردگارند». این‌جا صحبت از عشق است و قلم در ترسیمش بر خود می‌شکافد، ولی ما در حد بضاعت‌مان و فهم اندکمان می‌توانیم به شهدا بپردازیم.

و گوجه سبز بخرد و رفت. گوجه سبز و خیار خرید، برد خانه؛ بچه‌ها خیلی خوشحال شدند. گفتند: «کی خریده؟»، گفت: «داداش محمد، پول داده، بخورید». آن روزها روزهای آخر محمد بود. آن تیر سیمانی هنوز هست و هر وقت پا به خیابان می‌گذارد و تیر سیمانی را می‌بیند، بغض گل‌ویش را می‌گیرد و خطاب به محمد می‌گوید: «بچه، این نشانی را گذاشتی و رفتی که دل من را بسوزانی». راهش را کج می‌کند و از سوی دیگر می‌رود؛ او دیگر از سمت تیر سیمانی نمی‌رود. هر روز، هزاران نفر از کنار آن تیر سیمانی می‌گذرند، ولی نمی‌دانند که آن تیر سیمانی، نشانی دارد از پسری سفرکرده برای مادری دلسوخته.

مادر رفت توی قبر، بدن بچه‌اش را دادند بلغش. بند کفن را باز کرد. صورت محمد را روی خاک و قرآن را روی سینه‌اش؛ دستی به محاسن بلند وحنایی رنگش کشید. از قبر که بالا می‌آمد، با صدای بلند خواند: «ای نور عینم، منزل مبارک بی کس حسینم، منزل مبارک»

آشنایی

بالش را برمی داشت و روی پتو، شمد پهن می کرد و می خوابید. بعد از خواب هم مرتب، همه را جمع می کرد. البته زمان آموزش و عملیات، روی سنگ و کلوخ و خاک هم می خوابید. برای هر کار، جایگاهی قائل بود.

معلم

یکی از حلقه هایی که خیلی باعث اتصال و نزدیکی ما به یکدیگر شد، اعتقاد ما نسبت به شخصیت امام و گرایش مان به اندیشه های شهید مطهری بود. با هم کتاب می خواندیم و سیر مطالعاتی داشتیم.

کتاب هایی از قبیل جاذبه و دافعه، تعلیم و تربیت، تحریفات عاشورا، جهان بینی و... شهید مطهری را با هم مطالعه می کردیم و برای این که مطالب، ملکه ذهن مان شود، با هم بحث می کردیم. در بحث، جلوی هم می ایستادیم و سؤال طرح می کردیم و

مردمان پیر می شوند و در بند شادی و غم گرفتار. تغییر می کنند و وقتی که از دیده می روند، فراموش می شوند، ولی شهید مانند خاطره ای است در ذهن خدا، همیشگی

از گفته های هم اشکال می گرفتیم و هر کدام برای قانع کردن طرف دیگر، از داشته هایش شاهد مثال می آوردیم. گفتگوها خیلی جدی و چالشی بود. بنا را بر این گذاشته بودیم که هیچ مطلبی را طوطی وار نخوانیم. در واقع، روی بیانات و پیام های امام خیلی حساس بودیم. غیر از این که از رادیو و تلویزیون می شنیدم، روزنامه هم می خریدیم و روی بندهند فرمایش های امام دقت و فکر می کردیم، که همین امر باعث تحکیم روابط ما دو نفر شد. اکثر اوقات، مخصوصاً شب ها که در آسایشگاه برای خواب دراز

سال ۵۹ بود که در پادگان امام حسین (ع) تهران با هم آشنا شدیم. تازه در سپاه پذیرفته شده بودیم و در حال گذارندن دوره های آموزش نظامی بودیم. ما با هم در یک گروهان بودیم. دوره هایی که می گذارندیم، عبارت بود از: عقیدتی، سیاسی، اخلاقی و... و آموزش های نظامی هم چون تخریب، تاکتیک، مخابرات، اسلحه شناسی و... من و ملکی هم تخت بودیم؛ تختمان دو طبقه بود. به دوسه روز نکشید که حسابی با هم چفت شدیم. روزهای اول، فقط به لحاظ ظاهری ارتباط برقرار کرده بودیم، ولی با گذشت زمان، آرام آرام، رابطه مان عمیق تر شد. جسارتی که در ملکی بود، باعث می شد که بیشتر به طرف او جلب شوم. جسارت، شجاعت و شهامت ملکی به وضوح مشهود بود. یک سروگردن از بقیه بالاتر بود. رفتارش خیلی با دیگران متفاوت بود. در نماز، دعا خواندن و مقدمات و مؤخرات عبادتش کاملاً خاص بود.

نظم

شب ها خیلی زود می خوابید و صبح ها زود بیدار می شد. وقتی رفتار او را می دیدم، یاد وصیت امیرالمؤمنین (ع) به امام حسن (ع) می افتادم که فرمودند: «اوصیکم بتقوی الله و نظم امرکم». در سالن آسایشگاه، تقریباً کسی نبود که به اندازه ملکی منظم باشد. از آموزش که برمی گشتیم، لباس هایش را مرتب کرده و اتوی لباس هایش را حفظ می کرد. همه وسایلش جای مشخص داشت. هیچ وقت دنبال چیزی نمی گشت. کمد شخصی اش همیشه مرتب و منظم بود. پیراهن و شلوارش اتوکرده و آویزان بود. پوتیش همیشه واکس داشت. نامه ها، کتاب ها، قرآن و مفاتیحش جایی خاص داشت. اگر هم می خواست نیم ساعت استراحت کند، این طور نبود که همین طوری دراز بکشد، بلکه پتو پهن می کرد،

اول این که مباحث مطرح شده در این کلاس‌ها، نشست گرفته از معارف و معانی قرآنی بود و ناخودآگاه، بین موضوعات و مخاطبان، یک ارتباط مفهومی و نظری برقرار می‌شد. دوم این که عمل خود ملکی بنا به گفته‌هایش در مقام یک مربی، تأثیر بسیاری بر روی نیروها داشت. او اولین کسی بود که توصیه‌هایی را که در کلاس طرح می‌کرد، به صورت عینی و محسوس در عرصه عمل نشان می‌داد. این عمل به گفته‌ها، چه در آموزش تاکتیک و چه در کلاس عقیدتی، مشهود بود. اگر قرار بود نیروها از روی موانع و سیم‌خاردار یا از روی بوته‌های خار و سنگ و کلوخ سینه‌خیز بروند، اولین کسی که با اعتماد به نفس و جسارتی خاص، پیراهن خود را از تن درمی‌آورد و روی موانع و خار و خاشاک و سنگ و کلوخ سینه‌خیز می‌رفت، خود ملکی بود. این گونه بود که وقتی نیروها می‌دیدند مربی خود در نوک پیکان انجام کارهای سخت و دشوار است، جسارت و غیرت پیدا کرده و وارد عمل می‌شدند. نیروها به ملکی عشق می‌ورزیدند.

درد

معمولاً اکثر مربی‌ها، داخل آسایشگاه نیروها نمی‌رفتند، زیرا نیروهای آموزشی، عمدتاً از مناطق خیلی محروم افغانستان بودند و از نظر بهداشتی و تغذیه‌ای مشکلاتی داشتند، ولی ملکی با آن‌ها هم‌پا بود. به آسایشگاه آن‌ها می‌رفت و به آن‌ها محبت می‌کرد و هم‌غذایشان می‌شد و با آنان شوخی و مزاح می‌کرد. نیروها را دوست داشت و آن‌ها نیز به او ابراز علاقه می‌کردند و همین علاقه دوطرفه باعث شده بود که به جای یک‌شب در هفته که وظیفه او بود، هفته‌ای دو یا سه‌شب در پادگان بماند. بعضی از نیروها از بیماری‌هایی مثل سل رنج می‌بردند که در آن زمان، این بیماری درمان قطعی نداشت و احتمال مبتلا شدن مربی‌ها بالا بود. او با آگاهی از این خطرات، باز هم در

می‌کشیدیم، با هم بحث و گفتگو می‌کردیم. بچ‌های شبانه ما صدای بچه‌های خوابگاه را درآورده بود. می‌گفتند: «شما دوتا شب هم ول نمی‌کنید و از این همه چانه‌زدن خسته نمی‌شوید!». همین سیر مطالعات و گفتگوها، پایه‌ای شد برای کلاس‌های عقیدتی که بعداً من و ملکی، مسئول برگزاری آن‌ها در بخش نهضت‌های پادگان امام حسین (ع) شدیم. در اوایل انقلاب، بیشتر مرسوم بود که در کلاس‌های عقیدتی نهضت‌ها، احکام تدریس شود، ولی ملکی این گونه عمل نمی‌کرد. در حدود ده دقیقه اول کلاس به صورت عملی احکام شرعی را آموزش می‌داد و بعد می‌رفت سراغ مباحث اعتقادی و سعی می‌کرد بحث‌ها را خیلی ساده و کپسولی ارائه دهد.

مربی خوب

بعد از کلاس، می‌نشست و با شاگردان خود صحبت می‌کرد و به سؤالات آن‌ها جواب می‌داد. نیروهایی که در بخش نهضت‌ها،

آموزش می‌دیدند، از کشورهای دیگر آمده بودند و اکثراً از طبقات محروم جامعه خود بودند و همین فقر اقتصادی باعث شده بود که در زمینه‌های فکری و نظری نیز وسعت تحلیل و اندیشه بسیاری داشته باشند. به همین دلیل، وقتی با فضاهای جدیدی مواجه می‌شدند که ملکی برای آن‌ها طرح می‌کرد، اشتیاق زایدالوصفی از خود نشان می‌دادند، عطش دانستن داشتند و می‌خواستند بیشتر بفهمند و همین باعث می‌شد که ناخودآگاه، جذب این کلاس‌ها شوند. جذابیت این کلاس‌ها علل مختلفی داشت.

امام خمینی:
«شهدا، شمع محفل دوستانند. شهدا در قهقهه مستانه‌شان و در شادی و صولشان، عند ربهم یرزقون‌اند و از نفوس مطمئنه‌ای هستند که مورد خطاب فادخلی فی عبادی و ادخلی جتی پروردگارند».

1. Generalized Trust



مراسم تشییع پیکر پاک شهید محمدرضا ملکی

جمع آنها شرکت می کرد و غم خوار آنها بود. پای صحبت و درد دل های آنها می نشست و به خصوص، به نیروهای محروم تر نزدیک تر می شد و احساس تکلیف می کرد. گویی محرومیت و ظلم هایی را که به ایشان شده بود، با تمام وجود می فهمید. درد مردم را می فهمید؛ به موضوع درد خیلی حساس بود. می گفت: «انسان تا درد نداشته باشد نمی تواند دنبال درمان برود.

جامعه ای که درد داشته باشد

پاسدار توحیدی

شهید ملکی رابطه ای اعتقادی احساسی یا عقلانی عشقی با نیروها برقرار می کرد. در حیرت میان عقل و عشق نمانده بود؛ این دو را با هم جمع کرده بود. نه دلش از دست می رفت و نه عقلش بیکار بود. به نوعی، غبار دل را با عقل می تکاند. رابطه پدر و فرزندی با نیروها داشت و در این فضا، مباحث را به نیروها می آموخت و تاکتیک را اعتقادی آموزش می داد. به جاهای سخت تاکتیک، مثل عبور از موانع سخت که می رسید، با همان صلابت و هیمنه ای که در صدا داشت، خطاب به نیروها می گفت سرتان را بسپارید به خدا و از هیچ چیز جز او نترسید و به او توکل کنید و یقین داشته باشید که همه چیز از او و در دست اوست.

از جنگ آوری و شجاعت امیرالمؤمنین (ع) مثال می زد و این کلمات را می گفت و پیراهنش را درمی آورد و سینه خیز می رفت داخل خارها و سیم خاردارها و وقتی از موانع خارج می شد، تمام بدنش جراحت برمی داشت و خونریزی می کرد.

و این را بفهمد، دنبال درمان آن خواهد رفت. مثلاً، اگر فردی سردرد بگیرد، اما دردی را احساس نکند، آن درد او را نابود خواهد کرد؛ یا سرطان درد ندارد، ولی موقعی بروز داده می شود که دیگر بیماری به تمام بدن آسیب زده است؛ ولی اگر درد داشته باشد، همان اول در پی درمان آن می رود». می گفت: «جامعه ما هم مثل جسم آدم است، ما باید درد داشته باشیم، نباید ساکت بنشینیم. باید درد جامعه، درد دین، درد معرفت داشته باشیم و اگر این دردها را داشته باشیم، می توانیم به دنبال درمان آن رفته و خودمان را درمان کنیم. اگر درد جامعه نداشته باشیم، به یک آدم مسلمان بی مسئولیت و بی خیال و منزوی تبدیل می شویم که از مرز ظواهری مثل نماز و روزه فراتر نمی رود و همیشه در کنار و حاشیه جامعه است».

ملکی وقتی به این جا می رسید، به نقل از شهید مطهری، حضرت علی (ع) را مثال می زد که شلاق عدالت را به دست می گرفت و می رفت در دارالاماره و می ایستاد تا در دسترس آدم هایی باشد که دچار درد و مشکل هستند.

امر به معروف غیر مستقیم

فردی اخلاقی و اهل امر به معروف و نهی از منکر بود؛ البته، در انجام این فرضیه، همیشه شرایط آن را به طور کامل رعایت می‌کرد. روی خوش و شرایط تأثیرگذاری را همیشه مدنظر داشت. یک بار تعریف کرد که روزی، در حالی که از محله‌ای عبور می‌کرده، چند نفر از جوانان محل را دیده بوده است که در حال بازی لیس‌پس‌لیس یا قمار هستند. جلو رفته و با لحنی دوستانه به آن‌ها گفته بود که من هم می‌خواهم بازی کنم، آن‌ها نیز قبول کرده بودند. آن‌ها ملکی را نمی‌شناختند و نمی‌دانستند که او پاسدار است. خلاصه با همه آن‌ها بازی کرده و شرط را برده بود و بعد خودش را به آن‌ها معرفی کرده و پول‌های شرط‌بندی را به آن‌ها بازگردانده بود و نشسته بود در کنار گذر و ایشان را نصیحت کرده بود. خیلی ظریف رفتار و نصیحت می‌کرد.

همیشه می‌گفت: «امام حسن و امام حسین (علیهما السلام) برای فهماندن اشکال و ضوی آن پیرمرد عرب، مستقیم نرفتند به او بگویند که وضوی تو اشتباه است، بلکه خودشان در برابر او به روش درست وضو گرفتند و خیلی محترمانه و غیر مستقیم اشکال او را به خودش فهماندند و این فرصت را دادند که خودش بفهمد. ما هم باید همین‌طور عمل کنیم».

ادب

از دواج کرده بود و طبقه اول خانه پدری را به قیمت روز آن اجاره کرده بود. می‌گفت: «وقتی می‌روم خانه، برای عرض ادب به مادر، چهار دست و پا از پله‌ها بالا می‌روم، پای مادر را می‌بوسم و بعد می‌روم خانه خودم». ادب کامل و جامعی داشت. این نوع ادب، مال ما که زنده هستیم، نیست. به همین دلیل نمی‌توان آن را همه جا مطرح کرد؛ این ادب مختص شهدا و دوستان خداست.

نیروها هم با دیدن او جرأت پیدا می‌کردند و پشت سر او موانع را پشت سر می‌گذاشتند. دعوی ملکی فقط تربیت جسمانی نیروها نبود، بلکه به دنبال پالایش اعتقادی و قوی کردن روح نیروها بود. در آموزش، مبانی اخلاقی و اعتقادی را با اصول نظامی و تاکتیک تلفیق می‌کرد. زورمندپروری نمی‌کرد، بلکه پرورش جسم را توأم با پرورش روح در نظر داشت. سرباز آموزش نمی‌داد، بلکه دنبال تربیت مجاهد فی سبیل الله بود. تکه کلامش همیشه این بود: «کارها را فقط برای رضای خدا انجام دهید». تعریف عمیقی از فرد مجاهد داشت. وقتی از مجاهد تعریف می‌کرد، به نقل از شهید مطهری می‌گفت: «مجاهد

کسی است که اهل نماز و تهجد در شب و هم اهل درگیری و جدال با دشمنان در روز باشد. زاهد شب و شیر روز باشد». به مصادیق عاشورایی در آموزش خیلی توجه داشت. از مرام و معرفت شهدای کربلا، مثل حضرت عباس (ع) و حضرت علی اکبر (ع) برای نیروها می‌گفت.

زلف معرفتی نیروها را با ارواح مطهر شهدای کربلا گره می‌زد. نیروها با زبان او حضرت عباس (ع) و حضرت علی اکبر (ع) را به عمق وجود درک می‌کردند؛ یعنی کسانی که جسم و جان خود را در راه عشق به خدا فدا کرده بودند. او در این کار هم بسیار موفق بود. خیلی از نوجوانان چهارده یا پانزده ساله افغانی که زیر دست او آموزش دیده بودند، به منطقه خود در افغانستان بازگشتند و چندی بعد، خبر شهادت ایشان را برای ما آوردند.

همرزم شهید ملکی:

وقتی رفتار او را می‌دیدم، یاد وصیت امیرالمؤمنین (ع) به امام حسن (ع) می‌افتادم که فرمودند: «اوصیکم بتقوی الله و نظم امرکم». در سالن آسایشگاه، تقریباً کسی نبود که به اندازه ملکی منظم باشد.

گنده‌لات

به او گفتم که اگر خوابت گرفت و نخوابیدی درست است و الا این که تسلط نشد تا خوابت گرفت، روی هوا بخوابی. من برعکس بودم، خیلی سخت می‌خوابیدم؛ به‌قولی دیرخواب بودم. به او می‌گفتم: «اون وقتی من و تو می‌توانیم بگوییم روی خوابمان تسلط داریم که هر وقت تو اراده کردی، نخوابی و هر وقت من اراده کردم، بخوابم. تسلط یعنی این...».

خودسازی

یکی از کتاب‌هایی که در آن سال‌ها، در سیر مطالعاتی ما بود کتاب عجب و ربای حضرت امام (ره) بود. یکی از مباحث اخلاقی‌ای که در این کتاب به پرهیز از آن بسیار تأکید شده، بحث «ریا» است.

من و ملکی از وقتی با آثار و تبعات منفی ریا آشنا شده بودیم، در این باره، خیلی از خود حساسیت و توجه نشان می‌دادیم و با همدیگر برای کمتر ریاکردن، طرح و برنامه می‌ریختیم و اجرا می‌کردیم. با هم قرار گذاشته بودیم

تکه‌کلامش همیشه این بود: «کارها را فقط برای رضای خدا انجام دهید».

که هر وقت در جمعی حضور پیدا کردیم، آن قدر از خصوصیات معنوی و اخلاقی یکدیگر تعریف کنیم و به قول معروف هندوانه زیر بغل همدیگر بگذاریم تا این حس ریاکاری در ما سرکوب شود. مثلاً از توانمندی یکدیگر در آموزش تاکتیک و... حساسی تعریف می‌کردیم. روزهای اولی که این برنامه را اجرا می‌کردیم، آن تعاریف کمی ما را قلقلک می‌داد؛ خوش‌مان می‌آمد. اما بعد از چند ماهی که روی این قضیه استمرار داشتیم، اگر کسی از ما تعریف می‌کرد، به شدت متنفر می‌شدیم.

یکی از گنده‌لات‌های سهره‌آذری همراه نوچه‌هایش، برای خانواده‌ای مزاحمت ناموسی ایجاد کرده بود. خبرش هم به ملکی رسیده بود. غروب همان روز، بلافاصله سر وقت آن آدم در محله خودش رفته بود. همین که آن فرد را دیده بود، سیلی محکمی به صورت او نواخته بود و با لحنی جدی و تهدیدآمیز گفته بود: «من ملکی هستم، اگر دفعه دیگه مزاحم ناموس کسی بشی، با من طرف هستی، برو اگه گنده‌تر از تو هم هست بگو بیاد». یک زهرچشم حسابی گرفته بود. ملکی در عین آرامش و سربه‌زیری، به مسائل اطراف خود حساس بود و خیلی توجه داشت. غیرتمند بود و از کنار نکات جدی، شوخی نمی‌گذشت.

پشت به قبله، رو به خدا

بچه‌های راوی معمولاً، در پادگان‌ها مستقر نمی‌شدند. غالب اوقات، مرکز مطالعات، ساختمانی را در شهر اهواز در اختیار می‌گرفت و راویان پس از مأموریت یا برای استراحت، به آن جا می‌رفتند و مستقر می‌شدند. شب بود و تازه از خط برگشته بودم. به ساختمان جدید راویان رفتم. وقتی رسیدم همان دم در سراغ ملکی را گرفتم. گفتند رفته پشت بام. رفتم بالا از اوضاع و احوال او خنده‌ام گرفت پشت به قبله داشت نماز می‌خواند. جلو نرفتم. نمی‌خواستم حال راز و نیاز او را به هم بزنم؛ حالت عجیبی داشت. تمام وجودش در نماز بود. به هیچ چیز توجه نداشت. انگار در این دنیا نبود، غرق مناجات بود. آن شب روی پشت‌بام مردی پاسدار را دیدم که پشت به قبله، رو به خدا عبادت می‌کند.

زودخواب، دیرخواب

به من می‌گفت: «فراوانی، ببین چه قدر روی خوابم تسلط دارم. هر زمان که اراده کنم، بین زمین و هوا، هنوز سرم به بالش نرسیده، خوابم می‌برد». در جواب

بی‌ریا

وقت نماز بود. بچه‌های مرکز هرکدام دیگری را به‌عنوان فرد خالص و مخلص، برای ایستادن در جایگاه امامت نماز معرفی می‌کردند و هر کس اصرار داشت که دیگری نماز را اقامه کند. آن‌روز ملکی هم بود. همین که او این تعارف‌های بیش از اندازه را مشاهده کرد، بی‌آنکه کسی به او بگوید، رفت جلو ایستاد و یک سوت بلند زد و گفت: «همه بیایید و به من اقتدا کنید، خودم امام‌جماعت می‌ایستم» و آن نماز به امامت ملکی اقامه شد که به نظر من، نشان از بی‌ریایی و خلوص ملکی بود.

برنامه

چه در منطقه و چه در تهران، روی برنامه خودسازی چندگانه امام کار می‌کرد و پنج‌شنبه را حتی المقدور روزه می‌گرفت؛ به دیدن اقوام و آشنایان می‌رفت و نسبت به کارهایی که انجام می‌داد محاسبه و مراقبه داشت و اگر کار خلافی از او سر می‌زد، خود را مؤاخذه و تنبیه می‌کرد؛ مثلاً روزه می‌گرفت یا غذای لذیذ را نمی‌خورد

روی برنامه خودسازی چندگانه امام کار می‌کرد ورزش می‌کرد؛ روزهای دوشنبه و پنج‌شنبه را حتی المقدور روزه می‌گرفت؛ به دیدن اقوام و آشنایان می‌رفت و نسبت به کارهایی که انجام می‌داد محاسبه و مراقبه داشت و اگر کار خلافی از او سر می‌زد، خود را مؤاخذه و تنبیه می‌کرد؛ مثلاً روزه می‌گرفت یا غذای لذیذ را نمی‌خورد

نقد می‌کرد

وقتی کاری انجام می‌داد، آن‌چنان جدی و پیگیر و بی‌نقص بود که همه فکر می‌کردند در حال انجام دستور فرمانده خود است. هیچ‌کاری را به نام خود تمام نمی‌کرد ولی از سوی دیگر، نسبت به بالاتر

از خود منتقد هم بود؛ البته، حرف او نقد بود نه تخریب. مباحث نقادانه ملکی بر سر رفتارهایی بود که خلاف مبانی ایمانی و اعتقادی از بعضی سر می‌زد. در همین خصوص هم یک‌بار از پادگان زد بیرون. البته، با همان افرادی که نسبت به ایشان انتقاد هم داشت، قطع رابطه نمی‌کرد و این‌گونه فکر می‌کرد که درباره همان افراد مرتکب سوء برداشت شده است و حتماً از آن فرد عذر می‌خواست و نمی‌گفت: «این‌ها هم فکر ما نیستند، پس لزومی به عذرخواهی نیست». یادم هست قبل از عملیات کربلای چهار (پیش از شهادت)، رفته بود نزد چند نفر از همان دوستان درخصوص چند بار غیبتی که سهواً پشت سر ایشان کرده بود، حلالیت طلبیده بود. طریقه حلالیت طلبیدنش هم این‌گونه نبود که به طرف بگوید من غیبت تو را کردم، مرا حلال کن، او هم بگوید حلالیت کردم؛ بلکه ریز نکاتی را که پشت سر آن فرد گفته بود، صریحاً و بی‌رودربایستی بازگو می‌کرد و حلالیت می‌طلبید.

مداح

مداح بود، اما نه مثل عامه مداح‌ها. فضای روضه‌هایش را از کتاب حماسه حسینی شهید مطهری الهام می‌گرفت. هر شعر و روضه‌ای را نمی‌خواند. به‌شدت از خواندن و طرح روضه‌های دروغ و تحریف‌شده بیزار بود. به قول شهید مطهری، زهرماری نمی‌خواند. وقتی روضه می‌خواند، عربده نمی‌کشید. همین که ذکر مصیبت می‌کرد، سیل اشک از چشم‌هایش جاری می‌شد. اولین کسی بود که با روضه خود می‌گریست. وقتی بعد از روضه‌خوانی و سینه‌زنی، چراغ‌های مجلس روشن می‌شد، چشم‌های ملتهب و خون‌گرفته‌اش از شدت گریه او خبر می‌داد.

آخرین بحث

نزدیک عملیات کربلای چهار بود. قرار بود همه

بی تابی

در عملیات کربلای چهار، دیگر رشته محبت خود را از دنیا قطع کرده بود. من که ندیدم، ولی از دیگر دوستان شنیدم که چندبار در جمع بچه‌های راوی گریسته بود و گفته بود: «از این عملیات اگر سالم برگردم، دفعه بعد یا می‌روم گردان تخریب یا غواص می‌شوم. دیگر به‌عنوان راوی نمی‌آیم». به دنبال شهادت بود. آخر هم به خواسته خود رسید.

خواب شهادت

در عملیات کربلای چهار، من در جناح چپ

عملیات و ملکی در جناح راست بود. فاصله مکانی ما با هم حدود سی کیلومتر بود. من راوی قاسم سلیمانی، فرمانده لشکر ۴۱ ثارالله، بودم و ملکی راوی آقای نوری، فرمانده تیپ ابوالفضل (ع) بود. عملیات با بن‌بست روبه‌رو شده بود و روند کار به عدم‌الفتح

هیچ کاری را به نام خود تمام نمی‌کرد ولی از سوی دیگر، نسبت به بالاتر از خود منتقد هم بود؛

کشیده بود. یگان‌های عمل‌کننده عقب کشیدند و به تبع، ما هم آمدیم عقب. آن شب که خوابیدم، باغی چراغانی و باصفا دیدم که تا آن‌زمان، در عمرم ندیده بودم. گویی در باغ، جشنی برپا بود. ملکی با لباس سفید، دم در باغ ایستاده بود و مهمان‌ها را به داخل تعارف می‌کرد. من که رسیدم، سلام و علیکی با هم کردیم. می‌خواستم بروم داخل که رو به من کرد و گفت: «فراہانی، بیا این‌جا بایست، من می‌روم داخل، تو بعداً می‌آیی». در خواب زیاد متوجه موضوع نشدم. با خودم فکر کردم عروسی خواهر ملکی

راویان، شب، در مقر معاونت سیاسی فرماندهی سپاه جمع شوند تا صبح زود به‌طرف منطقه حرکت کنیم. من دیرتر از همه رسیدم، همه بچه‌ها خواب بودند. آرام رفتم و سر جای خودم دراز کشیدم. کسی در تاریکی من را از ته گلو صدا می‌زد: «فراہانی... فراہانی». ملکی بود، نمی‌خواست بقیه را بیدار کند. خیلی تعجب کردم، چون معمولاً ساعت ده شب می‌خوابید، ولی آن‌شب منتظر من بیدار مانده بود. وقتی با هم بودیم، هیچ‌وقت بدون هم نمی‌خوابیدیم. گفتم: «چیه؟».

- کتاب فطرت شهید مطهری را خواندی؟!

- نه.

- کاش می‌خواندی، می‌خواستم با هم بحث کنیم. - من اصلاً آمادگی ذهنی ندارم، الفبای فطرت را هم نمی‌دانم.

- عیبی نداره، من می‌گویم، تو تا هر چقدر که ذهنت کشید، بحث کن... .

شروع به بحث کردیم و تا اذان صبح، به طول انجامید. نماز صبح را خواندیم و با اتوبوس به‌طرف منطقه حرکت کردیم. معمولاً، بچه‌های راوی با استیشین به منطقه می‌رفتند، ولی از آن‌جاکه در کربلای چهار، قرار بود حدود سی تیپ و لشکر عمل کنند، به تعداد راویان بیشتری نیاز بود. در اتوبوس هم خوابیدیم و ادامه بحث شب را پی گرفتیم. بچه‌ها به مزاح می‌گفتند: «حرف‌های شما تمام نشد؟ تا صبح که نگذاشتید ما بخوابیم، حالا هم خسته نشدید؟». من آن‌روز نمی‌دانستم که در حال انجام آخرین گفتگوهای فکری خود با ملکی هستم، ولی او خوب می‌دانست که دیگر مجالی برای آموختن و فهمیدن باقی نیست. به‌همین دلیل، با تمام شور و توانی که داشت، بحث را یک‌نفس ادامه داد. او برای همیشه رفت و من با همه سؤال‌هایم ماندم. آن‌روز آخرین باری بود که با او در این دنیا سخن گفتم و دیگر او را ندیدم.

همان طور که با هم قدم می‌زدیم، رو به او کردم و گفتم: «ملکی من را هم شفاعت می‌کنی؟!»، سری به علامت تأیید تکان داد و با همان لحن خودمانی خندید و گفت: «تو بیا، شفاعت می‌کنم».

دعا

همیشه بعد از نماز، این دعای منصوب به حضرت ولی عصر (عج) را از حفظ می‌خواند: «اللهم الرزقنا توفیق الطاعة و بعد المعصیه و صدق النیه و...».

است که دوباره ازدواج کرده، چون شوهرخواهرش چندی قبل شهید شده بود. صبح که از خواب بیدار شدم، بچه‌ها گفتند: «فراہانی، شنیدی برای ملکی چه اتفاقی افتاده؟! در بمب‌باران دیروز همراه پاک‌پور و نوری زخمی شده!». همین که خبر را شنیدم گفتم: «پس ملکی شهید شده و آن باغ زیبایی که شب قبل در خواب دیدم بهشت بوده است». در همین احوالات بودیم که خبر آوردند که ملکی ترکش سنگین خورده و گم شده است. بین کربلای چهار و پنج، برگشتم تهران. اکثر بیمارستان‌ها را گشتم، ولی خبری از او نبود. عملیات کربلای پنج شروع شد و من به جبهه بازگشتم.

ادامه بحث از آن دنیا

بعد از مفقودالاثر شدن ملکی، من حدود چهاربار خواب او را دیدم. در خواب دونفری روی مباحث کتاب‌های شهید مطهری و علامه طباطبایی مثل عالم مثال، جسم مثالی، رابطه روح و جسم بحث و گفتگو می‌کردیم. این قضیه به این دلیل جالب بود که خواب‌هایی که می‌دیدم، به صورت سلسله‌وار و از نظر موضوعی، به هم متصل بود. هر شب ملکی به خواب من می‌آمد و گفتگوی شب قبل را ادامه می‌دادیم. صبح که از خواب بیدار می‌شدم، بچه‌ها از من موضوع گفتگوی شب قبل را سؤال می‌کردند و من دقیق برای آن‌ها توضیح می‌دادم. در آن دنیا هم عطش دانستن و فهمیدن داشت.

شفاعت

چندوقت بعد از شهادت ملکی، شبی خواب دیدم که دونفری به همراه همسران و فرزندانمان برای گردش بیرون رفته‌ایم. یکی از فرزندان او را من بغل کرده بودم و دیگری را خودش در آغوش داشت. بچه‌های خودم هم از پشت سر می‌آمدند. در همان عوالم رؤیا، می‌دانستم که او شهید شده است.

منابع:

۱. صوت مصاحبه با خانواده شهید ملکی
۲. صوت مصاحبه با آقای حمید رضا فراہانی
۳. دفترچه یادداشت شهید

صادق شفیعی *

دکتر اصغر منتظرالقائم**

[illegible]

است، که حدود $\frac{4}{3}$ درصد از مساحت کل استان

شهرستان ازنا در شمال شرقی استان لرستان واقع شده است. وسعت این شهرستان ۱۲۱۳ کیلومتر مربع

* دانشجوی دکتری تاریخ

*** استاد دانشگاه

تشكيل سپاه پاسداران انقلاب اسلامي ازنا

پس از تثبيت نسبي امور و به در خواست كميته انقلاب اسلامي شهر ازنا در اواخر شهريور ۱۳۵۸ سپاه پاسداران انقلاب اسلامي پاينگاه ازنا زير نظر فرماندهي منطقه ۸ خوزستان - لرستان در محل ميدان راه آهن شروع به فعاليت نمود. در مدت يك ماه، ۳۴ نفر از جوانان انقلابي و متدين كه اسامي آنها ذيلاً ذكر مي شود جذب سپاه پاسداران ازنا مي شوند. اين افراد پس از سپري كردن آموزش هاي نظامي مقدماتي آماده انجام مأموريت هاي محوله مي شوند. ليست اسامي اين افراد به شرح زير است: ۱- مصطفي آستركي ۲- روح ا. نوري ۳- سيد حسن عظيمي ۴- شهيد شهرام ساكي ۵- حجت الاسلام حسن ورمزيار ۶- ولي الله منتظري ۷- ابوالحسن كشاورز ۸- شهيد ناصر جمشيدى ۹- شهيد احمد لك ۱۰- شهيد ميرزا محمد مظاهري ۱۱- شهيد رحمت دهقان ۱۲- جعفر انصاري ۱۳- عزت كاظمي ۱۴- علي نظر توكللي ۱۵- حمزه دهقان ۱۶- ميرزا كشاورز ۱۷- اسدالله ذلقلي ۱۸- حسين جانبرزگي ۱۹- تراب علي گنجي ۲۰- مرتضي رنجبر ۲۱- علي احمدي ۲۲- فتاحي ۲۳- احمد مرزبان ۲۴- امير دهقان ۲۵- علي فريدوني ۲۶- سهراب حاجي ۲۷- غلام عسگري ۲۸- محمد ذاكري ۲۹- فر ۳۰- ولي ربيع خاوري ۳۱- كريم ايرانشاهي ۳۲- غلامحسين توكللي ۳۳- محسن ربيعي ۳۴- محسن دهقان (مصاحبه هاي شماره ۱، ۳، ۴، ۵ و ۱۱)

مبارزه با گروهك ها

در فاصله كمى بعد از پيروزي انقلاب اسلامي، کشور صحنه حوادث تلخ و شيرين گوناگوني شده بود. گروه هاي سياسي متعددي كه راه خود را از توده مردم جدا کرده بودند و مردم آن ها را گروهك مي ناميدند، خيال به قدرت رسيدن را در سر مي پرورانيده اند كه به همين جهت از هيچ اقدامي جهت مخالفت با

ارتفاع ۱۸۷۰ متری از سطح دريا قرار گرفته است. (۹/سيمای شهرستان ازنا، ۱۳۷۵: ۲۰) و جمعيت آن طبق آمار سرشماری نفوس و مسکن ۱۳۸۵، ۷۲۴۲۲ نفر بوده است. (www.Lorsan-nocr.ir)
شهرستان ازنا از طرف شمال به استان مرکزی (شهرستان خمين و شازند) از طرف شرق به شهرستان اليگودرز، از طرف غرب، به شهرستان درود و از طرف جنوب به ارتفاعات اشترانکوه محدود می گردد.
اين شهرستان به دو بخش چاپلق و مرکزی تقسيم شده و دارای دو نقطه شهری به نام ازنا و مؤمن آباد می باشد. (www.ostan-lr.ir)

اين شهرستان با واقع شدن در مسير راه آهن سراسري و در مجاورت با قطب هاي مهم شهري همچون اصفهان و اراک و دسترسی آسان به قطب اول کشور يعني تهران و همچنين استان خوزستان و مرکز آن يعني اهواز از طريق راه آهن سراسري از موقعيت خاصي برخوردار می باشد (۲/)

اسداللهي، ۱۳۸۴: ۱۵) بی شک تاريخ، از جنگ هشت ساله ي عراق عليه ايران و حماسه هاي کفرستيزان ايران زمين در دوران دفاع مقدس و حوادث قبل از آن (مبارزه با ضد انقلاب) سخن ها و حکايات فراوان دارد. مردم ازنا نيز در اين دوران حساس و سرنوشت ساز تاريخي، دارای کارنامه درخشاني هستند و عملکرد آن ها در طول دفاع مقدس و قبل از آن زبان زد خاص و عام می باشد. در اين مقاله، نگارنده در حد توان خويش به شرح عملکرد رزمندگان ازنايي در طول سال هاي دفاع مقدس پرداخته است.

مردم ازنا در اين دوران حساس و سرنوشت ساز تاريخي، دارای کارنامه درخشاني هستند و عملکرد آنها در طول دفاع مقدس و قبل از آن زبان زد خاص و عام می باشد.



تعدادی از بسیجیان لشکر ۵۷ حضرت ابوالفضل (ع) در مناطق عملیاتی شمالغرب کشور

نظام کوتاهی نمی‌کردند. گروه‌های مذکور با در پیش گرفتن خط‌مشی‌های مختلف، از جمله، با انتشار نشریه‌ها، بیانیه‌ها، پوسترها و شب‌نامه‌های گوناگون به نفی و رد دست‌آوردهای مثبت انقلاب اسلامی و سران آن پرداختند. همچنین با تشکیل دادن ستادها و کانون‌های عملیاتی و خانه‌های تیمی و گروهی و جذب جوانانی که با پیروزی انقلاب اسلامی شور سیاسی و طبع احساسی آنان به اوج خود

نمی‌کردند. بعد از آن که معلوم شد آشوب‌های داخلی و اقدامات خراب‌کارانه گروهک‌ها نمی‌تواند راه انقلاب را مسدود کند، ابرقدرت‌ها عراق را که همسایه ایران بود به شروع یک جنگ گسترده علیه ایران تحریک و تشویق کردند و سرانجام در روز ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ نیروهای زمینی، هوایی و دریایی عراق، هجوم همه‌جانبه‌ای را به مرزهای ایران آغاز کردند. با آغاز جنگ تحمیلی، یک گروه از نیروهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ازنا به فرماندهی حاج روح الله نوری به اهواز و از آنجا به سوسنگرد فرستاده شد، و بعد از دو روز اقامت در سوسنگرد، به بستان اعزام می‌شوند.

نیروهای ازنایی به همراه تعدادی از نیروهای سپاه تبریز و چند تن از برادران ارتشی از جمله سرهنگ زینالچی فرمانده هنگ ژاندارمری سوسنگرد، به مدت پانزده روز در برابر یک لشکر مکانیزه عراقی مقاومت می‌کنند اما به علت کمبود مهمات و ابزارآلات جنگی، به سمت سوسنگرد عقب نشینی می‌کنند. (مصاحبه شماره ۱ و ۳ و ۵)

رسیده بود کشور را با یک بحران جدی مواجه ساختند (۸/مضوی، ۱۳۷۶، ۱۵۹-۱۶۱). در اولین مأموریت، گروهی از نیروهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ازنا، به فرماندهی شهید احمد لک به گنبد کاووس اعزام می‌شوند؛ قبل از رسیدن آنها به گنبد درگیری خاتمه پیدا می‌کند که پاسداران ازنایی از تهران به کردستان رفتند و در منطقه تکاب به مقابله با ضد انقلاب در آنجا پرداختند. (مصاحبه‌های شماره ۱ و ۳ و ۵ و ۶) در واقع قبل از شروع جنگ تحمیلی نیروهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ازنا، چهار مرحله به کردستان اعزام شدند. (۱ و ۳ و ۶ و ۱۰)

آغاز جنگ تحمیلی و اعزام نیروهای ازنایی به جبهه‌های جنوب

نظر به این که انقلاب اسلامی سبب شد که قدرت‌های بزرگ، منافع خود را در ایران از دست بدهند، آنها از گسترش انقلاب اسلامی در سایر کشورهای مسلمان به شدت احساس نگرانی می‌کردند و لذا از هیچ توطئه‌ای برای ضربه زدن به انقلاب خودداری

به فرماندهی حاج مصطفی آسترکی و همراهی نیروهای الیگودرز، در منطقه هویزه، جراحی و پاسگاه مرزی هور مستقر می‌شوند ولی پس از اشغال مجدد سوسنگرد، هویزه و بستان توسط نیروهای عراقی، نیروهای ازنایی به مدت ۱۵ روز در محاصره نیروهای عراقی در می‌آیند، که سرانجام لشکر ۹۲ زرهی اهواز به همراه نیروهای چریکی شهید چمران از سمت تپه‌های الله اکبر به طرف دشمن حمله کرده و نیروهای ازنایی با نیروهای عراقی به صورت تن به تن درگیر می‌شوند که علاوه بر خروج نیروهای ازنایی از محاصره، هویزه، سوسنگرد و جاده اهواز - سوسنگرد از دست نیروهای عراقی خارج می‌شود (مصاحبه‌ها شماره ۱ و ۳ و ۶)

عضویت نیروهای ازنایی در یگان‌های نظامی

تا این زمان نیروهای ازنایی به صورت گروهی به جبهه‌ها اعزام می‌شوند اما پس از شکل‌گیری گردان‌ها و تیپ‌های نظامی سپاه پاسداران و نیروهای ازنایی، در قالب تیپ امام حسن (ع) و تیپ ولی‌عصر (عج) به جبهه‌ها اعزام شدند.

هم‌زمان با تشکیل تیپ امام حسین (ع) برخی از پاسداران ازنایی از جمله شهید احمد لک، شهید اصغر قیطاسی، شهید جان محمد اسدالهی، احمد باقری، علی رضایی، غلام عسگری، مرتضی رنجبر به عنوان نیروهای تخریبی این تیپ جهت شرکت در دوره‌های آموزشی به پادگان آموزشی آبادان اعزام می‌شوند و پس گذراندن دوره‌های لازم، میادین مین باقی مانده از دشمن، در منطقه بین اهواز و خرمشهر و همچنین منطقه ابوغریب را پاک‌سازی می‌نمایند. با پاک‌سازی میادین مین فوق، شرایط برای اجرای عملیات والفجر مقدماتی آماده گردید.

لازم به ذکر است افراد مذکور هسته اولیه گردان تخریب تیپ ۵۷ حضرت ابوالفضل (ع) بوده‌اند. (مصاحبه‌های شماره ۱ و ۲ و ۳ و ۶ و ۱۱)

بعد از استقرار نیروهای سپاه ازنا در سوسنگرد، نماینده‌ای از طرف شهید چمران به گروه اعزامی سپاه ازنا فرستاده می‌شود که چند تن از نیروهای زنده‌ی ازنایی از جمله مرتضی رنجبر، شهید مظاهری، احمد مرزبان، شهید ناصر جمشیدی، محمد ذاکری فر و علی میرزا ورمزیار را برای عملیات چریکی انتخاب می‌کند. شهید چمران به همراه ۵۰ نفر با استفاده از تاکتیک‌های مخصوص جنگ‌های چریکی که در لبنان تجربه کرده بود شبانه به سمت نیروهای عراقی حمله کرده و ۵۰ خودروی نظامی سبک و سنگین عراقی را منهدم و ۵۰ دستگاه

خودروی نظامی سالم را به غنیمت نیروهای ایرانی در می‌آورد. با این حمله نیروهای عراقی ۴۰ کیلومتر مربع از مواضع خود عقب‌نشینی کرده و اهواز از تیررس توپ‌های عراقی خارج می‌شود. (مصاحبه‌های شماره ۱ و ۶ و ۵ و ۱۰)

با آغاز جنگ تحمیلی، یک گروه از نیروهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ازنا به فرماندهی حاج روح‌اله نوری به اهواز و از آنجا به سوسنگرد فرستاده شدند، و بعد از دو روز اقامت در سوسنگرد، به بستان اعزام می‌شوند

اعزام گروه‌های دوم

و سوم رزمندگان ازنایی به جبهه‌های جنوب

هنگامی نیروهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نیروهای بسیج ازنا برای دومین بار به جبهه‌های جنوب اعزام شدند که جاده سوسنگرد- اهواز توسط نیروهای عراقی تصرف شده بود. در این مرحله نیروهای ازنایی به فرماندهی مصطفی آسترکی به همراه نیروهای ارتشی لشکر ۹۲ زرهی اهواز و سایر رزمندگان موفق به آزادسازی جاده سوسنگرد اهواز می‌شوند. (مصاحبه‌های شماره ۱ و ۶ و ۹ و ۱۰)

در مرحله سوم نیروهای بسیجی و پاسدار ازنایی

نقش نیروهای ازنایی در عملیات‌های دفاع مقدس

عملیات بیت‌المقدس

عملیات بیت‌المقدس در تاریخ ۱۳۶۱/۰۲/۱۰ حدود یک ماه بعد از عملیات فتح‌المبین با رمز یا علی بن ابیطالب (ع) شروع شد. این عملیات با هماهنگی کامل نیروهای بسیج، سپاه و ارتش در سه مرحله انجام شد. در مرحله اول نیروهای ایرانی بعد از عبور از رودخانه کارون و کرخه با دشمن بعثی درگیر شدند و جاده اهواز-خرمشهر از کیلومتر ۶۸ تا کیلومتر ۱۰۳ تصرف و تثبیت کردند. در مرحله دوم ضمن آزادسازی مسافت بیشتری از این جاده، پیشروی به سمت مرز آغاز شد. سرانجام مرحله سوم عملیات، منجر به آزادسازی خرمشهر گردید. نیروهای ایرانی قبل از عملیات برای فریب دشمن در منطقه فرسیه با نیروهای عراقی درگیر شدند به طوری که دشمن بعثی گمان نمود که عملیات در منطقه فرسیات صورت می‌گیرد در نتیجه اکثر توان خود را در این منطقه به کار گرفت. نیروهای بسیجی و سپاهی ازنایی، در قالب گردان حضرت ابوالفضل (ع) و گردان جندالله در سه مرحله عملیات بیت‌المقدس و همچنین عملیات ایذایی در منطقه فرسیات حضور داشتند. نیروهایی ازنایی در مرحله اول عملیات ساعت ۱۲ شب در منطقه طراح به دشمن حمله نمودند. در این منطقه که از سخت‌ترین خطوط دشمن محسوب می‌شد، پیش‌روی به سختی انجام گرفت نیروهای ازنایی رشادت زیادی از خود نشان دادند. مرحله اول بیت‌المقدس باعث آزادسازی دشت عمومی آزادگان و خارج شدن جاده عمومی سوسنگرد - اهواز از تیررس دشمن گردید. (مصاحبه‌های شماره ۲ و ۱۰۶)

مرحله دوم عملیات بیت‌المقدس به فاصله چند روز از مرحله اول در منطقه پادگان حمید صورت گرفت. شمال خرمشهر منطقه عملیاتی نیروهای ازنایی در نظر گرفته شده که این منطقه از نظر استحکامات

و میادین مین استثنایی بود. نیروهای ازنایی اهداف واگذار شده را تسخیر و در ۱۵۰۰ متری خرمشهر مستقر شدند. (مصاحبه‌های شماره ۲ و ۱۰) در مرحله سوم عملیات که بلافاصله بعد از مرحله دوم آغاز گردید، منجر به آزادسازی خرمشهر و برخی از مناطق مرزی شد، عمده فعالیت‌های نیروهای ازنایی در منطقه فکه بوده که با عقب‌نشینی نیروهای عراقی، رزمندگان ازنایی تا نزدیکی مرزهای عراق پیشرفت کردند. (مصاحبه‌های شماره ۲ و ۳ و ۱۰) عراق بعد از عملیات بیت‌المقدس طرح بازگشت

نیروهایش را به مرزهای بین‌المللی مطرح کرد و آتش‌بس را در مرحله بعدی قرار داد و بدون آن که منتظر جواب ایران بماند به سرعت بخشی از نقاط اشغال شده را تخلیه کرد. البته برخی از مناطق استراتژیک غرب کشور همچون ارتفاعات، قصر شیرین، سومار، مهران و... همچنان در اشغال عراق باقی ماند. (۷/ درویشی، ۱۳۸۷: ۶۹)

عملیات رمضان

عملیات رمضان در ساعت ۲۱:۳۰ تاریخ ۶۱/۴/۲۳ با رمز یا صاحب الزمان ادرکنی در شرق بصره آغاز شد. (۳/پای، ۱۳۷۶: ۶۴) نیروهای بسیجی و سپاهی ازنا در داخل سازمان تیپ امام حسن (ع) و تیپ ولی عصر (عج) در عملیات رمضان شرکت نمودند. هدف از عملیات رمضان که در منطقه کوشک و شلمچه به سمت بصره

نماینده‌ای از طرف شهید چمران به گروه اعزامی سپاه ازنا فرستاده می‌شود که چند تن از نیروهای زبده‌ی ازنایی از جمله مرتضی رنجبر، شهید مظاهری، احمد مرزبان، شهید ناصر جمشیدی، محمد ذاکری فر و علی میرزا ورززار را برای عملیات چریکی انتخاب می‌کند

مرزهای دشمن بعثی پیش‌روی و مواضع دشمن بعثی را تصرف نمودند. لازم به ذکر است نزدیک به صد نفر از نیروهای ازنایی جهت ساخت پل بر روی یکی از رودهای محلی و کانال‌های حفر شده توسط عراق به کارگرفته شده بودند و نیروهای تخریب‌چی ازنا از جمله شهید احمد لک و شهید اصغر قیطاسی نقش مهمی در گشودن میدان مین ایفا نمودند. (مصاحبه ها ۲ و ۳ و ۴ و ۱۰)

انجام گرفت؛ وادار کردن نیروهای عراقی به خروج کامل از خاک جمهوری اسلامی ایران، تهدید شهر بصره و کوتاه کردن آتش توپخانه ارتش عراق از شهرهای مرزی جنوب و غرب ایران (۴/پوراحمد، ۱۳۸۶: ۱۱۴) بوده است. نیروهای بعثی با استفاده از سنگرهای مثالی و سایر استحکامات دفاعی که از کشورهای غربی و اسرائیل گرفته بودند، به شدت مقاومت نمودند. در این عملیات نیروهای ازنایی با ابراز فداکاری خود به پیشرفت عملیات کمک کردند. (مصاحبه‌های شماره ۳ و ۱۰)

تشکیل تیپ مستقل ۵۷ حضرت ابوالفضل(ع)

بعد از عملیات والفجر مقدماتی با توجه به تعداد زیاد نیروهای لرستان، که عموماً در تیپ امام حسن(ع) و لشکر ولی عصر(عج) پخش بودند، طرح ایجاد تیپ مستقل ۵۷ حضرت ابوالفضل از جانب فرمانده منطقه ۸ کربلا مطرح شد و در ۱۳۶۲/۵/۱ تیپ مستقل ۵۷ حضرت ابوالفضل تشکیل گردید و آقای عبدالله احمدی به عنوان فرمانده تیپ و حاج روح الله نوری به عنوان معاون فرمانده تیپ منصوب گردیدند. (۳/پای، ۱۳۷۶: ۷۴) تیپ ۵۷ حضرت ابوالفضل در نیمه خرداد ۱۳۶۵ به لشکر ۵۷ حضرت ابوالفضل تبدیل گردید. نیروهای ازنایی که عموماً در گردان مالک اشتر، گردان ادوات، گردان تخریب و گردان پدافند سازمان دهی می‌شدند، از نظر کیفی و کمی نقش مهمی در تیپ ۵۷ داشتند به طوری که برخی از فرماندهان و مسئولین تیپ از بچه‌های ازنا بودند. (مصاحبه شماره ۸ و ۱۰) با توجه به این که تیپ تازه شکل گرفته بود، ابتدا در تثبیت مناطق تازه فتح شده (خط پدافندی) به کار گرفته شد. اولین مأموریت تیپ ۵۷ استقرار در خط پدافندی شیب نیسان بوده و بعد مدتی در تیپ در خط پدافندی زبیدات مستقر گردید. سرانجام تیپ ۵۷ حضرت ابوالفضل در تاریخ ۶۲/۱۱/۲۸ جهت شرکت در اولین عملیات منطقه زبیدات را ترک و عازم تنگه چزابه گردید. (۳/پای، ۱۳۷۶: ۷۶)

عملیات والفجر مقدماتی

عملیات والفجر مقدماتی در تاریخ ۱۷ بهمن سال ۱۳۶۱ با رمز یا الله یا الله یا الله در منطقه جنوبی و شمالی چزابه به اجرا درآمد. هم‌زمانی این عملیات با ایام دهه فجر سبب شد که نام «والفجر» برای آن در نظر گرفته شود. عملیات والفجر مقدماتی یکی از

گسترده‌ترین عملیات‌های طول جنگ تحمیلی بوده است و هدف اصلی از اجرای آن خارج ساختن بخش‌هایی از میهن اسلامی از آتش توپخانه دشمن و آزادسازی مناطق مرزی میهن، پیش‌روی به سوی العماره بوده است (۴/پوراحمد، ۱۳۸۶: ۱۲۸)

نیروهای ازنایی در قالب گردان حضرت ابوالفضل(ع) از تیپ امام حسن (ع) به فرماندهی حسین جان‌برزگی در این عملیات حضور داشتند. این نیروها ابتدا در جنگل‌های امقر در تنگه زلیجان مستقر بوده و پس از شروع عملیات به سمت

نیروهای ازنایی به فرماندهی مصطفی آسترکی به همراه نیروهای ارتشی لشکر ۹۲ زرهی اهواز و سایر رزمندگان موفق به آزادسازی جاده سوسنگرد اهواز می‌شوند

عملیات والفجر ۶

هیچ عملیات شرکت نکردند. لازم به ذکر است در تابستان ۱۳۶۴ نیروهای اطلاعات و عملیات تیپ ۵۷ با شناسایی موقعیت دشمن در منطقه زبیدات زمینه را برای اجرای عملیات آماده ساختند ولی با توجه به جابه جایی تیپ ۵۷ از منطقه زبیدات به منطقه شمال غرب، عملیات اجرا نگردید.

عملیات ایزدایی

تیپ ۵۷ در آبان ۱۳۶۴ منطقه زبیدات را ترک کرد و در تاریخ ۱۳۶۴/۸/۸ در مناطق، سورمر، کیوره، پشت قلعه، برد دکان و شاخ میثم و شاخ شمیران (ارتفاع اصلی منطقه و مشرف در دو شهر دربندیخان و حلبچه و دریاچه سد دربندیخان) در استان سلیمانیه عراق مستقر شدند. پس از استقرار نیروها در منطقه، نیروهای اطلاعات و عملیات وارد عمل شده و به شناسایی موقعیت دشمن پرداختند. سرانجام نیروهای تیپ ۵۷ در تاریخ ۱۳۶۴/۱۰/۲۵ با هماهنگی لازم بین نیروهای عملیاتی و نیروهای پشتیبانی در یک عملیات ایزدایی به مواضع نیروهای عراقی حمله کرده و پس از انهدام مواقع و استحکامات دشمن و ایجاد تلفات سنگین به موقعیت اولیه خود بازگشتند (۱۰/۱/۱۳۸۶: ۱۱۳) قبادی،

عملیات والفجر ۹

نیروهای تیپ ۵۷ پس از اجرای موفقیت آمیز عملیات ایزدایی در منطقه در بندی خان جهت انجام عملیات والفجر ۹ به مریوان انتقال داده شدند. نیروهای تیپ علی رغم سرمای شدید منطقه کردستان در تاریخ ۶۴/۱۲/۵ عملیات والفجر ۹ را آغاز نمودند. در چنین موقعیتی، یگان‌ها علاوه بر مشکلاتی که برای استقرار داشتند به هنگام پیش روی و رسیدن به موانع دشمن نیز با دشواری بسیار مواجه بودند، چنان که نیروها بعضاً مسیرهای طولانی را در میان برف در میان کوهستان به مدت ۱۰ ساعت طی

پس از ورود تیپ به منطقه عملیاتی چزابه، نیروها آماده شرکت در عملیات والفجر ۶ شدند. از آنجایی که عملیات پیروزی آفرین خیبر در شرف انجام بود برای ایجاد فاصله میان سپاه سوم و چهارم عراق و کاهش توان دشمن در عملیات اصلی (خیبر) طرح عملیات والفجر ۶ از سوی فرماندهان نظامی تدارک دیده شده بود. (مصاحبه‌های شماره ۳ و ۱۰)

لذا عملیات والفجر ۶ با رمز یا زهرا (س) در تاریخ ۱۳۶۲/۱۲/۲ و یک روز قبل از عملیات خیبر، در منطقه عملیاتی چزابه و چیلالت واقع در جنوب دهلران آغاز گردید و در مجموع دو روز بطول انجامید و جاده مرزی تدارکاتی منطقه چیلالت و چندین ارتفاع از اشغال دشمن آزاد گردید.

واحد اطلاعات عملیات تیپ ۵۷، چند روز قبل از عملیات وارد تنگه چزابه شده و در آنجا به شناسایی منطقه عملیاتی پرداخت که در مجموع دو معبر برای عبور رزمندگان اسلام شناسایی و انتخاب گردید. یک معبر از طرف تپه‌های رملی که از خط خودی تا خط دشمن چند کیلومتر فاصله داشت و یک معبر نیز در داخل هورالهویزه بود. در این عملیات شهید ابراهیم اسداللهی فرمانده گردان ثارالله و شهید رحمت الله دهقان، از نیروهای اطلاعات و عملیات تیپ ۵۷، که از نایی بودند به شهادت رسیدند. (۳/پایی، ۱۳۷۶: ۸۹)

بازگشت به خط پدافندی زبیدات

در اواخر فرودین ۱۳۶۳ تیپ ۵۷ حضرت ابوالفضل (ع) پس از انجام عملیات والفجر ۶ و اقامت چند روزه در منطقه عین خوش عازم خط پدافندی زبیدات گردید. (۱۰/قبادی، ۱۳۸۶: ۸۵) نیروهای تیپ ۵۷ حضرت ابوالفضل از تاریخ فرودین ۱۳۶۳ تا تاریخ آبان ۱۳۶۴ در منطقه زبیدات مستقر بودند در این مدت به جز درگیری‌های پراکنده‌ای که بین آنها و نیروهای عراقی ایجاد شده بود، در

عملیات حاج عمران

نیروهای عراقی در اردیبهشت ۱۳۶۵ با بهره‌گیری از تعداد زیادی نیرو و ادوات نظامی در منطقه حاج عمران (ایران‌شهر) عملیات کرده و پس از درگیری با نیروهای لشکر ویژه شهدا و لشکر ۱۴ ارومیه اقدام به پیش‌روی به داخل مرزهای ایران اسلامی نمودند؛ به همین علت تیپ ۵۷ حضرت ابوالفضل (ع) با سه گردان از جمله گردان مالک اشتر ازنا جهت رویارویی و زمین‌گیر کردن دشمن به منطقه حاج عمران اعزام گردید. گردان مالک اشتر به عنوان اولین گردان عمل‌کننده، در حوالی تپه‌های ۲۵۱۹ وارد عمل شد. متأسفانه به علت تسلط نیروهای عراقی به منطقه، گردان مالک اشتر زیر بارش گلوله‌های مستقیم رگبارها و خمپاره دشمن قرار گرفت و تعداد زیادی از نیروهای گردان مالک اشتر به شهادت رسیدند. (قبادی، ۱۳۸۶: ۱۶۰-۱۵۶) در شب بعد، گردان ثارالله از جناح چپ، گردان ابوذر از جناح راست و گردان محبین از وسط دو گردان برای تصرف ارتفاع ۲۵۱۹ عملیات کردند. دو گردان ابوذر و ثارالله موفق به تصرف اهداف خود گردیدند، اما گردان محبین به علت حجم شدید آتش نتوانست منطقه وسط را تصرف نماید، لذا گردان‌های مذکور مجبور به عقب‌نشینی شده و تلفات شدیدی را متحمل گشتند.

در شب بعد به یگان‌های تیپ ۵۷ مأموریت داده شد با گردان‌های باقی‌مانده جهت تصرف تپه شهدا و تپه شهید صدر وارد عمل شوند. برای رسیدن به هدف قرار شد گردان انبیاء از سمت بالا و گردان شهدا از پایین جهت تصرف مناطق مذکور، عمل نمایند. نیروهای فوق بعد از گذشت دو ساعت بالاخره موفق به تسخیر اهداف خود گردیدند و تا صبح همان روز در حالی که گلوله‌های آتشین دشمن بر سر آن‌ها ریخته می‌شد، مقاومت جانانه‌ای از خود نشان دادند. در نهایت با جای‌گزین شدن نیروهای ارتش این

می‌کردند. تراکم برف در برخی از محورها سبب گردیده بود که نیروها تا سینه در برف فرو روند و همین امر منجر به کاهش توان آن‌ها می‌شد. این عملیات منجر به تصرف ارتفاعات کچل برو، شیلان و ارتفاعات باباخلان گردید. اما متأسفانه نیروهای عراقی به علت حساسیت مناطق فوق پس از جمع‌آوری وسیع نیرو در تاریخ ۶۴/۱۲/۹ شروع به بازپس‌گیری مناطق ذکر شده می‌نمودند و نیروهای لرستانی به علت نبودن جاده مناسب، توپ‌خانه‌ی قوی در عقبه، عدم امکان انجام عملیات هلی‌برد نمی‌توانستند مقاومت کنند و عقب‌نشینی کردند. از

طرف دیگر هنگامی که نیروهای تیپ ۵۷ به قصد شرکت در عملیات والفجر ۹ عازم منطقه مریوان بودند، دشمن با یک عملیات مشترک زمینی و هوایی شاخ شمیران را به تصرف خود درآورد. لذا تیپ، پس از پیش‌روی نیروهای عراقی در منطقه شاخ شمیران مأموریت پیدا

کرد تا مقدمات لازم را برای اجرای یک عملیات تهاجمی و آفندی با هدف بازپس‌گیری مناطق از دست رفته شاخ را فراهم کند که در نتیجه دسته‌های مختلف اطلاعات وارد عمل شده و با نفوذ به مواضع دشمن، امکانات و استحکامات دشمن را شناسایی کردند. بیش‌تر دسته‌ها مأموریت شناسایی خود را انجام دادند، که ناگهان دستور عزیمت نیروهای تیپ ۵۷ حضرت ابوالفضل (ع) به منطقه حاج عمران از مناطق مرزی پیران‌شهر صادر شد. (۱۰/قبادی، ۱۳۸۶: ۱۵۷-۱۳۰)

پس از اشغال مجدد سوسنگرد،
هویزه و بستان توسط نیروهای
عراقی، نیروهای ازناپی به مدت ۱۵
روز در محاصره نیروهای عراقی در
می‌آمدند



گرفت و سپاه برای حضور جدی در این عملیات، یگان‌های رزمی متعددی را در این خطوط مستقر ساخته و با تمام توان در صدد هجوم به دشمن بود. همان طور که مشخص است منطقه عملیاتی مذکور تقریباً در مقابل شهر مهم و استراتژیک بصره، دومین شهر عراق و مهم‌ترین بندر این کشور که برای اقتصاد عراق نقش حیاتی ایفا می‌نمود قرار داشت. می‌توان گفت هدف از این عملیات انهدام ماشین جنگی عراق و دستیابی و تصرف مواضع دشمن در جنوب بصره و مناطق شرقی آن بود. این عملیات در تاریخ ۴ دی ۱۳۶۵ اجرا شد و

گردان‌ها به عقب برگشتند. (۳/پای، ۱۳۷۶: ۱۲۳) به علت تعداد بالای شهدا و مجروحین لرستانی در این عملیات حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، طی پیامی از مردم لرستان دل‌جویی، تقدیر و تشکر نمودند.

بسم الله الرحمن الرحيم

سلام مرا به مردم شهیدپرور لرستان و شهر خرم‌آباد و علمای محترم ابلاغ کنید. من رشادت و پایداری مردم و عشایر غیور را در وقایع اخیر جبهه و جنگ شنیده و اطلاع دارم. لکن در سال ۵۹ شخصاً شاهد شجاعت و دل‌آوری‌های داوطلبان مخلص آن استان بوده و از نزدیک روحیه مبارز آنان را شناختم. نبرد آنان بیش از آنچه شنیدنی باشد، دیدنی است. تأسف عمیق و تبریک و تسلیت مرا به مناسبت وقایع حاج عمران به همه‌ی آن عزیزان به خصوص خانواده محترم شهدا ابلاغ فرمایید. امیدوارم با شهد پیروزی در آینده‌ای نه چندان دور کام این امت بزرگ شیرین شود. از قول من به مردم اطمینان بدهید که پیروزی ما ان‌شاءالله و به فضل الهی دیر و زود دارد، ولی سوخت و سوز ندارد. (۱۱/مطالعات اجتماعی فرهنگي لرستان، ج ۲، ۱۳۷۰: ۱۹۰)

تشکیل لشکر ۵۷ حضرت ابوالفضل(ع)

در نیمه‌ی دوم خرداد سال ۱۳۶۵ سازمان تیپ ۵۷ حضرت ابوالفضل(ع) به لشکر تبدیل شد. محسن رضایی فرمانده وقت سپاه به لرستان آمد و در جمع نیروهای تیپ رسماً ارتقاء سازمان تیپ را به لشکر اعلام کرد. (۱۰/قبادی، ۱۳۸۶: ۱۶۱)

عملیات کربلای ۴

عملیات کربلای ۴ یک تک جبهه‌ای گسترده بود که در خط مرزی عراق با ایران در منطقه غرب آبادان و جزیره مینو تا شمال غربی خرمشهر و جنوب پاسگاه مرزی بویان یعنی پاسگاه کوت سواری عراق انجام

پس از شکل‌گیری گردان‌ها و تیپ‌های نظامی سپاه پاسداران، نیروهای ازنایی در قالب تیپ امام حسن(ع) و تیپ ولی عصر(عج) به جبهه‌ها اعزام شدند

لشکر ۵۷ حضرت ابوالفضل، در اجرای آن نقش تعیین‌کننده‌ای داشت (۳/پای، ۱۳۷۶: ۱۴۱) نیروهای لشکر ۵۷ حضرت ابوالفضل(ع) ساعت ۸/۵ شب به سمت خطوط مقدم و نقطه‌رهایی یعنی نقطه مقابل پاسگاه زید بویان به سمت منطقه پنج ضلعی

انتقال داده شدند. وجود دژهای هلالی با ارتفاع حدود ۶ متر که قائده‌ی آن‌ها با میدین مین و کانال‌های آب و سیم خاردار پوشانده شده بود انجام عملیات را مشکل می‌کرد. نیروهای لشکر از مسیرهایی که قبلاً توسط نیروهای اطلاعات عملیات شناسایی شده بود، پیش‌روی را آغاز نمودند. اما حجم سنگین آتش دشمن پیش‌روی را کند کرده بود که همین قضیه باعث تلفات شدید نیروهای لشکر ۵۷ شده بود. به علت رشادت زیاد، نیروهای اسلام، با وجود تلفات سنگین ساعت ۲/۵ شب به ۱۰۰ متری هلالی رسیده بودند. با رسیدن



_____ گردان مالک اشتر لشکر ۵۷ (ایستاده از راست نفر هفتم شهید شفیع جانشین گردان، پدر نویسنده مقاله)

نیروها به هلالی، سیل گلوله‌های توپ و خمپاره نیروهای ایرانی بر روی هلالی آغاز شد، به طوری که هنگام ورود نیروهای لشکر ۵۷ به هلالی بسیاری از نیروهای دشمن بر اثر اصابت ترکش از بین رفته بودند.

ساعت ۳/۱۰ صبح نیروهای لشکر با هدف فتح هلالی وارد عمل شدند و عراقی‌ها با تمام وجود مقاومت کردند، اما مقاومت فایده‌ای نداشت و هلالی به وسیله نیروهای لشکر ۵۷ فتح

شد. لیکن به علت این که سایر نیروهای عمل کننده نتوانسته بودند موفقیت لازم را کسب نمایند. ساعت ۴/۴۰ دقیقه صبح به نیروهای لشکر ۵۷ فرمان برگشت داده شد. نیروهای عراقی که متوجه شدند نیروهای لشکری قصد ترک منطقه را دارد، گسستخ شده و با حجم شدید آتش و جب و جب منطقه را زیر پوشش قرار دادند که به علت سرعت زیاد عقب‌نشینی تعدادی از مجروحین در منطقه باقی ماندند.

نیروهای لشکر ۵۷ هنگام بالا آمدن آفتاب، غمگین خود را به عقب رساندند. برای اینکه هنگام استراحت از تیررس توپ‌خانه عراق به دور باشند به کنار رودخانه کارون عزیمت کردند. (۱۰/قبادی، ۱۳۸۶: ۲۰۸-۱۸۴) عملکرد لشکر ۵۷ حضرت ابوالفضل (ع) در عملیات کربلای ۴ در تاریخ جنگ به عنوان یک حماسه‌ی مثال زدنی ثبت شده است. (۵/تاریخ جنگ، ۱۳۷۴: ۵۱)

عملیات کربلای ۵

عملیات کربلای ۵ در ساعت دو بامداد ۶۵/۱۰/۱۹ با رمز یا زهرا (س) در محدوده عمومی شلمچه،

در منطقه پنج ضلعی (همان محل عملیات کربلای ۴) آغاز شد. این منطقه نزدیک‌ترین منطقه به شهر بصره است. این بار لشکر ۵۷ حضرت ابوالفضل (ع) مأموریت داشت که وارد منطقه جنوبی پنج ضلعی شود و تک سایر یگان‌های سپاه را در حوالی شهرک دوعیجی عراق ادامه دهد. در این عملیات گردان مالک اشتر ازنا به فرماندهی محمد راجبی و گردان ابوذر الیگودرز به فرماندهی سید جواد میرشاکبی به همراه واحدهای ادوات و توپ‌خانه نقش مهم‌تری داشتند. نیروهای لشکر ۵۷ حدود ساعت ۱۰ شب در حوالی شهر دوعیجی مستقر و ساعت ۲ نیمه شب تهاجم را آغاز نمودند و تا نزدیکی صبح موفق به عقب راندن نیروهای عراقی از شهرک دوعیجی شدند. با مجروحیت محمد راجبی، فرمانده گردان مالک اشتر ازنا، مسئولیت این گردان به عهده شهید حبیب الله شفیع قرار گرفت. نیروهای لشکر ۵۷ وظیفه داشتند در جناح جنوبی شهرک دوعیجی، جاده مواصلاتی جزیره ماهی به سمت ام‌الطویل را کنترل کنند و مانع نفوذ نیروهای عراقی شوند.

رفتند و منتظر فرمان شروع عملیات بودند که مطلع شدند به علت بروز مشکلاتی، نیروهای اتحادیه میهنی نمی‌توانند وارد عمل شوند؛ لذا عملیات لغو گردید. (۱۰/قبادی، ۱۳۸۶: ۲۶۵-۲۶۰)

عملیات نصر ۸

عملیات نصر ۸ با هدف تصرف ارتفاعات گرده رش در حوالی شهر ماووت عراق در مورخ ۱۳۶۶/۸/۲۸ با رمز یا محمد بن عبدالله(ص) علی رغم برف، سرما و شرایط نامساعد جوی آغاز گردید. نیروهای لشکر ۵۷ در این عملیات که با غافل‌گیری نیروهای دشمن همراه بود با کمک آتش سنگین توپخانه ادوات لشکر ۵۷ در مدت کوتاهی موفق به تصرف ارتفاعات گرده رش شدند. (۱۰/قبادی، ۱۳۸۶: ۲۷۸-۲۷۶)

عملیات بیت المقدس ۲

بعد از اجرای عملیات نصر ۸ در ارتفاعات گرده رش واقع در منطقه عمومی ماووت، تدبیر فرماندهان سپاه بر این شد که ادامه عملیات‌ها در منطقه عمومی ماووت در فصل زمستان پی‌گیری شود و این بدان معنا بود که قبل از آن که درگیری با عراقی‌ها شروع شود، جنگ با طبیعت آغاز گردیده بود. دمای ۳۰ درجه زیر صفر از دشواری‌های عملیات خبر می‌داد. تعدد لباس‌های گرم پوشیده، عامل محدودیت تحرک نیروها می‌شد، اما علی‌رغم توضیحات فوق در بیست و پنجم دی ماه ۱۳۶۶ عملیات بیت المقدس ۲ با رمز یا زهرا(س) با همکاری سه لشکر سیدالشهدا، لشکر ۵۷ حضرت ابوالفضل و لشکر ۳۲ انصارالحسین در دو محور عملیاتی آغاز شد. محور اول، ارتفاعات گرده رش، قمیش، دولینک و الاغلو

محور دوم، ارتفاعات گرده رش، دیولان، آسوس، شیخ محمد، سردوکان
از اهداف این عملیات علاوه بر تصرف ارتفاعات استراتژیک فوق، رسیدن نیروهای ایرانی، به منطقه

نیروهای گارد ریاست جمهوری عراق در ساعت ۹ صبح روز پنجم عملیات با به کارگیری آتش سنگین سعی کردند شهرک دوعیجی را پس گرفته و مانع سقوط شهرک تنومه شوند. اما با مقاومت جانانه نیروهای لشکر ۵۷، تلاش آن‌ها ناکام ماند. شهید حبیب اله شفیعی مسئول گردان مالک اشتر ازنا در روز ۱۴ بهمن ۱۳۶۵ به علت اصابت خمپاره ۶۰ درجه به شهادت رسید و در نتیجه هدایت گردان مالک اشتر به معاون ایشان سپرده شد. با ادامه عملیات، نیروهای لشکر ۵۷ حضرت ابوالفضل موفق به پیش‌روی در حاشیه شمالی ارون رود شدند و جزایر بوارین و ام الطویل تا کنار پل جزیره ماهی را تصرف نمودند و در آن‌جا مستقر گردیدند. نیروهای گردان مالک اشتر، ابوذر، محبین و شهدا، تا اواخر اسفند به صورت چرخشی در خط مقدم حضور داشتند و در اواخر اسفند، منطقه عملیاتی کربلای ۵ را تحویل یگان جایگزین داده و خود به پادگان شفیع خان عزیمت نمودند. (۳/پای، ۱۳۷۶: ۱۵۳).

عملیات نصر ۴

نیروهای لشکر ۵۷ حضرت ابوالفضل(ع) دوباره بعد از عملیات کربلای پنج به مناطق عملیاتی بانه و سقز در غرب کشور منتقل شدند. این بار لشکر ۵۷ وظیفه داشت شهر ماووت عراق در ۳۵ کیلومتری خاک عراق را تصرف نماید. سرانجام نیروهای لشکر ۵۷ پس از انجام چند عملیات پراکنده، با اجرای یک عملیات تهاجمی گسترده در مورخ ۱۳۶۶/۳/۳۱ شهر ماووت عراق را تصرف نمودند و در مرحله بعد برای تصرف ارتفاعات ۱۶۰۰ متری الاغلو و شهید کاریزه که فاصله کمی با شهر سلیمانیه داشت، تحرکاتی انجام دادند. طبق قرار قبلی نیروهای لشکر می‌بایست از روبه‌رو و نیروهای اتحادیه میهنی کردستان (جلال طالبانی) از پشت به دشمن حمله کنند. در شب عملیات نیروهای لشکر تا نزدیکی خطوط عراق جلو

وارد عقبه دشمن شدند، که این کار باعث غافل گیری و سردرگمی دشمن شد، به طوری که در نزدیکی ظهر، نیروهای لشکر ۵۷ موفق به تصرف ارتفاعات شاخ شمیران شدند. دشمن بعضی در هفدهم فرودین پاتک سنگین خود را برای بازپس گیری مناطق تازه تصرف شده آغاز کرد که به علت تسلط نیروهای ایرانی بر منطقه، تلاش نیروهای بعضی با تلفات زیاد ناکام ماند. در نتیجه هواپیماهای دشمن در روز هجدهم فرودین منطقه را در چندین نوبت بمباران شیمیایی نمودند. نیروهای ازناپی در روز سوم این عملیات در قالب گردان مالک اشتر به فرماندهی میرزا کشاورز به ارتفاعات شاخ شمیران اعزام و جایگزین نیروهای گردان محرم (خط شکن) گردیدند. (۱۰/قبادی، ۱۳۸۶: ۲۶۳-۳۵۳)

عملیات مرصاد

این عملیات در روزهای پایانی جنگ تحمیلی، بعد از قبول قطع نامه ۵۹۸ از سوی ایران اتفاق افتاد و نیروهای منافقین با کمک نیروهای ارتش عراق از مرزهای قصر شیرین به سمت کرمانشاه حرکت کردند. این عملیات در تاریخ ۱۳۶۷/۵/۶ با رمز یا علی(ع) آغاز شد. لشکر ۵۷ حضرت ابوالفضل با گردان های پیاده انبیاء، شهدا، محبین و مالک اشتر به دشمن هجوم برده و با کمک یگان های دیگری از سپاه توانستند متجاوزین را وادار به عقب نشینی و سپس تا نزدیکی های اسلام آباد تعقیب نمایند. از طرف دیگر سپاه ناحیه لرستان با جمع آوری نیروهای پاسدار و بسیجی خود به استعداد چند گردان، جهت سد هجوم دشمن، جاده اسلام آباد - سیمره را مسدود نمود و منتظر هجوم منافقین شد. اما از آنجایی که منافقین جاده آسفالته اسلام آباد - باخران را به عنوان مسیر پیش روی و هجوم خود انتخاب نموده بودند، در نتیجه نیروهای سپاه ناحیه لرستان نیز تا نزدیکی سه راهی اسلام آباد پیش روی کرده و در این محل با

آزاد اتحادیه میهنی کردستان (جلال طالبانی) بود که در صورت محقق شدن، می توانست سرنوشت جنگ را در غرب کشور متحول کند. (۱۰/قبادی، ۱۳۸۶: ۲۹۸)

رزمندگان اسلام در عملیات غرور آفرین بیت المقدس ۲ با استفاده از ابتکارات و تاکتیک های ویژه منحصراً به فرد به جنگ های کوهستان علی رغم شرایط بارندگی و برف سنگین و سرمای شدید و صعب العبور بودن جاده ها، با موفقیت بر بخش وسیعی از ارتفاعات غرب شهر ماووت در شمال سلیمانیه مسلط شدند. (۴/پواحمد، ۱۳۸۶: ۴۱۱) اما رزمندگان اسلام موفق نشدند که خود را به منطقه اتحادیه میهنی کردستان برسانند.

بعد از عملیات والفجر مقدماتی
طرح ایجاد تیپ مستقل ۵۷ حضرت
ابوالفضل از جانب فرمانده منطقه
۸ کربلا مطرح شد و در ۱۳۶۲/۵/۱
تیپ مستقل ۵۷ حضرت ابوالفضل
تشکیل گردید

عملیات بیت المقدس ۴

در عملیات والفجر ۱۰ شهرهای حلبچه و سید صادق و چند ارتفاع مهم و ده ها روستای بزرگ و کوچک به تصرف رزمندگان اسلام در آمد. برای تکمیل این پیروزی ها

عملیات بیت المقدس ۴ شکل گرفت. مأموریت لشکر ۵۷ حضرت ابوالفضل در این عملیات تصرف شاخ شمیران و قسمتی از ارتفاعات برد دکان بود. سال ها بود که تصرف شاخ شمیران و استقرار بر بلندی های آن، آرزوی رزمندگان لرستانی بود. زیرا وقتی نیروهای لرستانی در عملیات والفجر ۹ حضور داشتند، دشمن در یک عملیات آفندی مشترک زمینی و هوایی، شاخ شمیران را به تصرف خود در آورده بود. سرانجام عملیات بیت المقدس ۴ در صبح ۱۶ فرودین ۱۳۶۷ با رمز یا اباعبدالله آغاز گردید. عده ای از نیروهای لشکر از مقابل و عده ای دیگر از نیروهای لشکر از پشت سر

جا گذاشتند. (اطلاعات و آمار بنیاد شهید و امور ایثارگران شهرستان ازنا)

این آمار با توجه به جمعیت کم شهر ازنا در طول سال‌های دفاع مقدس، نشان‌دهنده‌ی عشق و ارادت مردم این منطقه به اسلام، انقلاب و امام خمینی (ره) می‌باشد. زنان شیردل ازنایی نیز از هیچ کوششی برای کمک به رزمندگان اسلام دریغ نورزیدند. آن‌ها با دوختن لباس و بافتن کلاه، شال و دست‌کش و تهیه و بسته‌بندی مواد غذایی، پا به پای رزمندگان اسلام در دفاع مقدس سهیم بودند. مردم ازنا در طول سال‌های دفاع مقدس کمک‌های نقدی و غیرنقدی خود را به مساجد که به محلی برای جمع‌آوری کمک‌های مردم تبدیل شده بود، تحویل می‌دادند.

اولین مأموریت تیپ ۵۷ استقرار در خط پدافندی شیب نیسان بوده و بعد مدتی تیپ در خط پدافندی زبیدات مستقر گردید. سرانجام تیپ ۵۷ حضرت ابوالفضل در تاریخ ۶۲/۱۱/۲۸ جهت شرکت در اولین عملیات عازم تنگه جزابه گردید

نتیجه

پیش از آغاز جنگ تحمیلی، رزمندگان ازنایی به مبارزه علیه ضد انقلاب کردستان

پرداختند و پس از آغاز جنگ تحمیلی مردم ازنا به طور جدی به دفاع از اسلام و کشور اسلامی پرداختند. رزمندگان ازنایی در سال‌های دفاع مقدس کارنامه‌ی بسیار درخشانی از خود به جا گذاشتند. آن‌ها در بسیاری از عملیات‌های انجام شده در طول دفاع مقدس حضور داشتند، به طوری که ۴۲۹ شهید و ۸۳۹ جانباز و ۱۰۴ آزاده تقدیم اسلام و انقلاب اسلامی نمودند و این آمار با توجه به جمعیت کم شهرستان ازنا در طول سال‌های دفاع مقدس، نشان‌دهنده عشق و ارادت مردم این منطقه به اسلام، انقلاب اسلامی و امام خمینی (ره) می‌باشد.

منافقین درگیر شدند، که شب اول یک تک ایزدایی علیه آنان انجام داده و با فرا رسیدن روز، در قسمت کارخانه قند با منافقین به نبرد مستقیم پرداختند که در همان ابتدای عملیات یک پارک موتوری دشمن منهدم گشته و به آتش کشیده شد. در نتیجه عقبه دشمن بسته شد و نیروهای سپاه ناحیه به همراهی دیگر یگان‌ها به طرف کرمانشاه پیش‌روی نمودند که تقریباً دشمن در گردنه حسن‌آباد در محاصره قطعی افتاد و این نیروها و نیروهای لشکر ۵۷ ابوالفضل (ع) و دیگر یگان‌ها به هم ملحق شده و آن‌گاه به صورت مشترک دشمن را، که به طرف اسلام‌آباد در حال فرار بود، تعقیب نمودند. منافقین قصد داشتند با جمع‌آوری کلیه امکانات و نیروهای خود لاقلاً شهر اسلام‌آباد را حفظ نموده، یک خط پدافندی در جلوی این شهر تشکیل دهند. اما رشادت‌های کم‌نظیر سپاهیان اسلام، هم‌چنین پشتیبانی بسیار جدی نیروی هوایی و هوانیروز و آتش سنگین بر روی دشمن فرصت هرگونه اقدام را از آن‌ها گرفت. بنابر این در نزدیکی ظهر همان روز شهر اسلام‌آباد نیز آزاد شد و دنبال آن بعد از چند ساعت شهر کربند و سپس گردنه پاتاق در نهایت شهر سرپل ذهاب نیز توسط جان‌برکفان سپاه قران بازپس گرفته شد. دشمن که به خیال خود با اقتدار می‌خواست به تهران وارد شود؛ شهرهایی را که در ظرف چند روز متصرف گردیده بود، رها گردیده و با خواری و زبونی به داخل مرزهای عراق فرار نمود. (۳/پای، ۱۳۷۶؛ ۲۰۱-۱۹۹)

آمار شهدا، جانبازان و اسرای ازنایی

مردم غیور ازنا در سال‌های دفاع مقدس به طور جدی به دفاع از اسلام و انقلاب اسلامی پرداختند. آن‌ها در طول هشت سال دفاع مقدس با تقدیم ۴۲۹ شهید و ۸۳۹ جانباز و ۱۰۴ آزاده سرافراز به اسلام و انقلاب اسلامی، کارنامه‌ی درخشانی از خود به

منابع و مآخذ

۱. احمدی نژاد، هادی، (۱۳۸۶) نامه جاپلق و شهرهای همجوار، تهران، نشر آموزش کشاورزی.
۲. اسدالهی، روح الله، (۱۳۸۴)، ارزیابی طرح هادی شهر ازنا، پایان نامه کارشناسی ارشد، یزد. دانشگاه یزد.
۳. پاپی، مراد حسین، (۱۳۷۶)، روایت حماسه ها تیپ مستقل ۵۷ حضرت ابوالفضل (ع)، خرم آباد، افلاک.
۴. پوراحمد، احمد، (۱۳۸۶)، جغرافیایی عملیاتی ماندگاردفاع مقدس، تهران، بنیاد حفظ آثار و ارزش های دفاع مقدس.
۵. تاریخ جنگ، (۱۳۷۴)، تهران فصلنامه مرکز مطالعات و تحقیق جنگ.
۶. دالوند، حمیدرضا، (۱۳۸۵)، انقلاب اسلامی در لرستان، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۷. درویشی، فرهاد، (۱۳۸۶)، جنگ ایران و عراق و پرسش ها و پاسخ ها، تهران، مرکز اسناد دفاع مقدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
۸. رضوی، مسعود، (۱۳۷۶)، هاشمی و انقلاب اسلامی و تاریخ سیاسی ایران از انقلاب تا جنگ، تهران، انتشارات همشهری.
۹. سیمای شهرستان ازنا، (۱۳۸۲)، خرم آباد، سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان لرستان.
۱۰. قبادی، حمید، (۱۳۸۶)، هم مرز با آتش، تهران، سوره مهر.
۱۱. مطالعات اجتماعی فرهنگی لرستان، (۱۳۷۰)، خرم آباد، چاپخانه پوریا.

مصاحبه ها

۱. آسترکی، مصطفی: مبارز فعال قبل از انقلاب، عضو کمیته انقلاب اسلامی، اولین فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
- تاریخ مصاحبه ۱/ ۴/ ۸۹ و ۱۵/ ۴/ ۸۹، ۲۰/ ۴/ ۸۹ فایل صوتی موجود است.
۲. اسکندری، عبدالرحمن: جانباز جنگ تحمیلی، باز رسته سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مصاحبه ۱۷/ ۵/ ۸۹ و ۲۵/ ۵/ ۸۹.
۳. توکلی، علی نظر: جانباز جنگ تحمیلی، باز نشسته سپاه

سایت های اینترنتی:

۱. <http://portol2.moi.ir> (۸۹/۴/۷ پورتال وزارت کشور)
۲. <http://www.ostan-Li.ir> (۸۹/۵/۹ استانداری اسنان لرستان)
۳. <http://www.Lorstan.nocr-ir> (۸۹/۳/۱ اداره کل ثبت احوال لرستان)
۴. <http://www.Lorstan.nocr-ir>

بررسی زمینه‌های شکل‌گیری بسیج مستضعفین

نویسنده: مرتضی قاضی*

چکیده	پیروزی انقلاب اسلامی زمینه ساز تشکیل نهادهایی در ساختار حکومت اسلامی شد که مانند آن در تاریخ کم نظیر و در برخی موارد بی نظیر است؛ نهادهایی مانند سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، کمیته های انقلاب اسلامی، بنیاد مسکن، جهاد سازندگی و بسیج مستضعفین. هدف امام خمینی (ره) از ابداع این نهادها این بود که فارغ از سیستم بوروکراسی اداری باقیمانده از رژیم شاه، گره های کشور را به سرعت باز نمایند و اهداف انقلاب و وعده هایی که به مردم داده شده بود مانند عدالت، آبادانی، پیشرفت و نظایر آن را در کوتاهترین زمان محقق کنند. برخی از این نهادها در طول زمان یا منحل شدند یا تغییر ماهیت دادند. اما شاید بتوان گفت فراگیرترین و مهمترین ابتکار امام، بسیج میلیونی توده های مردم برای پیشبرد حرکت انقلاب اسلامی بود.		
	بسیج مستضعفین یادگار امام است. نهادهای است که بقای انقلاب مدیون آن است. بسیج یا به تعبیر امام، شجره طیبه، پس از ۳۲ سال تبدیل به درخت تنومندی شده است که البته در معرض آسیبهای فراوانی است. بدون شک بازخوانی و بررسی تاریخیچه شکل گیری این نهاد می تواند در بقا و اصلاح آن مؤثر باشد.		
	سابقه بسیج در تفکر حضرت امام، ترسیم فضای کشور در سال اول پیروزی انقلاب، انقلاب دوم؛ جرقه تشکیل نیروی عظیم بسیج، ستاد بسیج ملی در سال اول تأسیس و شروع جنگ تحمیلی؛ فصل جدید حرکت بسیج، ساختار کلی این مقاله را تشکیل می دهند.		

مقدمه

سابقه بسیج در تفکر حضرت امام

سازماندهی جدیدی به آن‌ها داد. هر شب در حجره

یکی از طلبه‌ها جمع می‌شدند و درباره‌ی مبارزه با هم صحبت می‌کردند. محمدعلی رحمانی هم که آن زمان طلبه جوانی بود و ۱۷، ۱۸ سال بیش‌تر نداشت، در این بحث‌ها شرکت می‌کرد.

تجربه محمد منتظری از بقیه بیشتر بود. زیرا عمر خودش را در مبارزه گذرانده و زندان و شکنجه

محمد منتظری تازه از ایران آمده بود. سال ۱۳۵۳ و اوج مبارزات علیه رژیم شاه بود. محمد از زندان که آزاد شد، هر طور که بود خودش را از طریق پاکستان به نجف خدمت امام رساند و همین که وارد نجف شد، کارش را شروع کرد. گویا این آدم برای مبارزه ساخته شده بود. طلبه‌ها را دور هم جمع کرد و

* محقق و پژوهشگر در حوزه دفاع مقدس



اعزام بسیجیان به جبهه

ساواک را نیز با تمام وجود
لمس کرده بود. یک شب
که در حجره نشسته بودند
و با هم صحبت می‌کردند،
محمد از بقیه پرسید:
«دوستان، فکر کنید نهضتی
را که امام شروع کرده است
چند سال دیگر پیروز شود؟
امام چه طور می‌خواهد
کشور را اداره کند؟ با چه
نیرویی می‌خواهد کشور
را نگه دارد؟ امام که ارتش
ندارد، پس با کدام ارتش
می‌خواهد کشور را حفظ
کند؟»

کنند تا تکلیف ما برای برنامه‌های آینده روشن شود.»
بیت امام نزدیک حرم حضرت امیرالمؤمنین (ع)
بود. محمد با بیت امام هماهنگ کرد و به گونه‌ای که
مأمورهای امنیتی متوجه نشوند، خدمت امام رفت.
موضوع را گفته و نظرات همه جمع را برای امام
توضیح داد. محمدعلی رحمانی و بقیه طلبه‌ها منتظر
بودند که محمد بیاید و نظر امام را برایشان بگوید.
چند ساعت بعد محمد منتظری آمد. خوشحال بود.
انگار جواب سؤالش را گرفته بود. همه دور محمد
جمع شدند. داخل حجره رفته و دور هم نشستند.
محمد گفت: موضوع را به امام گفتم، وقتی امام
حرف‌هایم را شنید چند ثانیه سکوت کرد و بعد
فرمود: «من اشتباه آن‌هایی را که به زاهدی تانک
سوار اعتماد کردند، دوباره تکرار نمی‌کنم. من به
حول و قوه الهی بسیج مردمی را راه می‌اندازم.» همه
منظور امام را فهمیدند که منظور وی اشتباه مصدق
بود. محمدعلی رحمانی تا ده سال بعد زمانی که
خودش مسئول بسیج مستضعفین ایران شد، این
جمله امام در گوشش بود.
امام در آغاز انقلاب از همه چیز آگاه بود. سال‌ها

هر کدام از طلبه‌ها نظرشان را گفتند. ولی به
جواب درستی دست نیافتند. قرار شد که هر کس
روی شیوه‌ی انقلاب یک کشور مطالعه کند و برای
بقیه افراد توضیح دهد. محمد سازماندهی ارتش در
جنگ جهانی دوم توسط هیتلر و مدل نهضت مائو در
کشور چین را بر عهده محمدعلی رحمانی گذاشت.
همه مشغول کار شدند. کتاب‌های مرتبط را پیدا کرده
و با دقت می‌خواندند و خلاصه‌ی آن را روی برگه
می‌نوشتند. هر فرد روشی را که مطالعه کرده بود، به
بقیه هم می‌گفت. بعضی‌ها معتقد بودند که تنها راه
انقلاب در ایران، کودتای نظامی، آن هم با استفاده از
نیروهای متعهد و مؤمن در ارتش است. عده دیگری
مدل نهضت گاندی در هند را پیشنهاد می‌کردند.
و عده‌ای انقلاب از روستاها را مطرح می‌کردند.
مطالب خوبی جمع شده بود. حالا وقت آن بود که
نظر امام را بپرسند. امام رهبر انقلاب بود و حتماً
برای این مسئله فکر کرده بود. محمد منتظری گفت
«می‌خواهم نتیجه این جلسه را خدمت امام ببرم و آن
را گزارش کنم. از ایشان بخواهم که ما را راهنمایی

اتفاقاتی در انتظارشان است. در همان اوایل سال گنبد کاووس شلوغ شد. به نام خلق ترکمن، میتینگ سیاسی راه انداخته بودند؛ ولی کار به زد و خورد کشید و چند نفر از مردم کشته شدند. ۲۰ روز طول کشید تا گنبد کاووس آرام شود.^(۳) ولی این قضیه تازه شروع یک سال پرماجر بود. هنوز یک ماه نگذشته بود که تیمسار قرنی و سپس استاد مطهری ترور شدند. گروه فرقان مسئولیت ترورها را قبول کرد. به خیال خودشان قصد داشتند اسلام را پیاده کنند. افرادی را که فکر می کردند اسلام در انحصار آن هاست شناسایی و ترور می کردند. حاج مهدی عراقی را در شهرپور و دکتر مفتاح را در آذر ماه سال ۵۸ به شهادت رساندند. نیروهای

قبل در درس فقه خودش، حکومت اسلامی را مدل کرده بود و مبانی حکومت اسلامی را گفته بود. در باب جهاد، روشی را که در صدر اسلام پیامبر برای جنگ با کفار استفاده کرده بود کاملاً برای شاگردانش توضیح داده بود. خود امام هم در سال ۱۳۴۱ نهضتش را با همین مدل شروع کرد. در ماجرای لایحه انجمن های ایالتی و ولایتی، امام تمام مراجع جهان اسلام را علیه حرکت شاه بسیج کرد. در ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ مردم و هیئت های مذهبی با سر انگشت امام به خیابان ها آمدند و علیه شاه قیام کردند. اتکای حرکت امام به مردم بود. واژه بسیج را امام وارد لغت نامه انقلاب کرد.^(۱)

فضای کشور در سال اول پیروزی انقلاب

۲۲ بهمن ۱۳۵۷ انقلاب پیروز شد. حال مردم باید خودشان کشورشان را اداره می کردند. پس دیگر منتظر کسی نبودند که برایشان کاری بکند. بنابر این خودشان دست به کار شدند.

هنوز دست خیلی ها اسلحه بود. گوشه و کنار کشور باقیمانده های رژیم شاه مانده بودند و برای انقلابی ها نقشه می کشیدند. گروه های مسلحی که قبل از انقلاب با رژیم می جنگیدند، مانند چریک های فدایی خلق و مجاهدین خلق هم بودند. از همه چیز مهم تر امنیت بود، جوان های هر محله دور هم جمع می شدند. شب ها در کوچه ها و خیابان های محله گشت می زدند و مراقب بودند تا کسی آسایش مردم را به هم نزنند. اسم گروه شان را هم کمیته گذاشتند که قبل از ۲۲ بهمن تشکیل شده بود. در اصل همین بچه های کمیته ی محله ها بودند که سرباز های گارد و ساواک را عاصی کرده و شاه را از کشور فراری دادند. امام فردای پیروزی انقلاب، کمیته ها را تأیید کرد. از همه مردم خواست که اسلحه های خود را ابتدا به امام جماعت مساجد تحویل دهند، آن ها هم اسلحه ها را جمع کرده و به بچه های کمیته بدهند.^(۲) سال ۱۳۵۸ آغاز شد. مردم نمی دانستند که چه

محمد منتظری یک شب که در حجره نشسته بودند از بقیه پرسید: «دوستان، فکر کنید نهضتی را که امام شروع کرده است چند سال دیگر پیروز شود؟ امام چطور می خواهد کشور را اداره کند؟ با چه نیرویی می خواهد کشور را نگه دارد؟ امام که ارتش ندارد، پس با کدام ارتش می خواهد کشور را حفظ کند؟»

اطلاعات سپاه پاسداران و کمیته های انقلاب اسلامی که تازه تشکیل شده بود، به دنبال اعضای گروه فرقان بودند. اما در این جو ملتهب، امام به فکر این بود که مملکت را درست کند. در حقیقت برای همین انقلاب کرده بود.

تازه ۲۱ روز

از فروردین سال ۱۳۵۸ گذشته بود که امام دستور داد دولت برای مردم محروم در همه جای کشور شروع به خانه سازی کند. شاید در این پیام اولین بار بود که امام از مردم خواست تا بسیج شوند. امام فرمود: «شما مردم شریف ایران در جریان مبارزه با استعمار و استثمار پیروزی بزرگی به دست آوردید و توانستید با اتکاء به خدای متعال و وحدت کلمه و مشارکت همه قشرها بر طاغوت زمان غلبه کنید و پشت ابرقدرت ها را بلرزانید. اکنون نیز با خودیاری و همکاری برای مبارزه علیه فقر و محرومیت بسیج

سازندگی در همه‌ی کشور خبر می‌داد: «دانشجوه‌ای عزیز، متخصصین، مهندسین و بازاری، کشاورز، همه قشرهای ملت، داوطلب برای این است که ایرانی را که به طور مخروبه به دست ما آمده است، بسازند. از این جهت، ما باید بگوییم یک جهاد سازندگی و موسوم کنیم این جهاد را به «جهاد سازندگی»».^(۷) بعد هم از همه قشرهای ملت، زن و مرد، پیر و جوان، دانشگاهی و دانش‌جو، مهندسین و متخصصین، شهری و دهاتی خواست که همه با هم تشریک مساعی کنند و جهاد سازندگی را در روستاها و مناطق محروم شروع کنند.

همین صحبت امام کافی بود تا همه دست به کار شوند. امام خوب می‌دانست که فقط آحاد مردم می‌توانند مملکت را بسازند. اسفند ماه سال گذشته امام از کشاورزها خواسته بود که امسال، یعنی سال ۱۳۵۸ کشت بهاره کنند.^(۸) تابستان آمد و وقت برداشت محصول نزدیک شد. پنج‌شنبه‌ها و جمعه‌ها جوان‌ها و نوجوان‌ها و حتی میانسال‌ها و پیرمردهای شهرها جمع می‌شدند و به روستاهای اطراف شهرشان رفته و به کشاورزان کمک می‌کردند. یک لقمه نان و پنیر لای پارچه می‌گذاشتند و راهی روستاها می‌شدند. ایران تازه طعم آبادانی و عدالت را می‌چشید.

ولی بعضی از گروه‌ها بودند که نمی‌توانستند آرامش و آبادانی ایران را ببینند. دوم تیر یک انبار بزرگ مهمات و اسلحه در محله مجیدیه تهران کشف شد که برای چریک‌های فدایی خلق بود.^(۹) بهانه‌ی چریک‌های فدایی این بود که ما از قبل با رژیم مبارزه مسلحانه می‌کردیم و الآن هم اسلحه‌ها را برای مبارزه با وابسته‌های رژیم می‌خواهیم. ۱۱ روز بعد تقی شهرام عضو سابق مجاهدین خلق دستگیر شد که مجید شریف واقفی را در تصفیه سازمانی شهید کرده بود.^(۱۰) شهرام کسی بود که پیش از پیروزی انقلاب مأمور تغییر ایدئولوژیک سازمان مجاهدین از اسلام به مارکسیسم شده بود. امثال

شوید و با تأیید الهی به نجات مردم مستضعف کمر همت ببندید.»^(۴) شماره حساب ۱۰۰ بانک ملی هم اعلام شد تا هر کس که توانایی مالی دارد در آن پول واریز کند. سیل کمک‌های مردمی بود که به حساب ۱۰۰ امام واریز می‌شد. مردم خودشان جمع شده، سوار وانت یا کامیون می‌شدند و به سمت مناطق محروم راه می‌افتادند. آستین بالا می‌زدند و برای مستضعفین خانه می‌ساختند. گویا برای خود خانه می‌ساختند، هیچ چشم‌داشتی نداشتند.

اما انگار قرار نبود که آب خوش از گلوی مردم پایین برود. پانزده خرداد نزدیک بود و مردم خودشان را آماده می‌کردند که در راهپیمایی این روز شرکت کنند. خبر آمد که هواپیماهای عراقی شهرهای مرزی ایران مثل سردشت را بمباران کرده‌اند. این تجاوز عراق ۱۰ روزی به طول انجامید.^(۵) امنیت داخلی کم شده بود، و حال نگرانی از کشور همسایه هم اضافه شده بود. ولی امام باز هم به فکر ساختن کشور بود.

۲۳ خرداد بود که دانشجویهای دانشگاه تهران به دیدار امام رفتند. صحبت‌های امام که تمام شد، یکی از دانشجویها بلند شد و از طرحی که برای جهاد روستاها آماده کرده بودند، برای امام گفت. امام به این شرط آن را تأیید کرد که معتمدین هر روستا بر این کار نظارت کنند.^(۶) همین گزارش دانشجویها بنای شکل‌گیری جهاد سازندگی شد. سه روز بعد ۲۶ خرداد امام برای ملت پیامی داد که از رادیو و تلویزیون پخش شد. پیام امام از شروع جهاد

امام فرمود: «من به حول و قوه الهی
بسیج مردمی را راه می‌اندازم.»



خواهر بسیجی مسلح در رژه نیروهای بسیجی به مناسبت هفته دفاع مقدس

ضدانقلاب عصبانی شده بودند و حرف‌شان این بود که چرا دولت کاری نمی‌کند؟ مگر از این وقایع خبر ندارد؟ گویا دولت می‌خواست با آن‌ها مدارا کند. دنبال راه گفتگو و مذاکره بود. امام یک هفته بعد درباره توطئه‌ی ضدانقلابیون هشدار داده و از مردم خواست برای دفع خطر آن‌ها حرکت کنند. این بار ضدانقلاب در پاوه جمع شده بودند. مردم پاوه که از دست آن‌ها و دموکرات‌ها خسته شده بودند، هر روز تظاهرات می‌کردند.^(۱۶) تعدادی هم در فرمانداری پاوه تحصن کردند و از ارتش خواستند که امنیت کردستان را برقرار کند.^(۱۷) همان روزها در لاهیجان هم زد و خوردی شد که البته زیاد طول نکشید.

در پاوه اوضاع وخیم شده بود. دموکرات‌ها چند پاسدار را در پاوه سر بریدند.^(۱۸) خبرها که به امام

تقی شهرام در بین مجاهدین کم نبودند. کسانی که کم داشتند با پوشش مبارزه با استکبار، ماهیت ضدخلقی خودشان را نشان داده و بالای جان مردم می‌شدند.

گروه‌های ضدانقلاب در گوشه و کنار مملکت علیه مردم اسلحه به دست گرفته و مردم کوچه و خیابان را می‌کشتند. هرکدام هم ادعایی داشتند؛ انتخابات مجلس خبرگان قانون اساسی نزدیک بود. قرار بود همه‌ی گروه‌ها برای آینده کشور تصمیم بگیرند. یکی ادعای خودمختاری داشت، دیگری سهم بیشتری از انقلاب می‌خواست و آن یکی دنبال این بود که قدرت‌ش را به رخ بکشد.

اواسط تیر ۱۳۵۸ کردستان توسط ضدانقلاب شلوغ شد.^(۱۱) از اردیبهشت ماه درگیری‌های پراکنده‌ای وجود داشت، اما در تیر ماه، به اوج خود رسید. بچه‌های سپاه داوطلب شدند که به کردستان رفته تا مانع تحرکات آن‌ها شوند.

یک هفته بعد در مریوان، ۳۰۰ مرد مسلح به پاسدارها حمله کردند و ۱۳ نفر از آن‌ها را به شهادت رساندند.^(۱۲) در جنوب کشور هم وضع آرامی نبود. فردای شهادت پاسدارها در کردستان، در مسجد جامع خرمشهر با نارنجک به مردم حمله شد.^(۱۳) امام در همان روز از مردم خواست که روز ۲۶ تیر ۱۳۵۸ به خیابان‌ها آمده و در راهپیمایی وحدت شرکت کنند تا حساب گروه‌هایی که بر خلاف مسیر انقلاب اسلامی هستند روشن شود.^(۱۴) راهپیمایی وحدت آن سال را هیچ کس فراموش نمی‌کند. همه آمده بودند تا بگویند خواهان آرامش می‌باشند.

چند روزی کشور آرام بود؛ ولی این آرامش دوام زیادی نداشت. چهارم مرداد، افراد ضدانقلاب اتومبیل پاسدارها را که برای جهادسازندگی راهی بوکان بودند، منفجر کرد.^(۱۵) دو روز بعد دوباره درگیری در مریوان شروع شد. مردم از این همه جسارت افراد

با حوادث کردستان دستگیر شدند.^(۲۴) اسرائیلی‌ها که با رفتن شاه، منافعشان را در ایران از دست داده بودند، حالا در فکر به آشوب کشیدن کشور بودند. یک جا که آرام می‌شد، سراغ یک جای دیگر می‌رفتند. ۱۳ شهریور مهاباد از دست ضدانقلاب آزاد شد.^(۲۵) ولی چند روز بعد دوباره آشوب و اغتشاش از جنوب کشور سردرآورد. ۲۹ شهریور یک شبکه بزرگ ضدانقلاب را در خوزستان کشف کردند.^(۲۶) نیمه‌های مهر ماه بود که ۲۲ جوان پاسدار را در جاده بانه کشتند.^(۲۷) یک هفته بعد بندر انزلی را به خاک و خون کشیدند.^(۲۸) کشور ناآرام بود؛ روزی نبود که اتفاقی نیفتد.

اتفاقات گوشه و کنار کشور یک طرف، در دولت نیز افرادی بودند که آب به آسیاب دشمن می‌ریختند. ۵ مهر به اطلاع امام رساندند که در وزارت نفت خبرهایی است. حسن نزیه وزیر نفت وقت، خودسرانه سه و نیم میلیون تومان از پول وزارت نفت به حقوق بشر کمک کرده و همچنین اختلاف حقوق‌ها را زیاد کرده بود.^(۲۹) امام آقای اشراقی را به عنوان نماینده خودش به مناطق نفت‌خیز فرستاد تا همه چیز را بررسی کند.^(۳۰) خبرها درست بود. بنابراین حسن نزیه برکنار شد.^(۳۱) و امام فرمود: «هر کس در هر مقامی اگر خیانت کرده باشد به محاکمه کشیده می‌شود.»^(۳۲)

با وجود اینکه مملکت شلوغ بود، ولی آباد ساختن کشور ادامه داشت. هرجایی که آرام می‌شد اولین کاری مردم که می‌کردند این بود که آن‌جا را درست کنند. جوان‌های انقلابی در همین چند ماه که گنبد آرام شده بود، برای خدمت به مردم ترکمن راهی آن‌جا شدند، در برداشت محصول به کشاورزان کمک کردند، برای آن‌ها خانه ساختند و کلاس قرآن گذاشتند.^(۳۳) مردم ترکمن سال‌ها بود که در محرومیت زندگی می‌کردند و حالا انقلاب به کمک‌شان آمده بود. کردستان هم هر زمان آرام می‌شد، جوان‌ها کارشان را شروع می‌کردند.

رسید دیگر صبرش لبریز شد. این اولین بار بود که همه می‌شنیدند امام از مردم عذرخواهی می‌کند: «من از پیش‌گاه خداوند متعال و از پیش‌گاه ملت عزیز عذر می‌خواهم، خطای خودمان را عذر می‌خواهم. ما مردم انقلابی نبودیم، دولت ما انقلابی نیست. ارتش ما انقلابی نیست. ژاندارمری ما انقلابی نیست. شهربانی ما انقلابی نیست. پاسداران ما هم انقلابی نیستند. من هم انقلابی نیستم. اگر ما انقلابی بودیم اجازه نمی‌دادیم این‌ها اظهار وجود کنند.»^(۳۴) امام با ضدانقلاب اتمام حجت کرد و فرمود «اگر چنانچه در کار خودشان تعدیل نکنند به تهران می‌آیم و انقلابی رفتار می‌کنم.»^(۳۵) ولی مگر مردم می‌گذاشتند امام به تهران بیاید. سیل مردم بود که راهی کردستان شد. هرکس دنبال وسیله‌ای بود تا خودش را به کردستان برساند. فردای آن روز امام دوباره صحبت کرد و گفت «نمی‌توانیم توطئه را بپذیریم. ما تمام زن و مردم ایران را بسج می‌کنیم و ریشه آن‌ها (ضدانقلاب) را می‌کنیم.»^(۳۶) بیش از یک روز به طول نینجامید که مردم کار خودشان را کردند، ضدانقلاب نیروهایش را جمع کرد و از کردستان فرار کرد.

دموکراتها چند پاسدار را در پناه سر بردند. امام از مردم عذرخواهی می‌کند: «من از ملت عزیز عذر می‌خواهم، ما مردم انقلابی نبودیم، دولت ما انقلابی نیست. ارتش ما انقلابی نیست. ژاندارمری ما انقلابی نیست. شهربانی ما انقلابی نیست. پاسداران ما هم انقلابی نیستند. من هم انقلابی نیستم. اگر ما انقلابی بودیم اجازه نمی‌دادیم اینها اظهار وجود کنند.»

امام قدر مردم را خوب می‌دانست. فردای آن روز (آزادی پناه)، از مردم به خاطر کارشان تشکر کرد.^(۳۷) عملیات پاک‌سازی کردستان شروع شد. پاسدارهایی که در پناه شرکت داشتند برگشتند و پیش امام رفتند. آن‌جا بود که امام این جمله تاریخی را فرمود: «اگر سپاه نبود، کشور نبود.»^(۳۸) یک هفته بعد معلوم شد که قضیه از چه قرار است. چهار جاسوس اسرائیلی در ارتباط



انقلاب دوم؛ جرقه‌ی تشکیل نیروی عظیم بسیج

گروه فرقان هنوز آرام نشده بود. ۱۱ آبان ۱۳۵۸ بود که آیت‌الله قاضی طباطبایی را در تبریز ترور کردند^(۳۴) و مردم برای انتقام دنبال گروه فرقان بودند. کشور عزادار این شهادت بود، ولی دو روز بعد اتفاقی افتاد که نقطه عطف آن سال و حتی نقطه عطف انقلاب شد، اتفاقی که همه معادلات را عوض کرد.

روز دانش‌آموز بود. دانشجویهای مسلمان پیرو خط امام که چند روز بود جلوی سفارت آمریکا تظاهرات می‌کردند، از دیوار سفارت بالا رفته، آن‌جا را اشغال کردند و افراد داخل آن را گروگان گرفتند. سخن‌شان این بود که آمریکا در ایران جاسوسی می‌کند. بعدها مدارکی از سفارت پیدا شد که بیان‌گر این موضوع بود.

دولت آمریکا شوکه شده بود. این کار دانشجویها برایش خیلی گران تمام شده بود. دستپاچه همه تلاشش را می‌کرد تا برای آزادی گروگان‌های خویش کاری بکند. کارتر، رئیس‌جمهور آمریکا می‌خواست نمایندگان فرستاده تا با امام مذاکره کنند؛ اما امام دستور داد، هیچ کس حق ندارد نماینده‌های کارتر را بپذیرد.

در ایران هم بعضی‌ها شوکه شده بودند. دو روز بعد از اشغال سفارت، مهندس بازرگان، نخست‌وزیر دولت موقت، دخالت‌ها، مزاحمت‌ها، مخالفت‌ها و اختلاف‌نظرها در انجام وظایف محوله را بهانه کرد و استعفا داد.^(۳۵) در آن زمان که وضعیت بحرانی بود، مملکت بدون نخست‌وزیر چه می‌کرد؟ ولی امام همان زمان، شورای انقلاب را مأمور کرد که کشور را اداره کند.^(۳۶) امام هم برای آمریکایی‌ها شرط گذاشت که در صورتی گروگان‌هایشان را آزاد می‌کنند که آن‌ها شاه را به ایران تحویل دهند.^(۳۷)

۱۹ آبان ۱۳۵۸ فرستاده پاپ به تهران آمد. قصد داشت بین کارتر و امام پا در میانی کرده و گروگان‌ها

را با خود ببرد، ولی امام به او گفت: «کارتر را به خاطر کارهایش استیضاح کنید»^(۳۸) کارتر از هر راهی می‌رفت به در بسته برمی‌خورد. پس دستور داد خرید نفت از ایران قطع شود و نیز دانشجویهای ایرانی مقیم آمریکا را هم اخراج کنند.^(۳۹) دارایی ایران در بانک‌های آمریکا را هم مسدود اعلام کرد.^(۴۰) ولی امام کوتاه نیامد و فرمود «اگر شاه را به ایران برنگردانند، گروگان‌ها را محاکمه می‌کنیم»^(۴۱) کارتر دیگر هیچ راهی برایش نمانده بود. موشه‌دایان نخست‌وزیر اسرائیل ۲۹ آبان راهی را جلوی پای کارتر گذاشت. آمریکا باید در ایران دخالت نظامی کند.^(۴۲)

اول آذر چند نفر مسلح به مسجدالحرام حمله کردند.^(۴۳) همه می‌دانستند که توطئه‌ی آمریکا و اسرائیل است. امام پیامی داد مبنی بر این که مسلمانان هشیار باشند، زیرا آمریکا می‌خواهد در صفوف

معلوم نبود که نیروهای نظامی چه گونه می‌خواهند در مقابل آن‌ها بایستند. در همین اوضاع امام کاری کرد که خیلی‌ها علتش را آن زمان نفهمیدند. ابتکار امام هم کابوس امریکا و دشمن‌های خارجی شد و هم کابوس گروه‌های ضدانقلاب داخلی.

بچه‌های سپاه پاسداران مرکز تهران، چهارم آذر ۱۳۵۸ به قم رفتند تا امام را ببینند. امام برایشان از موقعیت کشور گفت. از اختلافات داخلی، از این که دشمن اصلی امریکاست و باید هر چه فریاد دارید بر سر امریکا بکشید. پاسدارها را نصیحت کرد. در آخر هم حرف‌های اصلی خودش را به پاسدارها گفت:

«در هر صورت کلی قضیه را باز من تکرار می‌کنم که بدانید شما با یک قدرتی مواجه هستید که اگر یک غفلت بشود مملکت‌تان از بین می‌رود. غفلت نباید بکنید؛ غفلت نکردن به این است که همه قوا، هر چه فریاد دارید سر [امریکا] بکشید. هر چه تظاهر دارید بر ضد آن بکنید. هر عملی دارید، عمل مثبت را، [بر ضد] آن کنید. قوای خودتان را مجهز کنید. و یک تعلیمات نظامی خودتان پیدا کنید. به دوستان‌تان تعلیم بدهید. به اشخاصی که - عرض می‌کنم - که همین طوری دارند راه می‌روند تعلیمات نظامی بدهید. مملکت اسلامی باید همه‌اش نظامی باشد. تعلیمات نظامی داشته باشد. یکی از ابواب فقه، باب «رمی» است، که تیراندازی است. خوب، آن وقت تیراندازی بوده، حالا هم تیراندازی است به یک جور دیگر. در اسلام با اینکه «رهان» یعنی یک [شرطی] را بگذارند برای چیزی، که نظیر قماربازی می‌شود حرام است، برای رمی حرام نیست. برای اسب‌دوانی حرام نیست. «سبق و رمایه» یکی از مسائل فقه است. برای این که برای همه افراد مستحب است که سواری را یاد بگیرند. حالا اتومبیل‌سواری را، رانندگی را یاد بگیرند، و برای همه مستحب است که تیراندازی را یاد بگیرند. فنون جنگی را یاد بگیرند. اگر یک ملت که همه جوان‌هایش مجهز باشند به همین جهازی علاوه بر جهاز دینی و ایمانی که دارند، مجهز به

مسلمانان رخنه کند.^(۴۴) امام همان روز به مردم ایران پیام داد و فرمود که در مقابل تهدیدهای نظامی و اقتصادی امریکا یک قدم هم عقب نمی‌گذاریم.^(۴۵) کاخ سفید حمله به ایران را در دستور کار خودش قرار داد. وایزمن، وزیر دفاع اسرائیل طرحی برای حمله به ایران داد.^(۴۶) مسئولین ایران واکنش نشان دادند. بنی‌صدر که آن زمان وزیر امور خارجه بود، گفت: «اگر امریکا به خاک ایران حمله کند، چاه‌های نفت خاورمیانه منفجر می‌شود.»^(۴۷) امریکا ناوهای خودش را به حرکت درآورد. تهدید امریکا و آوردن نیروهای ضربت در خلیج فارس موضوع تازه‌ای نبود. از اول سال ۱۳۵۸ امریکا به بهانه‌های مختلف، نیروهای خود را در اقیانوس هند و خلیج فارس افزایش می‌داد.

شایعه شده بود که امریکا می‌خواهد از بحرین به ایران حمله کند. معاون وزیر امور خارجه بحرین به وزارت خارجه ایران زنگ زد و گفت که بحرین اجازه ورود چتر بازهای امریکایی را نمی‌دهد.^(۴۸)

خطر از همه طرف

کشور را تهدید می‌کرد.

کشور خیلی کم مشکلات داخلی داشت، هر آن ممکن بود درگیر جنگ با امریکا هم بشود! آن هم زمانی که نیروهای نظامی کشور کم بودند. ارتش وضعیت خوبی نداشت. خیلی از افراد رده بالای ارتش از کشور رفته بودند. افرادی هم که مانده بودند هنوز نتوانسته بودند به ارتش سر و سامان بدهند. سپاه مشغول درگیری‌های داخل کشور بود. کمیتة هم دنبال گروهک‌هایی مثل فرقان و چریک‌های فدایی خلق بود. اگر امریکا به ایران حمله می‌کرد،

امام خمینی:

همه جا باید این طور بشود که یک کشوری با ۲۰ میلیون جوان که دارد بیست میلیون تفنگدار داشته باشد. ما پشتیبانمان خداست. و ما برای او نهضت کردیم. برای پیاده کردن دین او نهضت کردیم. و خدا با ماست.»

تحریم اقتصادی آمریکا هم می‌ایستادند. برای خیلی از افراد مسئله شده بود که به فرض، بیست میلیون نفر را در کشور آموزش بدهید؛ اگر آمریکا حمله کرد، چطور می‌خواهید این بیست میلیون نفر را تجهیز کنید؟ ۲۸ آذر ستاد بسیج ملی، اطلاعیه‌ای داد که پاسخ این سؤال بود. در این اطلاعیه آمده بود که هسته اصلی ارتش بیست میلیونی، گروه‌های مقاومت ۲۲ نفره است. طرح آن‌ها این بود که به چریک‌های رزمنده آموزش بدهند تا بتوانند دشمن را خلع سلاح کنند، اسلحه‌اش را گرفته و خودشان را تجهیز کنند. (۵۶) آمریکا تسلیم ابتکار امام شده بود.

ستاد بسیج ملی در سال اول

۱۷ دی ۱۳۵۸ حجت الاسلام
امیرمجد از سوی شورای انقلاب،
سرپرست بسیج ملی شد. ۲۵ دی
آقای مجد مصاحبه کرد و گفت
هدف از بسیج ملی هماهنگ کردن
نیروهای انسانی در همه زمینه‌هاست

۱۷ دی ۱۳۵۸
حجت‌الاسلام امیر
مجد از سوی شورای
انقلاب، سرپرست
بسیج ملی شد.^(۵۷)
۲۵ دی آقای مجد
مصاحبه کرد و گفت
که هدف از بسیج
ملی هماهنگ کردن
نیروهای انسانی در
همه زمینه‌هاست. آن
سال‌ها کشور در همه
زمینه‌ها به کار نیاز

داشت و بسیج ملی نیز برای همین تشکیل شده بود. خیلی از مردم بی‌سواد بودند. امام هفتم دی پیام داده بود و از همه خواسته بود برای مبارزه با بی‌سوادی به طور ضربتی و بسیج عمومی قیام کنند.^(۵۸) یکی از کارهای ستاد بسیج ملی همین بسج سوادآموزی بود.^(۵۹)

دهم بهمن ستاد بسیج ملی اطلاعیه‌ای مبنی بر این داد که ۲۲ تا ۲۹ بهمن هفته بسیج ملی است.^(۶۰) در آن سال به خاطر جشن‌های اولین سال پیروزی انقلاب، هفته بسیج هفت روز دیرتر یعنی ۲۹ بهمن

جهازهای مادی هم باشند، سلاحی هم باشند و یاد گرفته باشند، همچی نباشند که یک تفنگی دست‌شان آمدند، ندانند با آن چه بکنندش. باید یاد بگیرید و یاد بدهید رفقای‌تان را. جوان‌ها را یادشان بدهید. و همه جا باید این طور بشود که یک مملکت بعد از یک چند سالی بشود یک کشوری با ۲۰ میلیون جوان که دارد، بیست میلیون تفنگ‌دار داشته باشد. بیست میلیون ارتش داشته باشد. و این یک همچو مملکتی آسیب‌بردار نیست. و الآن هم الحمدلله آسیب‌بردار نیست. الآن هم ما پشتیبان‌مان خداست و ما برای او نهضت کردیم. برای پیاده کردن دین او نهضت کردیم و خدا با ماست.»^(۴۹)

امام با این کار همه کشور را ضد آمریکا بسیج کرد. هیچ ارتشی در جهان ۲۰ میلیون نیروی نظامی نداشت. اکنون هر جای ایران برای آمریکا ناامن بود. هرچند، زمانی که آمریکا به ایران حمله کرد، اصلاً نیازی به ارتش بیست میلیونی نشد و همان‌شن‌ها که مأمور خدا بودند، امریکایی‌ها را هلاک ساختند. یک روز بعد از سخنرانی امام، بنی صدر گفت: «در سراسر کشور باید اعلام بسیج عمومی شود.»^(۵۰) سپاه به فرمان امام عمل کرد و ششم آذر اعلام کرد که همه آموزش نظامی می‌بینند.^(۵۱) ستاد مرکزی کمیته هم به ستاد کمیته‌ها در همه شهرها دستور داد که افراد داوطلب واجد شرایط را آموزش نظامی بدهند.^(۵۲) همه کشور تبدیل به پادگان نظامی شده بود. هر روز از یک گوشه کشور خبر می‌رسید که آموزش نظامی جوان‌ها شروع شده است. یک هفته بعد از فرمان امام، شورای انقلاب اعلام کرد که ستاد بسیج ملی تشکیل می‌شود.^(۵۳)

امریکا در صدد این بود که دنیا را علیه ایران با خود همراه کند. از اروپا زمزمه‌هایی بلند شده بود که ایران را تحریم می‌کنند.^(۵۴) بنی صدر به بانک‌های اروپایی هشدار داد: «در مقابل بانک‌های اروپایی که ما را تحریم کنند، جهادی آغاز خواهیم کرد.»^(۵۵) اکنون فقط مبارزه نظامی نبود و مردم باید مقابل

پوشاک و مصارف تزئینی صرفه‌جویی کنند.^(۶۵) تلاش در تولید بخش‌های صنعتی و کشاورزی هم یکی از برنامه‌های هفته بسیج بود.^(۶۶)

امام در سومین روز هفته بسیج به مردم پیام داد و از جوانانی که از بسیج عمومی استقبال کردند، تشکر کرد: «این جانب از ملت شریف ایران و از جوانان برومند که از بسیج عمومی استقبال نمودند تشکر می‌کنم. دفاع از اسلام و کشور اسلامی، امری است که در مواقع خطر، تکلیف شرعی، الهی و ملی است؛ و بر تمام قشرها و گروه‌ها واجب است در این موقع حساس که ملت با دشمنان سرسخت و ابرقدرت‌ها خصوصاً آمریکا که با مداخله جنایت‌کارانه خودش در طول سلطنت غاصبانه محمدرضا پهلوی، ملت ما را از رشد سیاسی و فرهنگی و اقتصادی بازداشت، و ذخایر این ملت فقیر را به یغما برد، مواجه است، اگر غفلت شود و با قدرت و پشت‌کار در مقابل دشمنان بشریت خود را مهیا نکند، و با بسیج عمومی که به خواست خداوند متعال هیچ قدرتی نمی‌تواند با آن مقابله کند مهيای دفاع از کشور اسلام نشود، خود را و کشور خود را با دست خود به تباهی کشانده است. من از آن چه تاکنون به همت مردان و زنان با شرف و رزمنده شده است، امید آن دارم که در بسیج همه جانبه آموزش نظامی و عقیدتی و اخلاقی و فرهنگی با تأیید خداوند متعال موفق شوند، و دوره تعلیمات و تمرین‌های عملی نظامی و پارتیزانی و چریکی را شایسته و به طوری که سزوار یک ملت اسلامی بپاخاسته است، به پایان رسانند. بکوشید تا هر چه بیش‌تر نیرومند شوید در علم و عمل، و با اتکال به خدای قادر، مجهز شوید به سلاح و صلاح؛ که خدای بزرگ با شماست؛ و دست قدرتی که قدرت‌های شیطانی را در هم شکست پشتیبان جامعه الهی است. من امیدوارم که این بسیج عمومی اسلامی، الگو برای تمام مستضعفین جهان و ملت‌های مسلمان عالم باشد و قرن پانزدهم قرن شکستن بت‌های

شروع شد. برنامه‌ی اولین هفته بسیج ملی خیلی جالب بود، که یکی از این برنامه‌ها صرفه‌جویی در کلیه‌ی مسائل زندگی بود. حتی ستاد بسیج ملی از مردم خواست که در هفته بسیج مشارکت کنند و برای برنامه‌های هفته بسیج ملی نظر بدهند.^(۶۱) نگاه مسئولین این بود که همه کارهای کشور را به دست خود مردم بسپارند. ۲۳ بهمن تیمسار شاهدمهر رئیس ستاد مشترک ارتش گفت: «ما سعی داریم به تدریج که ارتش ۲۰ میلیونی تجهیز شد، امکانات دفاعی را به خود مردم واگذار کنیم.»^(۶۲)

سرعت پیشرفت فعالیت‌های بسیج خیلی زیاد بود. یک ماه و نیم از فرمان امام گذشته بود و ۵ میلیون نفر آموزش دیده بودند.^(۶۳) این موضوع را سرپرست بسیج ملی در مصاحبه‌ای گفت؛ ولی هدف بسیج ملی فقط نظامی نبود. مردم باید برای دفاع غیرنظامی از کشور هم آماده می‌شدند. ترافیک در خیابان‌ها مخصوصاً خیابان‌های پایتخت غوغا می‌کرد. حرکت اتومبیل‌ها نظم نداشت. کسی هم نبود که به اوضاع سر و سامان بدهد. یکی

تیمسار شاهدمهر رئیس ستاد مشترک ارتش گفت: «ما سعی داریم به تدریج که ارتش ۲۰ میلیونی تجهیز شد امکانات دفاعی را به خود مردم واگذار کنیم.»

از برنامه‌های اصلی ستاد بسیج ملی در هفته بسیج، این بود که غول ترافیک را کنترل کند. تدارک وسیعی دیدند و استفاده از اتومبیل‌های شخصی را ممنوع کردند.^(۶۴) این یک برنامه آزمایشی بود تا مردم را آماده کنند که اگر دشمن بی‌خبر حمله کرد، بتوانند با هم همکاری کنند. سرپرست بسیج ملی از مردم خواست که در طول هفته بسیج ملی هرچه بیشتر در انواع مصارف روزانه خود مثل آب و برق و مواد غذایی،



اعزام نیرو در یکی از خیابان‌های تهران و مناجات بسیجیان قبل از اعزام

بزرگ و جای‌گزینی اسلام و توحید به جای شرک و زندقه و عدل و داد به جای ستم‌گری و بیدادگری و قرن انسان‌های متعهد به جای آدم‌خواران بی‌فرهنگ باشد.^(۶۷)

ارتشی که امام مهیا کرده بود، برای هر کاری آماده بود. هفته درخت‌کاری که می‌شد، مردم بسیج می‌شدند.^(۶۸) خود مردم برای مبارزه با اعتیاد پیش‌قدم می‌شدند.^(۶۹) حتی فعالیت‌های بسیج فقط بین

عموم مردم نبود؛ طرح بسیج

صنعتی همان اواخر فروردین سال ۵۸ ارائه شد.^(۷۰) و بسیج اقتصادی هم راه افتاد. امریکا، ایران را که یکی از بزرگ‌ترین بازارهای مصرف کالاهایش بود، تحریم کرده و بعضی از کالاها کم‌یاب شده بودند. همین امر برای بعضی افراد وسیله بالا بردن قیمت‌ها شده بود و مردم در فشار بودند. این جا نیز بسیج به کمک مردم آمد. تعدادی از جوانان تهرانی بسیج شدند تا مانع گران‌فروشی شوند.^(۷۱)

چند ماه از تشکیل بسیج گذشته بود و لازم

بود به این سازمان سر و سامانی بدهند. اساس‌نامه ستاد بسیج ملی ۲۱ اردیبهشت ماه ۱۳۵۹ در جلسه کمیسیون‌های شورای انقلاب تصویب شد.^(۷۲)

بسیج هدفش را فقط در ایران نمی‌دانست. سپاهان امریکا علیه نژادپرستی شورش کرده بودند. سوم خرداد ۱۳۵۹ ستاد بسیج از مردم

دعوت کرد که مردم برای حمایت از سپاهان امریکا راه‌پیمایی کنند.^(۷۳) این حمایت‌ها ادامه همان خطاب امام به مستضعفان عالم بود که در انتهای پیامش به بسیج گفته بود: «ای مستضعفان جهان! بپاخیزید و خود را از چنگال ستم‌گران جنایت‌کار نجات دهید. وای مسلمانان غیرتمند اقطار عالم! از خواب غفلت برخیزید و اسلام و کشورهای اسلامی را از دست استعمارگران و وابستگان به آنان رهایی بخشید.»^(۷۴) همه چیز بسیج مردمی بود؛ حتی آرم آن. سازمان بسیج ملی، نیمه مرداد همه طراحان را دعوت کرد که برای بسیج آرم طراحی کنند.^(۷۵) ۱۰ شهریور نام "بسیج ملی" به "بسیج مستضعفین" تغییر پیدا کرد. آرم بسیج هم طراحی شد. حجت الاسلام مجد ۱۲ شهریور طی اطلاعیه‌ای آرم بسیج را توضیح داد.^(۷۶)





رزمندگان سپاهی و بسیجی گردان امام حسین^(ع) از لشکر ۱۷ علی ابن ابیطالب^(ع)

شروع جنگ تحمیلی؛ فصل جدید حرکت بسیج

بسیاری گمان می‌کنند که جنگ با عراق ۳۱ شهریور ۵۹ آغاز شد؛ ولی این تصور اشتباه است. از ابتدای سال ۵۹ و حتی سال ۵۸ هر چند روز یک بار از درگیری بین نیروهای مرزی و عراقی خبری می‌آمد. بعضی وقت‌ها که عراقی‌ها جسور می‌شدند و با هواپیما به روستاهای ایران تجاوز می‌کردند، مردم داوطلبانه بسیج شده و لب مرز می‌رفتند تا جلوی تجاوز عراقی‌ها را بگیرند.

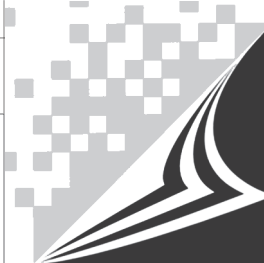
اواسط شهریور ۱۳۵۹ تجاوزات عراق بیشتر شد و ۳۱ شهریور عراق به طور رسمی جنگ را شروع کرد. هواپیماهایش را بلند کرده و مناطق حساس کشور را بمباران نمود. این، شروع فصل جدید فعالیت‌های بسیج بود. دیگر، مسئله‌ی اول کشور جنگ بود. بعضی‌ها فکر می‌کردند این تجاوز هم چند روزی طول می‌کشد و تمام می‌شود. جنگ را جدی نمی‌گرفتند. ولی وقتی خبر رسید که خرمشهر سقوط کرده تازه از خواب بیدار شدند. خیلی‌ها همان زمان جمع شدند و به سمت جنوب به راه افتادند؛ اما دیگر دیر شده بود، زیرا راه خرمشهر بسته بود. امام ۲۹ مهر ۱۳۵۹ به مردم آماده‌باش کامل نظامی داد.^(۷۷) سازمان بسیج مستضعفین هم به همه مراکز خودش آماده‌باش داد.^(۷۸) جوان و پیر، زن و مرد همه برای ثبت نام در بسیج آمدند. ولی فرستادن این همه نیروی آموزش‌نندیده خطرش بسیی بیش‌تر بود؛ تنها آمار

شهید و مجروح را بیش‌تر می‌کرد. باید برای آموزش نیروهای بسیجی فکری می‌شد. بهترین گروهی که می‌توانست آموزش نیروهای بسیجی را برعهده بگیرد، سپاه پاسداران بود. سپاه خودش یک واحد بسیج مستضعفین داشت، ولی این واحد از ستاد بسیج ملی مستقل بود و همین مسئله، در کار مشکل ایجاد می‌کرد.

۱۲ آبان ۱۳۵۹ مجلس شورای اسلامی رسیدگی به طرح ادغام بسیج مستضعفین و سپاه پاسداران را شروع کرد.^(۷۹) یک ماه بعد مجلس این طرح را تصویب کرد و بسیج مستضعفین یکی از واحدهای سپاه شد.^(۸۰) از این به بعد وظیفه آموزش نظامی و عقیدتی سیاسی نیروهای بسیج با سپاه پاسداران بود و این نقطه آغازی برای حضور بسیج در مهم‌ترین عرصه و میدان آزمایش بود. نهالی که امام آذر ماه ۱۳۵۸، یک سال پیش از شروع جنگ تحمیلی غرس کرده بود، در طول هشت سال دفاع مقدس هر روز تنومندتر و آبدیده‌تر شد و شجره طیبه‌ای برای مردم و کشور شد.

منابع و مآخذ

- ۱- مصاحبه با محمدعلی رحمانی در مورد تاریخچه شکل گیری بسیج توسط نگارنده، خرداد ماه ۱۳۹۰
- ۲- صحیفه نور، جلد ۶، ص ۱۳۱، ۱۳۵۷/۱۱/۲۳
- ۳- روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۱/۵ تا ۱۳۵۸/۱/۲۵
- ۴- صحیفه امام، ج ۶، ص ۵۱۸، ۱۳۵۸/۱/۲۱
- ۵- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۵۸/۳/۱۵ تا ۱۳۵۸/۳/۲۵
- ۶- صحیفه امام، ج ۸، ص ۱۴۲، ۱۳۵۸/۳/۲۳
- ۷- صحیفه امام، ج ۸، ص ۱۷۹، ۱۳۵۸/۳/۲۶
- ۸- صحیفه امام، ج ۶، ص ۲۷۲، ۱۳۵۷/۱۲/۱۰
- ۹- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۵۸/۴/۲
- ۱۰- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۵۸/۴/۱۳
- ۱۱- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۵۸/۴/۱۷
- ۱۲- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۵۸/۴/۲۴
- ۱۳- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۵۸/۴/۲۵
- ۱۴- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۵۸/۴/۲۶
- ۱۵- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۵۸/۵/۴
- ۱۶- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۵۸/۵/۲۰
- ۱۷- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۵۸/۵/۲۲
- ۱۸- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۵۸/۵/۲۷
- ۱۹- صحیفه امام، ج ۹، ص ۲۸۲
- ۲۰- همان، ص ۲۸۳
- ۲۱- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۵۸/۵/۲۷
- ۲۲- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۵۸/۵/۲۹
- ۲۳- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۵۸/۵/۳۱
- ۲۴- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۵۸/۶/۷
- ۲۵- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۵۸/۶/۱۳
- ۲۶- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۵۸/۶/۲۹
- ۲۷- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۵۸/۷/۱۷
- ۲۸- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۵۸/۷/۲۵
- ۲۹- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۵۸/۷/۵
- ۳۰- همان
- ۳۱- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۵۸/۷/۷
- ۳۲- همان
- ۳۳- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۵۸/۸/۱۰
- ۳۴- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۵۸/۸/۱۱
- ۳۵- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۵۸/۸/۱۶
- ۳۶- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۵۸/۸/۱۷
- ۳۷- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۵۸/۸/۲۰
- ۳۸- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۵۸/۸/۲۲
- ۳۹- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۵۸/۸/۲۲
- ۴۰- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۵۸/۸/۲۴
- ۴۱- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۵۸/۸/۲۸
- ۴۲- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۵۸/۸/۲۹
- ۴۳- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۵۸/۹/۱
- ۴۴- همان
- ۴۵- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۵۸/۹/۳
- ۴۶- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۵۸/۹/۳
- ۴۷- همان
- ۴۸- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۵۸/۹/۴
- ۴۹- صحیفه امام، ج ۱۱، ص ۱۲۱-۱۲۲، ۱۳۵۸/۹/۴
- ۵۰- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۵۸/۹/۵
- ۵۱- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۵۸/۹/۶
- ۵۲- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۵۸/۹/۷
- ۵۳- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۵۸/۹/۱۳
- ۵۴- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۵۸/۹/۱۵
- ۵۵- همان
- ۵۶- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۵۸/۹/۲۸
- ۵۷- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۵۸/۱۰/۱۷
- ۵۸- صحیفه امام، ج ۱۱، ص ۴۴۶، ۱۳۵۸/۱۰/۷
- ۵۹- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۵۸/۱۰/۹
- ۶۰- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۵۸/۱۱/۱۰
- ۶۱- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۵۸/۱۱/۱۱
- ۶۲- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۵۸/۱۱/۲۳
- ۶۳- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۵۸/۱۱/۲۴
- ۶۴- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۵۸/۱۱/۲۹
- ۶۵- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۵۸/۱۲/۲
- ۶۶- همان



محسن رخصت طلب

[illegible]

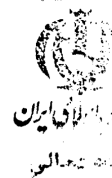
پس از موفقیت رزمندگان در عملیات فتح المبین، منطقه عمومی خرمشهر در ادامه آزاد سازی مناطق اشغالی مد نظر طراحان نظامی ایران قرار گرفت. برخلاف گذشته که برای انتخاب منطقه عملیات و اولویت انجام آن تردید به وجود می‌آمد در مورد

عمل در خرمشهر، بین فرماندهان ارتش و سپاه اتفاق نظر کامل وجود داشت، به همین دلیل در خلال عملیات فتح المبین افرادی مأمور، کار روی این منطقه شده و بلافاصله پس از آن عملیات، کلیه فرماندهان برای انجام عملیات بیت المقدس

قرارگاه فتح در محور میانی ماموریت داشت با عبور از رودخانه کارون سرپلی را تصرف کرده و در ادامه تا جاده اهواز خرمشهر پیشروی کند و در مرحله بعد حمله را ادامه داده و مرز را تامین نماید و آماده باشد تا قرارگاه نصر را برای آزادسازی خرمشهر کمک کند.

قرارگاه مرکزی کربلا اولین طرح عملیاتی کربلا ۳ از سلسله عملیات‌های دوازده‌گانه مصوب را، برای آزادسازی سرزمین اشغالی و فتح کربلا به منظور آزاد سازی خرمشهر، هویزه و پادگان حمید ابلاغ می‌کند. در این طرح پس از تعیین ماموریت نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، اهداف عملیات را در هفت بند بر شمرده و سازمان رزم و چگونگی ادغام واحدهای سپاه و ارتش را تعیین کرده‌است.

شماره: ۱۹۱-۱۴۰
تاریخ: ۹۱/۱/۲۰
پرست:



از: قرارگاه مرکزی کربلا

به: فرماندهان

موضوع: طرح عملیاتی کربلا ۳

۱- مأموریت: نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران متشکل از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی مأموریت دارند که در ساعت (س) روز (ر) در منطقه عمومی جنوب رودخانه کرخه نور و غرب رود کارون تک نموده و ضمن انسداد نیروی موجود دشمن و آزاد سازی شهرهای خرمشهر و هویزه، خط مرز بین المللی را تأمین نموده از حمله مجدد دشمن به کشور اسلامی جلوگیری نمایند.

۲- اهداف: اهدافی که در اجرای عملیات کربلا ۳ دنبال میشود عبارتند از:

- الف: انسداد نیروی دشمن حداقل به استعداد یک پانزده و لشکر.
- ب: آزاد سازی شهرهای خرمشهر و هویزه و پادگان حمید.
- ج: خارج شدن شهرهای اهواز - حمیدیه - سوسنکرد از برد توپخانه و بربرد دشمن.
- د: ترمیم مرز بین المللی کشور اسلامی و رفع اشغال دشمن.
- هـ: آزاد شدن حدود ۱۰۰۰ کیلومتر مربع از سرزمینهای اسلامی.
- و: آزاد شدن روستاهای زیادی که با اسکان اهالی در روستاها و شهرها از فشار اقتصادی جنگ زدگان برد و کاسته خواهد شد.

ز: آزاد شدن جاده مواصلاتی اهواز - خرمشهر و خارج شدن جاده اهواز - آبادان از زیر برد توپخانه.

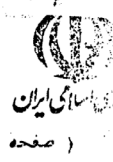
۳- سازمان رزمی: نیروهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی متشکل از برادران سپاه و بسیج با سازمان ذیل عبارتند از:

الف: لشکر یک فرماندهی برادر احمد غلامپور و معاونت برادر عزیز جعفری، لشکر یک با سه تیپ پیاده تابعه و دو تیپ زیر امر:

- (۱) تیپ ۲۱ امام رضا علیه السلام زیر امر فرماندهی برادر خادم الشریعه
- (۲) تیپ ۳۱ عاشورا
- (۳) تیپ ۱۷ نور
- (۴) تیپ ۴۳ بیت المقدس
- (۵) تیپ ۴۱ ثار...
- بفرماندهی برادر امین شریعتی
- بفرماندهی برادر علی هاشمی
- بفرماندهی برادر حسین کلاه کج
- زیر امر فرماندهی برادر سلیمانی.

شماره:
تاریخ:
پست:

۱ (ع)



(صفحه ۳)

ب. : قرارگاه فتح

این قرارگاه مأموریت دارد تا نیروی دشمن را در حد فاصل قرارگاه قدس و قرارگاه نصر (از جنوب پادگان حمید تا شمال شارع - خط حد دقیق بعدا تعیین خواهد شد) منهدم نموده و مرز بین الطلی را در این منطقه تأمین نماید و آماده باشد بنا به دستور بلافاصله حرکت را جهت مسدود نمودن مسیر بصره به شلمچه ادامه دهد و در کنار رود دجله پدافند نماید .

ج. : قرارگاه نصر

این قرارگاه مأموریت دارد تا ضمن اعزام نیروی دشمن در غرب کارون ، از شارع تا خرمشهر حرکت را به سمت مرز ادامه داده و پس از تأمین خرمشهر مرز بین الطلی را در شلمچه تأمین نماید .

فرماندهی : هر قرارگاه ترکیبی از یک لشکر سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و یک لشکر ارتش جمهوری اسلامی میباشد که فرماندهی قرارگاه مشترک میباشد که یک نفر فرمانده و دیگر معاون قرارگاه خواهد بود .

د. : مسائل قابل بررسی :

- الف : سرلشکری و قرارگاه فتح و نصر بایستی هر چه سریعتر اشغال گردد و الا پس از آگاهی دشمن از قصد یک نیروهای خودی ، این امر بسیار مشکل خواهد بود .
- ب : از مرحله ای کردن طرح باید جدا جلوگیری کرد و هر سه قرارگاه همزمان وارد عمل خواهند شد .
- ج : از استفاده از راه کارهای تکیه به نقاط قوت دشمن و یا تکیه های جبهه ای مربوط میشود باید شدیداً پرهیز کرد و هر چه بیشتر سعی نمود که دشمن را دور زد و سازمان او را متلاشی کرد .
- د : رعایت مسائل حفاظتی را در اولویت اول قرار داد و این مسئله به کلیه پرسنل یادآوری شود . مخصوصا حرکات خودی در حاشیه شرقی و غربی کارون باید به حداقل برسد .
- هـ : نسبت به جمع بندی اطلاعات توجه بیشتری شود و کلیه حرکات دشمن (اعم از تردد ها و یا حجم آتش و غیره) بیشتر مورد بررسی قرار گیرد .
- و : قرارگاههای فتح و نصر بایستی زمان انتقال نیرو به منطقه عملیاتی را قبل از اشغال سرپل



(صفحه ۳)



شماره:

تاریخ:

پست:

ب: قرارگاه فتح

این قرارگاه مأموریت دارد تا نیروی دشمن را در حد فاصل قرارگاه قدس و قرارگاه نصر (از جنوب پادگان حمید تا شمال شارع - خط حد دقیق بعداً تعیین خواهد شد) منهدم نموده و مرز بین‌المللی را در این منطقه تأمین نماید و آماده باشد بنا به دستور بلافاصله حرکت را جهت صندوق نمودن مسیر بصره به شلمچه ادامه دهد و در کثرت رود دجله پدافند نماید.

ج: قرارگاه نصر

این قرارگاه مأموریت دارد تا ضمن ایجاد امنیت در غرب کارون، از شارع تا خرمشهر حرکت را به سمت مرز ادامه داده و پس از تأمین خرمشهر مرز بین‌المللی را در شلمچه تأمین نماید.

هـ: فرماندهی: هر قرارگاه ترکیبی از یک لشکر سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و یک لشکر ارتش جمهوری اسلامی می‌باشد که فرماندهی قرارگاه مشترک می‌باشد که یک نفر فرمانده و دیگر معاون قرارگاه خواهد بود.

۶- مسائل قابل بررسی:

الف: سرپلهای دو قرارگاه فتح و نصر بایستی هر چه سریعتر اشغال گردد و آلاهی از آگاهی دشمن از قصد یک نیروهای خودی، این امر بسیار مشکل خواهد بود.

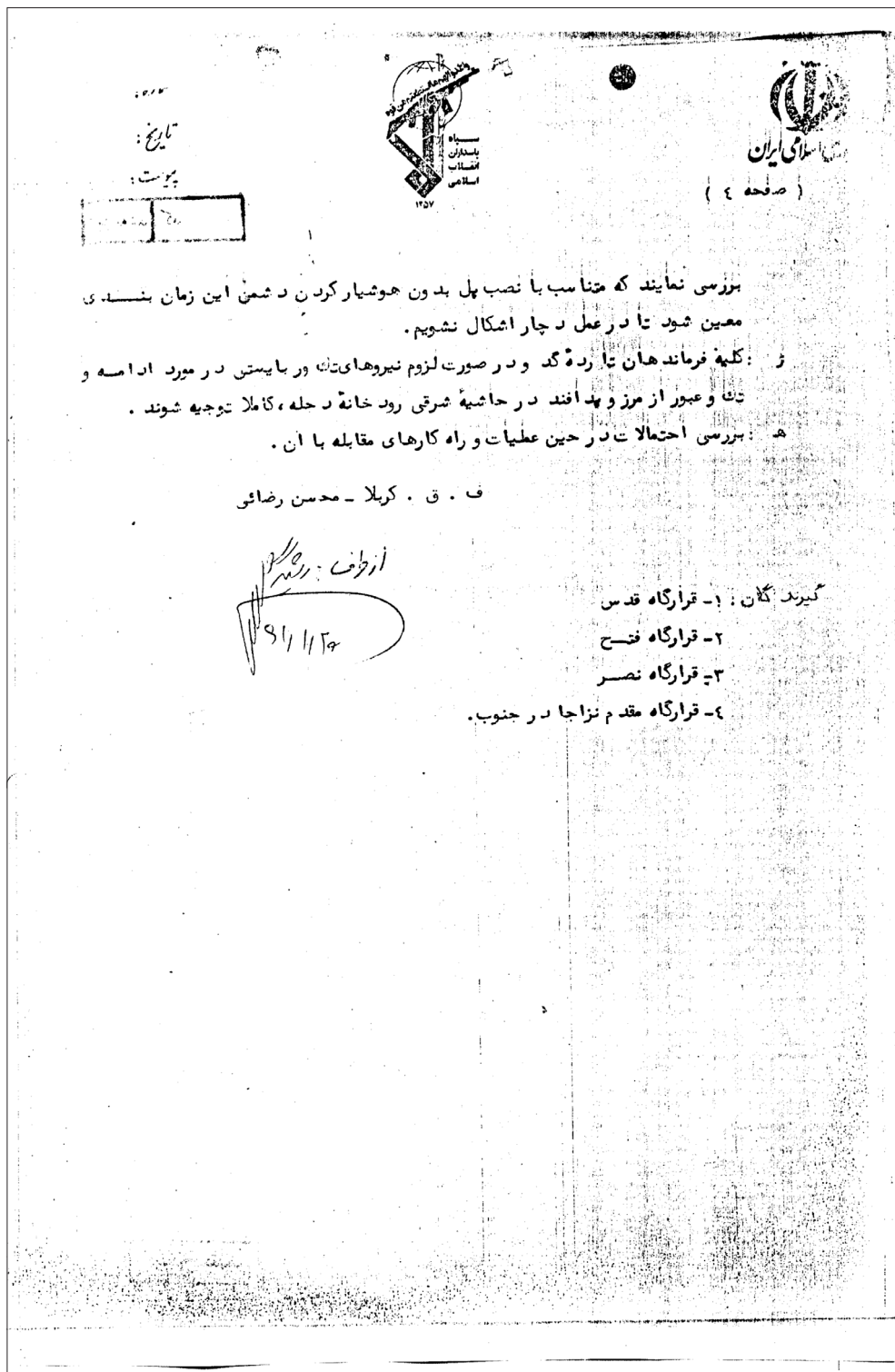
ب: از مرحله‌ای کردن طرح باید جدا جلوگیری کرد و هر سه قرارگاه همزمان وارد عمل خواهند شد.

ج: از استفاده از راه کارهائیکه به نقاط قوت دشمن و یا تکه‌های جبهه‌ای مربوط میشود باید شدیداً پرهیز کرد و هر چه بیشتر سعی نمود که دشمن را دور زد و سازمان او را متلاشی کرد.

د: رعایت مسائل حفاظتی را در اولویت اول قرار داد و این مسئله به کلیه پرسنل یادآوری شود. مخصوصاً حرکات خودی در حاشیه شرقی و غربی کارون باید به حداقل برسد.

هـ: نسبت به جمع‌بندی اطلاعات توجه بیشتری شود و کلیه حرکات دشمن (اعم از تردد ها و یا حجم آتش و غیره) بیشتر مورد بررسی قرار گیرد.

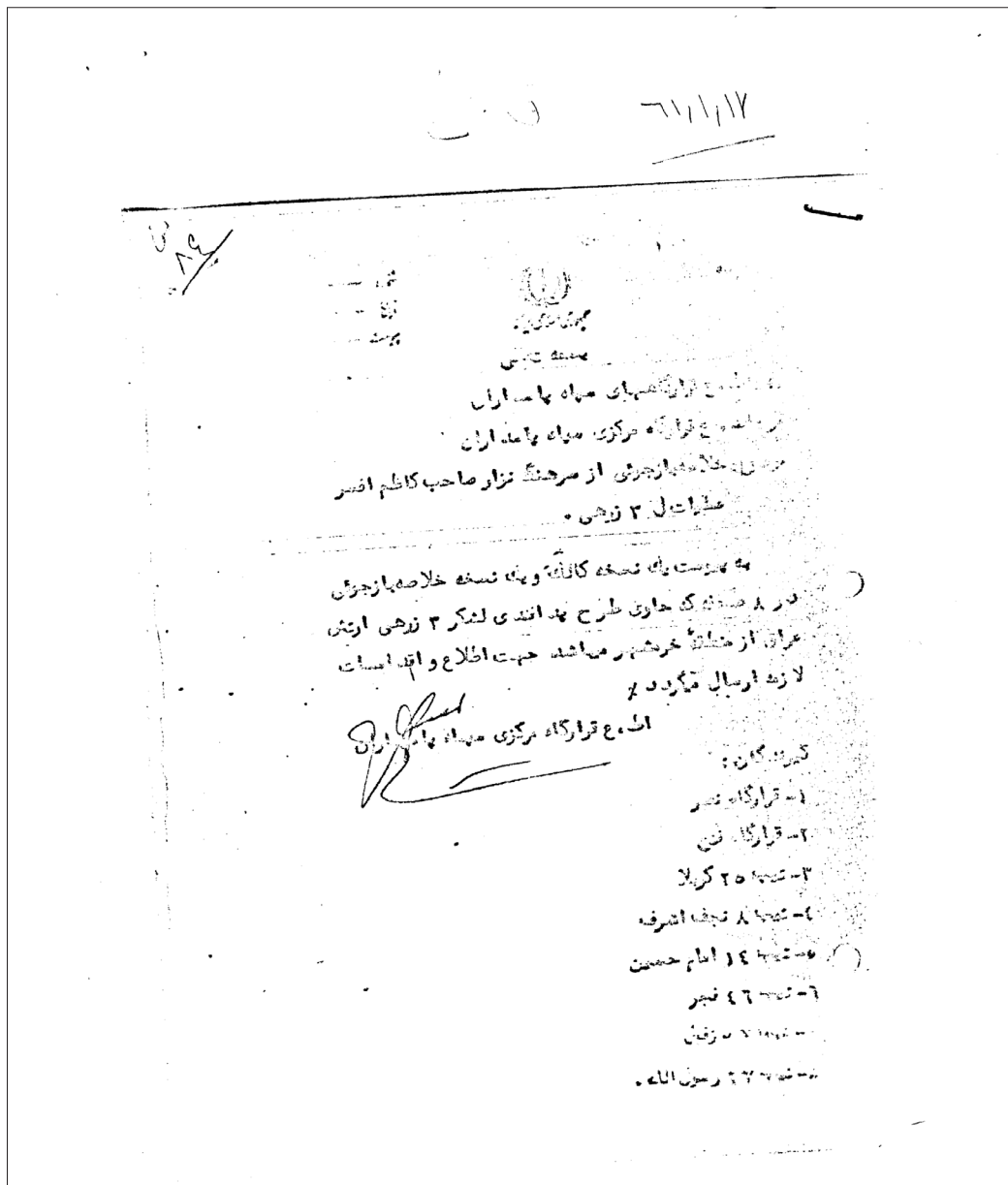
و: قرارگاههای فتح و نصر بایستی زمان انتقال نیرو به منطقه عملیاتی را قبل از اشغال سرپل

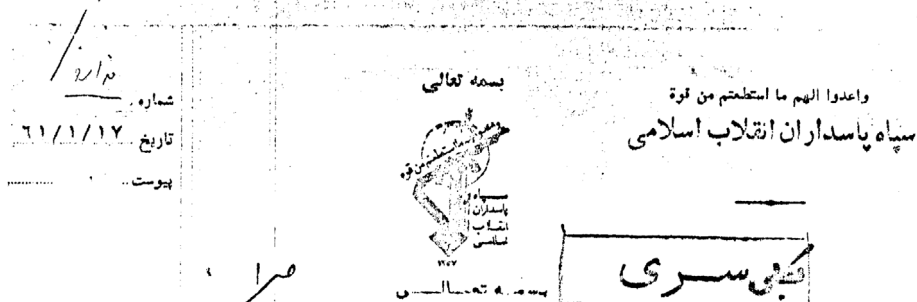


طرح عراق برای دفاع از خرمشهر

خط دوم - وجود کانالهای سراسری به موازات خط اول. خط سوم و چهارم به همین ترتیب ضمن اینکه کلیه ساختهای مابین خطوط دوم و سوم و چهارم تخریب شده است و میادین مین متعددی ایجاد شده است. بر پا کردن خودروهای فرسوده و تنه درختان نخل و تله گذاری آنها در بخشی از مناطقی که احتمال عملیات فرود چتر بازان ایرانی داده می شود.

سرهنگ ستاد نزار صاحب کاظم افسر رکن سوم لشکر ۳ زرهی عراق پس از اسارت، آخرین وضعیت خطوط دفاعی و استحکامات ارتش عراق در منطقه عمومی خرمشهر را چنین توصیف می کند: خط اول - کانال سراسری در حاشیه رودخانه و ایجاد موانع و میادین مین و سیم خاردار به عرضی ۲۰۰ متر.





خلاصه بازوی از سرهنگ ستاد نزار صاحب کاظم و افسر رکن سوم لشکر ۳ زرهی بشرح زیر می باشد .

طرح دفاع از خرمشهر

مقدمه: اولاً: مدرک نقشه ۱:۵۰۰۰۰ خرمشهر و آبادان

دوما: در منطقه عطیاتی غرب کارون (قبل از اعزام لشکر ۳ زرهی از منطقه خرمشهر به شوش) دولشکر ۳ زرهی و لشکر ۱۱ پیاده وجود داشت که مسئولیت دفاع از منطقه مسکونی خرمشهر تا سد بند - پشت پادگان دژ به عهده لشکر ۳ زرهی و از سد بند پادگان دژ تا سد بند مرتفع احدائی توسط نیروهای عراقی به عهده لشکر ۱۱ بوده است و از این سد بند تا منطقه سیدعبود نیز زیر امر ل ۱۱ بوده است .

سوما: ارجح دفاع از خرمشهر بعد از شکست سنگین ارتش عراق در جنگ سرنوشت ساز شرق کارون در - ماه شهریور، واحد سال ۱۹۸۱ مطابق با اوافرنز: توسط فرماندهی لشکر ۳ زرهی تهیه گردیده که بشرح زیر می باشد .

۱ - ارجح و شیوه دفاع

برای نگهداری و دفاع از خرمشهر در صورت حمله نیروهای ایرانی منطقه مذکور از ۴ خط دفاعی تشکیل شده است . خط اول که در حاشیه رودخانه است که با احداث یک کانال سراسری و پوشاندن آن بوسیله تیر آهن و گونی خاک محافظت می شود . در سراسر این خط با احداث سوراخ هایی در بدنه سیمانی رودخانه در صورت تهاجم بسا - نیروها و مسلسل رودخانه پوشانده و امکان عبور غیر ممکن می باشد . کانال های سراسری کاره کارون بوسیله کانالهایی به مقرهای پیکانهای در خط اول وصل می شود تا در صورت خطر در اسرع وقت هر پیکان در منطقه عطیاتی خود حاضر شود . با نصب حلقه های بشمار سیم خاردار در کلیه جاده های منتهی به کاره کارون امکان هرگونه تخریب را از نیروهای حمله کننده گرفته می شود . خط دفاعی اول حدود ۲۰۰ متر عرض دارد . خط دفاعی دوم به فاصله ۷۰۰-۸۰۰ متر از خط اول و خط سوم و چهارم نیز به همین ترتیب است . کلیه خانه هایی که بین خط اول و دوم هستند بوسیله گران میهندسی لشکر ۳ به فرماند سرهنگ اکرام منهدم شده است . خط دوم تا سوم و سوم تا چهارم نیز به همین ترتیب است .

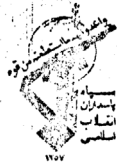
سری



بسمه تعالی

واعدوا اللهم ما استطعتم من قوة

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی



نگاهی سری

۲

گدیه مناطق بین هر خط دفاعی به عمق ۴۰۰ متر بین گذاری شده است که مین ها بطور کلی ضد نفرات و از نوع جهنده و تله و ... است .

۱-۵-۶- معبر به عرض ۱۵ متر وجود دارد که خط دفاعی را به هم وصل می کند که اطراف از جاده های اسفالتی موجود در شهر استفاده شده است . در ابتدای هر خط دفاعی که معبر شروع میشود ۲ سنگر نگهبانی در سمت راست و چپ معبر است که از معابر و میدان مین محافظت می کند .

معابر میدان مین بوسیله یک نوار پارچه سفید مشخص شده است و در شب بوسیله فانوسهای روشنایی آن بطرف شمال است و بوسیله شیرنگ و شب نما و مواد فسفری مشخص شده است . میزان مین بکار رفته در این طرح از دهها هزار مین تجاوز می کند و جبهه خرمشهر را به درخت ناپذیر تبدیل کرده است که در صورت حمله از مناطق مذکور و عبور از رودخانه تلفات قابل توجهی به یگان حمله کننده وارد می شود .

در هر خط دفاعی مواضعی جهت تیراندازی و دیدبانی و پدافند از منطقه خود را دارد و احداث خاکریزهایی از بقایای خانه ها به ارتفاع ۳-۴ متر در هر موضع دفاعی ، هر خط در عمق از خط قبل و بعد جدا و مشخص می سازد .

۲- ترکیب و گسترش نیرو

الف: نیروهای موجود در خط دفاعی

۱) از سد بند یادگان دژ به طول ۳ کیلومتر تا نهر توسط ۲ گردان از تیپ ۲۲ پیاده و ۱ گردان راج الواحیات ۸ پوشانده شده و یک گردان از تیپ ۲۲ در پشت همین نیروها در احتیاط است و یک گروهان تانک از تیپ ۶ زرهی لشکر ۳ در شمال این گردان احتیاط تیپ ۲۲ در نزدیکی سد بند در احتیاط است .

۲) از نهر و ابتدای جاده کمربندی خرمشهر تا شرق پل خرمشهر را تیپ ۱۱۲ پیاده با ۴ کمر خور پوشانده است .

۳) در غرب پل فلزی خرمشهر ۲ گروهان کماندو از لشکر ۲ را پوشانده و غرب این نیروها تا اداره بند خرمشهر را ۴ گروهان کماندو از لشکر ۳ پوشانده است .

۴) گدیه نیروهای فین در خط اول دفاعی بودند در خط دوم و سوم دفاعی بوسیله یک تیپ مین با احتیاط

نگاهی سری

شماره
تاریخ
پیوست

بسمه تعالی

واعدوا لهم ما استطعتم من قوة
سپاه پاسداران انقلاب اسلامی



تجلی سری

۳۳

موضوع: ...
موضوع: ...
موضوع: ...

۱- ...
۲- ...
۳- ...

۴- ...
۵- ...
۶- ...

۷- ...

۸- ...

۹- ...
۱۰- ...
۱۱- ...
۱۲- ...

۱۳- ...

۱۴- ...
۱۵- ...
۱۶- ...

۱۷- ...
۱۸- ...

۱۹- ...
۲۰- ...
۲۱- ...
۲۲- ...

۲۳- ...

إعدادوا لهم ما استطعتم من قوة

اسد اران انقلاب اسلامی

شماره

تاریخ

پیوست



نظمی مسری

نمایند. در دو گویه نقل و انتقالات نیروهای ایران را به مرکز منعکس و بر صفحه تلویزیون می آورد.

پروگرام گزینی: از فرود چتر باز و هلی برد

در این مناطق که باز بوده و خالی از نیروهای عراقی بوسیله میله هایی که به ارتفاع ۲-۳ متر است -
از آنجا که در این مناطق شرق و غرب پادگان در ژا جاده خرمشهر - اهواز و شرق و غرب جاده خرمشهر -
آبادان و جنوب جاده خرمشهر - شلمچه بوسیله میله هایی یوشانده شده است در این مناطق
در این مناطق خراب و از کار افتاده را جمع آور کرده و در منطقه پخش کرده اند و گیه ماشینیهای
در این مناطق گدازی شده تا در صورت حرکت و جابجایی آن منفجر شود . مراتب فوق در مختصات زیر است
۲۶-۷۲ و ۲۷-۷۲ و ۲۸-۷۲ و ۲۹-۷۲ و ۳۰-۷۲ و ۳۱-۷۲ و ۳۲-۷۲ و ۳۳-۷۲ و ۳۴-۷۲ و ۳۵-۷۲ و ۳۶-۷۲ و ۳۷-۷۲ و ۳۸-۷۲ و ۳۹-۷۲ و ۴۰-۷۲ و ۴۱-۷۲ و ۴۲-۷۲ و ۴۳-۷۲ و ۴۴-۷۲ و ۴۵-۷۲ و ۴۶-۷۲ و ۴۷-۷۲ و ۴۸-۷۲ و ۴۹-۷۲ و ۵۰-۷۲ و ۵۱-۷۲ و ۵۲-۷۲ و ۵۳-۷۲ و ۵۴-۷۲ و ۵۵-۷۲ و ۵۶-۷۲ و ۵۷-۷۲ و ۵۸-۷۲ و ۵۹-۷۲ و ۶۰-۷۲ و ۶۱-۷۲ و ۶۲-۷۲ و ۶۳-۷۲ و ۶۴-۷۲ و ۶۵-۷۲ و ۶۶-۷۲ و ۶۷-۷۲ و ۶۸-۷۲ و ۶۹-۷۲ و ۷۰-۷۲ و ۷۱-۷۲ و ۷۲-۷۲ و ۷۳-۷۲ و ۷۴-۷۲ و ۷۵-۷۲ و ۷۶-۷۲ و ۷۷-۷۲ و ۷۸-۷۲ و ۷۹-۷۲ و ۸۰-۷۲ و ۸۱-۷۲ و ۸۲-۷۲ و ۸۳-۷۲ و ۸۴-۷۲ و ۸۵-۷۲ و ۸۶-۷۲ و ۸۷-۷۲ و ۸۸-۷۲ و ۸۹-۷۲ و ۹۰-۷۲ و ۹۱-۷۲ و ۹۲-۷۲ و ۹۳-۷۲ و ۹۴-۷۲ و ۹۵-۷۲ و ۹۶-۷۲ و ۹۷-۷۲ و ۹۸-۷۲ و ۹۹-۷۲ و ۱۰۰-۷۲ و ۱۰۱-۷۲ و ۱۰۲-۷۲ و ۱۰۳-۷۲ و ۱۰۴-۷۲ و ۱۰۵-۷۲ و ۱۰۶-۷۲ و ۱۰۷-۷۲ و ۱۰۸-۷۲ و ۱۰۹-۷۲ و ۱۱۰-۷۲ و ۱۱۱-۷۲ و ۱۱۲-۷۲ و ۱۱۳-۷۲ و ۱۱۴-۷۲ و ۱۱۵-۷۲ و ۱۱۶-۷۲ و ۱۱۷-۷۲ و ۱۱۸-۷۲ و ۱۱۹-۷۲ و ۱۲۰-۷۲ و ۱۲۱-۷۲ و ۱۲۲-۷۲ و ۱۲۳-۷۲ و ۱۲۴-۷۲ و ۱۲۵-۷۲ و ۱۲۶-۷۲ و ۱۲۷-۷۲ و ۱۲۸-۷۲ و ۱۲۹-۷۲ و ۱۳۰-۷۲ و ۱۳۱-۷۲ و ۱۳۲-۷۲ و ۱۳۳-۷۲ و ۱۳۴-۷۲ و ۱۳۵-۷۲ و ۱۳۶-۷۲ و ۱۳۷-۷۲ و ۱۳۸-۷۲ و ۱۳۹-۷۲ و ۱۴۰-۷۲ و ۱۴۱-۷۲ و ۱۴۲-۷۲ و ۱۴۳-۷۲ و ۱۴۴-۷۲ و ۱۴۵-۷۲ و ۱۴۶-۷۲ و ۱۴۷-۷۲ و ۱۴۸-۷۲ و ۱۴۹-۷۲ و ۱۵۰-۷۲ و ۱۵۱-۷۲ و ۱۵۲-۷۲ و ۱۵۳-۷۲ و ۱۵۴-۷۲ و ۱۵۵-۷۲ و ۱۵۶-۷۲ و ۱۵۷-۷۲ و ۱۵۸-۷۲ و ۱۵۹-۷۲ و ۱۶۰-۷۲ و ۱۶۱-۷۲ و ۱۶۲-۷۲ و ۱۶۳-۷۲ و ۱۶۴-۷۲ و ۱۶۵-۷۲ و ۱۶۶-۷۲ و ۱۶۷-۷۲ و ۱۶۸-۷۲ و ۱۶۹-۷۲ و ۱۷۰-۷۲ و ۱۷۱-۷۲ و ۱۷۲-۷۲ و ۱۷۳-۷۲ و ۱۷۴-۷۲ و ۱۷۵-۷۲ و ۱۷۶-۷۲ و ۱۷۷-۷۲ و ۱۷۸-۷۲ و ۱۷۹-۷۲ و ۱۸۰-۷۲ و ۱۸۱-۷۲ و ۱۸۲-۷۲ و ۱۸۳-۷۲ و ۱۸۴-۷۲ و ۱۸۵-۷۲ و ۱۸۶-۷۲ و ۱۸۷-۷۲ و ۱۸۸-۷۲ و ۱۸۹-۷۲ و ۱۹۰-۷۲ و ۱۹۱-۷۲ و ۱۹۲-۷۲ و ۱۹۳-۷۲ و ۱۹۴-۷۲ و ۱۹۵-۷۲ و ۱۹۶-۷۲ و ۱۹۷-۷۲ و ۱۹۸-۷۲ و ۱۹۹-۷۲ و ۲۰۰-۷۲ و ۲۰۱-۷۲ و ۲۰۲-۷۲ و ۲۰۳-۷۲ و ۲۰۴-۷۲ و ۲۰۵-۷۲ و ۲۰۶-۷۲ و ۲۰۷-۷۲ و ۲۰۸-۷۲ و ۲۰۹-۷۲ و ۲۱۰-۷۲ و ۲۱۱-۷۲ و ۲۱۲-۷۲ و ۲۱۳-۷۲ و ۲۱۴-۷۲ و ۲۱۵-۷۲ و ۲۱۶-۷۲ و ۲۱۷-۷۲ و ۲۱۸-۷۲ و ۲۱۹-۷۲ و ۲۲۰-۷۲ و ۲۲۱-۷۲ و ۲۲۲-۷۲ و ۲۲۳-۷۲ و ۲۲۴-۷۲ و ۲۲۵-۷۲ و ۲۲۶-۷۲ و ۲۲۷-۷۲ و ۲۲۸-۷۲ و ۲۲۹-۷۲ و ۲۳۰-۷۲ و ۲۳۱-۷۲ و ۲۳۲-۷۲ و ۲۳۳-۷۲ و ۲۳۴-۷۲ و ۲۳۵-۷۲ و ۲۳۶-۷۲ و ۲۳۷-۷۲ و ۲۳۸-۷۲ و ۲۳۹-۷۲ و ۲۴۰-۷۲ و ۲۴۱-۷۲ و ۲۴۲-۷۲ و ۲۴۳-۷۲ و ۲۴۴-۷۲ و ۲۴۵-۷۲ و ۲۴۶-۷۲ و ۲۴۷-۷۲ و ۲۴۸-۷۲ و ۲۴۹-۷۲ و ۲۵۰-۷۲ و ۲۵۱-۷۲ و ۲۵۲-۷۲ و ۲۵۳-۷۲ و ۲۵۴-۷۲ و ۲۵۵-۷۲ و ۲۵۶-۷۲ و ۲۵۷-۷۲ و ۲۵۸-۷۲ و ۲۵۹-۷۲ و ۲۶۰-۷۲ و ۲۶۱-۷۲ و ۲۶۲-۷۲ و ۲۶۳-۷۲ و ۲۶۴-۷۲ و ۲۶۵-۷۲ و ۲۶۶-۷۲ و ۲۶۷-۷۲ و ۲۶۸-۷۲ و ۲۶۹-۷۲ و ۲۷۰-۷۲ و ۲۷۱-۷۲ و ۲۷۲-۷۲ و ۲۷۳-۷۲ و ۲۷۴-۷۲ و ۲۷۵-۷۲ و ۲۷۶-۷۲ و ۲۷۷-۷۲ و ۲۷۸-۷۲ و ۲۷۹-۷۲ و ۲۸۰-۷۲ و ۲۸۱-۷۲ و ۲۸۲-۷۲ و ۲۸۳-۷۲ و ۲۸۴-۷۲ و ۲۸۵-۷۲ و ۲۸۶-۷۲ و ۲۸۷-۷۲ و ۲۸۸-۷۲ و ۲۸۹-۷۲ و ۲۹۰-۷۲ و ۲۹۱-۷۲ و ۲۹۲-۷۲ و ۲۹۳-۷۲ و ۲۹۴-۷۲ و ۲۹۵-۷۲ و ۲۹۶-۷۲ و ۲۹۷-۷۲ و ۲۹۸-۷۲ و ۲۹۹-۷۲ و ۳۰۰-۷۲ و ۳۰۱-۷۲ و ۳۰۲-۷۲ و ۳۰۳-۷۲ و ۳۰۴-۷۲ و ۳۰۵-۷۲ و ۳۰۶-۷۲ و ۳۰۷-۷۲ و ۳۰۸-۷۲ و ۳۰۹-۷۲ و ۳۱۰-۷۲ و ۳۱۱-۷۲ و ۳۱۲-۷۲ و ۳۱۳-۷۲ و ۳۱۴-۷۲ و ۳۱۵-۷۲ و ۳۱۶-۷۲ و ۳۱۷-۷۲ و ۳۱۸-۷۲ و ۳۱۹-۷۲ و ۳۲۰-۷۲ و ۳۲۱-۷۲ و ۳۲۲-۷۲ و ۳۲۳-۷۲ و ۳۲۴-۷۲ و ۳۲۵-۷۲ و ۳۲۶-۷۲ و ۳۲۷-۷۲ و ۳۲۸-۷۲ و ۳۲۹-۷۲ و ۳۳۰-۷۲ و ۳۳۱-۷۲ و ۳۳۲-۷۲ و ۳۳۳-۷۲ و ۳۳۴-۷۲ و ۳۳۵-۷۲ و ۳۳۶-۷۲ و ۳۳۷-۷۲ و ۳۳۸-۷۲ و ۳۳۹-

۲۷-۷۴ و ۲۸-۷۴ و ۲۹-۷۴

در بیان شایسته و خلوص ارتباطی

در صورت تهدید خرمشهر و حمله به آن و در صورت تهدید جاده اسفالته خرمشهر-شلمچه بین جاده
احداث شده که از پل نو در امتداد نهر قلیبه تا روستای قلیبه میرسد و از آن به روستای سین و سپس
بر روی جاده مرزی شلمچه تا روستای حدود و از آن به جاده عتبه در خاک عراق وصل میشود و نیروها
را از جنوبی ترین نقطه تدارک می شوند.

ذریعہ مذاقہ عملیات اور لشکر ۱۱ پیادہ

۱-۲ ترکیب و گسترش

الف: نهروهای در خط

(۱) تپ ۴۴ پیاده از سد پادگان دژ تا پل قصبه را پوشانده است و منطقه سد بند ۷ کیلومتر ۲ را تا حاد
ان که از آن منشعب شده و بطرف پل قصبه می رود را پوشانده است. یک قاطع از ج. ش. زیر امر
تپ ۴۴ است که از سد بند حفاظت می کند.

(۲) از پل فصبه تا سد بند و ۲-۳ کیلومتر از حد تقاطع سد بند با رودخانه را تپ ۸ باغافه یک گردان
ساده از تپ ۳، ۵ زری لشکر ۳ را پوشانده است و از حد فاصل جاده منشعب شده از سد بند تا -
بیمارستان را یک قاطع جیش الشعبی حفاظت می کند که زیر امر تپ ۸ است.

۱۳) مسدود شده است (۰۳ - ۰۴) موسیلم بك گروهان كاندو و بك گروهان شناسایی از گردان

جلسه که در روز خراف مشغول است ارضی دوستانه

شماره

تاریخ

پیوست

بسمه تعالی



والله اعلم ما استطعتم من قوة
بنا بداران انقلاب اسلامی

شعبه سری

در صبح ۱۷ خرداد تا سید عبود را یک گروهان کماندو، یک گروهان شناسایی از گردان حطین که در
در سید عبود (۱۷-۴۳) مستقر است می پوشاند در ضمن نیرویی به همین استعداد نیز در -
تا یک کیلومتر عقب تر (غرب) سید عبود مستقر است که از منطقه سید عبود تا خراب را بطور
کاملاً پوشش می دهد .
در صورت احتیاط تیپ ۴۴ تعداد ۲ گروهان کماندو و از لشکر ۱۱ پشتیبانی می کند که در پشت تیپ ۴۴
مستقر است .
در صورت احتیاط تیپ ۴۸، گردان تانک القمقاع تیپ ۳۰۵ لشکر ۳ و چهارالی پنج گروهان کماندو در
در (مختصات ۷۶-۳۴) مستقر است .
در صورت دفاع در هنگام تهاجم
در صورت نفوذ و تهاجم در مواضع تیپ ۴۴ تعداد دو گروهان کماندو که در احتیاط است وارد عملیات
شده و در صورت خطر در منطقه عملیاتی ۴۸ گروهانهای کماندو وارد عمل می شوند و گردان تانک -
الضخاع نیز از سد بند اصلی حفاظت و در صورت لزوم یگانهای جهت مقابله به منطقه عملیاتی تیپ ۴۴
و تیپ ۴۸ اعزام می کند .
۳- سایر تدابیر -
الف: از حد تقاطع سد بند با جاده اهواز - خرمشهر بعد از ۱۰ کیلومتر یک خندق بطول ۵ کیلومتر که عمود
بر جاده خرمشهر - اهواز و در غرب آنست احداث کرده اند
و دوسری مواضع تانک نیز موجود است تا در صورت خطر اولاً یگانهای زرهی نیروی حمله کننده در خندق
پناهند و در ثانی بلافاصله با اعزام یگانهای تانک پشت خندق پدافند نمایند و از هجوم یگانهای تانک -
کننده مانعت کرده و آنان را منهدم نمایند .
ب- در راه به منطقه عملیاتی خرمشهر - آبادان
الف: در مناطقی که میله هایی جهت جلوگیری از فرود چتر باز کوبیده شده قابل عبور تانک و نفربر شنی دار -
نیست با شلر اما خود روهای معمولی نمی توانند در آنجا مانور نمایند .



بسمه تعالی

پیاده پاسداران انقلاب اسلامی



کنی سسری

ب: بتخریب از نزدیکی جاده اسفالتی سعیدان جاده افکندیده شده که به سد بند عربز وصل میشود .
ج: قبل از پل نونیز جاده ای احداث که از میان باغها و درختان گذشته و به جاده وسطی ای که
یکانهای عراقی در منطقه خرمشهر ساخته اند وصل میشود .
د: مدیریت راه های عراق مسئولیت عریض کردن نهر خین شده و مقرر گردیده است که نهر مذکور شده
روسیان حدود خرمشهر عربی و از آنجا تا نقطه مرزی شلمچه از داخل عراق یک کانال احداث و
در نظر است که به هورالعظیم هویره وصل شود تا کتون که حدود ۳ ماه از طرح مذکور می گذرد کانال
مذکور تا شلمچه رسیده است یک پل فلزی به طول ۸ متر نیز توسط شرکت کره ای (یا ژاپنی) در
شلمچه احداث شده که آب کانال از زیر آن میگذرد . آب بطور طبیعی از شط العرب به کانال مذکور
ریخته میشود اما بنظر میرسد که کافی نباشد و احتمالا با پمپاژ آب میزان آب موجود در کانال تقویت
و افزایش می یابد .

بنظر من این طرح تا دو سال دیگر به اتمام میرسد یعنی کانال به هورالعظیم وصل میشود .
ه: در دوره ۶ - ۷ ماههای که من در ستاد لشکر ۳ زرهی بودم حدود ۴ - ۵ بار ارتش عراق با لشکر
۴ متری که در هرباریک الی دو موشک شلیک شد ، جبهه آبادان را زیر آتش قرار داد که یکبار در
از غنای آبادان و ۳ - ۴ بار بعد از آن . چندین بار هدف موشکهای زمین به زمین عراقی در
ام التلوز بوده است .
موشک های مذکور از نزدیکی قرارگاه سپاه ۳ که نرسیده به شعبیه در نزدیکی تلویزیون پارس شلیک
شلیک شده است .

۲ - لشکرها و تیپهای جدید التاسیس

الف : زرهی

- (۱) تیپ ۵۱ لشکر ۱
 - (۲) تیپ ۵۲ لشکر ۲۰۰۰
 - (۳) تیپ ۵۳ لشکر ۳ که شامل دو گردان تانک بنام القمقاع و ۲۸ است و دو گردان پیاده
 - (۴) تیپ ۶۰ لشکر ۱۰
- لازم به توضیح است که تیپ های فوق دارای تانکهای ۶۲ تی و ۵۵ تی هستند .

کنی سسری

بسمه تعالی

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

تاریخ: ...

صفحه ۷

ب: پیغام

۱) تیپهای ۵۰۷، ۵۰۶، ۵۰۵، ۵۰۴، ۵۰۳، ۵۰۲، ۵۰۱ (۵۰۷ و ۵۰۶ و ۵۰۵ و ۵۰۴ و ۵۰۳ و ۵۰۲ و ۵۰۱)

۲) تیپهای ۶۰۷، ۶۰۶، ۶۰۵، ۶۰۴، ۶۰۳، ۶۰۲، ۶۰۱ (۶۰۷ و ۶۰۶ و ۶۰۵ و ۶۰۴ و ۶۰۳ و ۶۰۲ و ۶۰۱)

استعداد یگانهای مذکور ۶۰٪ است زیرا از نظر پرسنل انسر و درجه دار کمبود است.

ج: لشکرهای جدید التاسیس شامل لشکر ۱ و ۱۵ است که لشکر ۱۵ از تیپهای ۴۲۰ و ۴۴۵ و ۴۴۶ (تیپ ۴۴۶ قبلاً جزو لشکر ۱۱ بوده که بعداً به این لشکر ملحق شده)

۱- استعداد یگانها:

۱) تیپ ۴۴: پیاده در عملیات آبادان حدود ۵۰٪ خسارت وارد شد که بازسازی شده است.

۲) تیپ ۸: مکانیزه حدود ۸۰٪ در عملیات آبادان خسارت دید که بازسازی شده است.

۳) تیپ ۶: زرهی حدود ۷۰٪ در عملیات آبادان خسارت دید که بازسازی شده است.

۴) تیپ ۵۳: زرهی

کردان ۱ آن که به گردان ۳۰۱ معروف بود در عملیات آبادان ۸۰٪ خسارت دید که بعداً بازسازی و به گردان ۱۱۱ نام گذاری شد.

کردان ۲ آن که به گردان ۳۰۲ معروف بود در عملیات آبادان ۸۰٪ خسارت دید که بعداً بازسازی و به گردان ۱۱۲ نام گذاری شد.

کردان القمصاع در شرف کارون ۵۰٪ خسارت دید که بازسازی شده است.

کردان ۲۸: زرهی که در غرب شط العرب است.

۵) گردان شماسایی صلاح الدین لشکر ۳ در عملیات آبادان ۸۰٪ خسارت دید و اکنون بازسازی شده است.

۶) گردان تانک مستقل سیف سعد در عملیات آبادان ۶۰٪ خسارت دید که در حال بازسازی است.

د: بار: متغیر-ریشه

۱- تیپ ۱۲: زرهی لشکر ۳ به تیپ ابن الولید تغییر نام داده شده است.

۲- فرار است خاکریز موجود در نوار مرزی شلمده بغرف اهواز ترمیم و مرتفع تر شود تا به عنوان یک حائل عمل کند.

۳- بهر صورت مژر باید استفاده یابند.

ت: ...



تاریخ
چاپ
صفحه ۸



پایه پاسداران انقلاب اسلامی

دستگیری

۳ - جاده‌ای که از پایگاه کیلومتر ۲۵ ایران بطرف جاده خرمشهر - اهواز است متروکه است و ارتش عراق تا کنون از آن استفاده‌ای نکرده است .

با آرزوی موفقیت و پیروزی رزمندگان اسلام -
مزدوران صدامی و کفر جهانی

"والسلام علی من اتبع الهدا"

۶۱ / ۱ / ۱۲

"اکنون زمان آن رسیده که با تکیه بر تفکات شهرهای قدرتمندین
و حزمه‌های بزرگ گدازنده شود :
حجت الاسلام هاشم روحانی

دستگیری

بسج نیروهای رزمنده

تا نیروهای رزمنده از سراسر ایران به منطقه عملیات اعزام شوند. اعزام نیرو به وسیله هواپیمای نظامی، قطار و اتوبوس صورت می گیرد و نیروها فوج فوج وارد منطقه شده و در یگان‌ها توزیع می شوند.

دو هفته تا شروع عملیات باقی مانده است. طرحهای عملیاتی، پشتیبانی‌ها، شناسایی‌ها و اشغال سرپل در غرب کارون انجام شده است. هم اکنون وقت آن رسیده

بسمه تعالی

از فرماندهی سپاه پاسداران مرکز
به فرماندهی مناطق دهقانان ۷۱۳۴
بخش دوم

طبقه بندی محرمانه
ادرجیت خلیفه وری
بلافا

اینجا که در جهت انجام طرحی نیروی رزمندگان دشمن از یگان‌های رزمندگان وجود دارد متعین است در هر منطقه نقاط زیر سرپل‌ها اجرا کشته شود.

۱- کلیه سپاه‌های سراسر کشور سرپل‌های خود را با اسلحه‌ها، تیر، و به جبهه جنوب بفرستند به این است که با همکاری با اعزام نیروی مرکز الزام است.

۲- با تبلیغات وسیع و هم‌جانبه در سطح منطقه توسط افراد به کمک کسری از نیروهای تبلیغاتی موجود مخصوصاً رادیو و تلویزیون نیروهای بسیج که قبلاً به جبهه رفته‌اند و استعدادی با اعزام مجدد دارند. ۳- نیروهای اعزام مجدد در این از نسبت نام در سازماندهی نموده و با همکاری با اعزام نیروی مجدد مرکز به جبهه‌های جنوب به اعزام نمایند.

۴- در جهت بالا بردن ظرفیت آموزش منطقه حداثه تلاش خود را معهود نمایند تا از این رهگذر نیروی بیشتری به جبهه اعزام شود. انشا اله...

مجدداً نیروی مسلح اعزام مجدد را تکمیل گردد.

انشا اله... با انجام این وظیفه الهی باعث شواکم شد تا زحمات خدا بشیر از پیش مسائل حال ما گردد.

پیرو شماره ۷۵۵-۱۲۱۰ اقدام شد
۶۶۱۱۱۶
کشف کننده پیام
شماره پیام ۱۱۳۱۶۹۸
۶۱۱۱۱۶
۸۶۲
مستاد منطقه یک ۴۹۱-۵
منطقه (۱۰) به برادر نیروی ساعت ۱۱۲۰

محمد حسن رضایی

3-95116

۹۰۳
داخلی


وزارت آموزش عالی و تحقیقات

محسن رضائی

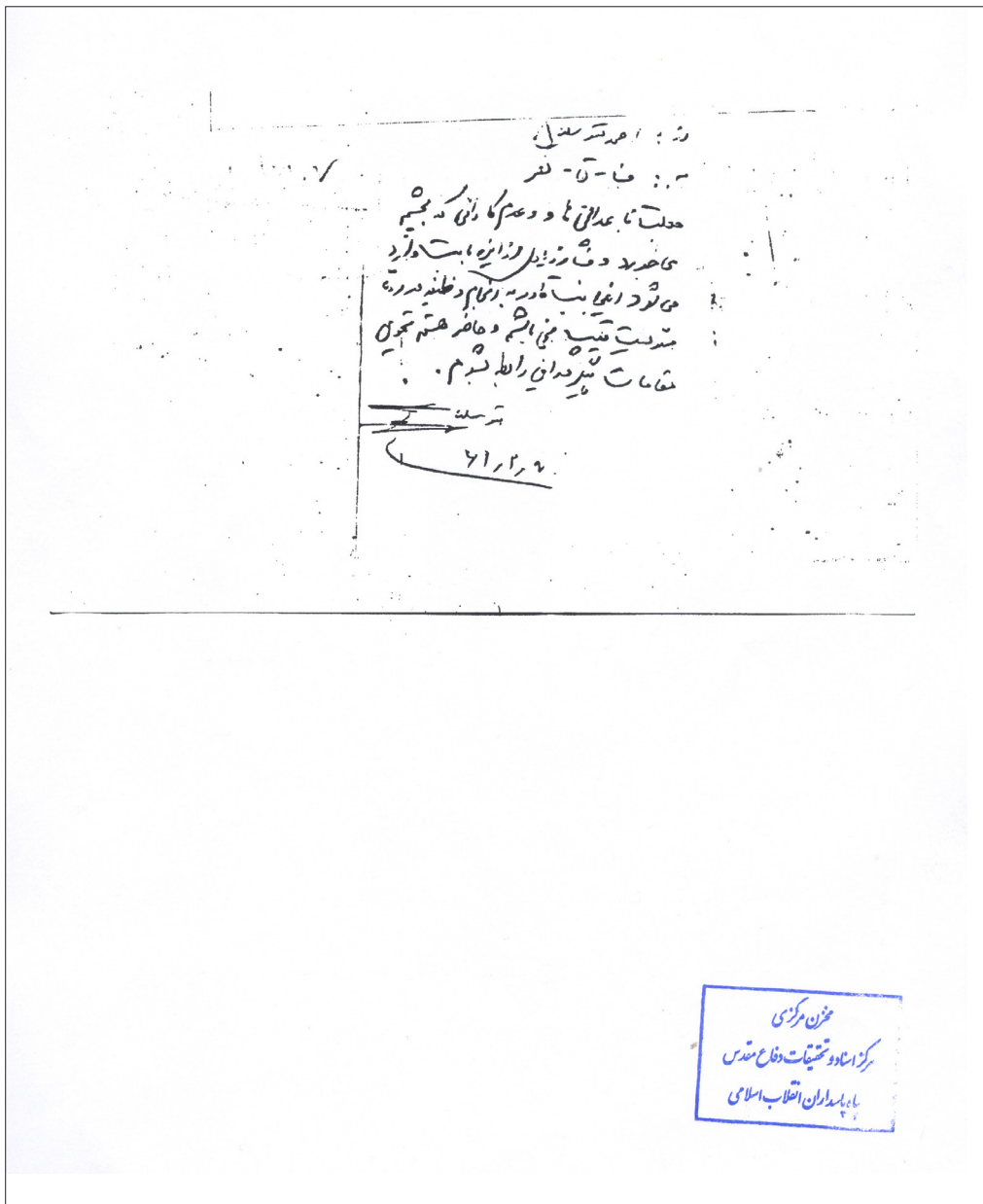
طی ۴۸۹ / ۱۱ / ۳۰۱۱ ایلاغ ۲۴، ۱، ۹۱

مخزن مرکزی
مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس
سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

استغای متوسلیان و پاسخ حسن باقری

متوسلیان فرمانده تیپ محمد رسول الله (ص) با توجه به مشکلات حل نشده تیپ و نیز مسایل مربوط به ادغام پادگان ارتش، استغای خود را برای فرمانده قرارگاه نصر حسن باقری ارسال می‌کند که بلافاصله باقری پاسخ او را داده و ایشان را به صبر و تحمل مشکلات توصیه می‌کند.

سه روز قبل از آغاز عملیات، در حالی که کلیه یگان‌ها در تلاش هستند تا آمادگی لازم را برای عملیات کسب نمایند و امکانات پشتیبانی و رزمی و نیز نیروهای خود را به منطقه عملیات منتقل نمایند که این مرحله از مشکل ترین مراحل از اجرای عملیات است، احمد





از: ق لفر

۶۱/۲۷

به: ف تی ۲۷ محمد رسول الله (برادر احمد متوسلین)

نامه شما واصل گردید. اینجانب با توجه به تذکراتی که قبلاً به شما داده ام و گفته ام که بطور شلّاک به قضا یا نگاه میکشد ولی گویا مسئله حل نشده است.

در مورد کارائی، بنده استعداد و زحمات شما را در مولیت قیپ تایید میکنم و معتقدم که برای اینکار کارائی کافی را دارید. در مورد فشار نیز، ان شاء الله که فشارها بخاطر خدا میسر شود و خداوند نیز تحمل میسر د.

در سایر امور نیز در رده قرارگاه نیاید و مطلب باید با فرماندهی قرارگاه مرکزی کربلا بطور حضوری مطرح شود و شما کما فی السابق در مولیت فرماندهی قیپ ۲۷ محمد رسول الله... مولیت دارید.

ف. ق لفر حسن محمد

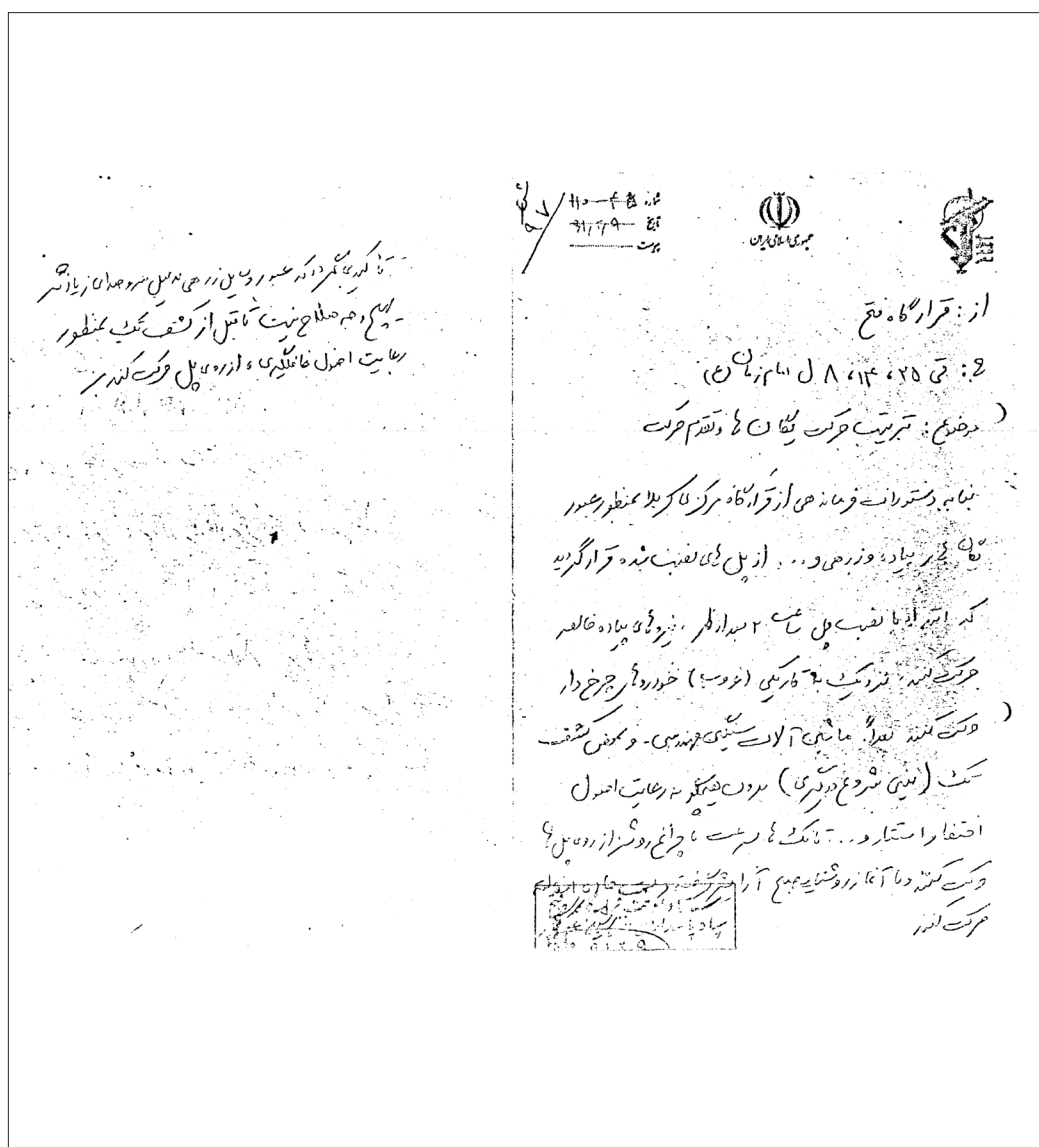
گیرنده: قرارگاه مرکزی کربلا با پیوست نامه
برادر احمد متوسلین

ترتیب حرکت و عبور یگان‌ها از رودخانه کارون (پل)

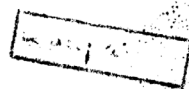
قرارگاه فتح با وجود داشتن ۸ تیپ پیاده و زرهی که در مجموع بالغ بر ۳۷ گردان می‌شوند می‌بایست از پل «پی ام پی» نصب شده بر روی رودخانه کارون عبور کنند. این حجم از عده و عُدّه برای عبور از پل برای فرماندهان قرارگاه و یگان‌ها موضوع مهم و نگران کننده بود. از جمله مسائلی که باعث این نگرانی می‌شد عبارت بود از:

آب خروشان کارون، پل را بیرد!
عراق پل را بمباران کند!
یگان‌های عراقی سرپل را اشغال کنند!
حجم عظیم نیروها به موقع از پل عبور نکنند!
و ...

بدین منظور قرارگاه برنامه ترتیب و تقدم عبور یگان‌ها را تهیه و ابلاغ نمود و عناصری را برای انجام هر چه بهتر طرح به منطقه فرستاد.



چگونگی ادغام و فرماندهی مشترک در قرارگاه‌ها شبکه مخابرات و محوربندی عملیات و چگونگی طی ابلاغ از طرف فرماندهی مشترک قرارگاه نصر، نحوه ادغام یگان‌های سپاه و ارتش و نیز مسئولیت



بسمه تعالی

شماره ۹۷ - ۱۸، ۲۰، ۲۱

تاریخ ۱۳۶۱/۲/۹

از قرارگاه تاکتیکی نصر (۳)

به : گیرندگان مراجعه نمود

موضوع : فرماندهی مشترک

تصحیحات متخذه در مورد هدایت عملیات و فرطندی ترانکه‌های تابعه در سر و گردانهای عمل کننده جهت اجراء بشمار زیر ابلاغ میگردد :

- ۱- برادران فرماندهان گردانهای ارتش در دست فرماندهی گردان ابقاء میگرددند باین تفاوت که مسئول گردان ادغام از سپاه بعنوان معاونت اختیار میگردد. خواهد بود مسئولیت هدایت عملیات و دستورات پیشروی و غیره با معاونت عملیاتی میباشد و فرمانده گردان مسئولیت هدایت آتشهای پشتیبانی و پشتیبانی لجستیکی را خواهد داشت، بدیهی است که در تحکیم پدافندی مسئولین سپاه و ارتش با کمک یکدیگر انجام وظیفه میکنند.
 - ۲- شبکه مخابراتی در اختیار معاونت عملیاتی که مسئول هدایت عملیات میباشد قرار میگیرد - بیسم پی در هر حال به همراه مسئول هدایت عملیات در گردان و گردانها خواهد بود.
 - ۳- منطقه هائیکه محور بندی شده اند ثلثه گردانها زیر امر مسئول محور میباشند و مسئول محور زیر امر تیپ میباشد مانند نصر ۲
 - ۴- در مورد نقل و انتقال وسائل مخابراتی تیپها خود نمایندگان نمایند و ثلثه انتقالات بصورت - صورتجلسه با مسئول مخابرات تیپ سپاه باشد بخدا بطور کامل تسویه حساب نمایند.
- مسئول مخابرات سپاه در قبال اشیاء دریافتی مسئول میباشد

حسین حسینی حسینی
فرمانده قرارگاه
حسین باقری

فرمانده قرارگاه تاکتیکی نصر

آخرین وضعیت دستگاه‌های مهندسی قرارگاه فتح
در مجموع ۵۲ دستگاه بولدورز و ۳۹ دستگاه لودر از سپاه پاسداران، ارتش و جهاد سازندگی در اختیار قرارگاه فتح می‌باشد که در محورهای مختلف برای ایجاد خاکریز و احداث جاده و سنگرهای اجتماعی و مواضع واحدهای زرهی توزیع شده‌اند.



آمار یکن سکن فنی عکاه تی تا ۱۳۹۱

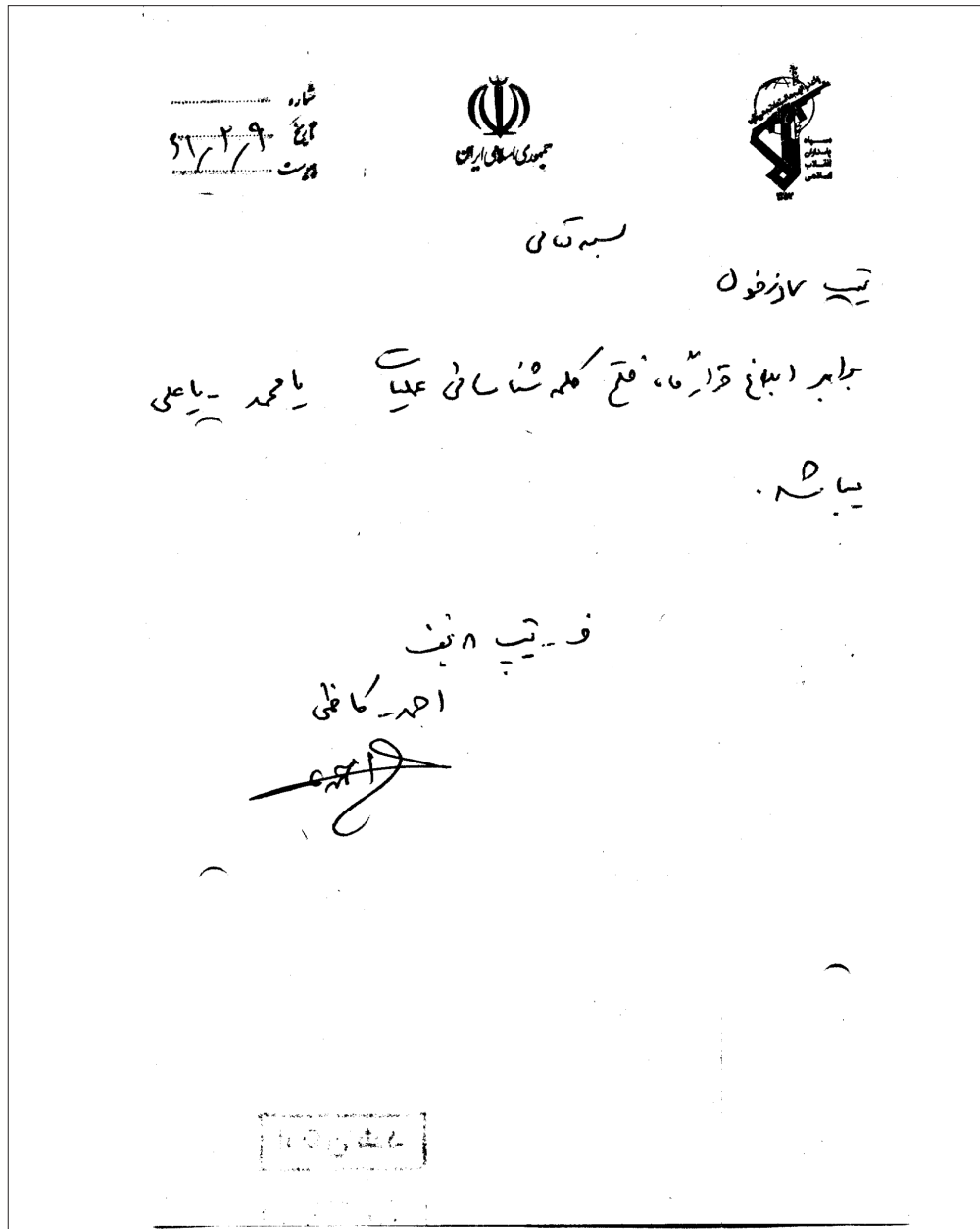
ت	بدنه	در	ع.
۱. سید پیدار	۱۹	۸	۲۷
۲. جود / مندا	۱۰	۲۲	۳۲
۳. سول ۹۳ در ۵۵	۲۳	۹	۳۲
تکلیف بخت از مندا			

ع. ۵۲ دنگاه ۲۹ دنگاه ۹۱ دنگاه

در قیام انیم شداد دنگاه در دین از دین آمار به وضع شده
 سول فنی ۱ ۹۱ در فنی - سرور دنگاه
 سید پیدار - زار دنگاه
 جود - جود
 مندا - مندا

عزیز مرکزی
 مرکز مطالعات و تحقیقات دفاع مقدس
 پناه پارساران انقلاب اسلامی

اسم رمز یا کلمه شناسایی یگان‌ها واحدهای نظامی در همه مواقع برای شناسایی افراد در شب از اسم شب استفاده می‌کنند. این موضوع در شبهای عملیات کاربرد بیشتری دارد زیرا یگان از موضع ثابت خارج شده و با تعداد زیادی نیرو در حال عملیات و جابجایی است لذا ضروری است بین فرمانده و رزمندگان در تاریکی شب نام واحدی از قبل تعیین شده باشد تا در مواقع ضروری از آن استفاده کنند. احمد کاظمی فرمانده تیپ ۸ نجف اشرف برای شب اول عملیات بیت المقدس کلمه شناسایی یامحمد. یا علی را که توسط قرارگاه فتح تعیین شده ابلاغ می‌کند.



رمز مرحله اول عملیات از طرف فرماندهی مشترک قرارگاه قدس، به یگانهای تابعه ابلاغ شد.

بسمه تعالی

شماره ۲۰۱-۰۸/۱۶/۸۶ تاریخ ۱۳۶۱/۲/۹

از قرارگاه عملیاتی قدس - ۳
بگیرندگان مراجعه شود

پیرو شماره ۲۰۱-۰۸/۱۶/۷ - ۶۱/۲/۳

ساعت (س) روز (و) عملیاتی کهلا ۳ با اعلام وصول مبنی ۵:۳۰ صبح ۶۱/۲/۹
(ساعت زور زده رسی) (تیم) (مستجاب)
میباشد. می باشد. یا علی

عظایات قدس
احمد قاسم پور
سید محمد تقی

فرمانده قدس (مستجاب)
فرمانده قدس ۲
(مستجاب امام رضا ع)
اثر سلا آه گران بخواهند صدام جدیدی بتوانند تحمل نخواهیم کرد (برادر خامنه ای رئیس جمهور)

گزارش لحظه به لحظه مرحله اول و دوم

با شروع عملیات، یگان‌ها به سمت دشمن حرکت کرده و حتی المقدور سعی می‌کنند بدون درگیری در میان دشمن رخنه نمایند و خود را به جاده آسفالته اهواز - خرمشهر برسانند. یگان‌های قرارگاه قدس در ابتدای امر پیشروی خوبی داشتند به طوری که بیش از ۵۰۰ نفر از نیروهای دشمن را اسیر کردند، اما در ادامه عملیات به موانع و مواضع مستحکم و مقاومت

نیروهای دشمن مواجه شدند. یگان‌های قرارگاه فتح ضمن نفوذ در مواضع دشمن، پس از درگیری‌های متفاوت، خود را به جاده آسفالت رساندند. یگان‌های قرارگاه نصر، با مواضع و مقاومت‌های بیشتری از دشمن مواجه بود، اما به هر ترتیب بود پیشروی خوبی داشته و در میان مواضع دشمن نفوذ کرده اند به طوری که در بعضی نقاط در محاصره دشمن قرار گرفته اند و در بعضی نقاط دشمن را محاصره کردند.

روز اول

[illegible]

[illegible]

شرح و معانی	شمال	قاریخ	منبع
بر مگو بناده اهورا خوش شهر در حال تو سیم است که میسر و ده کی روزنه است با ای که و تا سیم سلامت دیگر تمام می شود	۲۰۷	۱۰ تیر	تراگاه
تیب ۱۰ اهورا به ۲ تلبه تیری جاده رسیده است فتح ۲	۲۱۳	۴	تراگاه
تصیری تیب محمد رسول ... رسیده به ۳۰ تیری جاده و سه نول تقسیم کردن بزرگ برای عبور از جاده می باشد	۲۱۹	۴	تراگاه
به تهرین بزرگ از راه شهر: میسوری میسوری های تیرش با راستن میسوری های چپ جاده باشد	۲۲۱	۴	تراگاه
لایله تیب الماسف تیب کوسری جاده هسته در چرخ و کرجک کراخته اند کانی و در حق برادرش و دان انداز به محک کاغذی تیب تیب	۲۲۸	۴	تراگاه
هم و دفعش خوب است	۲۲۹	۴	تراگاه
دشمن به تیر کوران در بالای ایوان چید لایزش داده است که آگاه باشد	۲۴۰	۴	تراگاه
فتح ۱ تیرک جاده است میسوی آله را روشن کرده نمی روند جلو	۲۴۰	۴	تراگاه
از باده محس به تیرک: تیسو الماسف در دهر کراکد ۱ پافند ۲ جمله	۲۴۰	۴	تراگاه
فتح ۲ هاکم تیس می رود	۲۴۵	۴	تراگاه
فتح ۴ میسوی ندارد و به هدف می رسد	۲۴۵	۴	تراگاه
نصرا در کتیر است و تیب شتی از جاده را در کرده - نصری تیرک خراب است و هفت روز نشیره - نصرا امت عمده به جاده می رسد	۲۴۵	۴	تراگاه
تویخا نه در دریا ظاهر به زن بل کراکد فی آلیفته است - تیب الماسف ... نصرا از جاده در شده اند و قوای اسیر گرفته اند از راه	۲۴۹	۴	تراگاه
به خط سباز و در ده امگا نگو است که کراکد کند نصرا	۲۴۹	۴	تراگاه

[illegible]

[illegible]

سال دهم □ شماره سی و ششم □ بهار ۱۳۹۰

تاریخ	زمان	منبع
۹/۲/۶۰	۹/۵۵	منبع
۷	۷	منبع
۷/۲۸	۷/۲۸	منبع
۷/۳۱	۷/۳۱	منبع
۷/۴۲	۷/۴۲	منبع
۷/۴۰	۷/۴۰	منبع
۷/۴۵	۷/۴۵	منبع
۷/۴۸	۷/۴۸	منبع
۷/۵۵	۷/۵۵	منبع

توضیحات

۷/۵۵

هنوز در سمت شرق جاده مبارک در راه است.
منظره ای که به جاده رسیده و سربازان را شگفت است.
تا آنکه خودروی کوبوری رشن در حال حرکت هستند در پسین شهر رشن بیان می‌دهد که آتش‌افشانان در آنجا
تا آنکه راساً بیان می‌دهد.
کریلا که آتش‌افشانان است و در رشن دارد و منبع او خبر است - قیاساً، همین خبر است که یک سرباز کوبوری
به سمت شهر رشن می‌رود و در حرکت است.
علاقه از خدمت شهر رشن در حال فرار است.
در سمت ۷/۴۵ یک کمان زردی به پیشانیان طلایی در کوبوری است. جاده در سفال عمیق‌تر و در یک جبهه با آنجا
ای در حال پیشروی می‌باشد.
شماره ۹۰ سرباز کوبوری که از الاف خاک‌خورد و جاده‌های نیروی ایرانی حقیقتاً با یک در شکی در اختیار دارد.
در سمت ۷/۴۸ یک کمان به سرباز ۹۰ سرباز کوبوری که از افراط کار در یک سرباز ایرانی در حال پیشروی است.
کمان به سرباز ۸۶ سرباز کوبوری که تاکنون چند بار از سرباز ایرانی باز سرباز گرفته شده است و تعداد ۱۶ نفر از سربازان
ایرانی توسط آن کمان اسیر شدند که آنها را سربازان ۴۱۹ (هوه) قتیبا ۴۱۹ تخلیه شده‌اند و تعدادی
گرفته و مجموعه از یک نفر کوبوری - جاده‌های کوبوری تعداد رشتن آن در محصل نیست. این نشان در فراتر
سربازان و یک کمان کوبوری و تا جلودار در سمت رفته خدا را باز پس بگیرند.

✓ 50

تاریخ	موضوع	مبلغ
۱۳۶۰	مجموعه بایگ‌های اسنادی که در دسترس قرار دارد و بایگ‌های تفحصی که تا ۲۰ سال دیگر عملیات لازم تا ۵۰-۶۰ سال دیگر تفحصی لازم دارد و بایگ‌های تفحصی که تا ۲۰ سال دیگر تفحصی لازم دارد و بایگ‌های تفحصی که تا ۲۰ سال دیگر تفحصی لازم دارد	۸,۳۶
۸۴۹	مجموعه بایگ‌های اسنادی که در دسترس قرار دارد و بایگ‌های تفحصی که تا ۲۰ سال دیگر تفحصی لازم تا ۵۰-۶۰ سال دیگر تفحصی لازم دارد و بایگ‌های تفحصی که تا ۲۰ سال دیگر تفحصی لازم دارد و بایگ‌های تفحصی که تا ۲۰ سال دیگر تفحصی لازم دارد	۸,۴۸
۸۵۳	مجموعه بایگ‌های اسنادی که در دسترس قرار دارد و بایگ‌های تفحصی که تا ۲۰ سال دیگر تفحصی لازم تا ۵۰-۶۰ سال دیگر تفحصی لازم دارد و بایگ‌های تفحصی که تا ۲۰ سال دیگر تفحصی لازم دارد و بایگ‌های تفحصی که تا ۲۰ سال دیگر تفحصی لازم دارد	۸,۵۳
۸۶۶	مجموعه بایگ‌های اسنادی که در دسترس قرار دارد و بایگ‌های تفحصی که تا ۲۰ سال دیگر تفحصی لازم تا ۵۰-۶۰ سال دیگر تفحصی لازم دارد و بایگ‌های تفحصی که تا ۲۰ سال دیگر تفحصی لازم دارد و بایگ‌های تفحصی که تا ۲۰ سال دیگر تفحصی لازم دارد	۸,۶۶
۸۵۸	مجموعه بایگ‌های اسنادی که در دسترس قرار دارد و بایگ‌های تفحصی که تا ۲۰ سال دیگر تفحصی لازم تا ۵۰-۶۰ سال دیگر تفحصی لازم دارد و بایگ‌های تفحصی که تا ۲۰ سال دیگر تفحصی لازم دارد و بایگ‌های تفحصی که تا ۲۰ سال دیگر تفحصی لازم دارد	۸,۵۸
۹۰۲	مجموعه بایگ‌های اسنادی که در دسترس قرار دارد و بایگ‌های تفحصی که تا ۲۰ سال دیگر تفحصی لازم تا ۵۰-۶۰ سال دیگر تفحصی لازم دارد و بایگ‌های تفحصی که تا ۲۰ سال دیگر تفحصی لازم دارد و بایگ‌های تفحصی که تا ۲۰ سال دیگر تفحصی لازم دارد	۹,۰۲
۹۰۴	مجموعه بایگ‌های اسنادی که در دسترس قرار دارد و بایگ‌های تفحصی که تا ۲۰ سال دیگر تفحصی لازم تا ۵۰-۶۰ سال دیگر تفحصی لازم دارد و بایگ‌های تفحصی که تا ۲۰ سال دیگر تفحصی لازم دارد و بایگ‌های تفحصی که تا ۲۰ سال دیگر تفحصی لازم دارد	۹,۰۴

[illegible]

موضوع و فایده	ذخای	فایده	موضوع
یک پاتک که در جنوب کربک و کربک...	۹۱۵۸	۱۱۲۱۰	موضوع
در میان اسرا و مرهنگ...	۱۰۱۰۶	۴	موضوع
هفت غنیمت...	۱۰۱۰	۱۱	۴
در کربک...	۱۰۱۲	۴	نظر
نظر است...	۱۱۱۰	۴	۴
نظر است...	۱۱۱۵	۴	نظر
نظر است...	۱۱۲۵	۴	نظر
نظر است...	۱۱۲۷	۴	نظر
نظر است...	۱۱۲۹	۴	نظر
نظر است...	۱۱۳۰	۴	نظر
نظر است...	۱۱۳۱	۴	نظر
نظر است...	۱۱۳۲	۴	نظر
نظر است...	۱۱۳۳	۴	نظر
نظر است...	۱۱۳۴	۴	نظر
نظر است...	۱۱۳۵	۴	نظر
نظر است...	۱۱۳۶	۴	نظر
نظر است...	۱۱۳۷	۴	نظر
نظر است...	۱۱۳۸	۴	نظر
نظر است...	۱۱۳۹	۴	نظر
نظر است...	۱۱۴۰	۴	نظر
نظر است...	۱۱۴۱	۴	نظر
نظر است...	۱۱۴۲	۴	نظر
نظر است...	۱۱۴۳	۴	نظر
نظر است...	۱۱۴۴	۴	نظر
نظر است...	۱۱۴۵	۴	نظر
نظر است...	۱۱۴۶	۴	نظر
نظر است...	۱۱۴۷	۴	نظر
نظر است...	۱۱۴۸	۴	نظر
نظر است...	۱۱۴۹	۴	نظر
نظر است...	۱۱۵۰	۴	نظر

سال دهم □ شماره سی و ششم □ بهار ۱۳۹۰

[illegible]

113

منبع	تاریخ	زنا	منبع منبع
قدس	۰۴/۱۱	قدس	قدس
قدس	۰۴/۱۸	قدس	قدس
قدس	۰۴/۱۹	قدس	قدس
قدس	۰۴/۲۱	قدس	قدس
قدس	۰۴/۲۵	قدس	قدس
قدس	۰۴/۲۹	قدس	قدس
قدس	۰۴/۳۴	قدس	قدس
قدس	۰۴/۳۵	قدس	قدس
قدس	۰۴/۳۶	قدس	قدس
قدس	۰۴/۳۷	قدس	قدس
قدس	۰۴/۳۸	قدس	قدس
قدس	۰۴/۳۹	قدس	قدس
قدس	۰۴/۴۰	قدس	قدس
قدس	۰۴/۴۱	قدس	قدس
قدس	۰۴/۴۲	قدس	قدس
قدس	۰۴/۴۳	قدس	قدس
قدس	۰۴/۴۴	قدس	قدس
قدس	۰۴/۴۵	قدس	قدس
قدس	۰۴/۴۶	قدس	قدس
قدس	۰۴/۴۷	قدس	قدس
قدس	۰۴/۴۸	قدس	قدس
قدس	۰۴/۴۹	قدس	قدس
قدس	۰۴/۵۰	قدس	قدس
قدس	۰۴/۵۱	قدس	قدس
قدس	۰۴/۵۲	قدس	قدس
قدس	۰۴/۵۳	قدس	قدس
قدس	۰۴/۵۴	قدس	قدس
قدس	۰۴/۵۵	قدس	قدس
قدس	۰۴/۵۶	قدس	قدس
قدس	۰۴/۵۷	قدس	قدس
قدس	۰۴/۵۸	قدس	قدس
قدس	۰۴/۵۹	قدس	قدس
قدس	۰۴/۶۰	قدس	قدس
قدس	۰۴/۶۱	قدس	قدس
قدس	۰۴/۶۲	قدس	قدس
قدس	۰۴/۶۳	قدس	قدس
قدس	۰۴/۶۴	قدس	قدس
قدس	۰۴/۶۵	قدس	قدس
قدس	۰۴/۶۶	قدس	قدس
قدس	۰۴/۶۷	قدس	قدس
قدس	۰۴/۶۸	قدس	قدس
قدس	۰۴/۶۹	قدس	قدس
قدس	۰۴/۷۰	قدس	قدس
قدس	۰۴/۷۱	قدس	قدس
قدس	۰۴/۷۲	قدس	قدس
قدس	۰۴/۷۳	قدس	قدس
قدس	۰۴/۷۴	قدس	قدس
قدس	۰۴/۷۵	قدس	قدس
قدس	۰۴/۷۶	قدس	قدس
قدس	۰۴/۷۷	قدس	قدس
قدس	۰۴/۷۸	قدس	قدس
قدس	۰۴/۷۹	قدس	قدس
قدس	۰۴/۸۰	قدس	قدس
قدس	۰۴/۸۱	قدس	قدس
قدس	۰۴/۸۲	قدس	قدس
قدس	۰۴/۸۳	قدس	قدس
قدس	۰۴/۸۴	قدس	قدس
قدس	۰۴/۸۵	قدس	قدس
قدس	۰۴/۸۶	قدس	قدس
قدس	۰۴/۸۷	قدس	قدس
قدس	۰۴/۸۸	قدس	قدس
قدس	۰۴/۸۹	قدس	قدس
قدس	۰۴/۹۰	قدس	قدس
قدس	۰۴/۹۱	قدس	قدس
قدس	۰۴/۹۲	قدس	قدس
قدس	۰۴/۹۳	قدس	قدس
قدس	۰۴/۹۴	قدس	قدس
قدس	۰۴/۹۵	قدس	قدس
قدس	۰۴/۹۶	قدس	قدس
قدس	۰۴/۹۷	قدس	قدس
قدس	۰۴/۹۸	قدس	قدس
قدس	۰۴/۹۹	قدس	قدس
قدس	۰۴/۱۰۰	قدس	قدس

1981

[illegible]

شرح و مباحث	فصل	تاریخ	فصل
در واقعیت فتح: تیره‌های خدیجه‌نژادی که به روستاها و شهرها حمله کردند و به سرکردگی آنها جنگ‌های خونین و بی‌رحمانه‌ای در جریان آمد. به این دلیل که در این جنگ‌ها، طرفین با استفاده از سلاح‌های گرم و سرد، کشته‌های زیادی را متحمل شدند. در واقعیت، طرفین در جنگ در مورد مبارزه کردن با یکدیگر توافق نداشتند و به همین دلیل، جنگ به یک طرفه انجام گرفت و به نفع طرف پیروز به پایان رسید.	۳۱۵	۴	فصل پنجم
در این جنگ، وضعیت بسیار عجیبی را شاهد بودیم. آن‌ها به این دلیل که با یکدیگر توافق نداشتند، به یکدیگر حمله کردند و به همین دلیل، جنگ به یک طرفه انجام گرفت و به نفع طرف پیروز به پایان رسید.	۳۲۱	۱۰ اردیبهشت	۴
در واقع، در این جنگ، طرفین با استفاده از سلاح‌های گرم و سرد، کشته‌های زیادی را متحمل شدند. در واقعیت، طرفین در جنگ در مورد مبارزه کردن با یکدیگر توافق نداشتند و به همین دلیل، جنگ به یک طرفه انجام گرفت و به نفع طرف پیروز به پایان رسید.	۴	۱۰ اردیبهشت	۴
در این جنگ، وضعیت بسیار عجیبی را شاهد بودیم. آن‌ها به این دلیل که با یکدیگر توافق نداشتند، به یکدیگر حمله کردند و به همین دلیل، جنگ به یک طرفه انجام گرفت و به نفع طرف پیروز به پایان رسید.	۹۱۰	۱۰ اردیبهشت	۴

ص: ۱۰

[illegible]

25

سال دهم □ شماره سی و ششم □ بهار ۱۳۹۰

جوخه اعدام برای فراریان دفاع از خرمشهر (محمرة)
جوخه اعدام را صادر کرده و در آن تاکید میکند هر
کس در دفاع از خرمشهر کوتاهی کند و قصد فرار را
فرمانده پلیس خرمشهر (محمرة) دستور تشکیل
داشته باشد، اعدام می شود.

برقیه سرية فوریة

من - امرية قوات الشرطة في المحمرة
الى - كافة السرايما

وقت الانشاء ويوم القصة

١٩٨٢/٥/١٦

المنشي * ق. ص. / ١٦٩٠٠ فيما يلي رسالة فقي ١١ السرية والفورية ١٢٣١ في
١١ / ٥ / ١٩٨٢ المبلغه اليها برسالة امرية قاطع المحمرة السرية
والفورية اس. / ١٠ / ق. ص. / ١٦٢ في ١٥ / ٥ / ١٩٨٢ (٠)
تتدري * (٠) تشكيل مفزة يوضح في مدينة المحمرة واجيها اطلاق
البار على كل من يترك المدينة بدون امر (٠) كافة التشكيلات تخصص
مقارن مياطه خلف قطعتكم وكما جاء في التوجيهات السابقة
التي ارسلت اليكم وارسلت وصاياكم بخصوصها (٠) انتهت (٠) -
للتففيذ ابهوا

مقدم شرطة
عالم يونس احمد
امر قوات الشرطة في المحمرة

٥٢٨.٢٦١٦

مالك

سند عراقی - گزارش حمله نیروهای خودی
در مرحله سوم عملیات بیت المقدس
کند در اثر حمله نیروهای ایرانی، واحدهای تحت
امر او از اطراف خرمشهر عقب نشینی کرده و در
فرمانده مستقر در خرمشهر به رده ما فوق اعلام می
داخل شهر خرمشهر مستقر شده‌اند.

(ع)

العدد / ۱۹۶
التاریخ / ۱۲ / ۸۸/۵

اتوبه طالع حبیب بن مظاهر المعظم
فی المعمره المعظمه

((مروی و غنی))

الی/قيادة الجيـد الصبي لمطلة البصرة - المعمر المعظم
م/المرمره

اعطينا طالعنا طالعنا الطاهر والطاهر الالی بها یلی -

ب- تقریر طاعة الطاهر یلیه بأنه فی تمام الساعة الثامنة من مساء يوم ۸/۵/۸۸ لوحظ انساب
قوات عسكرية بحوزة البصرة على طريق الخواص باتجاه البصرة حيث توجد مواضع
الطاعة ومن خلال جهة بعض الجند الاقارب بها یلی (ان هناك تحصينات عليه من العدو على قناتنا
الضامیه ما اضطرنا للتصاحب مع امر الی المرافق الطلحة وكانت بطرقة دبابات حواجبه
فی الطرقة الضامیه وه أصبحت هذه الطرقة حسب ادعائهم حاركة المطالبين لبقار اسناد -
المرمره كره مر على مواضعنا بطرقة رقبه فی سياره عسكريه وهو يلوح فی يده الی ملاولينا
بالقصاب - غير ان ملاولينا الطاعة مدعوا فی مواضعهم واقتروا الاعتقاد او القصر المورث -
ب- تقریر طاعة الطاهر الالی - یلیه بأنه فی يوم ۸/۵/۸۸ مساء ۱۰ أصبحت جند وضباط من لواء ۱۸
مجهزين موب مواضع طاعة فی قرية كعبه الحاذیه للبهر الكاكون هذه الاعمار منهم -
قالوا بالصبي (ممر لنا امر القصاب لجمال رمي قنابل سامه والآن أصبحت المطلة فارقه
من الجيـد وفي الساعة الثامنة مساء من نفس اليوم ظهرت اكليل القنابل المعبره فی مواضع
اللاواء المذكور وهذا یعنی نوك المطلة عسكرياً مما ارجه وضاً مرمكاً فی ملوك الملاولين
وه حرك الرقبه امر الطاعة لعلقة المرفق واصل بالرقب الی الطالع الالی وجبسه
بعده الی مواضع الطاعة وقت السيطرة على المرفق وبقي الملاولون فی مواضعهم وقد
اصل الرقبه امر الطالع بأمر ند و ۸ ولوا ۳۷ حيث تم توضيح المعمره بالفكر الصحيح
للعقل بالاطلاع مع المعمره.

الرفيد
عادي عبد الجواد الفياض
امر الطاهر

بسم الله الی
قيادة الجيـد الصبي لمطلة البصرة للعقل بالاطلاع مع المعمره.

سند عراقی - انتصاب فرمانده جدید ارتش عراق برای دفاع از خرمشهر
در مورخ ۱۳۶۱/۲/۱۹ همزمان با آغاز مرحله سوم عملیات بیت المقدس فرمانده پلیس خرمشهر فرمانده تیپ ۱۱۳ را برای حراست از خرمشهر به فرماندهی تیپ ۲۲ منصوب کرده و تاکید می کند کلیه واحدها موظفند تا آخرین نیرو و آخرین سرباز از خرمشهر دفاع کنند.

من / امریة قوات الشوطة في المحصرة
الى / كافة السرايا ()
للاطلاع / فوق ۱۱ / لمشي ۱-۱۳

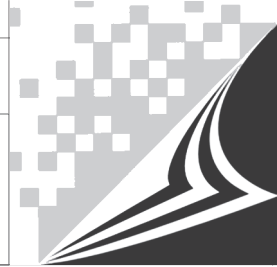
وقت الانشاء ويومه
۹۸۲/۵/۶

المنش / ۱۹ - / فيما يلي رسالة فوق ۱۱ السرية والفورية / قس ۳۲۹۲ / في ۶/۴/۸۲
الموجهة الى ل ۱۱۳ (۰) تبند (۰) تنسب تعييك امر لقاطح ل ۲۲ وتكون
كافة القطحات الموجودة فيه بامرتك من ناحية الحركات اضافة الى قاطح
لوائكم (۰) يبقى قاطح ق مخ فوق ۲ كما هو حالياً يجرى الدفاع في المحصرة
بأخر طلقه ولاخر جندی (۰) نرجو تقديم احتياكم من القطحات يجرى التفكير
بتحسين سدة الدج وتهيأتها للدفاع باتجاه الاحواز (۰) انتهت (۰) للاطلاع
وتبليخ كافة القاتلين بانه يجرى الدفاع في المحصرة لاخر طلقه واخر جندی
(۰) انيوناً

مقدم شرطه
غلام يونس احمد
امر قوات الشوطة في المحصرة

جابر

الدعوى



سفر راویان به مناطق عملیاتی جنوب و غرب

امیر رزاق زاده

مقدمه

جنگ و صلح بخش قابل توجهی از زندگی بشر را تشکیل می‌دهد و هر یک از این کلمات دارای مفاهیم و طبقه‌بندی‌های مختلف هستند. در عین حال جنگ تجلی‌گاه اراده‌ها و دربردارنده آموزه‌های فراوانی می‌باشد. تحقیق و بررسی ابعاد جنگ نمایان‌گر فراز و نشیب‌های بسیاری می‌باشد که رخدادها و تحول آن حاوی اطلاعات ارزشمندی است که موشکافی آن می‌تواند منجر به شناخت ابعاد متفاوت این پدیده عبرت‌آموز و در نهایت موجب انتقال تجارب و میراث گران‌بهای آن به آیندگان شود. به همین اساس مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس در چارچوب وظیفه تدوین تاریخ جنگ ۸ ساله ایران و عراق در صدد برآمد ضمن بازنگری در شیوه‌ها و سبک‌های گذشته، روش‌های نوینی را در آستانه‌ی دهه‌ی ۱۳۹۰ پایه‌ریزی کند. بی‌تردید چنین رهیافتی متضمن تبیین فرهنگ دفاع مقدس و ارزش‌های منبعث از آن است که می‌تواند قوام‌بخش انقلاب اسلامی در عرصه‌های

جنگ و صلح باشد. بر این اساس مرکز در افق چشم‌انداز برنامه‌های پیش‌بینی شده خود وارد عرصه جدیدی شد و برنامه تحقیقات میدانی را در دستور کار خود قرار داد. بدین مناسبت تصمیم گرفته شد، راویان مرکز به همراه فرماندهان دوران دفاع مقدس، همراه با نویسندگان، هنرمندان و پژوهش‌گران این عرصه ضمن حضور در مناطق جنگ‌زده جنوب و غرب کشور و تشکیل نشست‌های تخصصی با افراد بومی و مطلع از کم و کیف چگونگی تجاوز دشمن و مقاومت مردم و نیروهای مسلح شناخت جزئی و دقیق‌تری پیدا کند و ابعاد و زوایای ناشناخته پدیده جنگ ایران و عراق را متکی بر اسناد معتبر مورد بازبینی و بازخوانی قرار دهد تا نکات و حلقه‌های مغفول و گمشده را بیابند. در نگاه اول برای چنین برنامه‌ای تعاریف، اهداف، ارکان و نتایجی تنظیم شد که به طور اختصار بدان اشاره می‌شود.



سردار شعبانی در حال تشریح عملیات مرصاد

اهداف بازدید از جبهه ها

بعد از گذشت ۳۰ سال از آغاز جنگ عراق علیه ایران، در آستانه‌ی آغاز دهه‌ی ۱۳۹۰ ضرورت داشت تا اطلاعات و اخبار ناگفته و جزئیات وقایع جنگ که تاکنون بنا به مصالحی مکتوم مانده، مورد توجه قرار گیرد و از زبان راویان صادق و حاضر در میادین نبرد، مقاطع و ادوار جنگ تحمیلی در نشست‌های متعدد ضمن بهره‌گیری از

اسناد معتبر و دست اول بازخوانی

و بازروایی شود. اهمیت اجرای این کار که موجب غنای اطلاعات و آثار منتشره حوزه دفاع مقدس خواهد شد، مرکز را وارد عرصه سفرها و بازدیدهای علمی - تخصصی کرد.

برای شروع کار قرار شد با توجه به گذشت زمان صرفاً بر اهداف کلان شامل الف - توسعه زمینه‌های پژوهشی. ب - زمینه‌سازی فعالیت‌های آینده مرکز تأکید گردد. در عین حال برخی موارد جزئی نیز به شرح زیر درج مورد توجه بود:

۱- اهتمام در خصوص هدایت افکار، تصحیح تلقیات عمومی در خصوص وقایع، رخدادها و نبردهای دفاع مقدس.

۲- آگاه ساختن نسل جوان نسبت به وقایع و رخدادها دفاع مقدس.

۳- تلاش به منظور تعمیم فرهنگ پایداری و شهادت‌طلبی.

۴- تدوین طرح جامع پژوهشی مرکز و تکمیل سند چشم‌انداز.

۵- تدوین فعالیت و حماسه‌های مردمی دفاع مقدس.

۶- ارتقای حمایت‌های مادی و معنوی از ایثارگران و مجاهدان و حامیان ارزش‌ها و قلمروهای فرهنگی در مناطق جنگ‌زده با تأکید بر بومی‌گرایی و تمرکززدایی.

۷- تدوین تاریخ شفاهی استان‌ها، شهرها و مناطق جنگ‌زده غرب کشور.

۸- تلاش جهت انطباق طرح‌های تحقیقاتی با نیازهای اساسی و تعیین اولویت برای رفع تنگناهای اطلاعاتی موجود.

۹- بررسی و تحقیق در زمینه‌ی آسیب‌شناسی امور پژوهشی و اتخاذ روش‌های اصلاحی برای آینده.

۱۰- فراهم‌سازی تسهیلات پژوهشی برای سرمایه‌گذاری لازم در مناطق جنگ‌زده به منظور دستیابی به تحقیقات فراگیر و مورد نیاز.

۱۱- اهتمام نسبت به کشف و شناخت هویت اجتماعی دفاع مقدس بین قومیت‌ها و مناطق مختلف جنگ‌زده در جهت قوام هویت ملی.

۱۲- شناخت استعدادها و موجود در مناطق بومی و محلی و گسترش امر پژوهش دفاع مقدس



در مراکز یاد شده.

۱۳- افزایش شناخت و آگاهی افراد نسبت به چرا و چیستی وقایع دفاع مقدس.

۱۴- ارتقای سطح آگاهی و تصور افراد مدعو نسبت به تجاوز دشمن، مقاومت مردم و نیروهای مسلح، نبردها و جغرافیای مناطق عملیاتی.

۱۵- ایجاد فضای تفاهم، تشریک مساعی، روحیه همکاری، مؤانست و هم‌نوایی با یگدیگر و هم‌افزایی احساسات ملی و دینی.

۱۶- تلاش جهت رفع ابهامات و سؤالات، شبهات روایان، محققان، مدیران و فرماندهان.

۱۷- واکاوی لایه‌ها و سطوح مختلف جنگ. ۱۸- شناخت و اطلاع از حماسه‌ها و مظلومیت‌های دفاع مقدس.

۱۹- ارتقای بهره‌وری و افزایش کمی و کیفی آثار فرهنگی دفاع مقدس.

۲۰- تبیین کامل دفاع، مقاومت و پایداری مردمی. ۲۱- افزودن اطلاعات نظامی و جغرافیایی مناطق و شناخت و تسلط بیشتر در فعالیت‌های پژوهشی.

۲۲- بازگویی حقایقی از ناگفته‌های جنگ از زبان فرماندهان و مسئولان دفاع مقدس که قابلیت انتشار عمومی ندارد.

۲۳- ارتقای روحیه کارآمد پژوهشی مرکز. ۲۴- تلاش جهت اطلاع از ضعف‌ها، کمبود اطلاعاتی و اسناد مرکز.

۲۵- اهتمام جهت جلوگیری از تحریف تاریخ دفاع مقدس.

رسیدن به خط مشی

پیش‌بینی شده تا به منظور دست‌یابی به اهداف فراوان یادشده راه‌های احصاء نیز ارائه شود، این مهم در قالب خط‌مشی تعیین که به آن اشاره می‌گردد.

۱- بررسی وضعیت موجود مناطق جنگ‌زده. ۲- شناخت نیازها و اولویت‌های پژوهشی.

۳- تشکیل کمیته‌های تخصصی.

۴- شناخت ویژگی‌های فرهنگی استان‌های کشور و پیش‌بینی انتشار آثار دفاع مقدس برای آنان.

۵- ایجاد بانک اطلاعاتی از همه صاحب‌نظران، محققان، فرماندهان و علاقه‌مندان پنج استان جنگ‌زده.

۶- برنامه‌ریزی منسجم برای توسعه کار بین مرکز با مبادی ذیربط.

۷- جذب نیروهای کارآزموده، مطلع و علاقه‌مند. ۸- شناسایی آثار، اسناد و افراد با ارزش دفاع مقدس.

۹- گردآوری منابع موجود در دست افراد بومی و بهره‌برداری از آنان.

۱۰- شروع به کار تاریخ شفاهی افراد شاخص جنگ در استان‌های درگیر جنگ.

۱۱- استفاده از فرماندهان، اساتید و افراد مطلع بومی مجرب جهت تشریح نقاط درگیری، مناطق عملیاتی.

۱۲- کمک به برنامه‌ریزی توسعه پژوهش و آموزش علمی و عملی در مرکز.

۱۳- استفاده مطلوب از خلاقیت‌ها و ابتکارات. ۱۴- برگزاری نشست‌های علمی - تخصصی در مناطق مذکور.

۱۵- تشکیل نمایشگاه‌های آثار و محصولات دفاع مقدس در مناطق یاد شده.

مرکز برای دست‌یابی به اهداف یاد شده، سفرهای علمی و بازدید از مناطق را با الویت‌های ذیل مورد توجه قرار داده است.

۱- استان خوزستان

۲- استان کرمانشاه

۳- استان ایلام

۴- استان کردستان

۵- استان آذربایجان غربی

۶- خلیج فارس

در گام دوم، مرکز ساختار مناسبی برای این منظور تشکیل داد. بدین ترتیب که تشکیلات یاد شده دارای چند کمیته یا بخش بود:

کمیته علمی و پژوهشی

کمیته علمی و پژوهشی به طور عمده با هدف پژوهشی تشکیل شد و در آن از رییس مرکز، فرماندهان و محققان شامل سردار احمد غلامپور، سردار حمید سرخیلی، سردار حسن سواریان، دکتر حسین اردستانی، سردار حسین همدانی، سردار محمد شعبانی، سردار اسدالله ناصح، دکتر محمد کریمی‌راد و نصرت‌الله محمودزاده استفاده شد.



منطقه عملیاتی مهران

حضور زود هنگام و مستمر تمهیدات و مقدمات سفرهای علمی - تخصصی مورد نظر را به مناطق جنوب غرب و غرب کشور فراهم ساخت و ضمن برنامه‌ریزی و زمان‌بندی لازم با اکثر نیروها و توان خود وارد عمل شد.

سفر به خوزستان، جبهه جنوب

سفر به جبهه و محورهای خوزستان از اهواز به طرف غرب و جنوب، ۶ روز به طول انجامید و هیئت بازدیدکننده از غروب روز ۱۳۸۹/۱۰/۱۲ با قطار، رأس ساعت ۱۵:۴۰ تهران را ترک کرده و ساعت ۷:۳۰ صبح وارد شهر اهواز شد و در طول مدت ۵ روز اقامت با وسایل نقلیه زمینی (مینی‌بوس) عازم مناطق جنگی شد.

روز اول

در روز اول، دوشنبه مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۱۳ برنامه بازدید از شهرهای حمیدیه، سوسنگرد، دهلاویه، بستان، چرابه و تپه‌های نبه پیش‌بینی شده و انجام شد و در محل یادمان‌های مختلف اماکن مذکور توضیحات مبسوط را

کمیته اطلاع رسانی و تخصصی

هدف این بخش فراهم‌سازی تخصصی ملزومات سفر، اطلاع‌رسانی و ثبت و ضبط نشست و مباحث سفر بود. بدین منظور مدیریت اطلاع‌رسانی با همکاری سایر مدیریت‌ها و گروه‌ها به ویژه گروه‌های مطالعات نظامی و بررسی‌های تاریخی و جغرافیای نظامی نسبت به تهیه تمهیدات لازم تخصصی نظیر شناسایی نقاط، تهیه و ارائه اطلاعات در قالب جزوات، بروشور و اطلس و نقشه و خبررسانی به رسانه‌ها و تهیه فیلم و عکس از مناطق و افراد، تعیین اولویت‌های مناطق مورد بازدید و برقراری ارتباط با افراد مطلع با مسئولیت ریاست و جانشین مرکز وارد عمل شده و ایفای نقش می کردند.

کمیته پشتیبانی و اجرایی

به منظور انجام هماهنگی‌های لازم در زمینه‌های اسکان، ترابری، تغذیه و اخذ مجوزهای لازم از نقاط تعیین شده مدیریت پشتیبانی وارد عمل شد و با



دکتر حسین اردستانی، هنگام سخنرانی در مراسم رونمایی کتاب "مهران در تحولات جنگ ایران و عراق" در ارتفاعات قلاویزان

سردار احمد غلامپور از روی نقشه‌های مرکز ارائه دادند. به ویژه به حوادث روزهای پایداری و مقاومت مردم و نیروهای مسلح در سوسنگرد و منطقه دشت آزادگان اشاره و ضرورت تدوین تاریخ آن دوران مطرح شد، اقامه نماز ظهر و عصر در بستان و مغرب و عشاء در سوسنگرد بین اهالی بومی شهر و نیز بازدید رمل‌های منطقه مرزی که یادآور عملیات طریق‌القدس بود، از جاذبه‌های سفر این روز بود. در خاتمه برنامه روز اول، هیئت به اهواز بازگشت و شب را در آن شهر سپری کرد.

روز سوم

برنامه سومین روز سفر، چهارشنبه مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۱۵ از این قرار بود: بازدید از شهر اروندکنار و حضور در رودخانه اروند و توجیه مناطق عملیاتی والفجر، کربلای ۴، ۵، ۸، اطراف شهر آبادان، شلمچه و پاسگاه حدود. عملیات‌های یادشده از سوی سردار دکتر حسین علایی و احمد غلامپور و دکتر حسین اردستانی با حضور در نقاط و از روی نقشه‌های مرکز توجیه شد. بعلت ضیق وقت، دیر هنگام نشست‌های جمعی نیز در اردوگاه میثاق برگزار گردید. نمازهای ظهر و عصر و مغرب و عشاء در مساجد شهر آبادان اقامه شد. آخر وقت نیز گروه به محل اسکان در اردوگاه میثاق بازگشت و پس از برگزاری نشست‌ها، شب را در آنجا سپری کرد.

روز چهارم

برنامه چهارمین روز، پنج شنبه مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۱۶ نیز بدین ترتیب پیش‌بینی و اجراء شد: بازدید از محل‌ها و نقاط مهم پایداری و مقاومت در داخل

روز دوم

در دومین روز، سه شنبه مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۱۴ برنامه سفر بدین ترتیب بود: حرکت به سمت حمیدیه و جاده رودخانه کرخه نور، یادمان شهدای هویزه، قرارگاه نصرت در منطقه جزایر مجنون، منطقه و یادمان طلائیه، جفیر و جاده خرمشهر، سه راه حسینی، دارخوین، سلمانیه، محمودیه و بخشی از نقاط و محورهای عملیات الی بیت‌المقدس. برنامه‌های یاد شده به طور کامل انجام شد و در محل یادمان‌های شهدای هویزه، طلائیه، دارخوین و سلمانیه توضیحات مبسوطی بوسیله سرداران احمد غلامپور و دکتر حسین علایی و برادر مکی یازع از یادگاران دفاع مقدس در آبادان ارائه شد. نمازهای ظهر و عصر در یادمان شهدای طلائیه و مغرب و عشاء در شهر آبادان اقامه شد. مقصد روز دوم هیئت شهر آبادان بود که شب را در اردوگاه میثاق سپری کردند.



رونمایی کتاب "مهران در تحولات جنگ ایران و عراق" به همراه دو تن از پدران شهید آن منطقه در ارتفاعات قلاویزان

شهرهای آبادان و خرمشهر شامل کوی ذوالفقاریه، ایستگاه ۷ و ۱۲، فیاضیه، تپه‌های مدن، حاشیه اروند روند در آبادان، جبهه‌های کوت شیخ، مهرزی، خیابان ۴۰ متری، فلکه مقاومت، فلکه راه‌آهن، گمرک خرمشهر، پلیس راه، کشتارگاه، مسجد جامع خرمشهر و گل‌زار شهدای شهرهای آبادان و خرمشهر. نشست‌های این روز با حضور سرداران حمید سرخیلی، حسن سواریان، عبدالحسن بنادری، ملکی یازع،

مصطفی اسکندری و سایر افراد بومی مطلع و صاحب نظر تشکیل شد و توجیهات لازم از روی نقشه‌های مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس صورت پذیرفت. گروه آخر شب به اهواز بازگشت و برای استراحت، شب را در آنجا ماند. هیئت بازدیدکننده صبح زود اهواز را ترک و به طرف مقصد در شهر تهران حرکت کرد و سفر اول در زمستان سال ۱۳۸۹ به پایان رسید.

سفر به استان‌های ایلام و کرمانشاه، جبهه غرب

سفر دوم در بهار سال ۱۳۹۰ و با هدف آشنایی با حوادث و رخداد‌های دفاع مقدس در استان‌های ایلام و کرمانشاه در پنج روز بدین ترتیب انجام شد. این بار ترکیب هیئت قدری متفاوت‌تر از سفر قبل و دربرگیرنده افرادی در کسوت فرماندهی، کارگردانی، نویسندگی، محقق و پژوهش‌گر و راویان دفاع مقدس بودند.

هیئت اول شامل پژوهش‌گران، راویان و نویسندگان مرکز صبح روز ۱۳۹۰/۱/۲۱ بوسیله

اتوبوس از ستاد مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس واقع در تهران عازم شهر ایلام شدند و هیئت دوم شامل فرماندهان، کارگردانان، نویسندگان دفاع مقدس و رئیس مرکز غروب روز ۱۳۹۰/۱/۲۱ از فرودگاه مهرآباد در تهران با هواپیما خود را به ایلام رسانند. هر دو هیئت شب را در هتل زاگرس ایلام سپری کردند و سه روز سفر و بازدید علمی و تخصصی خود را بدین ترتیب آغاز کردند.

روز اول

در نخستین روز، دوشنبه مورخ ۱۳۹۰/۱/۲۲ برنامه بازدید از این قرار بود: حوالی شهر ایلام، مقرها و عقبه قرارگاه لشکر ۱۱ امیرالمومنین، اردوگاه‌های اسکان مردم در دوره آوارگی، رودخانه و تنگه کنجانچم، مناطق عملیاتی والفجر ۵ و عاشورای ۲، چکه قمر، چکه موسی، ارتفاعات قلاویزان و یادمان ۷۲ شهید لشکر ۴۱ ثاراله و شهید دستواره، مناطق عملیات کربلای ۱، والفجر ۳، دیدگاه صدام و مقر لشکر ۱۷ عراق، شهر مهران، ارتفاعات میمک، پاسگاه حلاله،

کورک، حاجیان، منطقه و روستای قاسم آباد و گورسفید شهر گیلان غرب و حوالی آن از خطوط پدافندی، ارتفاعات بازی دراز، سرگرماب و شهر سرپل ذهاب و مناطق عملیاتی مطلع الفجر و بازی دراز و سخنرانان نشست‌های تخصصی عبارت بودند از: سردار نوری تبار، محمد شعبانی، اسدا... ناصح و آقایان مهدی مرنندی، حشمت... و حجت... کوهپیکر و اسداله احمدی و خانم فرنگیس حیدری (بومی گیلان غرب). در انتهای برنامه نیز هیئت در محل اسکان جهادکشاورزی سرپل ذهاب استقرار پیدا کرده و شب را آنجا سپری کرد. شرکت در نماز ظهر و عصر و مراسم وحدت گیلان غرب در مسجد جامع همراه با سایر کارکنان مراکز اداری و مردم شهر از نکات قابل توجه این روز بود.

روز سوم

برنامه این روز بازدید از سایر نقاط کرمانشاه و ارتفاعات قراویز، کوره موش، ریجاب و دشت ذهاب و ... بود که بدلیل وجود گرد و غبار و آلودگی شدید و تعطیلی کلیه ادارات و مدارس چندین استان غرب کشور بویژه کرمانشاه همه برنامه‌های بازدید ملغی شد و صرفاً نشست‌های تخصصی در خصوص محورهای هجوم عراق به مناطق قراویز، کوره موش، گیلان غرب ریجاب، قصرشیرین و دشت ذهاب با حضور سرداران حسین همدانی و محمد شعبانی انجام گرفت.

در ادامه سفر، در مسیر عبوری توجیهات و بازدید لازم از محورهای هجوم عراق و منافقین در هنگام آغاز و پایان جنگ به ویژه عملیات فروغ جاویدان سازمان مجاهدین (منافقین) خلق در شهر اسلام آباد غرب، کردند، تنگه پاتاق، تنگه چارزبر و منطقه عملیاتی مرصاد صورت گرفت و فرماندهان یاد شده جزئیات فعالیت‌های ارتش عراق، منافقین و رزمندگان اسلام را بیان کردند.

مناطق عملیاتی ضربت ذوالفقار (خوارزم) و عاشورا، شهر سومار، ارتفاعات (بند) پیرعلی و منطقه عملیاتی مسلم بن عقیل و نفت شهر و تأسیسات نفتی شرکت نفت در جنب نفت شهر.

نشست‌های علمی پژوهشی در خصوص تشریح حوادث توجیه جغرافیایی مناطق و آقایان جناب سرهنگ پاسدار دوستعلی آزوغ، سردار محمد شعبانی، حسین سرخیلی، سردار دکتر محمد کرمی‌راد، سرهنگ پاسدار محمد تقی قاسمی، مهدی مرنندی، مجید نداف، دکتر حسین اردستانی، حاج ماشاءالله، سرهنگ الماسی، ممی غلامی، سردار نوری تبار، حشمت‌الله و قدرت‌الله کوه پیکر.

در این روز دو مراسم بدین شرح برگزار شد، برگزاری مراسم استقبال رسمی از هیئت بازدید کننده در بدو ورودی شهر مهران از سوی مسئولان کشوری و لشکری شهر و همچنین مراسم رونمایی از کتاب "مهران در تحولات جنگ ایران و عراق" با حضور نویسنده کتاب آقای مهدی حاج خداوردی خان، ابراهیم حاتمی کیا، رئیس مرکز آقای دکتر حسین اردستانی و فرماندهان سپاه ایلام و مهران و مسئولان و جمعی از مردم و خانواده شهدای مهران. در این نشست رونمایی کتاب بوسیله دو پدر شهید انجام گرفت که با سخنرانی برخی از مسئولان، نویسنده کتاب، یکی از فرماندهان سپاه ایلام و رئیس مرکز نیز همراه بود. نمازهای ظهر و عصر در سپاه مهران و مغرب و عشاء در شهرک نفت شهر برگزار شد. هیئت پس از سپری نمودن مسافت طولانی و برنامه متنوع به قصرشیرین رسیدند و شب را در آنجا سپری کردند.

روز دوم

دومین روز، سه‌شنبه مورخ ۱۳۹۰/۱/۲۲ برنامه‌های فشرده بازدید بدین ترتیب پیش‌بینی و اجرا شد: شهر قصرشیرین و حوالی آن، مرز و گمرک خسروی، بیمارستان و مناطق تخریب شده قصرشیرین، تنگه



برادر مهدی مرنندی در حال تشریح منطقه عملیاتی بازی دراز - ارتفاعات بازی دراز

برنامه این روز با وجود اوضاع نابسامان هوا از صبح تا غروب ادامه داشت و در انتها نشست مشترکی بین گروه بازدید کننده با مسئولان سپاه کرمانشاه برگزار شد و ضمن تبادل نظر و درخواست‌های متقابل طرفین از سوی رؤسای مرکز و سپاه کرمانشاه بیان شد. وجود برنامه‌های بازدید از نقاط، موزه و شرکت نفت کرمانشاه بدلیل افزایش آلودگی هوا و عدم امکان

تردد در سطح شهر و تنفس و دید مناسب ملغی گردید و موکول به وقت دیگری شد.

تبیین گردد و از تحریف مادی و معنوی این موضوع تاریخی حایز اهمیت جلوگیری بعمل آید. قطعاً این مهم با برگزاری نشست‌های تخصصی در مناطق یاد شده و گسترش بازدید و سفرهای علمی در سطوح مختلف می‌تواند مؤثر و ثمربخش باشد.

در این راستا و در پی سفر راویان به جنوب، اولین همایش مشترک مرکز با رزمندگان خرمشهر، با حمایت سپاه خوزستان، روز سوم خرداد ۱۳۹۰، روز مقاومت و پیروزی در خرمشهر برگزار شد که در بردارنده سه نشست تخصصی در خصوص چگونگی هجوم و تجاوز عراق، مقاومت مردمی و مدیریت در بحران بود. لازم به یادآوری است که چنین برنامه‌هایی با رویکرد پژوهشی در سایر محورها و شهرهای اصلی درگیری در آینده اجرا خواهد شد تا بلکه ابعاد پدید دفاع مقدس برای نسل‌های حال و آینده این مرز و بوم به درستی تصویر شود.

دست‌آوردهای سفر و بازدید راویان از جبهه‌ها

تداوم چنین سفرهایی موجب می‌گردد که در روند تاریخ‌نگاری جنگ ۸ ساله ایران و عراق تغییر و تحول رخ دهد و محققان، نویسندگان و هنرمندان با در نظر گرفتن حقایق جنگ به تولید آثار مناسب و ترسیم ابعاد هجوم عراق در زمینه‌های مختلف اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، سیاسی و نظامی و دفاع همه‌جانبه مردمی و زاویای نامکشوف دفاع مقدس بپردازند، ضرورت دارد نسبت به تشکیل ساختار و ستاد مناسب در مناطق یاد شده جهت تشریک مساعی با همه نهادهای مردمی، سازمان‌های نظامی و ادارات و مراکز دولتی و پژوهشی و دانشگاهی که می‌تواند ارتباطات را تسهیل و تعمیق بخشد، اقدام گردد تا ضمن خلق و زایش ایده‌های نو و موضوعات جدید، در واقع تاریخ مقدس و ضرورت‌های برجسته‌سازی دوره پایداری و مقاومت

نیم‌نگاهی به وضعیت آثار دفاع مقدس

در نمایشگاه کتاب ۲۴ (اردیبهشت ماه سال ۱۳۹۰)

گزارش: مریم اسدی

مقدمه

نوای حماسه‌های دفاع مقدس را از لابلای صفحات کتاب، بشنوید

مقدس، با توجه به ویژگی‌هایی مانند غرفه‌آرایی‌های خاص، دعوت از شخصیت‌های سیاسی و نظامی، برپایی جلسات رونمایی از تازه‌های نشر و بررسی وضعیت چاپ آثار این عرصه در سرای اهل قلم نمایشگاه کتاب، ضروری به نظر می‌رسد. بر اساس آمار اعلام شده توسط مؤسسه خانه کتاب، ۱۲۲ ناشر دولتی و خصوصی، آثار ادبی، هنری، پژوهشی و ترجمه‌ای خود در حوزه دفاع مقدس را

مصلای امام خمینی (ره) از چهاردهم تا بیست و چهارم اردیبهشت ماه امسال، میزبان بیست و چهارمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران، حدود ۲۱۰۰ ناشر داخلی و خارجی بود که در این میان هیاهو و شور و حال رقابت این ناشران، بررسی برآیند و حاصل حضور غرفه‌های تخصصی کتاب‌های حوزه دفاع

نشان‌گر گرایش مردم به سوی این گونه از کتاب‌های جنگ‌اند.

البته بنیاد حفظ آثار برای اولین بار، کتاب‌های کودک و نوجوان مرتبط با دفاع مقدس را در نمایشگاه کتاب عرضه کرد که با درخشش و استقبال پُررنگ کودکان و در حد انتظار، صورت نگرفت که می‌توان با برنامه‌ریزی‌های جدی‌تر در این حوزه، شاهد عرضه آثار فاخرتری در بیست و پنجمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران از این نهاد متولی دفاع مقدس بود.

ابتکارات سوره مهر در نمایشگاه کتاب

انتشارات سوره مهر، ناشر کتاب‌های حوزه هنری که در بیست و سومین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران با عرضه حدود ۱۹۰ اثر چاپ اول حضور پیدا کرده بود، امسال تنها با سه عنوان کتاب جدید و ۱۱ اثر تجدید چاپی و پرفروش خود با موضوع دفاع مقدس، به نمایشگاه کتاب ۲۴ آمد که چاپ صدوسی و هشتم «دا»، چاپ دوازدهم «شُنام»، چاپ چهارم «آنا هنوز می‌خندد» نوشته اکبر صحرائی، چاپ دوم «اشغال و مدال» ترجمه محمدنبی ابراهیمی و چاپ سوم «جبهه جنوب» تألیف شهید حبیب غنی‌پور، بعضی از این آثارند.

غرفه سوره مهر در هر لحظه و ساعت از نمایشگاه ۱۰ روزه کتاب تهران، مملو از جمعیت بود و با توجه به ساماندهی دقیق شیوه خدمات‌رسانی به مخاطبان و با استفاده از جذابیت‌های بصری در غرفه‌آرایی، با استقبال رضایت‌بخش مردم روبه‌رو شد.

برگزاری جلسات تخصصی با موضوع‌هایی مانند «رسانه‌های اجتماعی و کتاب: رابطه متقابل شبکه‌های اجتماعی و بازار کتاب» و «نقش و اهمیت برنند در حوزه صنعت نشر» (انتشارات و برنند) و بازاریابی کتاب با تأکید بر بازاریابی الکترونیک و فراهم کردن شرایط ارسال اخبار مرتبط با نمایشگاه

در بیست و چهارمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران به مخاطبان، معرفی و عرضه کرده‌اند.

رشد صعودی تعداد ناشران فعال عرصه دفاع مقدس، نویدبخش افزایش گرایش ناشران خصوصی به سوی انتشار کتاب‌های مربوط به جنگ است که امیدوار است، حمایت نهادهای متولی فرهنگ ایثار و شهادت از این ناشران، افزایش پیدا کند.

این گزارش، به ارزیابی وضعیت فروش و استقبال مخاطبان از کتاب‌های دفاع مقدس و همچنین بررسی کیفیت حضور ناشران دولتی این عرصه، در بیست و چهارمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران می‌پردازد.

آثار ادبی بنیاد حفظ آثار در نمایشگاه ۲۴

بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس، بیش از ۲۰۰ عنوان از آثار تدوینی در تهران و اداره‌های بنیاد حفظ آثار سراسر کشور را در کنار کتاب‌های چاپ شده در پژوهش‌گاه علوم و معارف دفاع مقدس را در این دوره از نمایشگاه کتاب تهران عرضه کرده بود.

معرفی آثار شاخص حوزه دفاع مقدس، شعار و هدف اصلی این بنیاد در نمایشگاه کتاب بود که برای رسیدن به آن، ۸ عنوان از آثار برجسته خود مانند «مقوله‌ها و مقاله‌ها» نوشته محمد قاسم فروغی جهرمی، «چریک چمران: خاطرات مقصود حیدری» اثر علی باقری وکیل آباد، «راز گمشده مجنون» تألیف مرضیه نظری و «بمبی در کابین: حماسه خلبان شهید سرلشکر عباس دوران» را با تخفیف ویژه ۳۰ درصد، به فروش گذاشته بود.

با وجود آغاز گام‌های جدی پژوهش‌گاه علوم و معارف دفاع مقدس در زمینه تدوین کتاب‌های پژوهشی و حتی در حد آثار دانشگاهی درباره جنگ و عرضه آن‌ها در نمایشگاه، غالب کتاب‌های داستان و زندگی‌نامه‌های داستانی منتشر شده در بنیاد حفظ آثار، مورد استقبال مخاطبان قرار گرفتند که این امر،

موضوع جنگ، در نمایشگاه کتاب تهران به فروش رسیدند که از این میان، ۲۵۰۰ نسخه از هر یک از کتاب‌های «چمران به روایت همسر شهید» و «مدق به روایت همسر شهید» از مجموعه نیمه پنهان ماه و «غریب غرب»، توسط بازدیدکنندگان خریداری شده‌اند. همچنین در بخش آثار الکترونیک نیز بیش از ۵۰۰۰ نسخه لوح فشرده چندرسانه‌ای، در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفته‌اند.

تلاش مضاعف برای معرفی کتاب‌های ارتش

ارتش جمهوری اسلامی ایران که در سال‌های اخیر، فعالیت خود در حوزه نشر کتاب‌های مرتبط با نقش ارتش در دوران جنگ را گسترش داده، امسال با ۴ غرفه در نمایشگاه کتاب تهران حضور داشت. انتشارات ارتش جمهوری اسلامی ایران (نشر آجا)، دانشکده ستاد و فرماندهی ارتش (دافوس آجا)، دفتر پژوهش‌های نظری و مطالعات راهبردی نیروی دریایی و سازمان ایثارگران نیروی زمینی ارتش به صورت مستقل و برای اولین بار، آثار خود را به فروش گذاشته بودند.

از سوی دیگر با برپایی سه نشست تخصصی در سرای اهل قلم نمایشگاه کتاب تهران با عناوین «بررسی نشر دفاع مقدس در ارتش»، «معرفی مجموعه کتاب‌های تقویم تاریخ دفاع مقدس نداجا» و «تحلیل عملیات‌های دفاع مقدس در آیین نشر»، تمام تلاش خود را برای معرفی حوزه‌های نشر ارتش به جامعه کتاب‌خوان به کار گرفت.

یکی دیگر از ابتکارات ارتش برای جذب مخاطبان بیشتر، انتشار بخشی از کتاب‌های حوزه دفاع مقدس توسط انتشارات «سوره سبز» به عنوان یک ناشر خصوصی فعال ارتش بود که با استقبال مخاطبان روبه‌رو شد.

در مجموع ناشران یاد شده، از فروش کتاب‌های خود اظهار رضایت کرده و آثاری از قبیل «اطلس

کتاب در غرفه سوره مهر برای خبرنگاران، از دیگر فعالیت‌های جنبی این ناشر در نمایشگاه کتاب ۲۴ بود و سوره مهر در انتها با فروش ۱۲ هزار مجلد از آثار ادبی جنگ تحمیلی عراق علیه ایران به خانه برگشت. این آمار، ۵۰ درصد کتاب‌های فروخته شده سوره مهر در بیست و چهارمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران را تشکیل داده بودند.

معرفی و فروش برخی از کتاب‌های مراکز حوزه هنری مانند «یک وجب و چهار انگشت»، شامل خاطرات عظیم حقی، یکی از رزمندگان استان گیلان و «زمین ناله می‌کند» در برگیرنده خاطرات محمود شیرافکن، یکی از رزمندگان لشکر ۲۵ کربلا، انتشار کتاب‌های ادبی دفاع مقدس با تأکید بر روایت زوایای انسانی جنگ، ارتقای کیفیت و جذابیت‌های هنری طرح جلد کتاب‌ها، جزء راهبردهای اصلی سوره مهر بودند که در نهایت نیز به میزان قابل ملاحظه‌ای به این اهداف، دست پیدا کردند.

روایت فتح

علاقه‌مندان به مجموعه کتاب‌های خواندنی و کم‌حجم انتشارات روایت فتح، امسال شاهد عرضه ۹۳ عنوان کتاب ادبی دفاع مقدس در بیست و چهارمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب بودند. حدود ۱۳ عنوان از این آثار، چاپ اول و ۸۰ عنوان کتاب تجدید چاپی روایت فتح را تشکیل داده بودند.

موسسه انتشاراتی روایت فتح همچنین گام‌هایی برای تولید کتاب‌های الکترونیک در بیست و چهارمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران برداشته و حدود ۸۵ عنوان از کتاب‌های خود مانند مجموعه‌های «یادگاران»، «روزگاران»، «از چشم‌ها»، «دوره درهای بسته»، «روایت نزدیک»، «شوکران» و «نیمه پنهان ماه» برای ارایه در نمایشگاه کتاب ۲۴ آماده شده بودند.

بیش از ۱۰ هزار جلد از آثار روایت فتح با

غرفه کودک و نوجوان نشر شاهد هم با ۳۰ عنوان کتاب جدید، میزبان کودکان بازدیدکننده از نمایشگاه بین‌المللی کتاب بود و با برگزاری مسابقه کتابخوانی، اهدای جایزه به کودکان و اجرای برنامه‌های جذاب و سرگرم‌کننده، تمام تلاش خود را برای جذب مخاطبان کودک، به کار گرفته بود.

ناشران سپاه؛ ۴۵۰۰ عنوان کتاب

معاونت روابط عمومی و انتشارات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، هر سال گلچینی از آثار منتشر شده در بخش‌های گوناگون انتشاراتی سپاه از ابتدای تأسیس تاکنون را در بخش جنبی نمایشگاه کتاب، به نمایش می‌گذارد. اما این غرفه در بیست و چهارمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران، به سالن شبستان رفت و با افزایش کمی و ۷۰ درصدی کتاب‌ها، حدود ۴ هزار و ۵۰۰ عنوان اثر را به معرض نمایش گذاشت.

این کتاب‌ها در قالب موضوعات متنوعی مانند «دفاع مقدس»، «اصول نظامی - امنیتی»، «کتاب‌های دانشگاهی»، «پزشکی» و «مهندسی» تدوین شده‌اند. غرفه معاونت روابط عمومی و انتشارات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، با هدف آشنایی بازدیدکنندگان نمایشگاه کتاب تهران، با کلیت فعالیت‌های انتشاراتی سپاه برپا می‌شود. البته نباید فراموش کرد که برخی از ناشران برجسته و فعال سپاه مانند سازمان حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس سپاه و بسیج، انتشارات زمزم هدایت و دانشگاه امام حسین (ع) هم آثار خود را در غرفه‌هایی مستقل، عرضه کرده بودند.

سازمان حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس

سازمان حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس سپاه و بسیج که سال گذشته با دو غرفه «نشر فاتحان» با ۱۸ عنوان کتاب و «نشر ستاره‌ها» با ۲۱۰ عنوان اثر در نمایشگاه کتاب تهران شرکت کرده

نبردهای ماندگار» نیروی زمینی ارتش، «پرواز تا بی‌نهایت» شامل زندگی‌نامه امیرسرلشکر خلبان شهید عباس بابایی و «حماسه جاوید» اثر عباس خیرخواه، شامل رویدادهای واقعی و مستند جنگ، در صدر پُرفروش‌ترین آثار غرفه‌های ارتش قرار گرفته بودند. ارتش جمهوری اسلامی ایران با توجه به استقبال جوانان از خاطرات فرماندهان و رزمندگان ارتشی، تمام تلاش خود را برای انتشار مجموعه خاطرات این رزمندگان از سال‌های دفاع مقدس و عرضه این آثار در بیست‌وینجمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران به کار خواهد گرفت.

نشر شاهد؛ برای مذاکره با ناشران خارجی

نشر شاهد، وابسته به بنیاد شهید و امور ایثارگران که هر سال با برپایی سه غرفه در بخش‌های «عمومی»، «ناشران خارجی» و «کودک و نوجوان» نمایشگاه کتاب تهران شرکت می‌کرد، امسال جلسات رایزنی خود را با ناشران خارجی به شبستان برده و با دو غرفه «بزرگسالان» و «کودک و نوجوان» و حدود ۴۰۰ عنوان اثر در نمایشگاه کتاب ۲۴ حضور داشت. حدود ۳۵ عنوان کتاب چاپ اول نشر شاهد، در کنار ۱۷۰ اثر تجدید چاپی این ناشر فعال دفاع مقدس، در شبستان عرضه شده و با توجه به درخشش ۱۳ عنوان کتاب نشر شاهد در سیزدهمین جشنواره انتخاب کتاب سال دفاع مقدس، تبلیغات ویژه‌ای برای این آثار صورت گرفته بود.

نشر شاهد که پیش‌تاز و پرچم‌دار ترجمه کتاب‌های دفاع مقدس کشور و عرضه آن‌ها در بازار جهانی نشر است، حدود ۳۰ عنوان از آثار ترجمه شده به زبان‌های عربی، اردو، ترکی و انگلیسی را در ویتترین غرفه نشر شاهد در بخش ناشران عمومی، قرار داده بود. البته هر سال نیز ناشران خارجی و به خصوص، فعالان حوزه نشر کشورهای همسایه، کتاب‌های عرصه ایثار و شهادت بنیاد شهید را مورد توجه قرار می‌دهند.

ترجمه آثار پژوهشی دفاع مقدس

مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس که کتاب‌های پژوهشی مربوط به جنگ تحمیلی عراق علیه ایران را در دو دهه گذشته تدوین و منتشر کرده، با ۱۱۵ عنوان اثر تخصصی حوزه دفاع مقدس، در بیست و چهارمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران شرکت کرده بود.

ترجمه کتاب‌های برجسته این مرکز به زبان‌های خارجی، جزو یکی از تازه‌ترین فعالیت‌های مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس به شمار می‌رود که با رونمایی از ترجمه کتاب «اجتناب‌ناپذیری جنگ» نوشته محمد درودیان به زبان‌های عربی، انگلیسی و فرانسه در اولین روز از نمایشگاه کتاب و در سرای اهل قلم، عزم جدی خود را در این راه به جامعه پژوهشی و انتشاراتی دفاع مقدس نشان داد.

همچنین «نشر مرز و بوم» برای نخستین بار با ۶ عنوان کتاب ترجمه شده از نویسندگان و صاحب نظران خارجی درباره جنگ ایران و عراق، میهمان غرفه مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس در بیست و چهارمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران بود. کتاب‌های «درس‌هایی از راهبرد، حقوق و دیپلماسی در جنگ ایران و عراق» به اهتمام کریستوفر سی جویئر و ترجمه داوود علمایی کوپایی که مقدمه و پاورقی کتاب توسط امیر دریابان علی شمشخانی نوشته شد، و نیز «قوی‌ترین شریک جرم: مواضع جانب‌دارانه امریکا در جنگ ایران و عراق» ترجمه محمدعلی خرمی، نمونه‌ای از این آثار بودند.

مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس سپاه نیز از فروش آثار و استقبال مردم در این دوره از نمایشگاه کتاب تهران راضی بود و مجموعه ۸ جلدی «اطلس راهنمای جنگ»، مجموعه ۵ جلدی «نقد و بررسی جنگ ایران و عراق» و آثار ترجمه شده از صاحب‌نظران خارجی درباره جنگ نیز مورد توجه بازدیدکنندگان قرار گرفتند.

بود، امسال با توان هر چه بیشتر و با سه غرفه «نشر فاتحان» به عنوان ناشر خصوصی آثار این سازمان، «نشر ستاره‌ها» ناشر کتاب‌های کنگره سرداران و ۲۳ هزار شهید استان خراسان رضوی و «نشر ستارگان درخشان» ناشر آثار تدوینی در کنگره سرداران و ۲۳ هزار شهید استان اصفهان، در نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران شرکت کرده بود.

غرفه داران نشر فاتحان که امسال، با سبک خاصی از ارایه خدمات و اطلاع‌رسانی، در نمایشگاه کتاب حاضر بودند، تمامی کتاب‌های عرضه شده خود را مطالعه کرده و با ارایه مشاوره به مخاطبان، آن‌ها را به خرید آثار تشویق می‌کردند. مسوولان نشر فاتحان، از استقبال بازدیدکنندگان راضی بود و رمز موفقیت خود را در چند عامل مانند استفاده از طرح جلد‌های متفاوت، تسلط متصدیان غرفه نسبت به محتوای کتاب‌ها و راهنمایی بازدیدکنندگان به دیگر غرفه‌های آثار دفاع مقدس می‌دانند.

اما دو ناشر شهرستانی «ستاره‌ها (کنگره سرداران و شهدای استان خراسان رضوی)» و «ستارگان درخشان (کنگره سرداران و شهدای استان اصفهان)» از فروش و استقبال بازدیدکنندگان نسبت به سال گذشته، ناراضی بودند. به عقیده غرفه‌داران این ناشران، سمت و سوی طرح جلد کتاب‌های آن‌ها باید تغییر کند و به فکر تقویت محتوای آثار ادبی دفاع مقدس باشند، به این امید که این نارضایتی در سال آینده، جبران شود.

با این وجود، جلد ششم از مجموعه کتاب‌های «قصه‌های فرماندهان» با عنوان «بروید پیدایش کنید» و محوریت زندگی‌نامه شهید عبدالحسین برونسی، مورد توجه مخاطبان قرار گرفت و شاید این استقبال، به دلیل پیدا شدن پیکر این شهید، در روزهای قبل از آغاز نمایشگاه کتاب تهران باشد.

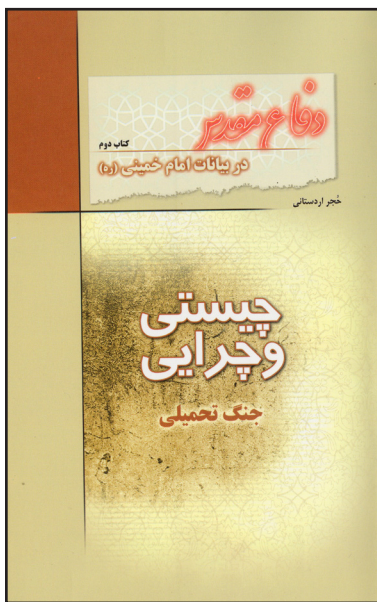
مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس؛ آغازی نو در

معرفی کتاب

مرتضی شهریار

دفاع مقدس در بیانات امام خمینی (ره)
کتاب دوم: چیستی و چرایی جنگ
پژوهش: حُجر اردستانی

دفاع مقدس در بیانات امام خمینی (ره)
کتاب اول: صدام و حزب بعث
پژوهش: حُجر اردستانی



تدوین جلد دوم از مجموعه کتاب‌های "دفاع مقدس در بیانات امام خمینی (ره)" با موضوع تبیین دیدگاه بنیان‌گذار انقلاب اسلامی درباره جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، در دو بخش چیستی و چرایی جنگ از دیدگاه ایشان به اهتمام حُجر اردستانی تدوین و توسط انتشارات مرز و بوم چاپ شده است.

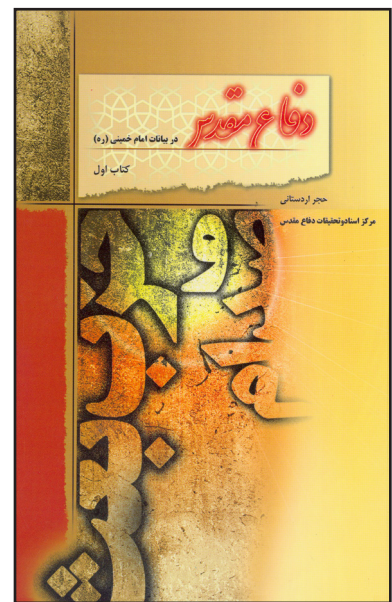
خاستگاه و مبانی فکری امام خمینی (ره) نسبت به مفهوم جنگ و همچنین تأثیر مسایلی چون تاریخ اسلام و سنت بر این دیدگاه، در بخش چیستی کتاب مطرح شده‌اند. در بخش چرایی نیز به بررسی تأثیر دیدگاه‌های ایشان در تصمیم‌گیری‌های دوران دفاع مقدس پرداخته شده است. این کتاب بر اساس مجموعه ۲۲ جلدی "صحیفه امام (ره)" نوشته شده تا به منبع مناسبی برای محققان تبدیل شود.

صدام کیست؟ دارای چه ویژگی‌های شخصیتی بوده است؟ از کدام منبع یا منابع فکری تغذیه شده است؟ از حمایت کدام افراد یا کشورها برخوردار بوده است؟ و ...

این‌ها سؤالاتی هستند که این کتاب مبتنی بر دیدگاه‌ها و نظریات امام خمینی (ره) در پی پاسخ به آن‌ها است. در مورد حزب بعث نیز

مجموعه حاضر از همین رویکرد پیروی کرده است. این کتاب در دو بخش سازماندهی شده است؛ بخش اول درباره صدام حسین بوده و شامل پنج فصل با موضوعات حامیان صدام، ضرورت قیام علیه صدام، صلح با صدام و پیش‌بینی سرانجام صدام از نگاه امام خمینی (ره) می‌باشد و بخش دوم کتاب نیز در مورد حزب بعث است.

کتاب "دفاع مقدس در بیانات امام خمینی (ره): صدام و حزب بعث" با پژوهش حُجر اردستانی در ۲۱۰ صفحه و با شمارگان ۲۰۰۰ نسخه، به همت مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس به چاپ رسیده است.



طولانی ترین جنگ

رویارویی نظامی ایران و عراق

نویسنده: دیلیپ هیرو / مترجمان: علیرضا فرشچی، رضا فریدزاده و سعید کافی



این کتاب ترجمه؛

Iran - Iraq military conflict the longest war; the است.

کتاب که توسط "دیلیپ هیرو" نویسنده و خبرنگار پاکستانی الاصل ساکن شهر لندن، در خصوص جنگ ایران و عراق به رشته تحریر درآمده است، با ترجمه علیرضا فرشچی، رضا فریدزاده و سعید کافی و به همت پژوهش نشر مرز و بوم در ۴۴۲ صفحه چاپ شده است. "دیلیپ هیرو" کتاب‌های "جنگ‌های مقدس: اسلام‌گرایی" (انتشارات راتلج سال ۱۹۸۹) و "ایران اسلامی بعد از انقلاب" (انتشارات کیگان پاول، سال ۱۹۸۷) را نیز در کارنامه خود دارد. این کتاب دارای یازده فصل است که مباحث آن از ریشه‌های اختلاف ایران و عراق آغاز می‌شود و موضوعاتی مانند شروع جنگ، نقش قدرت‌های خارجی، جنگ نفت‌کش‌ها، پایان جنگ و پی‌آمدهای بین‌المللی جنگ را مورد بررسی قرار می‌دهد.

این کتاب به رغم کاستی‌های موجود، از جمله تألیفاتی است که می‌کوشد ابعادی از این حادثه مهم را - که آن را طولانی‌ترین جنگ توصیف کرده است - مورد واری قرار داده و ابعادی از آن را روشن و گویا سازد. ترجمه فارسی و انتشار این اثر به چند دلیل حائز اهمیت می‌باشد:

الف) کتاب در حد امکان گویا و روان ترجمه شده است. از این رو انتقال مفاهیم با رعایت امانت به خوبی صورت گرفته است.

ب) نویسنده در مجموع با ارائه اسناد و مدارک متعدد و با رویکرد علمی تلاش کرده موضوع را بررسی کند. نکته مهم آن است که نگارنده با اتکا به اسناد و مدارک مورد استفاده، حقانیت ایران را در جنگ صریحاً و تلویحاً پذیرفته و آن را به رسمیت شناخته است.

ج) در این تألیف به حمایت آشکار قدرت‌های بزرگ و

برخی حامیان آنان (اروپا، شیوخ عرب و ...) از عراق در تمامی مراحل جنگ اشاره شده است. در این اثر - به رغم نگرش انتقادی نگارنده - به تفاوت‌های آشکار نظام ارزشی و جهان‌بینی رزمندگان اسلام و نیروهای عراق به تواتر اشاره شده است.

ه) مؤلف در عرصه مدیریت جنگ به توانایی‌های مدیریت کلان جنگ، به ویژه مدیریت حضرت امام خمینی و هم‌چنین مدیریت در صحنه‌ی

فرماندهان جنگ ایران، با وجود کاستی‌های بسیار اقتصادی و سخت‌افزاری اشاره کرده است.

این اثر ضمن اهمیت مطالب و دستاوردهایی که به برخی از آن‌ها اشاره شد، حاوی کاستی‌ها، نواقص و آمار و اطلاعات و تحلیل‌های ناصحیح نیز می‌باشد. از این رو به محققان و علاقه‌مندان عزیز توصیه می‌گردد در مطالعه این کتاب به چند نکته توجه فرمایند:

۱. به طور کلی مطالب هر کتاب بیان دیدگاه‌های نویسندگان آن است و حتی در کتاب‌هایی که صرفاً به درج رخدادها یا یک حادثه یا واقعه پرداخته شده است، نمی‌توان مطالب آن و چگونگی تنظیم مطالب را عاری از دخالت دیدگاه‌های مؤلف یا مؤلفان دانست.
۲. توضیحاتی به صورت پانوش، در موارد ابهام و نقض، به کتاب اضافه شده است.
۳. آمار و ارقام، مطابق نسخه اصلی کتاب است. بنابر این نادرست بودن احتمالی برخی از اطلاعات ارائه شده، مربوط به نویسنده کتاب است.

بررسی جنگ ایران و عراق دیدگاه اساتید دانشگاه‌های ایران

گردآوری: فرهنگ رجایی

ترجمه: مرضیه روشن علی



دیدگاه‌های علمی ۱۳ صاحب‌نظر و مؤلف این مقالات درباره جنگ تحمیلی عراق علیه ایران پرداخته است.

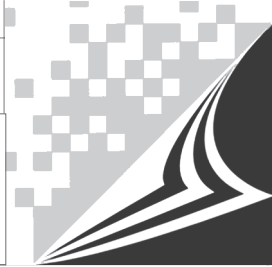
کتاب "بررسی جنگ ایران و عراق: دیدگاه اساتید دانشگاه‌های ایران" با ترجمه مرضیه روشن علی در قطع رقعی و ۲۸۰ صفحه و با شمارگان ۱۵۰۰

نسخه و بهای ۳۰ هزار ریال، از سوی پژوهش نشر مرز و بوم منتشر شده است.

مجموعه مقالات صاحب‌نظران و اساتید ایرانی درباره ابعاد مختلف جنگ تحمیلی عراق علیه ایران که پیش از این، در سال ۱۹۹۷، با عنوان "Iranian Perspectives on the Iran-Iraq War" به کوشش فرهنگ رجایی و توسط انتشارات دانشگاه فلوریدا در خارج از کشور منتشر شده بود، در قالب کتاب "بررسی جنگ ایران و عراق: دیدگاه اساتید دانشگاه‌های ایران" ترجمه و به چاپ رسیده است. این اثر در قالب ۳ بخش و ۱۳ مقاله علمی، درباره ابعاد بین‌المللی، مفهومی و تحولات پس از جنگ تحمیلی عراق علیه ایران تدوین شده است.

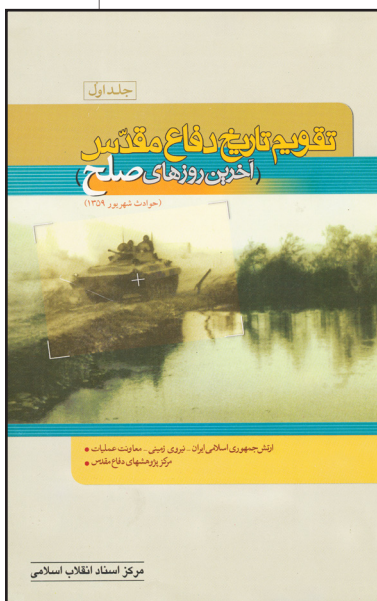
"قدرت‌های منطقه‌ای و جنگ: عدم بی‌طرفی" نوشته سعیده لطفیان، "لغو قرارداد ۱۹۷۵ از طرف عراق: واقعیت‌ها و ادعاها" به قلم جلیل روشندل، "موضوعات ملی، قومی و طایفه‌ای در جنگ" اثر نگین یآوری و "تجاوز مداوم؛ تصمیم عراق برای تجاوز به کویت" نوشته داریوش اخوان زنجانی، نمونه‌ای از مقالات مندرج در این کتاب‌اند.

ابراهیم متقی، دانش‌یار گروه علوم سیاسی دانشگاه تهران در مقدمه‌ای که بر کتاب "بررسی جنگ ایران و عراق: دیدگاه اساتید دانشگاه‌های ایران" نوشته، چاپ این مجموعه مقاله را در بازتولید مبانی سیاسی، فرهنگی و تاریخی ایران در خارج از کشور، مؤثر و تعیین‌کننده ارزیابی کرده و به معرفی و تبیین



بررسی و نقد کتاب تقویم تاریخ دفاع مقدس (جلد اول) آخرین روزهای صلح

بررسی و نقد: دکتر الهام ملک زاده*



نقش داشته اند و چرائی و چگونگی آن اشاره شده است (صص ۱۲-۱۱) که همه تلاشی برای تدوین تاریخ نبرد هشت ساله یا به عبارت بهتر دفاع مقدس بوده است، چه بصورت خاطرات و چه به صورت تدوین و تفسیر اسناد. شروع نگارش از مرداد ۸۲ به سبک

حاضر (کتاب مورد نظر) بوده است و چهار جلد آن در صفحات ۱۳ و ۱۴ معرفی شده است. بخش اول کتاب شامل کلیاتی است با عناوینی که ذیلاً خواهد آمد و از صفحه ۱۷ تا ۶۵ کتاب را شامل می گردد.

عناوین عبارتند از: ۱- ریشه های اختلاف ایران و عراق
۲- صدام حسین از کودکی تا رهبری عراق
۳- عراق از پادشاهی تا جمهوری
۴- وضعیت مرزهای ایران و عراق
در هر یک از این قسمتها می توان به گونه ای به علل دعاوی مرزی ایران و عراق پی برد. مثلاً در تدوین ریشه های اختلاف ایران و عراق به قراردادها و پیمان نامه هایی اشاره کرده است که اولین آن به فتح

کتاب شناسی جلد اول:

نام کتاب: تقویم تاریخ دفاع مقدس (آخرین روزهای دفاع مقدس) ج. اول
موضوع: بررسی وقایع جنگ (حوادث شهریور ۱۳۵۹)

ناشر: مرکز اسناد انقلاب اسلامی
تهیه و تدوین: مرکز پژوهشهای دفاع مقدس ارتش جمهوری اسلامی نیروی زمینی ارتش
چاپ: اول، زمستان ۱۳۸۴ به کوشش فرهاد بهروزی
تیراژ: ۲۰۰۰ جلد
کتاب شامل یک مقدمه، یک پیشگفتار و دو بخش می باشد.

در پیشگفتار اشاره شده است که پیروزی انقلاب اسلامی در نیمه ی دوم قرن بیستم، موازنه ی قدرت در جهان را تغییر داده و همین امر سبب شده است تا رهبران جهانی به دلایل مختلف به سرکوبی و از بین بردن این انقلاب بپردازند که در چهار مورد زیر خلاصه شده است:

الف) تضعیف نظام نوپای جمهوری اسلامی ایران
ب) جداکردن بخشی از خاک ایران
ج) منحرف کردن انقلاب اسلامی از اهداف
د) براندازی جمهوری اسلامی ایران
برای رسیدن به این اهداف از مخالفان نظام در داخل کشور، ضد انقلابیون و کمک ارتش عراق در شهریور ۵۹، استفاده شد و تا ۸ سال ادامه پیدا کرد. در پیشگفتار به افرادی که در تهیه و تدوین کتاب

* عضو هیات علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

شجره نامه ای برای او درست کنند و طی آن او منسوب به فرزندان پیامبر (ص) است، ...". (ص. ۳۷) در بخش سوم به حکومت سیاسی عراق پرداخته که چگونه از پادشاهی به جمهوری تبدیل می شود. این موضوع به مرگ فیصل در سن ۵۶ سالگی، یکسال پس از استقلال عراق بر می گردد. جانشینان وی نمی توانند تدابیر خوبی در جهت هماهنگی بین تمایلات ملی گرایان و منافع بریتانیا فراهم آورند، اندیشیده و بکار گیرند.

کمک های هیلتر و نیز جنبش های ملی گرایانه منجر به وقایعی می شود که پس از پایان جنگ دوم جهانی در عراق کودتایی صورت گرفته و رژیم جمهوری اعلام شود. در ۱۹۵۸ م. رژیم عراق به یک نوع رژیم جمهوری تبدیل و قرار شد قدرت به یک شورای حاکمیت که دارای اختیارات رئیس جمهوری باشد، واگذار شود و ... (ص. ۴۱-۴۰)

صدام در جولای ۱۹۷۹ به رئیس جمهوری می رسد و این امر با خشونت، خونریزی و ایجاد ترس و وحشت فراوانی همراه بوده است که او یازده سال تحمل کرده بود تا به چنین مقامی دست پیدا کند.

او در نخستین روز ریاست جمهوری خود سخنانی ایراد می کند که چگونگی اداره کشور و برنامه های آینده حاکمیت را بر مبنای ترس و خشونت ترسیم می کند و با ایجاد صحنه های احساسی تند و خشن و نیز فضای تملق و چاپلوسی از جانب مدعوین که از ترس برای آنها فراهم شده بود، آغاز جمهوری و حاکمیت خود را اعلام می کند. (ص. ۴۸-۴۶)

بخش چهارم از فصل اول، وضعیت مرزهای ایران و عراق را نشان می دهد که مجموع مرز خاکی و آبی ایران از دهانه فاو تا دالا مپرداخ، ۱۶۱۰ کیلومتر است و ۸۴km آن را اروندرود براساس تالوگ می باشد.

در صفحات ۴۹ و ۵۰ جزئیات مسیر آبی و خاکی مرز مشترک آمده و سپس در ادامه در بخش خشکی مناطق نفوذی عراق و چگونگی مرز مشترک خاکی

قسطنطنیه توسط سلطان محمد فاتح، پادشاه عثمانی اشاره دارد که به دلیل کشور گشایی، ایران نیز از اهداف مهم این سلطان عثمانی بوده است. (ص. ۱۹) و آخرین آن قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر است که بین ایران از طرف محمدرضا پهلوی (شاه ایران) و عراق از طرف صدام حسین (معاون رئیس جمهوری عراق) با میانجیگری هوادی بومدین رئیس جمهور الجزایر برای حل اختلاف طرفین مورد موافقت قرار می گیرد. (شرح قرارداد: ص. ۲۶-۲۵)

دومین عنوان بخش اول که به زندگی صدام حسین می پردازد شامل صفحات ۳۷-۲۷ می باشد، و از دو منبع در مورد زندگی او استفاده شده است که دو نویسنده و دو محقق آمریکائی در کتابی بنام (صدام حسین) و (خلیج فارس) به رشته تحریر در آورده اند و این کتابها به فارسی هم ترجمه شده است.

او که کودکی یتیم بوده و بدست ناپدری بزرگ شده، از ده سالگی به بغداد نزد دایی خود فرستاده شده تا درس بخواند. در جوانی براساس شور جوانی و احساسات ملی و نیز نهضت انقلابی حزب بعث که در عراق و سوریه اوج گرفته بود، به این حزب پیوسته و با توجه به مسائلی که در مصر آن روز توسط جمال عبدالناصر روی داده بود، توجه زیادی به مساله اعراب و ناصریسم داشته است.

در ادامه به چگونگی ورود او به ارتش و رسیدن به مدارج بالا تا معاونت رئیس جمهوری عراق پرداخته شده است.

"حسن البکر" از قدیمی ترین و درخشان ترین اعضای حزب بعث عراق، پسر خاله صدام است که بعدها به مقام رئیس جمهوری عراق می رسد. (ص. ۳۳) در جای دیگر در مورد شخصیت صدام می گوید:

"... صدام که در دوران کودکی و نوجوانی خود با مشکلات متفاوتی روبرو بوده است تمایلی ندارد که مردم توجه زیادی به اصل و نسب روستایی او نشان دهند و دستور داده است تا عوامل تبلیغات رژیمش

ایران و عراق به تفصیل مشخص شده است.
در صفحات ۵۵ تا ۶۰ نیز نقشه های مناطق و معابر ورودی عراق ضمیمه شده است.

در بخش کلیات، یک ضمیمه در مورد "حزب بعث" از تشکیل تا به قدرت رسیدن آمده است که به بررسی علل و چگونگی تشکیل حزب و آرمانها و اهداف آن اشاره ای داشته است.

در بخش کلیات، یک ضمیمه در مورد "حزب بعث"، از تشکیل تا به قدرت رسیدن آمده است که به بررسی علل و چگونگی تشکیل حزب و آرمانها و اهداف آن اشاره ای داشته است.

بخش دوم:

در این بخش که بررسی حوادث و رویدادهای ۳۰ روز شهریور ۱۳۵۹ (دقیقاً تا یک روز قبل از اعلان رسمی جنگ بین ایران و عراق) پرداخته است.

بررسی مستندات این یک ماهه نشان می دهد که یکباره چنین فاجعه ای به وقوع نپیوسته و از مدتها قبل به دلایلی که در کلیات کتاب ذکر شده است، درگیریها آغاز شده بود و ۵۹/۶/۳۱ اعلان جهانی این حادثه بوده است.

گزارش حوادث و رویدادها روز به روز توسط ارگانهای مختلف است که شامل:

نیروی زمینی ارتش، سپاه پاسداران، پاسگاههای ژاندارمری، نیروی هوایی و در بعضی مواقع از منابع متفرقه مثل روزنامه ها، اما همه به نقل از جانب نیروی زمینی ارتش می باشد. این گزارش مربوط به استانهای هم جوار و مرزی ایران و عراق از آذربایجان غربی تا خوزستان می باشد. گزارش ها در ساعتهای مختلف و نیز حاکی از درگیری، حمله، رویت اشیاء مشکوک هوایی و ... درگیریهای گروههای مخالف و ضد انقلاب در مناطق کردنشین و مرزی با دولت عراق می باشد. برای مثال در حوادث یکم شهریور ۱۳۵۹ لشکر ۲۸ پیاده سنج گزارش کرده است که :

... در ساعت ۳ بامداد، عده ای از نفرات سپاه پاسداران که به منظور شناسایی به منطقه تکاب اعزام شده بودند، با عناصر ضد انقلاب درگیر شده که در نتیجه ۲ پاسدار شهید و ۳ نفر مجروح شدند. همچنین تعداد ۲۰۰ نفر از عناصر مهاجم از مهاباد به سنجج وارد و در اطراف سیلوی شهر مستقر شدند. (ص. ۶۷)

... لشکر ۶۴ پیاده ارومیه طی ۵ گزارش در ساعتهای مختلف خبر از درگیری در مهاباد و کشته شدن یکی از فرماندهان نظامی فعال حزب دمکرات، حمله به پاسگاه ژاندارمری "آق بلاغ" ارومیه در ساعت ۱۵/۳۰ بعدازظهر، جمع آوری نیروهای دمکرات و کومله از شهرستانهای پیرانشهر و مهاباد در بوکان، درگیری سارقان مسلح، برخورد یک دستگاه خودروی ژاندارمری اشنویه با مین کاشته شده توسط عناصر ضدانقلاب و وابسته به حکومت بعثی عراق می دهد که تفصیل آنها در صفحات ۶۸ و ۶۹ آمده است.

... در نتیجه حوادث روز یکم شهریور ماه چنین آمده است:

بررسی گزارشات واحدهای مختلف نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی در مناطق استحقاظی این نیرو، بیانگر این امر است که عراق همچنان به تجاوزات خود در طول ۲۴ ساعت ادامه داده است و ضدانقلاب داخلی هم فعال بوده، با عناصر مختلف نیروی زمینی ارتش، سپاه و ژاندارمری درگیری ایجاد کرده و همچنین از بقیه گزارشات استنباط می شود که ارتش عراق قصد به اجرا گذاشتن حملات گسترده ای را دارد. (ص. ۷۵)

نکات قابل توجه در بخش گزارشات متفرقه:

۱- تبریک تیمسار فلاحتی از جانب ستاد ارتش به مناسبت انتخاب آقای محمدعلی رجائی به عنوان اولین نخست وزیر جمهوری اسلامی.

۲- تذکر بازدید شناسنامه های عراق به دستور رئیس جمهور عراق که در صورت ایرانی بودن باید از عراق اخراج شوند.

حاوی نکات مهمی برای خوانندگان می باشد. از جمله، ضمیمه ۱-۳۰ به تاریخ ۵۹/۶/۳۰ با عنوان: "بررسی وضعیت و مقایسه نیروهای خودی و دشمن قبل از آغاز تهاجم سراسری عراق" در این ضمیمه آمده است: این بحث به منظور ایجاد زمینه و بستر ذهنی لازم در خصوص علل و عوامل فراز نشیب های جبهه های نبرد و ایجاد رابطه مناسب در مقایسه ابزارهای قدرت و توان رزمی دو طرف که با این آگاهی حقایق امر بیشتر نمایان می شود و از برخی یک سوگرایی و تحلیل های نادرست جلوگیری خواهد شد. این ضمیمه شامل دو بخش:

الف) بررسی وضعیت نیروهای خودی (ص. ۴۸۱-۴۷۳)

ب) استعداد و گسترش نیروهای عراق در آغاز جنگ تحمیلی (ص. ۴۸۷-۴۸۱)

و حاوی مطالب بسیار مهمی است که به محقق کمکهای بسیاری خواهد کرد. صفحات پایانی کتاب از ص ۵۰۳ تا ۵۴۱ حاوی فهرست منابع و فهرست اعلام است.

۳- مشاهده اشیاء نورانی در آسمان جماران.
۴- پشتیبانی معلمان اخراجی بندرعباس از کارگران بیکار و چریکهای فدائی خلق و ...
۵- مشاهده دو فروند کشتی شوروی در چهارکیلومتری سواحل بندر انزلی.
و ... چند خبر دیگر (ص. ۸۷-۸۵)
اینگونه روند گزارش روزانه از یکم تا سی ام شهریور ۱۳۵۹ ادامه دارد و تمام آنها از نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی گزارش شده است.
در بخشهایی نیز نقشه محل درگیریها به چاپ رسیده است.

دو نکته قابل توجه در این گزارشات یک ماهه مشاهده می شود:

- درگیری با ضدانقلاب درغرب
- نقل و انتقالات زیاد ارتش که خبر از درگیریهایی قریب الوقوع دارد.

- در بعضی گزارشات حضور مستقیم فرماندهان ارشد از جمله سرهنگ صیاد شیرازی در کنار سربازان عادی و انجام عملیات، آمده است. مثل:

"... خود را با هلیکوپتر از کرمانشاه به بانه رساندم، ... ، ... گردان به دهکده ی سیدصارم رسیده که با ضد انقلاب درگیر شده بود. کمین سنگینی بود و ... ، ... ستون هم راه عقب و هم راه جلو آن بسته بود و این بسیار عجیب بود که در حرکت هم در محاصره و ... ، ... دفاع دور تا دور تشکیل دادیم، اول شب بود، صدای زنگوله گوسفند آمد، احساس کردیم کلکی باشد، بچه ها دست به اسحله شدند، گفتم: دست نگه دارید، تیراندازی نکنید تا نزدیک بیایند ... ، ... بالاخره به جایی رسیدند که بچه ها آنها را دیدند، روی آنها رگبار بستند و چند تا از آنها را به درک واصل کردند، ... و بالاخره با دادن چهار مجروح موفق شدیم سنگرها را نگه داریم و ... " (ص. ۱۸۸-۱۸۶)

در این بخش به ضمائهم هم بر میخوریم که

Hojr Ardestani

Keywords: Pan Arabism, Michel Aflaq as Saddam's spiritual father, Tariq Aziz, Imam Khomeini psychological character, Bentolhoda, Carter, Islamic Conference, Article 6 of the Resolution, Human Rights Foundation, Logistics, King Hossein, Camp David..



Majid San Kohan

Martyr Mohammad Reza Maleki was one of the narrators (ravian) of the Center for Holy Defense Documents and Research (The War Studies and Research Center) who was martyred onwhen was narrating the events of war.



Dr. Asghar Montazer al Qaem & Sadeq Shafiei

Azna County is located in northwest of the Lorestan province in Iran. In the final days of September 1979, the IRGC base was formed in Azna. Before launching the Imposed War [Iran-Iraq War], the Azna Sepah sent its forces in four stages to the front in Kurdistan province and after launching the war, the Azna combatants were

Contents

Editorial Note

The Pattern of the Holy Defense

5

✍ Dr. Hossien Ardestani

Articles

The Holy Defense Historical Studies with a Futuristic Approach

9

✍ Dr. Vahid Yavari & Mohammad Janipoor

War of the Cities

25

✍ Yahyavi

Saddam and the Ba'ath Party; Nature and Action (Emphasizing on the Speeches of Imam Khomeini)

39

✍ Hojr Ardestani

The Narrative of a Narrator (Martyr Mohammad Reza Maleki)

53

✍ Majid San Kohan

The Role of the Azna Combatants in the Holy Defense

73

✍ Dr. Asghar Montazer al Qaem & Sadeq Shafiei

Considering the grounds of forming the Baseej-e Mostaz'afin

87

✍ JMorteza Qazi & War of the Cities

Documents and Reports

Operation Beit ol-Moqaddas Illustrated by Documents

101

✍ Mohsen Rokhsat Talab

The trip of the Narrators (Ravian) to the South and West Areas in December 2010 and March 2011

151

✍ Amir Razaqzadeh

A Glance to the Situation of the Holy Defense Works in the 24th Book Exhibition

159

✍ Asadi

Book Review

165

Morteza Shahriari

Book Analysis

The Review and Analysis the Book "The Calender of the Holy Defense History (The Final Days of Peace)"

168

✍ Dr. Elham Malekzadeh



The Quarterly on Sacred Defence

NEGIN IRAN

Vol.10 □ No.36 □ Spring 2011

Publisher	IIRG's Sacred Defence Document Center
Executive Manager	Major General Mohammad Ali Jafari
Managing Editor	Dr. Hossein Ardestani
Editorial Board	Dr. Gholam Ali Rashid, Dr. Hossein Alaei, Dr. Mahmood Yazdanfam, Hamid Aslani
Internal Manager	Hassan Dorri
Page Setting	Seid Hadi Khavoshi
Publishing Supervisor	Mohammad Behrozi
Address	77/ Shahid Vahid Dastgerdi (Zafar) Alley, Shariati Alley, Tehran, Iran.
Email	neginiran@gmail.com
Tel	+98 21 - 22909522
Fax	+98 21 - 22909538
Price	15000 R